

گزیده ای از

صلوات الله علیهم اجمعین

فقطه وارکین

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السّلام

مناسک، آداب حج و عمره

مناورای

حضرت آیت الله

شیخ حیدر تربتی کربلائی

گزیده ای از

فقه طه و آل یاسین

صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السّلام

مناسک، آداب حج و عمره

حضرت آیه الله شیخ حیدر تربتی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ كُنْ لِلْبَيْتِ الْحُسَيْنِيِّ الْهَادِي صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
 وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا حَافِظًا
 وَفَائِدًا مُنَاصِرًا أَكْلِيًا وَغَنِيًّا حَتَّى تَسْكُنَ أَرْضَكَ طَوْعًا
 وَتَقْبَلَ حُجَّتَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ارتباط گیری

وب سایت حضرت آیه الله تربتی کربلائی مدّ ظلّه

<https://www.torbatikarbalaee.com>

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰۴۶۱۲

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

کتاب نامه

حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

- ۱۵ واجب الهی
چرا حج؟
- ۱۶ حج، وسیله ی ... نیرومندی دین ...
آرام بخش دل ها
ترک حج بدون عذر موجه
- ۱۷ حج گزاردن یعنی
یک حج معادل
در محضر رب
البته خداوند او را
گوشت و خون
- ۱۸ نیّت صادق، هزینه ی پاک
رهایی از تاریکی
- ۱۹ در بارگاه الهی ...
میهمان خدا
درهای آسمان گشوده می شوند

- ۲۰ دست یابی به دنیا و آخرت...
بازنگردید جزاین که
مبّرّا از کبر و خودپسندی
- ۲۱ از برکات حج...
هزینه‌ی حج باید پاک باشد
- ۲۲ مال حرام و حجّ پذیرفته؟؟؟...
سه ویژگی
حجّ موفق
حج برای خدا یا مردم؟
- ۲۳ اقسام حاجیان...
خود را آماده ساز
او را عذاب نمی کند
- ۲۴ مرگ در راه مکه
انفاق در حج
احرام، در محضر خدا
- ۲۵ احرام و آداب
حقّ آگاه
امان برای پناه خواه
- ۲۶ حرم خدا، پیامبرش و امیرمؤمنان صلوات الله علیهما
ورود با پای برهنه و...
- ۲۷ قصرهای بهشتی
تمام بخوان...

	به تنهایی
	چرا مکعب؟
۲۸	نگاه و حسنه
۲۹	لحظه مغفرت
	رحمتی ویژه پیرامون کعبه
۳۰	پیوند دین و کعبه...
	خاک اطراف کعبه
	ارسال پرده برای کعبه
	امام زمان عجل الله فرجه در کنار کعبه
	مصافحه با خدا
۳۱	استلام با اشاره از دور...
	عین عدل
	راه امام را باز بگذارید
۳۲	از بانوان برداشته است
	مباهات خداوند
	شرم خدا از عذاب بنده اش...
۳۳	پیوسته در طواف و سعی
	مطالبه مال پیرامون کعبه؟؟؟
	عمل از سربگیر
۳۴	پاداش تو بیشتر است
	نیت شفا و زمزم، حجر
۳۵	حطیم و مستجار

خواری ستمگران در مسعی

شفاعت مقبول

سنت هروله ۳۶

نشستن ممنوع!!!

مئی و رضایت خدا

سنت رمی شیطان

اطعام بی‌نویان از قربانی ۳۷

سه مرتبه و یک مرتبه

حج واقعی

یک سبحان الله و یک ختم قرآن ۴۵

وداع با کعبه

ترک گناهان، نشان قبولی ۴۶

نور حج

عمر طولانی با نیت...

پایان حج

حج با پیامبر صلی الله علیه وآله

ده هزار نماز پاداش یک نماز ۴۷

میان خانه و منبر

سلام بر پیامبر صلی الله علیه وآله و زهرا علیها السلام

به سوی آل محمد علیهم السلام ۴۸

بر سر مزار شهداء ۴۹

زیارت امامان علیهم السلام

معاشرت با مردم

۵۰ به حج نرفته ها

کمک به خانواده های حج رفتگان

گوارایتان باد

کتاب نامه

مناسک حج و عمره

۵۲ وجوب حج

۵۳ شرایط وجوب حجّه الاسلام

۵۴ ۱- بلوغ

۵۵ ۲- عقل

۳- آزادی

۴- استطاعت

۱- قدرت بدنی

۵۶ ۲- نبودن مانع در راه

۳- سعه وقت

۴- زاد و راحله

۵۷ ۵- رجوع به کفایت

۵۹ احکام استطاعت

۶۲ حجّ بذلی

۶۵ اذن شوهر

حجّ نذری

۶۶ نایب گرفتن

۷۶ اقسام حج

۷۷ ۱- حج تمتع

اعمال عمره تمتع

۷۸ اعمال حج تمتع

۷۹ شرایط حج تمتع

چند مسأله

۸۱ ۲- حج افراد و کیفیت آن

۳- حج قرآن و آن

۸۲ عمره تمتع

تفصیل اعمال عمره تمتع

۱- احرام

میقات های احرام

۸۴ احکام میقات ها

۸۶ احرام حج تمتع

۸۷ واجبات احرام

۱- پوشیدن لباس احرام

۸۹ ۲- نیت

۳- تلبیه

۹۲ تروک احرام

۹۳ ۱- شکار حیوان صحرائی

۹۴ کفار شکار و کشتن حیوانات

۹۶ ۲- جماع

۹۸ ۳- بوسیدن

۴- لمس

۹۹ ۵- نگاه کردن به زن و ملاعبه با او

- ۶- عقد نکاح
- ۷- استمناء ۱۰۰
- ۸- بوی خوش
- ۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان ۱۰۱
- ۱۰- چکمه و جوراب ..
- ۱۱- سُرمه کشیدن ۱۰۲
- ۱۲- نگاه در آینه
- ۱۳- دروغ و دشنام
- ۱۴- جدال ۱۰۳
- ۱۵- کشتن جانوران بدن
- ۱۶- زینت و حنا گزاردن
- ۱۷- مالیدن روغن ۱۰۴
- ۱۸- جدا نمودن مو
- ۱۹- پوشاندن سر برای مردان ۱۰۵
- ۲۰- پوشاندن صورت برای زنان
- ۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان ۱۰۶
- ۲۲- خون ۱۰۷
- ۲۳- ناخن گرفتن
- ۲۴- غسل به کافور
- ۲۵- همراه داشتن سلاح ۱۰۸
- کارهایی که انجام آن ها در حرم بر محرم و غیر محرم حرام است:
- ۱- شکار
- ۲- کندن درخت و گیاه و گندم

۷۳	چند مسأله
۱۰۹	۲- طواف
	شرایط طواف
۱۱۵	واجبات طواف
۱۲۲	چند مسأله
۱۲۵	شک در عدد اشواط
۱۲۷	۳- نماز طواف
۱۲۹	۴- سعی
۱۳۴	۵- تقصیر
۱۳۶	حج تمتع
	تفصیل اعمال حج تمتع
	۱- احرام
۱۳۸	۲- وقوف در عرفات
۱۴۰	۳- وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)
۱۴۳	۴- رمی جمره عقبه
۱۴۵	۵- قربانی
۱۵۰	مصرف قربانی
	۶- حلق یا تقصیر
۱۵۲	۷- طواف زیارت
۱۵۳	۸- دو رکعت نماز طواف
۱۵۴	۹- سعی بین صفا و مروه
	۱۰- طواف نساء
	۱۱- نماز طواف نساء
۱۵۵	۱۲- بیتوته در منی
۱۵۷	۱۳- رمی (پرتاب کردن سنگ ریزه) جمرات
۱۵۸	عمره مفرده
۱۵۹	اعمال عمره مفرده
۱۶۱	احکام مصدود
۱۶۲	احکام محصور

کتاب نامه

آداب حج و عمره و مستحبات آن

۱۶۵	آداب سفر
۱۶۷	آداب احرام
۱۶۸	آداب ورود به حرم
۱۶۹	آداب ورود به شهر مکه و مسجد الحرام
۱۷۲	آداب طواف
۱۷۵	آداب نماز طواف
۱۷۶	آداب سعی
۱۷۹	آداب عرفات
۱۸۴	آداب مشعر الحرام (مزدلفه)
۱۸۶	آداب و اعمال منی
۱۸۷	آداب برگشت به مکه مکرمه
	آداب برگشت به منی
۱۸۸	آداب وداع بیت الله الحرام
۱۹۲	آداب مدینه منوره
۱۹۴	زیارت رسول الله صلی الله علیه وآله
۱۹۸	زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام
۲۰۰	زیارت ائمه بقیع علیهم السلام
۲۰۲	زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله
۲۰۴	زیارت حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام
۲۰۵	زیارت حضرت حمزه اسد الله علیه السلام

۲۰۷	زیارت شهدای اُحد علیهم السَّلام
۲۰۸	اعمال شب عرفه
۲۱۴	اعمال روز عرفه
۲۱۶	فضیلت زیارت امام حسین علیه السَّلام در روز عرفه
۲۲۴	زیارت امام حسین علیه السَّلام در روز عرفه
۲۱۳	دعای امام حسین علیه السَّلام در روز عرفه
۲۴۶	پی‌نوشت‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و أفضل الصلوات على أشرف الخلائق أجمعين محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين.

این مجموعه قسمتی از کتاب «گزیده‌ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله عليهم» می باشد شامل:

۱- گزیده‌ای از آیات و احادیث حضرات معصومین محمد رسول الله و اهل بیت اطهار آن حضرت صلوات الله و سلامه عليهم اجمعین

۲- مهم ترین احکام و مناسک حج و عمره

۳- آداب حج و عمره و مستحبات

برگرفته از ثقلین؛ دو یادگار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: قرآن کریم (کلام الله صامت) و قرآن ناطق (حضرات معصومین طه و آل یاسین، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهراء و امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء و نه امام از فرزندان آن حضرت، علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و امام حجة بن الحسن المهدی صلوات الله و سلامه عليهم). است و به قدر امکان مراعات احتیاط شده است، آن را برای خود نوشته‌ام. إن شاء الله تعالی مجزی و مبره ذمه باشد. از حضرت الله تبارک و تعالی توفیق عمل به آن را با معرفت و اخلاص خواستارم. إن شاء الله تعالی برای مؤمنین و این جانب وسیله قرب به الله تعالی باشد. عید الله الأكبر یوم الغدير سنة ۱۴۳۰ علی مهاجرها و آله آلاف الصلوات و السلام. و أنا العاصي عبید الزهراء علیها السلام حیدر حسین حیدر الترتیبی الكربلائی مولداً و إلى اصفهان مبعداً و إلى مولدي كربلاء الحسين علیه السلام المقدسة راجعاً و میّتاً و مدفناً و فيه محشوراً إن شاء الله تعالی.



حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

واجب الهی

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

«... وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، ...»^۱.

... و خداوند حج بیت الحرام خویش را که قبله مردمانش قرار داده است، بر شما واجب گردانید

و فرمودند:

«فَرَضَ حَجَّهُ، وَأَوْجَبَ حَقَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۲.

خداوند حج را واجب و ادای حق آن را لازم و زیارتش را بر شما مقرر ساخت. پس خداوند سبحانه فرمود: حق خداوند بر مردمانی که توان رسیدن به آن خانه را دارند، آن است که حج آن را به جای آورد و آن کس که کفرپیشه کند (از این فرمان روی گردانی کند)، همانا خدای از تمام جهانیان بی نیاز است.

چرا حج؟

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

«وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِّتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ»^۳.

خداوند حج را نشانه قرار داد تا بندگان در برابر عظمت او فروتنی نموده، به عزت و

بزرگواری پروردگار اعتراف کنند.

و فرمودند:

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا، وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا».^۴

خداوند سبحانه و تعالی حج و کعبه را نشان و پرچمی برای اسلام قرار داد، و برای پناه آوردندگان خانه امن ساخت، ...

حج، وسیله‌ی ... و نیرومندی دین

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

«فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ ... وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ».^۵

خداوند سبحان ... و حج را وسیله تقویت دین قرار داد.

و حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام فرمودند:

«... وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، ...».^۶

خداوند سبحان ... و حج را وسیله محکمی و بلندی دین قرار داد.

آرام بخش دل‌ها ...

امام محمدباقر علیه السلام فرمودند:

«... وَالْحَجَّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ، ...».^۷

... و حج آرام بخش دل‌ها است، ...

ترک حج بدون عذر موجه

امام جعفرصادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحْجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ، لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ، أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ، أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ، فَلَيَمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا».^۸

هرکس حج به جای نیاورده بمیرد در حالی که نیاز مبرم و یا بیماری‌ای که مانع از گزاردن حج واجب او شود، یا فرمان‌روایی که مانع از رفتن وی شده باشد او را از حج گزاردن باز

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۱۷

نداشته باشد؛ به یقین یهودی یا نصرانی از دنیا می رود.

حج گزاردن یعنی ...

از امام محمدباقر علیه السلام پرسیدند: حج را چرا حج نام گذاری کردند؟ فرمود:

«حَجَّ فُلَانٌ أَيْ أَفْلَحَ فُلَانٌ».^۹

فلان کرد حج کرد یعنی رستگار شد.

یک حج معادل ...

محمد بن مسلم گوید: امام محمدباقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام فرمود:

«وَدَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَوْ أَنَّ لَهُ حِجَّةً وَاحِدَةً بِالدُّنْيَا وَمَا فِيهِ».^{۱۰}

آنانی که در گور خفته اند، دوست دارند که دنیا را و هر چه در آن است، در ازای یک حج بدهند.

در محضر ربّ جلیل

امام علی بن الحسین علیه السلام در رساله حقوق فرمودند:

«وَحَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ، وَفِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ، وَفِيهِ قَبُولُ

تَوْبَتِكَ، وَقَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ».^{۱۱}

حقّ حج بر تو آن است که بدانی، حج وارد شدن به محضر پروردگارت و گریختنی از

گناهانت به سوی اوست. پذیرفته شدن توبهات در آن است و ادای تکلیفی است که

خداوند آن را بر تو واجب گردانیده بود.

البته خداوند او را ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ حَجَّ يُرِيدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُرِيدُ بِهِ رِبَاءً وَلَا سُمْعَةً؛ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ».^{۱۲}

کسی که حج انجام دهد و خدا را اراده کند (آن را برای خدا به جا آورد) و قصد ریا و

شهرت طلبی نداشته باشد؛ البته خداوند او را خواهد بخشید.

گوشت و خون ...

هشام بن حکم گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

۱۸/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

«مَا مِنْ سَفَرٍ أُبْلَغَ فِي لَحْمٍ وَلَا دَمٍ وَلَا جِلْدٍ وَلَا شَعْرٍ مِنْ سَفَرِ مَكَّةَ، وَمَا أَحَدٌ يَبْلُغُهُ حَتَّى تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ».^{۱۳}

هیچ سفری مانند سفر مکه در گوشت و خون و پوست و موی انسان تأثیر نمی گذارد، و هیچ کس جز با سختی و مشقت به آن جا نمی رسد.

نیت صادق، هزینہ ی پاک

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَمَّا حَجَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِئِلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ مُوسَى: يَا جِبْرِئِلُ! ... فَمَا لِمَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ بِنَيْتٍ صَادِقَةٍ وَنَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ؟».

آن گاه که حضرت موسی علیه السلام حج انجام داد، جبرئیل علیه السلام بروی نازل شد، پس موسی علیه السلام به او گفت: ای جبرئیل! ... برای کسی که حج این خانه را با نیتی راست و هزینہ ای پاک (حلال) به جای آورد چه پاداشی مقرر شده است؟ جبرئیل (برای جویا شدن از پاسخ این پرسش) به سوی خدای تعالی بازگشت. خداوند به او (چنین) وحی کرده:

«قُلْ لَهُ: أَجْعَلُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا».^{۱۴}

به او (موسی) بگو: وی را در ملکوت اعلی همراه با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان قرار خواهم داد، و این ها همراهان خوب و شایسته ای هستند.

رهایی از تاریکی

عبدالرحمان بن سمره گوید: روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله بودیم آن حضرت فرمود:

«إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ».

من دیشب شگفتی ها و عجایی را دیدم!

عرضه داشتیم: ای رسول خدا! جان و خانواده و فرزندانمان فدایت باد، چه دیدید؟ برای ما

بگویند. حضرت فرمودند:

«... وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي، مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ، مُسْتَنْقِعًا فِي الظُّلْمَةِ، فَجَاءَهُ حَبْهُ وَعُمُرَتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ فِي النُّورِ...»^{۱۵}

... و مردی از امت خود را دیدم که از روبرو و پشت سرواز سوی راست و چپ و از زیر پا، تاریکی وی را فرا گرفته و غرق در ظلمت بود، در این حال حج و عمره او آمده و وی را از ظلمت و تاریکی رها ساخته، در نور داخل کردند، ...

در بارگاه الهی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«... وَ الْحَاجُّ الْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَهِ، وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ، وَ يَحْبُوهُ بِالْمَغْفِرَةِ...»^{۱۶}

... و حج گزار عمره گزار، وارد شده به درگاه خداوند است، و بر خدا سزاوار است که وارد شونده به درگاهش را گرامی داشته، او را آمرزش بخشد، ...

میهمان خدا

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ، فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ...»^{۱۷}

میهمان خداوند عزوجل کسی است که حج یا عمره بگذارد، بنابراین او تا زمانی که به منزل خود بازگردد، میهمان خداست.

درهای آسمان گشوده می شوند

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تَفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَ تَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ؛

دَعْوَةُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ، وَ الْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، وَ الْمُعْتَمِرِ حَتَّى يَرْجِعَ، وَ الصَّائِمِ حَتَّى يُفْطِرَ».^{۱۸}

چهار گروه هستند که هیچ دعایی از آنان رد نمی شود تا این که درهای آسمان برای آن ها گشوده شده و (دعای آنان) به عرش الهی برسد؛ دعای پدر برای فرزندش، دعای مظلوم علیه ظالم، دعای عمره گزار تا زمانی که برمی گردد، و دعای روزه دار تا هنگامی که افطار کند.

دست یابی به دنیا و آخرت

رسول الله ﷺ علیه وآله فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً فَلْيُؤَمِّرْ هَذَا الْبَيْتَ؛ مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَسَأَلَ اللَّهَ دُنْيَاً إِلَّا أُعْطَاهُ مِنْهَا، أَوْ سَأَلَهُ آخِرَةً إِلَّا ادَّخَرَلَهُ مِنْهَا».^{۱۹}

هرکس دنیا و آخرت را می خواهد، آهنگ این خانه کند؛ همانا بنده ای به آن جا نیامده و از خداوند دنیا را نخواستسته مگر آن که خداوند بخشی از آن را به او بخشیده، یا از خداوند آخرت را طلب نکرده جز آن که برای وی بخشی از آن را ذخیره کرده است.

بازنگردید جز این که ...

رسول الله ﷺ علیه وآله در خطبه خود در روز غدیر فرمودند:

«... مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ...».^{۲۰}

... ای مردم! خانه خدا را با کمال دین داری و بینش زیارت کنید، و از آن مکان ها جز با توبه و رهاشدن از گناه بازنگردید، ...

مبدا از گبر و خودپسندی

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: پدرم امام باقر علیه السلام پیوسته می فرمود:

«مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مُبْرَأً مِنَ الْكِبَرِ، رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، ...».^{۲۱}

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۲۱

... کسی که برای حج یا عمره قصد (آمدن به سوی) این خانه کند در حالی که از کبر و خودپسندی بیزار و دور باشد، از گناهان پاک می‌شود همانند روزی که مادرش او را زائیده،

از برکات حج

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که: علی بن الحسین علیهما السلام فرمود:
«حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا؛ تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ، وَ تَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ، وَ تُكْفَوْنَ مَثَوَاتِ عِيَالِكُمْ».

حج و عمره به جای آورید؛ بدن‌هایتان سالم، روزیتان افزون، و هزینه‌های خانواده‌ شما تأمین گردد.

امام همچنین فرمودند:

«الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ، وَ مُوجِبٌ لَهُ الْجَنَّةُ، وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ، وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ».^{۲۲}

حاجی آمرزیده شده، بهشت بر او واجب گشته، نامه عمل او از نو نوشته شود، و خانواده و مال او در نگهداری شود.

هزینه‌ی حج باید پاک باشد

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَصَابَ مَالاً مِنْ أَرْبَعٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَعٍ؛ مَنْ أَصَابَ مَالاً مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَا أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرِقَةٍ، لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا حَجٍّ وَلَا عُمْرَةٍ».^{۲۳}

کسی که از چهار راه پولی به دست آورد (هزینه کردن آن) در چهار مورد پذیرفته نشود؛ کسی که پولی را از راه؛ آلودگی و فریب، ربا، خیانت یا دزدی به دست آورد، (مصرف آن در (راه پرداخت)؛ زکات، صدقه و حج و عمره پذیرفته نگردد.

۲۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مال حرام و حج پذیرفته ???

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَجًّا وَلَا عُمْرَةً مِنْ مَالٍ حَرَامٍ».^{۲۴}

خداوند هیچ حج و عمره‌ای را که با مال حرام گزارده شود نمی پذیرد.

سه ویژگی

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ

مَعَاصِي اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ».^{۲۵}

کسی که به حج می رود و این راه را طی می کند اگر سه ویژگی در وی نباشد مورد عنایت و توجه قرار نمی گیرد؛ پارسایی که او را از نافرمانی های خداوند باز دارد، بردباری که خشم خود را بدان در اختیار گیرد، و خوش رفتاری با همراهان.

حج موفق

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرُفْ وَلَمْ يَفْسُقْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ».^{۲۶}

کسی که حج گزارد و در آن فسق مرتکب نشود، چون روزی که مادرش او را زاد از گناهانش درآید.

حج برای خدا یا مردم؟

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«الْحَجُّ حَجَّانٍ: حَجٌّ لِلَّهِ، وَحَجٌّ لِلنَّاسِ. فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ،

وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۲۷}

حج دو حج است؛ حجی را که برای خدا است و حجی که برای مردم است. پس هرکس

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۲۳

برای خدا حج گزارد، پاداش او بر خدا بهشت است و آن کس که برای مردم حج گزارد، پاداش او روز قیامت بر عهده مردم است.

اقسام حاجیان

معاویه بن عمار گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«الْحَاجُّ يَصْدُرُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ؛ صِنْفٌ يَعْتِقُونَ مِنَ النَّارِ، وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَ صِنْفٌ يُحْفَظُ (يُخْلَفُ) فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ (وَوُلْدِهِ)، فَذَلِكَ أَذْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ».^{۲۸}

حاجیان به سه دسته تقسیم می شوند: دسته ای از آتش دوزخ رهایی می یابند، و دسته دیگر از گناهان پاک شوند مانند روزی که مادر آن ها را بزاد، و دسته سوم که خاندان و مال (و فرزند) آن ها ایمن و بیمه شود، و این کمترین پاداشی است که حاجیان می گیرند.

خود را آماده ساز ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«وَوَظَّنْ نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ، وَ كُفِّ لِسَانَكَ، وَ اكْظَمْ غَيْظَكَ، وَ أَقِلَّ لَعْوَكَ، وَ تَفَرَّشْ (تَغَرَّسْ) عَفْوَكَ، وَ تَسْخَوْ نَفْسَكَ».^{۲۹}

خود را آماده ساز تا برای کسانی که با آنان همراه می شوی همنشینی نیکو، و خوش اخلاق باشی، و زبانت را نگه داری، و خشم را فرو نشانی، و کار بیموده و بی فایده ات را کم کنی، و عفو و بخشش ات را بگسترانی (بنشانی)، و گشاده دست باشی.

او را عذاب نمی کند ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَمَاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ».^{۳۰}

کسی که در راه مکه آزاری ببیند، خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد، و کسی که خداوند برای او حسنه‌ای بنویسد او را عذاب نمی‌کند.

مرگ در راه مکه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِباً أَوْ جَائِئاً، أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۳۱}

کسی که در راه رفت یا بازگشت مکه بمیرد، از هراس بزرگ تر روز قیامت امن گردد.

انفاق در حج

از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«دِرْهَمٌ فِي الْحَجِّ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ، وَ دِرْهَمٌ يَصِلُ إِلَى الْإِمَامِ

مِثْلُ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي حَجٍّ».^{۳۲}

همانا یک درهم در راه حج هزینه کردن بهتر و بالاتر از یک میلیون درهم است که در غیر حج در راه خدا هزینه شود، و درمی که به دست امام معصوم برسد مانند آن است که یک میلیون درهم در حج صرف شود.

احرام، در محضر خدا

امام رضا علیه السلام فرمود: اگر گویند: چرا مردم به احرام امر شده‌اند؟ پاسخ داده شود:

«... لِأَنَّ يَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَمْنِهِ، وَلِئَلَّا يَلْهُوُوا وَيَسْتَغْلُوا

بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ لَذَاتِهَا، وَ يَكُونُوا جَادِّينَ فِيمَا فِيهِ، قَاصِدِينَ

نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكُلِّيَّتِهِمْ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِنَبِيِّهِ، وَ

التَّذَلُّ لِلْأَنْفُسِهِمْ عِنْدَ قَصْدِهِمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ وَفَادَتِهِمْ إِلَيْهِ، رَاجِينَ ثَوَابَهُ،

رَاهِبِينَ مِنْ عِقَابِهِ، مَاضِينَ نَحْوَهُ، مُقْبِلِينَ إِلَيْهِ بِالذَّلِّ وَ الْإِسْتِكَانَةِ وَ الْخُضُوعِ،

...».^{۳۳}

برای این که (مردم) پیش از ورود به حرم الله عزوجل و جایگاه امن او (برای او) خشوع

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۲۵

کنند، و به چیزی از امور دنیا و زینت‌ها و لذت‌های آن مشغول و سرگرم نشوند، و برای انجام کاری که برای آن آمده‌اند و آهنگ آن را دارند جدیت داشته باشند، و با تمام وجود به آن روی آورند، علاوه بر این که در احرام، بزرگداشت خدای عزوجل و پیامبر او و اظهار کوچکی و تواضعی است که بندگان هنگامی که قصد زیارت خانه خدا کرده‌اند، و بر او وارد می‌شوند در حالی که به ثواب و پاداش امیدوار، و از عقاب و کیفر ترسانند، به سوی او روی گردانده‌اند، و با حالت فروتنی و تواضع و خواری روی به سوی او دارند، ...

احرام و آداب

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا، وَقِلَّةِ الْكَلَامِ إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، ...»^{۳۴}

چون احرام بستی، بر تو لازم است که از نافرمانی خداوند بر حذر باشی، خداوند را بسیار یاد کنی، و جزبه نیکی سخن نگویی؛ زیرا به راستی که درست و کامل شدن حج و عمره به آن است که انسان زبان خود را جزبه نیکی باز نکند، ...

حق آگاه

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ دَخَلَ هَذَا الْبَيْتَ عَارِفًا بِجَمِيعِ مَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، كَانَ آمِنًا فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ»^{۳۵}

هرکس داخل این خانه شود در حالی که نسبت به همه آنچه خدا بر او واجب فرموده آگاه باشد، از عذاب همیشگی در آخرت ایمن خواهد بود.

امان برای پناه خواه

عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: فرموده خداوند عزوجل: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» که هرکس داخل آن گردد در امان است». آیا مراد خانه است یا حرم؟

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيراً بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ...» ۳۶.

هرکس از مردم داخل حرم شود و به آن جا پناه آورد از خشم خداوند در امان خواهد بود،

....

حرم خدا، پیامبرش و امیرمؤمنان صلوات الله علیهما

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ. وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ. وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ» ۳۷.

مکه حرم خدا و حرم پیامبرش و حرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. نماز در آن برابر با یک صد هزار نماز، و انفاق کردن یک درهم در آن برابر با یک صد هزار درهم است. و مدینه حرم خدا و حرم پیامبرش و حرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما است، نماز در آن ده هزار نماز و انفاق یک درهم در آن ده هزار درهم پاداش دارد. و کوفه حرم خدا و حرم رسول او و حرم امیرمؤمنان علیه السلام است، نماز در آن هزار نماز و انفاق یک درهم در آن هزار درهم پاداش دارد.

ورود با پای برهنه و ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِياً عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخُشُوعِ».

هنگامی که به مسجد الحرام وارد شدی، با پای برهنه و با آرامش و متانت و خشوع

داخل شو.

و فرمود:

«وَمَنْ دَخَلَهُ بِخُشُوعٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ...»^{۳۸}

و هرکس با خشوع داخل آن شود، خداوند ان شاء الله او را ببخشد، ...

قصرهای بهشتی

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا؛ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ، وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ»^{۳۹}.

چهار عدد از کاخ‌های بهشتی در دنیا است؛ مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله،

مسجد الأقصى و مسجد کوفه.

تمام بخوان

ابراهیم بن شیبه گفت: به امام محمد باقر علیه السلام نامه نوشتم و از تمام بودن نماز در مکه و

مدینه پرسیدم. امام در پاسخ مرقوم فرمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ، فَأَكْثَرُ

فِيهِمَا وَآتَمَّ»^{۴۰}.

رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد نمازگزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله

را پیوسته دوست می داشت، پس زیاد در آن دو مکان نماز بخوان و نمازت را نیز تمام بخوان.

به تنهایی

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از علی الرضا علیه السلام پرسیدم: اگر شخصی نماز را در

خانه اش در مکه به جماعت بخواند افضل است یا آن که به تنهایی در مسجد الحرام بخواند؟

حضرت فرمود: وَحْدَهُ. به تنهایی (در مسجد الحرام).^{۴۱}

چرا مکتب؟

شیخ صدوق گوید: به تحقیق در روایتی چنین آمده است:

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ كَعْبَةً لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ، وَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ. وَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعاً لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ. وَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَ هِيَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».^{۴۲}

کعبه را کعبه نامیده‌اند چون مربع است، بدین جهت مربع ساخته شده است که در مقابل بیت المعمور است و آن نیز مربع است. و بیت المعمور مربع گردیده به دلیل این که مقابل عرش خدا است که آن هم مربع است. و عرش مربع گردیده زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار کلمه است و آن‌ها عبارتند از: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

نگاه و حسنه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكُعْبَةِ لَمْ يَزَلْ تُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ تُمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى يَنْصَرِفَ بِبَصَرِهِ عَنْهَا».^{۴۳}

هرکس به کعبه نگاه کند، پیوسته برایش حسنه نوشته و گناهی از او پاک می‌شود تا آن که چشم خود را از کعبه بگرداند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«النَّظَرُ إِلَى الْكُعْبَةِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْإِمَامِ عِبَادَةٌ».

نگاه به کعبه عبادت است، و نگاه به پدر و مادر و امام عبادت است.

و در حدیث دیگری فرمود:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكُعْبَةِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ مُحِيتْ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ».^{۴۴}

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۲۹

هرکس به کعبه نگاه کند برای او یک حسنه نوشته می شود و ده گناه از او پاک می گردد.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ بِمَعْرِفَةٍ فَعَرَفَ مِنْ حَقِّنَا وَحُرْمَتِنَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا؛ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ (كُلَّهَا)، وَكَفَاهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».^{۴۵}

هرکس با معرفت به حق ما و حرمت ما اهل بیت هم چنان که معرفت به حق کعبه و حرمت آن دارد به کعبه نگاه کند؛ خداوند همه گناهانش را بیامرزد، و اندوه دنیا و آخرت وی را کفایت کند.

لحظه مغفرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِلْكَعْبَةِ لِلْحُظَّةَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ يُغْفَرُ لِمَنْ طَافَ بِهَا، أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا، أَوْ حَبَسَهُ عَنْهَا عُذْرٌ».^{۴۶}

همانا برای کعبه در هر روز لحظه ای وجود دارد که در آن مورد مغفرت قرار می گیرند؛ کسانی که آن را طواف می کنند، یا آنان که قلب هایشان لبریز از مهر به کعبه است، یا آنان که عذری مانع از رفتن آنها است.

رحمتی ویژه پیرامون کعبه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عِشْرِينَ وَ مِائَةً رَحْمَةً؛ مِنْهَا سِتُّونَ لِلظَّائِفِينَ، وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ، وَعِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ».^{۴۷}

خداوند یک صد و بیست رحمت ویژه پیرامون کعبه گسیل دارد؛ که شصت رحمت آن مربوط به طواف کنندگان، چهل رحمت برای نمازگزاران، و بیست رحمت از آن مربوط به نگاه کنندگان به کعبه است.

۳۰/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

پیوند دین و کعبه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ».^{۴۸}

تا زمانی که کعبه استوار و پابرجا است، دین نیز پایدار خواهد بود.

خاک اطراف کعبه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ تُرْبَةِ مَا حَوْلَ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا رَدَّه».^{۴۹}

بر هیچ کس روا نیست که از خاک اطراف کعبه چیزی بگیرد و اگر چیزی برداشت باید آن را به جای خود بازگرداند.

ارسال پرده برای کعبه

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَبْعَثُ لِكِسْوَةِ الْبَيْتِ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنَ الْعِرَاقِ».^{۵۰}
همانا امام علی علیه السلام هر سال از عراق پرده‌ای برای کعبه می‌فرستاد.

امام زمان عجل الله فرجه در کنار کعبه

عبدالله بن جعفر حمیری گوید: از محمد بن عثمان عمری پرسیدم: آیا صاحب الأمر را دیدی؟
گفت: آری، آخرین بار نزد کعبه او را دیدم که می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي».^{۵۱}

بار خدایا! آنچه را وعده‌ام داده‌ای، محقق ساز.

مصافحه با خدا

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«الْحَجَرُ يَمِينُ اللَّهِ، فَمَنْ شَاءَ صَافَحَهُ لَهَا».^{۵۲}

حجرالأسود به منزله دست راست خداست، پس هر کس بخواهد با دست کشیدن بر آن با

خداوند دست دهد.

استلام با اشاره از دور

سیف تمار گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: نزد حجر الأسود آمدم، جمعیت زیادی بود، از هریک از یارانمان پرسیدم چه کنم؟ گفت: باید استلام حجر کنی! تکلیف من چیست؟ امام جعفر صادق علیه السلام به او فرمود:

«إِنْ وَجَدْتَهُ خَالِيًا وَالْأَفْسَلِمُ مِنْ بَعِيدٍ».^{۵۳}

اگر اطراف حجر الأسود را خلوت یافتی آن را استلام کن و گرنه با دست خود از دور اشاره کن. از امام علی الرضا علیه السلام پرسیده شد: اگر جمعیت اطراف حجر الأسود زیاد بود، آیا باید برای استلام آن با مردم ستیزه کرد و درگیر شد؟ امام فرمود:

«إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَوْمِرْ إِلَيْهِ إِيْمَاءً بِيَدِكَ».^{۵۴}

هرگاه چنین بود، با دستت به آن اشاره کن.

عین عدل

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ: أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافَ بِالْبَيْتِ».^{۵۵}

اولین چیزی که امام عصر علیه السلام از عدل آشکار می کند این است که منادی او چنین فریاد برمی آورد: طواف کنندگان مستحبی و لمس کنندگان حجر الأسود، حجر الأسود و مطاف را برای کسانی که طواف واجب دارند، واگذارند.

راه امام را باز بگذارید

حماد بن عثمان گوید: در مکه مردی از دوست داران بنی امیه به نام ابن ابی عوانه زندگی می کرد که نسبت به اهل بیت علیهم السلام کینه داشت و هرگاه امام جعفر صادق علیه السلام یا یکی از بزرگان دودمان پیامبر صلی الله علیه وآله به مکه می آمد، آنان را با سخن خویش تحقیر نموده، آزار می داد. وی روزی در حال طواف خدمت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و

گفت: نظر شما درباره استلام و دست کشیدن به حجرالأسود چیست؟ حضرت فرمود: رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ آن را استلام می فرمود. آن مرد گفت: من ندیدم شما آن را استلام کنید؟ امام جعفر صادق علیه السلام پاسخ دادند: دوست ندارم ناتوانی را آزار دهم و یا خود آزرده شوم. باز آن مرد گفت: شما فرمودید رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ آن را استلام می فرمود. امام فرمود:

«نَعَمْ وَلٰكِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَأَنَا فَلَا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي».^{۵۶}

آری، لکن رسول الله صَلَّی الله علیه و آله را هرگاه می دیدند حق او را می شناختند (برایش راه باز می کردند) اما برای من چنین نمی کنند و حقم را نمی شناسند.

از بانوان برداشته است

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ عَنِ النِّسَاءِ أَرْبَعًا؛ الْإِجْهَارَ بِالتَّلْبِيَةِ، وَالسَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ- يَعْني الْهَرُولَةَ-، وَدُخُولَ الْكُعْبَةِ، وَاسْتِلَامَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ».^{۵۷}

همانا خداوند عزوجل چهار چیز را در حج از زنان برداشته است؛ بلند تلبیه گفتن، هروله در سعی صفا و مروه، ورود به کعبه و لمس حجرالأسود.

مباهات خداوند

رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِالطَّائِفِينَ».^{۵۸}

همانا خداوند به طواف کنندگان مباهاات می کند.

شرم خدا از عذاب بنده اش

رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله فرمودند:

«فَإِذَا طُفَّتْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا كَانَ لَكَ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ وَذِكْرٌ يَسْتَحْي مِنْكَ رَبُّكَ أَنْ يُعَذِّبَكَ بَعْدَهُ».^{۵۹}

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۳۳

پس آن گاه که هفت مرتبه گرداگرد خانه خدا طواف کردی، تعهّد و یادی نزد خدا خواهی داشت که پروردگارت پس از (وجود) آن از تو شرم دارد که تورا عذاب کند.

پیوسته در طواف و سعی

زیاد قندی که مردی زمین گیر بود گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام گفتم: فدایت شوم! من گاهی در مسجد الحرام هستم، می بینم مردم کعبه را طواف می کنند (من نمی توانم)، از این رو غمگین و اندوهناک می شوم. امام فرمود:

«يَا زِيَادُ! لَا عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَوْمَ الْحَجِّ لَا يَزَالُ فِي طَوَافٍ وَ سَعْيٍ حَتَّى يَرْجِعَ».^{۶۰}

ای زیاد! چیزی بر تو نیست (و غمگین نباش) همانا مؤمن از زمانی که از منزل خود به قصد حج خارج می شود؛ پیوسته در طواف و سعی است تا وقتی که برگردد.

مطالبه مال پیرامون کعبه ???

سماعة بن مهران گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: مردی به من بدهکاری مالی دارد و مدّتی او را ندیده ام تا این که در طواف کعبه به او برخورد کرده او را می بینم، آیا مال خود را از او بخواهم؟ فرمود:

«لَا، لَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَلَا تُرَوِّعْهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ».^{۶۱}

نه، (حتّی) به او سلام نکن، و او را نترسان تا این که از حرم خارج شود.

عمل از سر بگیر

رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

«... فَإِذَا طُفَّتَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا لِلزِّيَارَةِ وَ صَلَّيْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى كَتِفَيْكَ فَقَالَ: أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِشْرِينَ وَ مِائَةِ يَوْمٍ».^{۶۲}

پس آن گاه که هفت مرتبه خانه خدا را برای زیارت طواف کردی و پشت مقام دو رکعت

۳۴/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

نماز طواف خواندی، فرشته‌ای بزرگوار بر شانه‌هایت زده و می‌گوید: آنچه که گذشته است (گناهانی که قبلاً انجام داده‌ای) بخشیده شد، بنابراین از هم‌اکنون تا یک صد و بیست روز عمل از نو آغاز کن.

پاداش تو بیشتر است

اسماعیل خثعمی گوید: به امام جعفر صادق علیه‌السلام گفتم: ما وقتی به مکه وارد می‌شویم، یاران و همراهانمان مرزداثاتیّه خود می‌گذارند و به طواف می‌پردازند، فرمود:

«أَنْتَ أَكْظَمُهُمْ أَجْرًا».^{۶۳}

پاداش تو از آنان بیشتر است.

نیت شفا و زمزم

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«مَاءُ زَمْزَمَ دَوَاءٌ مِّمَّا شَرِبَ لَهُ».^{۶۴}

آب زمزم داروی دردی است که به نیت (شفای) آن نوشیده می‌شود.

بهتر آب زمین

امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرمود:

«مَاءُ زَمْزَمَ خَيْرٌ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ».^{۶۵}

آب زمزم بهترین آب بر روی زمین است.

حجر

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود:

«الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ، وَفِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَقَبْرُ إِسْمَاعِيلَ».^{۶۶}

حجر، خانه اسماعیل است، و قبر هاجرو اسماعیل در آن است.

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُوفِّيَ وَهُوَ ابْنُ مِائَةٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَدُفِنَ بِالْحِجْرِ

مَعَ أُمِّهِ».^{۶۷}

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۳۵

اسماعیل علیه السلام در سنّ یک صد و سی سالگی بدرود حیات گفت و همراه با مادرش در حجر دفن شد.

حطیم

معاویه بن عمار گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره حطیم پرسیدم، فرمود:

«هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ بَيْنَ الْبَابِ».

حطیم، میان حجرالأسود و در کعبه است.

پرسیدم: چرا حطیم نامیده شده است؟ فرمود:

«لَأَنَّ النَّاسَ يَحْطِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا هُنَاكَ».^{۶۸}

برای آن که مردم در آن جا یکدیگر را فشار می دهند.

مستجار

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«فَلَمَّا بَنَى (إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْتَ) جَعَلَ لَهُ بَابَيْنِ؛ بَاباً إِلَى الْمَشْرِقِ، وَ

بَاباً إِلَى الْمَغْرِبِ، وَ الْبَابُ الَّذِي إِلَى الْمَغْرِبِ يُسَمَّى الْمُسْتَجَارَ».^{۶۹}

پس آن گاه که حضرت ابراهیم علیه السلام کعبه را بنا کرد ... برای آن دو در قرار داد؛

دری به سوی مشرق، و دری به سوی مغرب، و دری که به سوی مغرب است مستجار

نامیده می شود.

خواری ستمگران در مسعی

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مَا مِنْ بَقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) مِنَ الْمَسْعَى، لِأَنَّهُ يَذِلُّ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ».

هیچ بقعه ای نزد الله محبوب تر از محلّ مسعی نیست، زیرا در آن جا هر ستمگری خوار

می شود.^{۷۰}

شفاعت مقبول

امام سید الساجدین علیه السلام فرمود:

«السَّاعِي بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ تَشْفَعُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ فَتُشَفَّعُ فِيهِ بِالْإِيجَابِ»^{۷۱}

فرشتگان برای سعی کنندگان بین صفا و مروه شفاعت می کنند و شفاعت ایشان درباره او پذیرفته می شود.

سنت هروله

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«صَارَ السَّعِيُّ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ لِأَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَضَ لَهُ إِبْلِيسُ، فَأَمَرَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَدَّ عَلَيْهِ فَهَرَبَ مِنْهُ فَجَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ»^{۷۲}

(هروله در) سعی بین صفا و مروه بدین جهت است که (در آن جا) ابلیس خود را به ابراهیم خلیل علیه السلام نشان داد، آن گاه جبرئیل علیه السلام به آن حضرت دستور داد (به او حمله کند). حضرت نیز به او حمله کرد. شیطان از ایشان گریخت، از این رو (هروله) سنت شد.

نشستن ممنوع!!!

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يُجْلَسُ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ إِلَّا مِنْ جَهْدٍ»^{۷۳}

میان صفا و مروه نمی نشیند (نباید بنشیند) مگر این که از روی خستگی باشد.

منی و رضایت خدا

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَوَاطِنَهُمْ بِمَنَى نَادَى مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَرْضَى فَقَدْ رَضِيتُ»^{۷۴}

هنگامی که مردم در جای خود استقرار می یابند ندا دهنده ای از جانب خداوند عزوجل چنین ندا می دهد: اگر می خواستید من از شما راضی شوم، پس قطعاً راضی شدم.

سنت رمی شیطان

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۳۷

«إِنَّ عَلَّةَ رَمِي الْجَمَرَاتِ؛ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ تَرَاءَى لَهُ إِبْلِيسُ عِنْدَهَا، فَأَمَرَهُ جَبْرَائِيلُ بِرَمِيهِ بِسَبْعِ حَصَيَاتٍ، وَأَنْ يُكَبِّرَ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ، فَفَعَلَ وَجَرَتْ بِذَلِكَ السُّنَّةُ». ۷۵

دلیل این که باید جمره‌ها را سنگ زد آن است که؛ ابلیس در آن جا بر حضرت ابراهیم علیه السلام نمایان شد، آن گاه حضرت جبرئیل به حضرت ابراهیم دستور داد که: با هفت سنگ ریزه او را بزند، و با هریک از آن‌ها نیز تکبیر بگوید، ابراهیم نیز چنین کرد و از آن پس سنت شد.

اطعام بی‌نویان از قربانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَضْحَى لِتَشْبَعُ مَسَاكِينُكُمْ مِنَ اللَّحْمِ، فَأَطْعَمُوهُمْ». ۷۶

خداوند قربانی را واجب کرد تا بینویان شما از آن گوشت استفاده نموده و سیر شوند، پس آن‌ها را اطعام کنید.

سه مرتبه و یک مرتبه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«اسْتَغْفِرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْمُحَلِّقِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَلِلْمُقَصِّرِينَ مَرَّةً». ۷۷

رسول الله صلی الله علیه و آله سه مرتبه برای کسانی که (در منی) سر می‌تراشند و یک مرتبه برای کسانی که (در منی) تقصیر می‌کنند (ناخن می‌گیرند) طلب آمرزش کرد.

حج واقعی

عالم بزرگوار سید عبدالله از نوادگان مرحوم محدث جزائری در کتاب شرح نخبه می‌نویسد: در منابع متعدّد، که مورد تأیید من است، به خطّ بعضی از بزرگان در حدیث مرسل چنین نقل شده است: شبلی پس از حج، با امام زین العابدین علیه السلام دیدار کرد، حضرت به او

فرمود:

ای شبلی! آیا حج گزاردی؟

گفت: آری، فرزند رسول خدا. فرمود:

آیا درمیقات فرود آمدی و لباس های دوخته خویش را از تن بیرون کرده و غسل نمودی؟

گفت: آری. امام علیه السلام فرمود:

آن گاه که به میقات درآمدی، آیا نیت کردی که لباس نافرمانی خدا را از تن درآورده و

جامه طاعت خداوند را پوشیدی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که لباس های دوخته ات را درآوردی، آیا نیت کردی که خود را از ریا و دورویی و

ورود به شبهه ها برهنه و دور ساختی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

هنگام غسل کردن، نیت کردی که خود را از اشتباهات و گناهان شستشودادی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

(پس تودر حقیقت) نه به میقات درآمده ای و نه لباس های دوخته را از تن کنده ای و نه غسل

کرده ای

سپس فرمودند:

آیا خود را تمیز کردی، و احرام پوشیدی، و پیمان حج بستی؟

گفت: آری. امام علیه السلام فرمود:

پس آیا هنگام تمیز کردن خودت و احرام بستن و پیمان حج بستن، نیت داشتی که خود را

با نور توبه خالص برای خداوند تعالی پاکیزه ساختی؟

عرض کرد: نه. امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که احرام بستی، نیت کردی که هر چه را خداوند عزوجل بر تو حرام داشته، بر

خود حرام داشتی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

به هنگام بستن پیمان حج، آیا قصد کردی که هر پیمان غیر الهی را گشودی (رها کردی)؟

عرضه داشت: نه. امام علیه السلام فرمود:

نه پاکیزه شده‌ای، نه احرام بسته‌ای، و نه نیت حج کرده‌ای!.

امام به او فرمودند:

آیا به میقات داخل شدی و دو رکعت نماز احرام گزاردی و لبّیک گفتی؟

گفت: آری. امام فرمود:

آن گاه که وارد میقات شدی، آیا نیت کردی که به نیت زیارت هستی (وارد آن جا می‌شوی)؟

عرض کرد: نه. امام علیه السلام فرمود:

به هنگام خواندن دو رکعت نماز (طواف)، نیت آن داشتی که به بهترین کارها و بزرگترین

نیکی‌های بندگان (که همان نماز است)، خود را به خدا نزدیک می‌کنی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

آن گاه که لبّیک گفتی، نیت آن کردی که تنها برای فرمانبرداری از خداوند سبحانه

سخن گفتی و از هر معصیتی سکوت کردی؟

عرض کرد: نه. امام علیه السلام به او فرمودند:

نه در میقات داخل شدی، نه نماز گزاردی، و نه لبّیک گفتی.

سپس به او فرمودند:

آیا به حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز خواندی؟

گفت: آری. امام علیه السلام فرمود:

۴۰/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

هنگام ورود به حرم نیت آن کردی که هر غیبتی را که پشت سر مسلمانان اهل ملت

اسلام می‌کردی، بر خود حرام کردی؟

عرضه داشت: خیر. امام علیه‌السلام فرمود:

به هنگام رسیدن به مکه، در قلبت نیت کردی که تنها خدا را قصد کرده‌ای (اعمال را

برای رضای خداوند به جا می‌آوری)؟

گفت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

بنابراین نه به حرم وارد شده‌ای و نه کعبه را دیده‌ای و نه نماز گزارده‌ای.

سپس فرمود:

گرداگرد خانه خدا طواف کردی؟ وارکان خانه را لمس نمودی؟ و سعی را انجام دادی؟

گفت: آری. امام علیه‌السلام فرمود:

به هنگام سعی، نیت کردی که به سوی خدا پناه می‌بری و او که آگاه به پنهان‌ها

است، نسبت به این مسأله داناست؟

عرضه داشت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

پس نه طواف خانه کرده‌ای، نه ارکان را لمس نموده‌ای و نه سعی را انجام داده‌ای.

سپس فرمود:

آیا بر حجرالأسود دست کشیدی، کنار مقام ابراهیم علیه‌السلام ایستادی و دو رکعت

نماز آن جا خواندی؟

گفت: بله. در این هنگام امام علیه‌السلام فریادی برآوردند چنان که گویی نزدیک است از

دنیا بروند. سپس فرمودند:

آه، آه ...

سپس امام علیه‌السلام فرمود:

کسی که بر حجرالأسود دست کشیده، در حقیقت با خدای تعالی دست داده است.

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۴۱

بنابراین نادار ناتوان بنگرو بیانندیش! پاداش آنچه که حرمتش بزرگ داشته شده است، ضایع مگردان و مانند معصیت کاران دستی که به خدا داده‌ای (پیمانی که با خدا بسته‌ای) را با نافرمانی و انجام کارهای حرام نگسل و نشکن.

سپس امام علیه السلام فرمود:

آن گاه که نزد مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی، آیا نیت کردی که مصمم بر فرمان برداری از همه دستورات الهی و مخالفت با هر نافرمانی خدا باشی؟

گفت: نه. فرمود:

وقتی آن جا دو رکعت نماز طواف را خواندی، آیا نیت کردی که به نماز ابراهیم علیه السلام نماز گزاری و با نمازت بینی شیطان را به خاک مالیدی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

پس در حقیقت، نه با حجرالأسود مصافحه کرده‌ای و نه در مقام ایستاده‌ای، و نه در آن جا دو رکعت نماز خوانده‌ای.

سپس امام علیه السلام به او فرمود:

آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب آن نوشیدی؟

گفت: آری. فرمود:

آیا نیت کردی که بر فرمانبرداری خداوند اشراف یافته و از گناه چشم پوشیده‌ای؟

عرض کرد: خیر. امام علیه السلام فرمود:

پس در حقیقت بر چاه زمزم اشراف نیافته‌ای و از آب آن ننوشیده‌ای!.

سپس امام علیه السلام به او فرمود:

آیا بین صفا و مروه سعی را انجام دادی و پیاده بین آن دو کوه رفت و آمد داشتی؟

گفت: آری. امام علیه السلام فرمود:

آیا نیت کردی که میان خوف و رجاء (بیم و امید) در حرکت هستی؟

۴۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

گفت: نه. فرمود:

پس سعی صفا و مروه انجام نداده‌ای و میان آن دو کوه راه نرفته و تردد نکرده‌ای.

سپس فرمود:

آیا سوی منا رفتی؟

گفت: آری. فرمود:

آیا نیت کردی که مردم را از زبان و قلب و دست خود ایمن سازی؟

گفت: نه. امام فرمود:

پس به منا نرفته‌ای.

سپس به او فرمودند:

آیا در عرفات وقوف کردی؟ و بالای جبل الرّحمة رفتی و وادی مَرّه را شناختی و کنار آن

نشانه‌ها و جمره‌ها، خدای سبحان را خواندی؟

گفت: آری. امام علیه السّلام فرمود:

آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را بر شناخت‌ها و دانش‌ها دریافتی؟ و دانستی که

خداوند نامه عمل تو را گرفته و از درون و قلب تو آگاهی دارد؟

گفت: نه. امام علیه السّلام فرمود:

آیا در بالا رفتن از جبل الرّحمة نیت آن را داشتی که خداوند به هر زن و مرد با ایمان رحمت

آورد، و هر مرد و زن مسلمان را سرپرستی می‌کند؟

گفت: نه. امام علیه السّلام فرمود:

آیا در وادی مَرّه، نیت آن را داشتی که فرمان ندهی تا خود فرمان بری و نهی نکنی تا زمانی

که خود نهی پذیر باشی؟

گفت: نه. فرمود:

آیا هنگامی که نزد نشانه و مَرّه‌ها وقوف کردی، نیت کردی که آن‌ها بر طاعات تو گواه باشند

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۴۳

و همراه با نگهبانان خداوند و به امر پروردگار آسمان ها از تو حفاظت کنند؟

گفت: نه. حضرت فرمود:

پس تو در عرفات وقوف نکرده ای! و از جبل الرّحمة بالا نرفته ای! و نمّره را نشناخته ای و دعا نکرده ای و نزد نمّره ها وقوف نکرده ای.

سپس فرمود:

آیا از میان دو نشانه عبور کردی و پیش از گذشتن از آن جا، دو رکعت نماز گزاردی؟ و پیاده به مزدلفه رفتی و از آن جا سنگ ریزه جمع کردی؟ و از مشعر الحرام گذشتی؟

گفت: آری. فرمود:

وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که آن نماز، نماز شکری در شب دهم است که هر سختی را دور و کارها را آسان می کند؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که از میان دو نشانه پیاده رفتی و به چپ و راست منحرف نشدی، آیا نیت کردی که از دین حق به چپ و راست منحرف نشوی، نه با قلبت، نه با زبانت و نه با اعضای بدنت؟

عرض کرد: خیر. امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که پیاده به مزدلفه رفتی و از آن جا سنگ ریزه جمع کردی، آیا نیت کردی که هر معصیت و جهلی را از خود برداشتی و هر علم و عمل صالحی را در خود پایدار ساختی؟

گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

وقتی که بر مشعر الحرام گذر کردی، آیا نیت کردی که دلت را به بینش اهل تقوی و خوف از (نافرمانی) خداوند عزّوجلّ بیارایی؟

گفت: نه. فرمود:

پس نه از میان دو نشانه عبور کرده ای، نه دو رکعت نماز خوانده ای، نه پیاده به مزدلفه

۴۴/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

رفته‌ای، نه از آن جا سنگ ریزه برداشته‌ای و نه از مشعر الحرام عبور کرده‌ای.

سپس به او فرمودند:

آیا به منا رسیدی و جمره را رمی کردی؟ و سرت را تراشیدی؟ و قربانی‌ات را سربریدی؟ و در مسجد خیف نماز گزاردی؟ و به مکه بازگشته «طواف افاضه» را انجام دادی؟

گفت: آری. امام فرمود:

وقتی به منا رسیدی و رمی جمرات کردی، آیا یقین یافتی که به خواسته‌ات رسیده‌ای و خداوند همه حاجت‌هایت را برآورده است؟

گفت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

هنگامی که رمی جمرات کردی، آیا نیت کردی که دشمنت ابلیس را رمی کرده‌ای؟ و با تمامی حجّ گرانج‌هایت، او را به خشم آورده‌ای؟

گفت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

وقتی سرت را تراشیدی، آیا نیت کردی که از آلودگی‌ها و گناهان بنی آدم پاک شدی و از گناهانت بیرون آمدی همچون روزی که از مادر زاده شدی؟

گفت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

آن‌گاه که قربانی‌ات را سربریدی، آیا نیت کردی که با تمسک به حقیقتِ پرهیزکاری گلوی طمع را بریده و از سنت ابراهیم علیه‌السلام که فرزندش و میوه دلش و گُلِ قلبش را به قربان‌گاه آورد و آن را سنتی برای آیندگان و وسیله‌ای برای تقرب به خداوند برای نسل‌های بعد قرار داد، پیروی کنی؟

گفت: نه. امام علیه‌السلام فرمود:

چون به مکه بازگشتی و «طواف افاضه» کردی، آیا نیت کردی که از رحمت خداوند تعالی کوچ کرده به طاعت او بازگشتی و به دوستی او چنگ زده و واجبات الهی را ادا کردی و به خداوند تعالی نزدیک شده‌ای؟

حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۴۵

گفت: نه. امام زین العابدین علیه السلام به او فرمود:

پس نه به منا رسیده‌ای، نه رمی جمرات را انجام داده‌ای، نه سرت را تراشیده‌ای، نه اعمال حج خود را انجام داده‌ای، نه در مسجد خیف نماز خوانده‌ای، نه «طواف افاضه» به جا آورده‌ای و نه به قرب خدا رسیده‌ای! برگرد! زیرا تو حج بجا نیاورده‌ای.

سپس شبلی سخت به گریه افتاد و از این که نتوانسته حج را آن گونه که هست بشناسد و مناسک حج را آگاهانه انجام دهد، از شدت ناراحتی به خود پیچید و از آن پس به دنبال فراگیری اسرار و معارف حج بود تا بتواند حج سال بعد را از روی شناخت و یقین به جا آورد.^{۷۸}

یک سبحان الله و یک ختم قرآن

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

«تَسْبِيحَةً بِمَكَّةَ أَفْضَلُ مِنْ خَرَاكِ الْعِرَاقَيْنِ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

ثواب یک سبحان الله گفتن در مکه بالاتر از انفاق مالیات عراقین است که در راه خداوند عزوجل انفاق کنند.

و فرمود:

«مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَرَى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ».^{۷۹}

هرکس در مکه قرآن را ختم کند، نمی‌میرد مگر آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌بیند و جای گاه خویش را در بهشت مشاهده نماید.

وداع با کعبه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ، وَ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَوَدِّعِ الْبَيْتَ، وَ طُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا، ...».^{۸۰}

چون خواستی از مکه خارج شوی، و به سوی خانواده‌ات برگردی، پس با کعبه وداع

۴۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

کرده و هفت بار گرد کعبه طواف کن،

ترک گناهان، نشان قبولی

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرَكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ».^{۸۱}

نشانه قبولی حج آن است که گناهانی را که قبلاً انجام می داده ترک کند.

نور حج

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«الْحَاجُّ لَا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورُ الْحَجِّ مَا لَمْ يُلَمَّ بِذَنْبٍ».^{۸۲}

حاجی تا زمانی که به هیچ گناهی آلوده نشده نور حج را پیوسته دارا خواهد بود.

عمر طولانی با نیت

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤَمِّرْ هَذَا الْبَيْتَ، وَمَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَنْوِي

الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ زِيدَ فِي عُمْرِهِ».^{۸۳}

هرکس (سعادت) دنیا و آخرت را می خواهد آهنگ زیارت این خانه (کعبه) کند، و کسی

که از مکه بازگردد و نیت آن داشته باشد که سال بعد نیز بیاید عمرش طولانی می شود.

پایان حج

امام جعفر صادق علیه السلام به اسماعیل بن مهران فرمود:

«إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْتِمْ بِزِيَارَتِنَا، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ».^{۸۴}

هنگامی که یکی از شما حج انجام دادید باید حج خود را با دیدار ما پایان دهید، زیرا این

(از شرایط) تمام شدن حج است.

حج با پیامبر صلی الله علیه وآله

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَبْرُورَةً».^{۸۵}

همانا زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله برابر با یک حج مقبول با آن حضرت است.

ده هزار نماز یادش یک نماز

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَشْرَةَ آلَافِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنْ

الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ».^{۸۶}

ای ابوذر! یک نماز در این مسجد من برابر است با ده هزار نماز در مساجد دیگر جز

مسجد الحرام، که نماز در آن یک صد هزار نماز برابر است.

میان خانه و منبر

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ

الْجَنَّةِ».^{۸۷}

میان خانه من و منبر من باغی از باغ های بهشت است، و منبر من بر درپچه ای از

درپچه های بهشت است.

سلام بر پیامبر صلی الله علیه وآله و زهرا علیها السلام

یزید بن عبد الملک از پدرش شنیده که جد او گفته است: بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

وارد شدم. آن حضرت بر من سلام کرد، سپس فرمود: چه چیزی سبب شده به این جا بیایی؟

عرض کردم: درخواست برکت. فاطمه علیها السلام فرمود:

«أَخْبَرَنِي أَبِي وَ هُوَ ذَا هُوَ: أَنَّهُ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ

الْجَنَّةَ».

پدرم به من خبر داد و اوست (اکنون زنده است) که هر کس بر او و بر من سه روز سلام

دهد، خداوند بهشت را بر او واجب گرداند.

۴۸/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

از آن حضرت پرسیدم: در حیات ایشان و شما؟ پاسخ فرمود:

«نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا».^{۸۸}

آری و پس از مرگ ما.

به سوی آل محمد علیهم السلام

امام محمد باقر علیه السلام به فضیل فرمودند:

«أَنْظُرْ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ!».

بنگر به این مردم که دور کعبه طواف می کنند!

سپس فرمودند:

«هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، إِنَّمَا أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا، ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا،

فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ، وَيَعْرِضُونَ عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ».

در زمان جاهلیت این گونه طواف می نمودند، (حال آن که) قطعاً دستور دارند تا؛ طواف

کنند، سپس نزد ما آمده، و از ولایت شان ما را آگاه نمایند، و نصرت خود را به ما عرضه کنند.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:

«فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ».

پس قلب هایی از میان مردم را به سوی ایشان مشتاق فرما.

و در تفسیر «إِلَيْهِمْ» فرمودند:

«آلُ مُحَمَّدٍ! آلُ مُحَمَّدٍ!».

(مقصود) آل محمد هستند! آل محمد هستند!.

سپس فرمودند:

«إِلَيْنَا! إِلَيْنَا!».^{۸۹}

به سوی ما! به سوی ما!.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (الرَّهْرَاءَ) عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ سَبْتٍ، فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْرَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ، وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ».^{۹۰}

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هر صبح شنبه به زیارت قبر شهدا (سی جنگ احد) می رفتند، سپس بر سر مزار حمزه علیه السلام می رفتند و برای او طلب رحمت، و آمرزش می فرمودند.

زیارت امامان علیهم السلام

حضرت امام علی الرضا علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ. وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَحُسْنِ الْأَدَاءِ؛ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ. فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ، وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ؛ كَانَ أَيْمَتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۹۱}

همانا هر امامی بر گردن دوستداران و شیعیانش عهد و پیمانی دارد. و همانا از جمله نشانه های کمال وفاداری، و نیکو به پا داشتن این عهد؛ زیارت نمودن قبور امامان است. پس هر کس امامان را از روی اشتیاق به زیارت ایشان، و تصدیق نمودن به (ثواب) آنچه بدان رغبت نموده اند زیارت نماید؛ امامان آن ها روز قیامت نزد خداوند از آن ها شفاعت می کنند.

معاشرت با مردم

امام جعفر صادق علیه السلام به زید شحام فرمود:

«يَا زَيْدُ! خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ؛ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَالْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ، رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا، مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا

يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ، وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ، فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ، مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ».^{۹۲}

ای زید! با مردم با اخلاق خودشان رفتار کنید؛ در مساجد آنان نماز بگزارید، و بیمارانشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، و اگر بتوانید امام جماعت یا مؤذن باشید چنین کنید، زیرا چون چنین رفتار کنید گویند: این‌ها جعفری (از پیروان جعفر بن محمد صادق علیه‌السلام هستند، خداوند جعفر را رحمت کند، چه خوب یاران خود را تربیت کرده است، و اگر چنین رفتار نکنید، گویند این‌ها جعفری هستند. خدا با جعفر چنان کند، یارانش را چه بد تربیت کرده است!.

به حج نرفته‌ها

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: علی بن الحسین علیهما‌السلام پیوسته می‌فرمود:

«يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحْجْ! اسْتَبْشِرُوا بِالْحَاجِّ، وَصَافِحُوهُمْ، وَعَظِّمُوهُمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ، تُشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ».^{۹۳}

ای کسانی که به حج نرفته‌اید! بشلرت خواه حاجیان باشید، و با آنان دست بدهید، و آنان را گرمی بدارید؛ که این بر شما واجب است، در پاداش با آنان شریک خواهید شد.

کمک به خانواده‌های حج رفتگان

امام زین العابدین علیه‌السلام فرمود:

«مَنْ خَلَفَ حَاجًّا فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِهِ، حَتَّى كَأَنَّهُ يَسْتَلِمُ الْأَحْجَارَ».^{۹۴}

کسی که در نبود حاجی به خانواده و مال او رسیدگی می‌کند، پاداشی همانند او دارد، تا آن‌جا که گویی سنگ‌ها (ی کعبه) را لمس کرده است.

گوارایتان باد

یحیی بن یسار گوید: حج گزاردیم، سپس به امام جعفر صادق علیه‌السلام برخورد کردیم، آن

حضرت فرمود:

«حَاجُّ بَيْتِ اللَّهِ، وَزُورُ قَبْرِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَشِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ! هَنِيئًا لَكُمْ».

ای حاجیان خانه خدا! و زائران قبر پیامبرش صلی الله علیه و آله! و شیعیان آل محمد!
گوارایتان باد.^{۹۵}

مناسک حج و عمره

وجوب حج

حج یکی از مهم‌ترین ارکان دین است، قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ».^{۹۶}

و برای خداوند بر مردمان (واجب) است حجّ خانه (بی خدا)، هرکس تواند راهی به سوی آن یابد. و هرکس (به ترک حج عصیان کند و) کفرورزد پس به راستی که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است».

در حدیث صحیح به روایت زراره از امام محمد باقر علیه‌السلام است که فرمودند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ، ...».

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام ...».

مسأله ۱: وجوب حج از ضروریات دین اسلام است و کسی که وجوب آن را با التفات به ضروری بودنش و بدون این که شبهه‌ای برایش پیش آمده باشد انکار کند مرتد و کافر است، و ترک حج یا سبک شمردن حج با اعتراف به واجب بودن آن، از گناهان بزرگ و به منزله‌ی کفر است.

وجوب حج / مناسک حج و عمره / ۵۳

مسئله ۲: ترک حج بدون انکار، و تأخیرش برای کسی که مستطیع باشد بدون عذر شرعی از گناهان کبیره است، به طوری که در بعضی از روایات آمده است: چنین کسی به دین یهود یا نصاری خواهد مُرد، گرچه ظاهراً با جنازه و مرده او برخورد اسلامی می شود.

مسئله ۳: حج بر هر مکلفی که دارای شرایط باشد در تمام عمر یک بار «بالإصالة» واجب می شود که «حجّة الإسلام» نام دارد، گرچه ممکن است به جهت عوارضی مانند نذر، عهد، قسم، بطلان حجّ انجام شده و مانند این ها چندین بار واجب شود و غیر از حجّ واجب، حج مستحب می باشد.

مسئله ۴: وجوب حج با پیدایش شرایطش فوری است، یعنی باید در سال اوّل استطاعت انجام شود و اگر در سال اوّل عمداً یا به جهت عذری انجام آن ترک شد، در سال دوّم، و در صورت ترک باید در سال های بعد انجام گردد.

مسئله ۵: بر شخص مستطیع لازم است در اوّلین فرصت مقدمات سفر حج را - هر چند طولانی باشد - آماده نماید، و اگر برای سفر کاروان های متعدّدی باشد باید کاروانی را که برای رسیدن به حج مورد اطمینان است انتخاب نماید، و در صورت اطمینان به همه آنها، رفتن با اوّلین کاروان لزومی ندارد و جایز است با کاروان های بعدی سفر کند و اگر با کاروان های بعدی رفت و اتفاقاً به حج نرسید و دوباره هم استطاعت پیدا نکرد، گناه نکرده و حج هم مستقر نمی شود یعنی بر ذمه ی او باقی نیست.

مسئله ۶: اگر با کاروان های بعدی اطمینان به درک حج نداشت و در عین حال با آنان سفر کرد، چنان چه به حج رسید معصیت نکرده و حجّ او نیز صحیح است، و اگر به حج نرسید گناه کرده و حج بر ذمه اش باقی می ماند و باید بعداً انجام دهد.

شرایط وجوب حجّة الإسلام

مسئله ۷: وجوب حج دارای شرایطی است:

۱- بالغ بودن (پسر پانزده سال تمام و دختر نه سال تمام).

۲- عاقل بودن.

۳- آزاد بودن و برده نبودن.

۴- مستطیع شدن (داشتن توانایی مالی).

۱- بلوغ

مسأله ۸: شرط اول: بلوغ است، پس بر بچه‌ی نابالغ هرچند نزدیک بلوغ باشد، حج واجب نیست.

مسأله ۹: مستحب است طفل ممیز حج بجا آورد و در صحت آن، اذن ولیّ مانند پدر، معتبر است. و اگر سایر شرایط وجوب حج را دارا باشد جز بلوغ، حجّ او صحیح است ولی مجزی از «حجّة الإسلام» نخواهد بود.

مسأله ۱۰: هرگاه فرد نابالغ به حج رفت و قبل از احرام بالغ شد و مستطیع نیز بود، حجّ او صحیح بوده و «حجّة الإسلام» است.

مسأله ۱۱: هرگاه فرد با این عقیده که بالغ نشده است، حجّ مستحبّی انجام داد و بعد معلوم شد که بالغ بوده است، حجّ او صحیح است و از «حجّة الإسلام» کفایت می‌کند، مگر این که حج را با قید استحبابی انجام داده باشد به طوری که اگر متوجّه می‌شد واجب است، انجام نمی‌داد و این حالت بسیار نادر است.

مسأله ۱۲: ولیّ طفل غیر ممیز، خواه پسر باشد یا دختر، مستحب است او را محرم نماید، به این معنا که پس از بیرون آوردن لباس‌های عادی او، لباس‌های احرام را به او پوشانده، او را به تلبیه گفتن وادارد، اگر قابل تلقین باشد (یعنی اگر طفل بتواند هرچه را به او بگویند تکرار کند) و اگر قابل تلقین نباشد، ولیّ، به جای طفل تلبیه گوید و او را از آنچه بر محرم حرام است بازدارد و به انجام آنچه از اعمال حج قدرت دارد وادار کند و آنچه را که نمی‌تواند، خود به نیابت از او انجام دهد، و او را دور خانه خدا طواف داده و بین صفا و مروه سعی دهد، و در عرفات و مشعر و قوف دهد و وادار کند رمی جمرات را شخصاً انجام دهد، و همچنین است نماز طواف و تراشیدن سرو بقیّه اعمال حج.

مسأله ۱۳: نفقه‌ی عادلانه حجّ بچه (حتّی آنچه مازاد بر نفقه عادی او در وطن است) از مال

خود بچه می باشد، مگر این که موجب فقر او شود که در این صورت جایز نیست.

مسئله ۱۴: پول قربانی بچه از مال خود اوست و اگر مالی نداشت، ولی او باید از مال خودش از طرف او قربانی را انجام دهد.

مسئله ۱۵: کفاره شکار بچه، اگر ولی او پدرش باشد، از مال ولی اوست، در غیر این صورت از مال خود بچه است همچنان که کفارات دیگر (غیر از کفاره شکار) از مال خود بچه است چه ولی پدر باشد چه غیر او.

مسئله ۱۶: در صورتی که کفاره از مال بچه باشد، اگر ولی کفاره را از مال او پرداخت، وظیفه انجام شده، و اگر ولی نپرداخت، بر ذمه بچه باقی است و باید خودش بعد از بلوغ بپردازد.

۲- عقل

مسئله ۱۷: شرط دوم وجوب حج، عقل است. بر دیوانه هر چند ادواری باشد (یعنی گاه بیگاه) حج واجب نیست، بلی اگر مستطیع بود و قدرت انجام بیشتر اعمال حج، از جمله ارکان آن را در حال عقل داشت، بر او واجب می شود، و شخص بی هوش در حکم دیوانه است.

۳- آزادی

مسئله ۱۸: شرط سوم: آزادی است. بنابراین بر مملوک، غلام و کنیز ز خرید حج واجب نیست، هر چند مستطیع و مأذون از طرف مولایش باشد، البته با اذن مولا می تواند حج مستحبی انجام دهد و صحیح خواهد بود اما کفایت از «حجۃ الاسلام» نمی کند و اگر بعد از آزادی مستطیع شود، واجب است «حجۃ الاسلام» را انجام دهد.

۴- استطاعت

مسئله ۱۹: شرط چهارم: استطاعت است و برای تحقق آن پنج امر لازم است:

الف: قدرت بدنی، ب: نبودن مانع در راه، ج: سعه وقت، د: زاد و راحله، ه: رجوع به کفایت.

الف: قدرت بدنی

مسئله ۲۰: امر اول: قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد، پس کسی که به علّت بیماری یا پیری یا نقص عضو و مانند این ها نتواند اعمال حج را بجا آورد، حج شخصاً بر او

۵۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

واجب نیست. اما اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد جز استطاعت بدنی، واجب است از طرف خود نایب بگیرد که حج را از طرف او انجام دهد.

ب: نبودن مانع راه

مسأله ۲۱: امر دوم: مانعی در راه نباشد، به این معنا که منع دولتی و خطر جانی و مالی و ناموسی در رفت و برگشت و اقامت در آن جا نباشد. و نیز موانع شرعی دیگری مثل ترک واجب اهم از حج، نظیر ارتکاب گناهی که مفسده‌اش از مصلحت حج شرعاً بیشتر است نباشد، بنابراین اگر در شهرش مال زیادی داشته باشد که رفتن به حج موجب تلف شدن آن مال می‌شود حج واجب نخواهد بود.

ج: سعه وقت

مسأله ۲۲: امر سوم: سعه وقت است، به این معنا که وقت برای رفتن به مکه معظمه و بجا آوردن اعمال واجب در آن جا کافی باشد. بنابراین اگر مال هنگامی حاصل شد که زمان، رسای رفتن به مکه معظمه و انجام اعمال حج نیست، یا وقت هست ولی با مشقت زیادی که نوعاً تحمّل نمی‌شود همراه است، حج واجب نیست. و در این صورت بنا بر احتیاط لازم باید مال را تا سال بعد نگهداری کند و اگر استطاعت در سال بعد موجود بود، حج واجب می‌شود و گرنه تحصیل آن واجب نیست.

د: زاد و راحله

مسأله ۲۳: امر چهارم: داشتن زاد و راحله است.

«زاد»: داشتن ما محتاج روزمره از خوردنی و آشامیدنی و مسکن و مانند آن است، یا پولی که بتواند در موقع نیاز آن‌ها را تهیه کند.

«راحله»: داشتن وسیله نقلیه ولو در شرایط فعلی بلیط هواپیما یا ماشین یا کشتی باشد.

مسأله ۲۴: لازم است این زاد و راحله مناسب با موقعیت شخص باشد، هرچند به مقدار حداقل آن باشد و چنانچه برای کسی بدون مشقت و حرج، پیاده‌روی ممکن باشد داشتن راحله لازم نیست.

و جوب حج / مناسک حج و عمره / ۵۷

مسأله ۲۵: ملاک و میزان در زاد و راحله وجود فعلی آن‌ها است و بر کسی که می‌تواند آن‌ها را با کار و کاسبی در مسیر راه تأمین نماید، حج واجب نیست.

مسأله ۲۶: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است، استطاعت از مکان فعلی آن مکلف است که فعلاً در آن جا است و نه در وطنش. پس هرگاه مکلف مثلاً برای تجازت یا غیر آن به مدینه منوره و یا جدّه رفت و مصادف با موسم حج شد و از آن جا هزینه حج را داشت (گرچه با این هزینه از وطن مستطیع نمی‌شد) اگر سایر شرایط را دارا باشد، حج براو واجب است.

مسأله ۲۷: اگر هزینه سفر حج منحصر باشد به فروش ملکی به کمتر از نرخ متعارف آن و اسن فروش حرجی نباشد، واجب است آن ملک را بفروشد و به حج برود، و اگر حرجی باشد، حج واجب نیست.

مسأله ۲۸: اگر موقتاً هزینه و مخارج حج بالا برود مثل این که کرایه و امثالش برای خصوص این سال زیاد شده و برای سال‌های بعد به قیمت عادی برمی‌گردد و مکلف قدرت پرداخت زادی بدون اجحاف را داشته باشد، تأخیر جایز نیست و باید همان سال به حج برود.

مسأله ۲۹: در استطاعت، داشتن هزینه‌ی رفت مسلماً معتبر است، اما هزینه برگشت به وطن وقتی معتبر است که مکلف بخواهد به وطن بازگردد. اما اگر زندگی در مکه با زندگی در وطن یا جای دیگر برایش یکسان باشد و مشقّتی نداشته باشد و بخواهد در مکه بماند، داشتن هزینه بازگشت در استطاعت شرط نیست و تنها با داشتن هزینه رفت، استطاعت حاصل می‌شود و حج واجب خواهد بود. و همین ملاک در بازگشت به جای دیگر غیر از وطن نیز جریان دارد، یعنی اگر بخواهد در شهر دیگری زندگی کند، داشتن هزینه بازگشت به آن جا شرط است. داشتن هزینه مدّت اقامت در مکه نیز در استطاعت شرط است.

ه: رجوع به کفایت

مسأله ۳۰: امر پنجم از اموری که برای حصول استطاعت لازم است: رجوع به کفایت می‌باشد، یعنی مکلف پس از بازگشت از حج، بتواند خود و عائله‌اش را به وسیله کاسبی یا زراعت یا غیره اداره نماید و دچار تهی‌دستی و فقر نشود. بنابراین اگر مکلف پولی دارد که

سرمایه‌ی کسب اوست و چنانچه آن را صرف حج نماید، از کاسبی باز می‌ماند و راه دیگری هم برای تأمین مناسب شأن خود ندارد، حج براو واجب نیست.

مسئله ۳۱: فروختن چیزهای ضروری زندگی و آنچه که مورد احتیاج انسان است لازم نیست، مانند منزل مناسب شأن و لباس‌هایی که برای زینت و آبرو دارد و اثاث منزل و ابزار کار که برای زندگی به آن‌ها محتاج است و همچنین کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلات آنان لازم است و مانند این‌ها.

مسئله ۳۲: اگر لوازم ذکر شده بیش از مقدار حاجت باشد و مقدار اضافه، هزینه حج را تأمین کند، فروش آن برای صرف در راه حج واجب است، مثلاً شخصی دو منزل دارد و یکی اضافه بر نیاز زندگی اوست. در این صورت واجب است یکی را فروخته و به حج برود.

مسئله ۳۳: اگر یکی از لوازم مورد نیاز انسان از مصرف خارج شد، مثل طلا و جواهرات برای خانمی که تا جوان بوده نیاز و مصرف داشته و در سن پیری از آن‌ها استفاده نمی‌کند و به آن‌ها خود را تزئین نمی‌نماید، چنانچه شأن او نباشد و اگر آن‌ها را بفروشد هزینه حج را تأمین می‌نماید، واجب است بفروشد و حج را بجا آورد.

مسئله ۳۴: اگر انسان منزل ملکی داشته باشد و منزل غیر ملکی نیز در اختیار او است که می‌تواند بدون ناراحتی و مشقت در آن زندگی کند، مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب نیست منزل ملکی خود را که هزینه حج را تأمین می‌کند بفروشد و به حج برود، مگر در صورتی که در منزل وقفی سکونت دارد و عرفاً منزل ملکی محل حاجت او نباشد. و این حکم در سایر لوازم ملکی و غیر ملکی جریان دارد، مثل اهل علمی که کتاب‌های ملکی دارد و کتاب‌های موقوفه‌ای هم در اختیار او است.

مسئله ۳۵: اگر کسی مقداری پول دارد که برای هزینه حج کافی است، اما ازدواج نکرده یا منزل مسکونی یا سایر وسایل زندگی ندارد، وجوب حج مقدم است مگر این که ترک ازدواج و تزک خرید وسایل زندگی برای او حرجی بوده و مشقت زیادی داشته باشد که معمولاً مردم آن را

تحمّل نمی کنند، در این صورت حج براو واجب نخواهد بود.

مسأله ۳۶: هرگاه انسان هزینه حج را در دست ندارد، ولی از کسی طلبی دارد که برای خزینه حج کافی است و وقت آن رسیده و بدهکار نیز خوش حساب است و چنانچه مطالبه شود می پردازد، واجب است مطالبه نماید و در حج مصرف کند.

مسأله ۳۷: اگر بدهکار بد حساب است و بدهی را پرداخت نمی کند اما به وسیله رجوع به شخص دیگری می توان طلب را وصول کرد، واجب است مراجعه به آن شخص نموده و طلب خود را دریافت و در حج صرف نماید.

مسأله ۳۸: بر کسی که بر اثر حج تمام دارایی خود را مصرف می کند تا فقیر شود حج واجب نیست، حتی اگر از موقوفه برفقرا بتواند زندگی خود را اداره نماید.

مسأله ۳۹: بر مستطیع لازم نیست حتماً با پول خودش به حج برود، بنابراین هرگاه با پول غیر یا پول گدایی و امثال آن به حج برود، واجب انجام شده است. اما اگر با مال غیر که حرام است حج را انجام داد و لباس احرام و لباس طواف و لباس سعی از مال حلال بود، حج صحیح است. اگر چه در مصرف مال حرام معصیت کرده، اما اگر یکی از آن لباس ها حرام باشد، هم معصیت کرده و هم حج باطل است.

احکام استطاعت

مسأله ۴۰: تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست، بنابراین اگر مالی به انسان هدیه شود که معادل هزینه ی حج باشد، قبول آن لازم نیست.

مسأله ۴۱: اگر کسی از انسان بخواهد خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد، قبول انجام آن کار واجب نیست، هر چند آن خدمت لایق به شأن او باشد.

مسأله ۴۲: اگر کسی خود را در راه حج به اجرتی که معادل هزینه ی حج است اجیر نمود و با آن اجرت مستطیع شد، چنان چه در تمام مسیر حتی در عرفات و مشعرو منی همراه با حجاج بود و کارش منافات با اعمال حج او نداشت، حج در همان سال براو واجب می شود.

مسأله ۴۳: اگر در حج اجیر شود و کارش منافات با اعمال حج داشته باشد، مانند این که

برای محافظت از اموال کاروان اجیر شده باشد و مدت وقوف در عرفات و مشعر، باید برای حفظ اثاث حجاج در شهر مکه معظمه بماند که طبعاً با اعمال حج منافات دارد، در آن سال مستطیع نیست و حج براو واجب نخواهد بود، و لازم نیست پول را تا سال دیگر نگه دارد.

مسئله ۴۴: اگر کسی برای اعمال حج از طرف دیگری به واسطه اجرتی که برای اجیر نیز استطاعت آور بود، نایب شد، مثلاً هزینه حج صد هزار تومان است و او به دویست هزار تومان اجیر شد و با آن اجرت می‌توانست دو حج انجام بدهد، اگر مقید به همین سال باشد باید امسال حج نیابتی را بجا آورد تا در سال بعدی حج خودش را انجام دهد و اگر مقید به همین سال نباشد یا اجازه بدهد، واجب است امسال حج خود و سال بعد حج نیابتی را انجام دهد.

مسئله ۴۵: هرگاه انسان هزینه حج را نداشته باشد ولی بتواند با قرض کردن هزینه حج را تأمین کند و می‌تواند بعد از حج آن را از کاسبی یا مانند آن ادا کند، واجب نیست قرض نماید، و طبعاً حج هم براو واجب نیست، بلکه حتی اگر معادل هزینه حج را قرض کرد، استزاعت شرعیّه برای او پیدا نشده و حج هم براو واجب نخواهد شد.

مسئله ۴۶: اگر انسان هزینه حج را داشته باشد اما بدهی دارد طوری که اگر حج برود نتواند بدهی خود را ادا نماید، حج واجب نیست، چه قرض مدت دار باشد یا نه، چه قبل از بدهی اسن هزینه را به دست آورده باشد و چه بعد. و اگر توانایی پرداخت بدهی خود را در وقت آن داشته باشد، اقوی وجوب حج است.

مسئله ۴۷: اگر به مقدار هزینه حج پول داشته باشد و ضمناً حقوق واجبه شرعیّه. مانند خمس و زکات و کفّاره مالی. نیز بدهکار باشد و چنانچه این هزینه را صرف حج نماید، توان ادای آن حقوق را نخواهد داشت و اگر حقوق را ادا نماید، به مقدار هزینه حج نخواهد داشت، در این صورت حج واجب نیست، بلکه لازم است حقوق را ادا کند.

مسئله ۴۸: اگر مقداری مال دارد و نمی‌داند برای حج کافی هست یا نه، مثل این که نمی‌داند هزینه حج چقدر است، یا مقدار هزینه را می‌داند اما مقدار پول مشخص نیست، واجب

است تحقیق نماید.

مسأله ٤٩: چنان چه پولی داشته باشد که در دسترس او نیست، مثل این که در جای دیگر است و پول دیگری ندارد، چنان چه نتواند در آن مال . هر چند با وکالت به غیر بدون ضرر زیاد . تصرف کند، حج بر واجب نخواهد بود و هروقت تمکّن پیدا کند حج بر او واجب می شود.

مسأله ٥٠: هرگاه انسان از نظر مالی مستطیع شد، امّا وقت حج نرسیده است، لازم نیست این تمکّن مالی را برای حج حفظ نماید، بنابراین جایز است در آن مال طوری تصرف کند که از استطاعت خارج شود، مثلاً به دیگری ببخشد که از استطاعت خارج شود، مگر این که هنگامی باشد که قافله به طرف حج حرکت می کند.

مسأله ٥١: همان طور که داشتن زاد و راحله و وسیله ی معاش و سواری برای رفتن لازم است، برای مدّت توقّف در مکّه و برگشتن . اگر نیاز به برگشت باشد . نیز لازم است، بنابراین اگر هزینه ی حج چه قبل از سفر و چه در بین سفر به هر شکلی از بین رفت، معلوم می شود که استطاعت نداشته و حج واجب نبوده است.

مسأله ٥٢: اگر پول انسان به مقدار هزینه ی حج باشد ولی نمی دانسته یا غفلت از وجوب حج داشته است و بعد از توجّه و علم، مال تلف شده باشد، حج بر ذمه او استقرار پیدا نمی کند در صورتی که در غافل بودن خود مقصّر نباشد.

مسأله ٥٣: حج مانند سایر واجبات بر کافر مستطیع واجب است، لکن تا وقتی بر کفر خود باقی است، نمی تواند حجّ صحیح انجام دهد، و اگر مسلمان شد و استطاعتش باقی بود، حج بر او واجب بوده و می تواند حجّ صحیح انجام دهد.

مسأله ٥٤: اگر کافر قبل از اسلام استطاعتش از بین رفت سپس مسلمان شد، حج بر او واجب نیست، و اگر در حال کفر مستطیع نبود و پس از مسلمان شدن استطاعت پیدا کرد، حج بر او واجب است.

مسأله ٥٥: حج بر مرتد (کسی که مسلمان بوده و از اسلام برگشته) چه ملّی و چه فطری باشد

واجب است، اما انجام آن در حال ارتداد صحیح نخواهد بود و بنابراین اقوی هرگاه توبه کرد و حج را بجا آورد صحیح است هرچند مرتد فطری بوده باشد.

مسئله ۵۶: هرگاه حج بر کسی واجب شد و در بجا آوردن آن اهمال و تأخیر کرد تا جایی که استطاعت او از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده بجا آورد حتی اگر به سختی باشد (به قدری که تحمل آن حرام نباشد) و چنانچه قبل از حج بمیرد، واجب است از ترکه‌ی وی حج را قضا نمایند و چنانچه کسی تبرعاً وبدون اجرت به جای او حج کند، صحیح و کافی خواهد بود.

حج بذلی

مسئله ۵۷: همان طوری که انسان از مال خود مستطیع می‌شود و حج براو واجب می‌گردد، اگر دیگری هزینه‌ی حج را به او بذل نماید (مخارج را تکفل کند) حج واجب خواهد شد، چه باذل (بخشنده) یک نفر باشد یا متعدد، چه عین زاد و راحله و بذل نماید و چه قیمت آن را، و چه به مدیر کاروان بگوید او را به هزینه‌ی من به حج بپیرا به نحو دیگری باشد.

مسئله ۵۸: اگر شخصی (مثلاً علی) مالی را به مقدار هزینه‌ی حج وصیت نماید یا وقف کند یا نذر نماید تا به شخصی (مثلاً حسن) بدهند که با آن حج بجا آورد، هرگاه مال به او تسلیم شد، همان گونه که قبول واجب است، حج نیز براو (حسن) واجب می‌شود، اما اگر قید نکرده بود که با آن مال حج نماید، قبول واجب نیست، و چنانچه قبول نکرد حج هم واجب نخواهد شد.

مسئله ۵۹: در حج بذلی، رجوع به کفایت - که معنایش در امر پنجم بیان شد - اگر انجام حج در وضع زندگی شخص اثری نداشته باشد شرط نیست و حج واجب می‌شود حتی اگر بعد از بازگشت معاش او تأمین نباشد. و اگر عمل حج در زندگی بعدی او اثر دارد مثل این که کسب او که تأمین کننده معاش سالیانه اوست منحصر به ایام حج است و عمل حج او را از این کسب باز داشته و موجب کمبود هزینه معاش سالیانه می‌شود، در چنین حالتی رجوع به کفایت نیز حتی در حج بذلی شرط است.

مسئله ۶۰: اگر کسی به انسان مالی معادل هزینه حج هدیه نماید و نامی از حج نبرد، قبول این هبه واجب نیست و حج نیز واجب نمی‌شود. و چنانچه انسان به میل خودش قبول کرد،

وجوب حج/مناسک حج و عمره/۶۳

مستطیع می‌شود و حج واجب می‌گردد. اما اگر مبلغ را به او داد به شرط این که حج نماید و یا گفت: مخیری می‌خواهی حج انجام بده یا نه، در این صورت قبول هدیه واجب است و مستطیع بوده و حج واجب می‌گردد (مگر این که مَنّت و حرجی در بین باشد).

مسأله ۶۱: اگر انسان با بذل مستطیع شد و بدهکار نیز بود، چنانچه حج مانع از پرداخت بدهی تا آخر بشود حج واجب نیست، چه بدهی مدّت دار باشد چه نباشد، و چه طلب کار مطالبه بکند یا نکند. و اگر حج تا آخر عمر مانع از پرداخت بدهی نباشد ولی پرداخت آن به تأخیر می‌افتد و طلب کار نیز مطالبه می‌نماید، چه بدهی مدّت دار باشد چه نباشد حج واجب نیست، اما اگر حج موجب تأخیر پرداخت بدهی نشود یا طلب کار راضی به تأخیر باشد، حج واجب خواهد بود.

مسأله ۶۲: هرگاه برای جماعتی مالی را در میان بگذارند که یکی از آن‌ها به حج برود، چنانچه یکی پیش دستی نموده و مال را برداشت، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود و به آن یک نفر متوجّه می‌گردد و چنانچه همه ترک کردند و پول را برنداشتند و حال آن که قدرت داشتند، وجوب حج بر همه به نحو وجوب کفائی مستقر خواهد شد.

مسأله ۶۳: با بذل تنها حجّی واجب می‌شود که وظیفه مبذول له بوده است در صورت استطاعتش و حجّ دیگری براو واجب نمی‌گردد، پس اگر وظیفه مبذول له حجّ تمتّع بود و «حجّ قرآن» یا «افراد». که معنای آن خواهد آمد. به او بذل شود، یا به کسی که وظیفه اش «حجّ قرآن» یا «افراد» است، حجّ تمتّع بذل شود، قبول آن براو واجب نیست.

مسأله ۶۴: کسی که «حجّة الاسلام» بر ذمه وی آمده یعنی مستطیع شده و به حج نرفته تا این که بی پول و فقیر شده، اگر به او بذل شود، قبولش واجب است. همچنین کسی که به سبب نذرو مانند آن حج براو واجب شده و تمکّن ندارد، واجب است بذل را قبول کند.

مسأله ۶۵: هرگاه به کسی پولی بذل شود که با آن حج انجام دهد و آن مال در بین راه تلف شود، وجوب حج از او ساقط می‌شود. اما اگر متمکّن باشد که سفر را از مال خود ادامه دهد و

حج را بجا بیاورد، در صورتی که سایر شرایط را دارا باشد، باید آن را ادامه دهد و حجّ او واجب و مجزی از «حجّة الإسلام» خواهد بود.

مسأله ۶۶: در حجّ بذلی پول قربانی به عهده‌ی باذل (بخشنده مال) است. بنابراین اگر پول قربانی را نداد، حج واجب نیست مگر این که خود مبذول له قدرت پرداخت پول قربانی را داشته باشد که در این صورت حج واجب خواهد بود.

مسأله ۶۷: حجّ بذلی - یعنی حجّی که انسان با پول دیگری بجا می‌آورد - کفایت از «حجّة الإسلام» می‌کند و اگر گیرنده بعداً خودش مستطیع شود، حجّی براو واجب نخواهد بود.

مسأله ۶۸: باذل (بخشنده مال) جایز است پیش از داخل شدن مبذول له در احرام، از بذل خود برگردد اما ضامن هزینه‌ای است که مبذول له از رفتن تا بازگشت به وطن، متحمّل شده است، ولی بعد از دخول در احرام احتیاط واجب این است که باذل از بذلش برنگردد.

مسأله ۶۹: اگر باذل از بذل خود برگشت، چنان چه گیرنده استطاعت دارد که حج را از مال خودش تمام نماید، واجب است آن را تمام کرده و «حجّة الإسلام» خواهد بود و اگر استطاعت ندارد، وجوب حج ساقط می‌شود.

مسأله ۷۰: چنان چه مالی برای حج به انسان بذل شد و با آن حج انجام داد سپس معلوم شد که آن مال غصبی بوده، این حج مجزی از «حجّة الإسلام» نخواهد بود و مالک آن مال برای گرفتن مالش حق دارد به هریک از دهنده یا گیرنده مراجعه کند و پول خود را بگیرد، لکن اگر از گیرنده گرفت، گیرنده می‌تواند به دهنده مراجعه کند و عوض آنچه را داده بگیرد مگر این که از اوّل خود گیرنده بداند که مال غصبی بوده است.

مسأله ۷۱: اگر مبذول له یکی از محرمات احرام را که موجب کفاره است، انجام داد، کفاره‌اش به عهده‌ی خود او است.

مسأله ۷۲: اگر کسی که مستطیع نیست برای خود یا دیگری تبرّعاً یا با اجاره حج انجام دهد، این حج برای خودش مجزی از «حجّة الإسلام» نیست و هر وقت مستطیع شود باید

«حجّة الإسلام» را بجا آورد.

مسأله ۷۳: اگر کسی به اعتقاد این که مستطیع نیست به عنوان استحباب به حج رفت و قصد فرمان برداری امر الهی را نمود و بعد معلوم شد مستطیع بوده، حجّ او مجزی از «حجّة الإسلام» خواهد بود و انجام دوباره حجّ واجب نیست. اما اگر قصد استحباب طوری بوده که اگر می دانست واجب است انجام نمی داد (البته این فرض بسیار نادر است) مجزی از «حجّة الإسلام» نبوده و هر وقت مستطیع شد، حجّ براو واجب می شود.

اذن شوهر

مسأله ۷۴: اذن شوهر برای زن در حجّ واجب وقتی مستطیع شد شرط نیست، و شوهر نمی تواند مانع از انجام «حجّة الإسلام» بشود.

مسأله ۷۵: در حجّ استحبابی اذن شوهر شرط است و در صورتی که سفر حجّ با حقّ شوهر منافات داشته باشد، شوهر حق دارد زن را از رفتن به حجّ مستحبّی منع نماید و همچنین است در صورت منافی نبودن بنا بر احتیاط.

مسأله ۷۶: زنی که در عده ای طلاق رجعی است، همین حکم را دارد چون او شرعاً در حکم زن شوهر دار می باشد.

مسأله ۷۷: همراه داشتن محرم در وجوب حجّ بر زن در صورت امنیّت جانی و ناموسی شرط نیست. و هرگاه بدون محرم امنیّت نداشت، همراه بودن محرم حتّی اگر با پرداخت اجرت باشد لازم است و در این صورت اگر زن هزینه ای اجرت را نداشت استطاعت ندارد و حجّ واجب نخواهد بود.

حجّ نذری

مسأله ۷۸: بلوغ، عقل و دیگر شرایطی که در احکام نذر بیان شده، در وجوب حجّ نذری شرط است.

مسأله ۷۹: کسی که نذر کرده است مثلاً همه ساله روز عرفه در کربلاء، حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام را زیارت نماید و بعد از نذر مستطیع شود، نذرش منحل شده و حجّ براو واجب

۶۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

است. و نیز هرنذری که پیش از استطاعت بکند و مزاحم حج باشد، همین حکم را دارد. یعنی اگر استطاعت پیدا شد، نذریک سال منحل می شود و حج واجب می گردد.

مسأله ۸۰: شخص مستطیع در صورتی که توانایی جسمی داشته باشد، باید شخصاً حج را انجام دهد و اگر کسی از طرف او تبرّعاً یا با اجرت و غیره حج نماید کفایت نمی کند. اما در حجّ مستحبّی اگر دیگری از طرف انسان حج انجام دهد، اشکال ندارد.

نایب گرفتن

مسأله ۸۱: در نایب شش شرط لازم است:

اول: بلوغ، پس نیابت نابالغ حتّی اگر ممیّز باشد صحیح نیست.

دوم: عقل، پس نیابت دیوانه صحیح نیست، چه دیوانه همیشگی چه گاه گاهی (ادواری) اگر در حال دیوانگی نیابت نماید.

سوم: ایمان، یعنی شیعه اثنی عشری بوده و معتقد به امامت تمام ائمّه اطهار علیهم السّلام باشد، پس نیابت غیرشیعه صحیح نیست، حتّی اگر حج را طبق مذهب شیعه انجام دهد.

چهارم: عدالت یا این که مطمئن باشیم نایب، عمل را صحیح انجام می دهد.

پنجم: به احکام و افعال حج عالم باشد حتّی اگر با راهنمایی عالمی در موقع انجام اعمال حج باشد.

ششم: حجة الإسلام برگردن نایب نباشد.

مسأله ۸۲: نیابت از بچّه نابالغ و ممیّز و دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گاه گاهی اگر در حال افقه (رهایی از جنون) حج بر او واجب شده و می توانسته انجام دهد ولی انجام نداده، باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند.

مسأله ۸۳: نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است.

مسأله ۸۴: نیابت صرورة (یعنی کسی که تا کنون حج نرفته) زن باشد یا مرد چند صورت دارد:

۱- نیابت زن صرورة از مرد صرورة، بنا بر احوط اولی منع است.

۲- نیابت مرد صرورة از زن صرورة جایز است بدون کراهت.

۳- نیابت زن ضرورتاً از مرد غیر ضرورتاً کراهت دارد.

۴- نیابت زن غیر ضرورتاً از مرد ضرورتاً کراهت دارد.

مسئله ۸۵: لازم است که منوب عنه مسلمان باشد، پس نیابت از کافرو مرتد و ناصبی صحیح نیست. و همچنین منوب عنه باید از دنیا رفته باشد یا توانایی جسمی برای انجام حج نداشته باشد، البته این حکم در حج واجب است ولی در حج مستحبی نیابت از زنده جایز است حتی اگر منوب عنه توانایی جسمی داشته باشد.

مسئله ۸۶: در صحت نیابت، قصد منوب عنه ولو به طور اجمال، لازم است و بردن نام او واجب نیست، گرچه در تمام مواقف حج مستحب است و قصد نیابت هم لازم است.

مسئله ۸۷: همان طوری که نیابت به اجاره صحیح است به جعاله و تبرع و شرط ضمن عقد نیز صحیح است.

مسئله ۸۸: اجیر کردن شخصی که در ترک بعضی از اعمال حج معذور است بنابر احوط جایز نیست. بلکه همین شخص معذور، اگر تبرعاً برای میت حج انجام دهد، فراغت ذمه میت مشکل است.

مسئله ۸۹: کسی که حج بردمه او مستقر شده و شخصاً به علت پیری یا بیماری یا مانع دیگری نتواند حج را بجا آورد با حج برای او مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسئله ۹۰: کسی که ثروت مند است و شخصاً قدرت بر انجام حج ندارد و یا برای او مشقت دارد، گرچه حج از قبل بردمه او مستقر نشده باشد، واجب است برای انجام حج نایب بگیرد.

مسئله ۹۱: نایب گرفتن مانند خود حج، باید فوری انجام شود.

مسئله ۹۲: در صورتی که نایب به حج برود و عذر منوب عنه تا موقع مرگش باقی بماند، حج نایب کفایت می نماید. و چنانچه منوب عنه قبل از مردن، عذرش برطرف شد، واجب نیست شخصاً حج را انجام دهد، گرچه انجام آن احوط می باشد.

مسئله ۹۳: کسی که شخصاً از انجام دادن حج معذور است و تمکن از نایب گرفتن هم ندارد،

۶۸/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

وجوب حج از او ساقط می‌شود، ولی اگر حج قبلاً بر ذمه او مستقر بوده، واجب است بعد از فوتش قضا شود. و نیز اگر می‌توانسته نایب بگیرد و نایب نگرفته و مالی از او باقی مانده باشد، باید از ترکه او برایش حج بدهند.

مسئله ۹۴: اگر گرفتن نایب واجب شد و نایب نگرفت، اما شخصی تبرعاً (بدون دریافت مالی) از طرف او حج انجام داد، کفایت می‌کند، گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

مسئله ۹۵: نیابت از میقات جایز است گرچه نیابت از محل سکونت منوب عنه بهتر است.

مسئله ۹۶: کسی که حج بر ذمه اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد، کفایت از «حجّة الإسلام» می‌کند. و اگر پیش از احرام و دخول در حرم بمیرد، ظاهراً این است که کفایت نکرده است و قضای حج واجب می‌باشد. اما چنان چه بعد از احرام بمیرد، چه داخل حرم شده باشد یا نه، کفایت آن از حجّة الإسلام خالی از وجه نیست.

مسئله ۹۷: هرگاه کسی که «حجّة الإسلام» بر ذمه اش است بمیرد و وصیت به حج کرده باشد، هزینه آن حج از اصل ترکه برداشته می‌شود مگر این که مقید به ثلث کرده باشد، در این صورت اگر ثلث کافی بود از ثلث برداشته می‌شود و بر بقیه وصیت‌های او مقدم است. و اگر ثلث کافی نبود، باقیمانده را از اصل ترکه برمی‌دارند. و همچنین اگر این شخص بدون وصیت بمیرد، باز هم واجب است هزینه حج را از اصل ترکه برداشته و برای او نایب بگیرند.

مسئله ۹۸: کسی که بمیرد و «حجّة الإسلام» بر ذمه وی باشد و نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و این شخص بداند یا گمان داشته باشد که ورثه حتی اگر ودیعه را به آن‌ها بدهد، حج را انجام نخواهند داد، بر او لازم است برای میت نایب بگیرد تا ذمه میت از حج فارغ شود و چنان چه از آن ودیعه مبلغی زیاد بیاید، باید آن را به ورثه بدهد و فرقی نیست بین این که خود شخص از طرف میت حج را انجام دهد یا کسی را برای این کار اجیر کند. این حکم در غیر ودیعه از اموال دیگر مثل عاریه، اجاره، طلب و مانند آن‌ها جریان ندارد.

مسئله ۹۹: کسی که بمیرد و «حجّة الإسلام» بر ذمه وی باشد و از طرفی مقروض بوده و خمس و

وجوب حج/ مناسک حج و عمره/ ۶۹

زکات نیز بر او واجب باشد و ترکه او برای پرداخت تمام این‌ها کفایت نکند، اگر مالی که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته موجود باشد، باید خمس و زکات را بپردازد و چنانچه خمس به ذمه وی منتقل شده، بین آن‌ها مختیر است ولی احوط تقدیم سایر بدهی‌ها بر حج است.

مسأله ۱۰۰: کسی که فوت کرده و «حجّة الإسلام» بر ذمه او بوده، اگر ما ترک او برابر با هزینه حج باشد، ورثه پیش از گرفتن نایب، حقّ تصرف در مال او را ندارند و اگر ما ترک بیشتر از هزینه حج باشد و ورثه تصمیم داشته باشند نایب بگیرند، می‌توانند در قسمتی از ماترک تصرف کنند و در رابطه با بدهکاری‌های دیگر نیز چنین است.

مسأله ۱۰۱: کسی که فوت کرده و ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست و بدهکاری ندارد، ترکه او به وارث منتقل می‌شود و بر آن‌ها واجب نیست کمبود هزینه را از مال خودشان تکمیل کنند.

مسأله ۱۰۲: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت کند، می‌تواند برای او از نزدیک‌ترین میقات‌ها به مکه مکرمه نایب بگیرند و واجب نیست نایب از شهری گرفته شود. بلی اگر ثروت زیاد داشته باشد، احتیاط مستحب گرفتن نایب از شهر او است. و بنابر احتیاط، زیادی اجرت باید از اموال بالغین ورثه داده شود نه صغار آن‌ها.

مسأله ۱۰۳: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت نماید، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند و چنانچه امکان نایب گرفتن از میقات در آن سال نبود، واجب است از شهری نایب بگیرند و هزینه نایب از اصل ترکه برداشته می‌شود. و جایز نیست آن را تا سال دیگر به تأخیر بیندازند حتّی اگر یقین داشته باشند سال دیگر می‌توانند از میقات نایب بگیرند، البته این حکم در صورتی است که تفاوت هزینه نایب از بلد و میقات فوق العاده نباشد. اما اگر تفاوت زیاد باشد با بودن وراثت صغیر و طلبکاران، تأخیر جایز نیست. این تفصیل برای وقتی است که میّت، مال معینی را برای نیابت وصیّت نکرده باشد.

مسأله ۱۰۴: اگر بعضی از ورثه به وجوب «حجّة الإسلام» بر ذمه متوفی اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرارکنندگان لازم است به نسبت «سهم الإِث» خود از آنچه میّت برای حج تعیین نموده،

پرداخت کنند و چنانچه این مقدار برای حج کافی بود نایب گرفته می‌شود و اگر این مقدار وافی به حج نبود، لازم نیست از مال خودشان تکمیل نمایند و نایب گرفتن واجب نخواهد بود.

مسأله ۱۰۵: اگر حج بر ذمه میّت باشد و کسی تبرّعاً برای او حج انجام دهد، هزینه حج به ورثه منتقل می‌شود. و اگر «حجّة الإسلام» بر میّت واجب نبود، اما وصیّت به حج نموده، چنانچه منظورش معلوم بود که باید با این مبلغ حجّی انجام شود، باید با این مبلغ اجیر گرفته شود و به ورثه منتقل نمی‌شود. چه شخص دیگری تبرّعاً برای او حج انجام بدهد یا نه. و همچنین است اگر مشکوک باشد که در این صورت نیز به ورثه منتقل نخواهد شد و باید اجیر گرفته شود. مسأله ۱۰۶: کسی که حج بر ذمه داشته و وصیّت کرده که از شهرش نایب گرفته شود، واجب است از شهر او نایب بگیرند، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث ماترک خارج می‌شود. و چنانچه وصیّت به حج نموده و نامی از بلد یا میقات نبرده، به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود مگر این که بدانند مراد وی اجیر گرفتن از بلد است، مثل این که پولی تعیین کرده که مناسب با نیابت از بلد است، در این صورت باید از شهر نایب گرفته شود.

مسأله ۱۰۷: اگر وصیّت کند که برای «حجّة الإسلام» نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیّت واجب است و هزینه‌اش از اصل مال برداشته می‌شود در صورتی که بیش از «اجرة المثل» نباشد. و اگر بیش از «اجرة المثل» بود، تفاوتش از ثلث می‌باشد، مگر این که اجیری به «اجرة المثل» پیدا نشود که در این صورت تمام اجرت از اصل مال اخراج می‌گردد. مسأله ۱۰۸: هرگاه میّت وصیّت کند که از مال معینی برای او حج داده شود و وصی دانست که به آن مال خمس یا زکات تعلّق گرفته، واجب است اوّل خمس یا زکات آن مال را داده و باقیمانده را در راه حج صرف نماید و چنانچه برای مصارف حج کافی نبود لازم است از اصل مال برداشته شود، این در صورتی است که حجّ مورد وصیّت، «حجّة الإسلام» باشد.

مسأله ۱۰۹: هرگاه بر اثر اهمال و سهل انگاری وصی یا وارث، مالی که موصی (وصیّت کننده) برای حج تعیین کرده تلف شد، اهمال کننده ضامن است و باید از مال خودش نایب بگیرد. و

و جوب حج/ مناسک حج و عمره/ ۷۱

اگر بر اثر اهمال و تقصیر قیمت مال تنزل کرد و برای هزینه حج کافی نشد، اهمال کننده ضامن است و باید باقیمانده را تدارک نماید.

مسئله ۱۱۰: در صورتی که حج بر ذمه متوفی ثابت بوده و شک دارند که انجام داده یا نه، از باب «حمل امر مسلم بر صحت» باید بگوییم که انجام داده است.

مسئله ۱۱۱: به مجرد اجیر گرفتن برای میتی که حج بر ذمه او بوده، ذمه میت و وارث بری نمی شود بلکه لازم است حج انجام گردد. بنابراین اگر معلوم شود اجیر حج را چه با عذر و چه بدون عذر انجام نداده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود و (اگر نتوانند اجرت را از اجیر اول پس بگیرند) اجرت از اصل ترکه برداشته می شود و در صورتی که وصی یا وارث کوتاهی کرده باشند، ضامن اجرت خواهند بود.

مسئله ۱۱۲: اگر اجیر متعدد شود، وارث مخیر است بین ارسال اجیری که کمترین اجرت را می گیرد. البته با احراز صحت عملش. و کسی که بیشتر می گیرد که از حیث فضیلت مناسب با شؤون متوفی است، و اگر ورثه راضی به زیاده نباشند یا در بین ورثه صغیر وجود داشته باشد، کسی را که کمتر می گیرد، بفرستد.

مسئله ۱۱۳: هرگاه «حجّة الإسلام» بر ذمه میت باشد و ترکه ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست برای او نایب بگیرد، اما مستحب است ولی میت نایب بگیرد.

مسئله ۱۱۴: هرگاه میت برای حج وصیت نماید، اگر معلوم باشد که مراد «حجّة الإسلام» است، هزینه ی آن باید از اصل مال میت برداشته شود مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث داده شود. و اگر معلوم شد که «حجّة الإسلام» نیست یا مشکوک بود، باید هزینه از ثلث برداشته شود.

مسئله ۱۱۵: هرگاه میت به حج وصیت نموده و شخص مخصوصی را برای بجا آوردن تعیین کرده باشد، لازم است طبق وصیت عمل شود. پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر این که زیادتراز «اجرة المثل» به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث یا با رضایت وارث از اصل مال برداشته می شود، و اگر ثلث وافی نباشد و ورثه هم به زیادی رضایت ندهند، دیگری را باید اجیر کرد.

مسأله ۱۱۶: اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته و با مشتری شرط کرده که آن مبلغ را بعد از مرگش در حج واجب مصرف نماید، عمل به این شرط لازم است و هزینه از اصل مال برداشته می شود.

مسأله ۱۱۷: هرگاه وصی بعد از گرفتن اجرت حج از مال متوفی بمیرد و دانسته نشود که قبل از مرگش اجیر گرفته یا نه، چنانچه مدتی گذشته که امکان گرفتن نایب در آن مدت بوده از باب «حمل امر مسلم بر صحت» باید بگوییم نایب گرفته و اگر امکان گرفتن نایب در آن مدت نبوده، واجب است از مال وصی نایب گرفته شود.

مسأله ۱۱۸: چنانچه مبلغی که برای حج در نظر گرفته شده بدون مسامحه و سهل انگاری در دست وصی تلف شود یا در سهل انگاری شک شود، وصی ضامن نیست و واجب است از بقیه مال متوفی، اجیر گرفته شود و اگر مال بین ورثه تقسیم شده باشد، در صورتی که «حجّة الإسلام» باشد، باید از هریک از ورثه به نسبت سهم الارث پس گرفته شود. و اگر غیر از «حجّة الإسلام» باشد، باید از بقیه ثلث مال میت اجیر گرفته شود. و همین طور است حکم کسی که برای انجام حج نایب شده و پیش از انجام آن بمیرد و ترکه ای نداشته باشد، یا داشته باشد اما ورثه نایب هزینه را پس نمی دهند، اگر «حجّة الإسلام» باشد، باید از اصل مال متوفی (منوب عنه) و اگر غیر «حجّة الإسلام» باشد، از باقیمانده ثلث نایب دیگری گرفته شود.

مسأله ۱۱۹: هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد، ذمه منوب عنه فارغ نمی شود و واجب است دوباره نایب بگیرند. و چنانچه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد، ذمه منوب عنه فارغ می شود. و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد، بنابر احوط ذمه منوب عنه فارغ نمی شود و در این حکم فرقی بین اقسام حج از «تمتع» و «قران» و «افراد» و «واجب» و غیر واجب نیست، همان طور که بین اجیر و متبرّع نیز فرقی نیست.

مسأله ۱۲۰: هرگاه نایب بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد، اگر برای فراغت ذمه منوب عنه یا برای حجی که بر مستأجر مستحب بوده است اجیر شده بود، استحقاق تمام اجرت را

و جوب حج / مناسک حج و عمره / ۷۳

دارد. و اگر برای انجام اعمال حج اجیر شده بود، به نسبت عملی که انجام داده استحقاق اجرت را دارد. و چنانچه قبل از احرام بمیرد، استحقاق هیچ اجرتی ندارد. بلی اگر مقدمات داخل در متعلق اجاره باشد، به هر مقداری که از مقدمات انجام داده، استحقاق اجرت دارد.

مسئله ۱۲۱: اگر برای «حج بذلی» اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که بخواهد برود. و چنانچه راهی تعیین شده باشد، عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست مگر این که بداند مستأجر برای این راه خصوصیتی در نظر ندارد، یا پس از عقد شرط را اسقاط کرده باشد.

مسئله ۱۲۲: هرگاه برای انجام حج در سال معینی بالمباشرة (شخصاً) اجیر شد، چنانچه برای دیگری در همان سال با قید مباشرت اجیر شود، اجاره دوم باطل است. و اگر برای دو نفر اجیر شد و قید مباشرت نبود و یا قید سال معینی نبود، هر دو اجاره صحیح است و در صورت اول دیگری را می‌فرستد و در صورت دوم در دو سال حج را انجام می‌دهد.

مسئله ۱۲۳: چنانچه اجیر شد که در سال معینی حج را انجام دهد، جز با رضایت مستأجر حق تقدیم و تأخیر آن را ندارد. و چنانچه تقدیم یا تأخیر نمود، اگر نظر مستأجر به خصوص آن سال است طوری که اگر در آن سال معین حج انجام نمی‌شد، کسی را برای حج اجیر نمی‌کرد استحقاق اجرتی ندارد و اجاره از اصل باطل می‌شود. و اگر چنین نبود یعنی نظر مستأجر به انجام اصل حج، قطعی است، چه در این سال و چه سال‌های دیگر، اما برای سال معین مزیتی قائل بوده، استحقاق اجرت پیدا می‌کند و مستأجر می‌تواند به او اجرة المثل بدهد.

مسئله ۱۲۴: هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند اعمال حج را انجام دهد، حتی اگر بعد از احرام و دخول در حرم باشد، حج بر ذمه اجیر باقی خواهد ماند.

مسئله ۱۲۵: هرگاه نایب کاری انجام دهد که موجب کفاره شود، باید از مال خودش کفاره را پرداخت نماید.

مسئله ۱۲۶: اگر هزینه حج از اجرت تعیین شده بیشتر شود، بر مستأجر واجب نیست کمبود را

جبران نماید، کما این که اگر اجرت زیادترا از هزینه حج باشد، واجب نیست اجیرزیدی را پس بدهد، گرچه هریک از جبران و پس دادن مستحب است.

مسأله ۱۲۷: اگر کسی برای حج واجب یا مستحب اجیر شده باشد و قبل از مشعر، حج خود را به وسیله جماع باطل نماید، یعنی پس از آن که برای حج در مکه احرام بست، در مکه یا عرفات جماع نمود، باید آن حج را به آخر برساند و این حج ذمه منوب عنه را بری می کند و برنایب واجب است در سال بعد حج نموده (وقصد نیابت و ما فی الذمه هم لازم نیست) و یک شتر كفاره بدهد و استحقاق اجرت را پیدا می کند، چه در آینده حج را انجام بدهد یا نه و چه اجاره مقید به سال معینی باشد یا نباشد. حکم متبرع نیز همین است.

مسأله ۱۲۸: اجیر به عقد اجاره اجرت را مالک می شود، اما واجب نیست پیش از عمل، اجرت را به او پرداخت کنند، مگر این که از اول شرط کرده باشند که اجرت را پیش از عمل بدهند، یا این که قرینه ای بر پرداخت قبل از عمل در بین باشد، چنان که در مورد نیابت حج معمول است که اجرت را قبل از اعمال می گیرند. در این گونه موارد لازم است اجرت را پیش از عمل بدهند.

مسأله ۱۲۹: در عقد اجاره (چنانچه قراردادی و قرینه ای در بین نباشد) باید اجیر شخصاً عمل حج را، در همان سال اول انجام دهد و حق واگذاری به دیگری یا به سال بعد را ندارد مگر با اذن صریح یا ظاهر مستأجر.

مسأله ۱۳۰: کسی که وقتش کم است و نمی تواند اعمال عمره تمتع را کاملاً انجام دهد، سپس اعمال حج تمتع را بجا آورد و مجبور می شود به «حج افراد» عدول نماید، نمی تواند از طرف کسی که حج تمتع بر ذمه اوست، اجیر شود.

مسأله ۱۳۱: اگر وقت اجیر وسعت داشت و می توانست اعمال عمره تمتع و حج تمتع را انجام دهد اما بر اثر پیشامدی برای حج تمتع وقت تنگ شد به طوری که مجبور شد از عمره تمتع به «حج افراد» عدول نماید و بعداً عمره مفرده بجا آورد، ذمه منوب عنه بری می شود و اجیر هم

مستحقّ اجرت خواهد شد.

مسأله ۱۳۲: در حجّ مستحبّی، یک نفر می‌تواند به جای چند نفر حجّ نماید اما در حجّ واجب جایز نیست یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حجّ نماید و باید نیابت تنها از طرف یک نفر باشد، مگر در صورتی که حجّ بر دو نفر یا بیشتر به شرکت واجب شده باشد، مثل این که دو نفر یا بیشتر نذر کنند با شرکت یکدیگر، کسی را برای حجّ اجیر نمایند.

مسأله ۱۳۳: چند نفر نایب می‌توانند در یک سال به نیابت از یک نفر - مرده یا زنده، به طور تبرّعی یا اجاره - حجّ مستحبّی بجا آورند و همچنین است حجّ واجب اگر متعدّد باشد (و منوب عنه توانایی جسمی نداشته باشد یا مرده باشد)، مثل این که بر شخصی به نذر دو حجّ واجب شده باشد، یعنی دو مرتبه نذر کرده یا این که یک بار نذر کرده و «حجّة الإسلام» هم بر ذمه اش بوده و برای هر کدام، یک نفر نایب می‌گیرد. و اگر یکی از آن دو حجّ واجب و دیگری مستحب باشد نیز حکم همین طور است.

مسأله ۱۳۴: نایب پس از انجام اعمال حجّ نیابی، می‌تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده یا طواف انجام دهد.

مسأله ۱۳۵: انسان نمی‌تواند برای انجام عمره مفرده، بعد از عمره تمتّع و قبل از حجّ، نایب شود. همچنین نمی‌تواند بین عمره تمتّع و حجّ آن، برای خودش عمره مفرده بجا آورد. و اگر از روی جهل یا عصبان، عمره مفرده انجام داد، حجّ او صحیح است و دومی عمره تمتّع به حساب می‌آید.

مسأله ۱۳۶: زنی که پاک نشده است و نمی‌تواند از همراهان خود جدا شود، برای طواف زیارت و طواف نساء و نماز آن‌ها نایب می‌گیرد و سعی را خودش انجام می‌دهد.

چند مسأله

مسأله ۱۳۷: انجام حجّ برای کسی که مستطیع نیست ولی با قرض و غیره می‌تواند حجّ بجا آورد، مستحب است.

مسأله ۱۳۸: کسی که «حجّة الإسلام» را انجام داده، مستحب است مکرراً حجّ انجام دهد و همچنین مستحب است تبرّعی از طرف خویشاوندان یا دیگران، طواف همراه با نماز و یا حجّ

۷۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

کامل انجام دهد، مرده باشند یا زنده.

مسأله ۱۳۹: به خصوص مستحب است از طرف معصومین علیهم الصّلاة و السّلام طواف همراه با نماز و یا حجّ کامل انجام دهد.

مسأله ۱۴۰: پس از اتمام اعمال حج و در موقع بازگشت از مکه معظمه مستحب است که قصد بازگشت به حج نماید که موجب زیادی عمر است و مکروه است قصد عدم مراجعت کند که موجب کوتاهی عمر می شود.

مسأله ۱۴۱: مستحب است انسان به کسانی که حج نرفته اند هزینه حج را پرداخت کند و آنها را به حج بفرستد و به جای «حجّة الإسلام» آنان حساب می شود.

مسأله ۱۴۲: زیاد خرج کردن در حج مستحب است.

مسأله ۱۴۳: اذن زوج در حجّ استحبابی برای زوجه شرط است و برای عبد اذن مولی و برای اولاد اذن ابوین. گرچه منع آنها موجب مریض شدن در دنیا و حسرت بزرگ در آخرت است، همان گونه که در روایات وارد شده است.

اقسام حج

مسأله ۱۴۴: حج بر سه قسم است:

۱- «حجّ تمتّع».

۲- «حجّ افراد».

۳- «حجّ قرآن».

مسأله ۱۴۵: حجّ تمتّع وظیفه کسانی است که وطن آنان شانزده فرسخ (حدود ۸۸ کیلومتر) یا بیشتر با مکه معظمه فاصله دارد.

مسأله ۱۴۶: «حجّ افراد» و «حجّ قرآن» وظیفه کسانی است که با مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ فاصله داشته باشند، یا اهل خود مکه معظمه باشند.

مسأله ۱۴۷: این حکم در «حجّة الإسلام» است، اما حجّی که بوسیله نذر مقید به یکی از این سه شده باشد، یا حجّی که به جای حجّ واجب باطل شده باشد، باید طبق نذر یا حجّ

فاسد شده انجام شود. اما در سایر اقسام حج، از واجب و مستحب بین هریک از اقسام سه گانه مخیر است، گرچه انتخاب حج تمتع افضل است.

مسأله ۱۴۸: کسی که وطنش بیشتر از شانزده فرسخ از مکه معظمه فاصله داشته باشد و مقیم مکه شود و از اقامتش دو سال گذشته باشد، باید «حج قران» یا «حج افراد» انجام دهد. و اگر هنوز دو سال نشده است، باید حج تمتع انجام دهد. و در این حکم فرقی نیست بین این که قصد توطن یا مجاورت داشته باشد یا نه، و پیش از استطاعت مقیم شده باشد یا پس از آن.

مسأله ۱۴۹: کسی که مقیم مکه معظمه شده، قبل از گذشت دو سال اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد باید به میقات مربوط به وطن اولیه اش برود و از آن جا برای عمره تمتع احرام ببندد و سپس در ادنی الحل (مثلاً تنعیم) تجدید نیت نماید. این حکم در مورد حج تمتع مستحبی که اهل مکه معظمه می خواهند انجام دهند نیز جاریان دارد.

مسأله ۱۵۰: کسی که دارای دو وطن است، یکی کمتر از مسافت یاد شده و دیگری بیشتر از آن، حج را طبق وطنی که بیشتر در آن اقامت دارد انجام دهد و در صورت تساوی مخیر است، گرچه حج تمتع افضل می باشد.

حج تمتع

مسأله ۱۵۱: حج تمتع عبارت است از دو عبادت:

اول: عمره تمتع.

دوم: حج تمتع.

و واجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج بجا آورد.

اعمال عمره تمتع

مسأله ۱۵۲: اعمال عمره تمتع پنج چیز است:

۱- احرام در یکی از میقات ها (که بیان خواهد شد).

۲- طواف دور خانه خدا (کعبه معظمه).

۳- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف پشت حضرت ابراهیم نبی علیه السلام.

۷۸/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

۴- سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه.

۵- تقصیر (گرفتن مقداری از موی ناخن) پس از سعی.

اعمال حج تمتع

مسأله ۱۵۳: اعمال حج تمتع سیزده چیز است:

- ۱- احرام بستن از مکه معظمه به شرحی که می آید.
- ۲- وقوف (بودن) در عرفات از اوّل ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجه) تا مغرب و حرکت از عرفات در هنگام شب به مشعر.
- ۳- وقوف (بودن) در مشعر الحرام (مزدلفه) از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب و ماندن در مشعر در شب دهم تا طلوع فجر بنا بر احتیاط واجب.
- ۴- رمی جمره عقبه (زدن سنگ ریزه) در منی روز عید قربان.
- ۵- قربانی کردن در منی (روز عید قربان).
- ۶- تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از موی ناخن در منی که با این عمل هر آنچه با احرام بر او حرام شده حلال می شود، مگر زن و بوی خوش و نیز شکار کردن بنا بر احتیاط لازم.
- ۷- طواف (حج) دور خانه خدا پس از بازگشت به مکه معظمه.
- ۸- دو رکعت نماز طواف حج تمتع پشت مقام ابراهیم علیه السلام.
- ۹- سعی بین صفا و مروه و با این عمل بوی خوش نیز حلال می شود.
- ۱۰- طواف نساء دور خانه خدا بر همه حجّاج، مرد و زن، بالغ و نابالغ.
- ۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء پشت مقام ابراهیم علیه السلام، با این عمل زن نیز حلال می شود.
- ۱۲- بیتوته (ماندن شب) در منی، شب یازدهم و دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی موارد که بیانش خواهد آمد.
- ۱۳- رمی سه جمره (صغری، وسطی، عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم و در روز سیزدهم در صورتی که شب سیزدهم را در منی بماند بنا بر احتیاط لازم.

شرایط حج تمتع

مسأله ۱۵۴: شرایط حج تمتع چند چیز است:

۱- نیت، که از اوّل شروع به احرام عمره قصدش این باشد که حج تمتع را بجا می آورد، قربه الی الله تعالی، پس اگر نیت دیگری نمود. تقییداً. یا تردید در نیت داشت، حجّش باطل است و اگر نیت کند حج واجب را بجا می آورد و می داند که تمتع است کافی است.

۲- باید عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجة) انجام شود، پس اگر مقام عمره تمتع یا از آن قبل از شوال انجام شود باطل است.

۳- باید حج تمتع و عمره تمتع در یک سال انجام شود، پس اگر عمره تمتع را در یک سال بجا آورد و حج تمتع را به سال دیگر تأخیر اندازد، حج تمتع نخواهد بود و در این حکم فرقی نیست که تا سال آینده در مکه معظمه بماند یا به وطن رفته و مجدداً بازگردد. و نیز فرقی نمی کند که در احرام عمره تمتع بماند (یعنی تقصیر را انجام نداده باشد) یا از احرام خارج شده باشد.

۴- باید احرام برای حج تمتع. نه عمره آن. در حال اختیار از خود مکه معظمه باشد. و بهتر است که احرام از مسجد الحرام باشد و در مسجد هم بهتر است نزد مقام ابراهیم یا در حجر اسماعیل علیهما السلام باشد.

۵- باید مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر برای یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای انجام عمره و حج تمتع از طرف یک نفر اجیر شوند که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع را انجام دهد، صحیح نخواهد بود. همچنین اگر یک نفر عمره تمتع را برای کسی و حج تمتع را برای دیگری انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

چند مسأله

مسأله ۱۵۵: واجب است عمره تمتع قبل از حج تمتع انجام شود.

مسأله ۱۵۶: انسان پس از انجام عمره تمتع و با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجة باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده کند.

مسأله ۱۵۷: بیرون رفتن از مکه در اثناء عمره تمتع جایز نیست. همچنین است بیرون رفتن از

مگه پس از عمره تمتع و پیش از حج تمتع. مگر این که ناچار باشد و بیم نرود که به اعمال حج نرسد. پس در این حال واجب است از مگه محرم شده و بیرون رود، سپس با همان احرام به مگه برگشته و از مگه رهسپار عرفات شود. و اگر نتواند به مگه برگردد، از همان جا که هست به عرفات برود.

مسئله ۱۵۸: اگر کسی پس از انجام عمره تمتع بدون احرام از مگه بیرون رفت و از میقات گذشت، دو صورت دارد: اول آن که بازگشتنش به مگه معظمه قبل از ماه خروجش باشد، در این صورت لازم است بدون احرام به مگه معظمه بازگشته و از مگه برای حج تمتع احرام ببندد. دوم: آن که بازگشتنش به مگه بعد از ماه خروجش باشد که در این صورت لازم است احتیاطاً برای عمره تمتع محرم شود و عمره تمتع را تجدید نماید، سپس برای حج احرام ببندد و مقصود از ماه در اینجا سی روز است.

مسئله ۱۵۹: کسی که وظیفه اش حج تمتع است نمی تواند به «حج افراد» یا «قران» عدول نماید، مگر آن که پس از شروع به عمره تمتع وقتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نماید و خود را به حج برساند، در این صورت نیت را از عمره تمتع به «حج افراد» برگردانده و عمره را ترک نموده و اعمال «حج افراد» را بجا آورد و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۱۶۰: میزان در تنگی وقت، بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است، مثلاً: اگر صبح روز نهم ذی الحجة با احرام از میقات به نیت عمره تمتع وارد مگه معظمه شود و بخواهد عمره تمتع بجا آورد، اما برای ظهر عرفه (که اول وقت وقوف اختیاری در عرفات است) نمی تواند خود را به عرفات برساند، باید نیت احرام عمره را به احرام «حج افراد» تبدیل نموده و به عرفات رفته و اعمال «حج افراد» را به پایان برساند و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و محزی از «حجة الاسلام» خواهد بود.

مسئله ۱۶۱: کسی که وظیفه اش حج تمتع است، چنانچه پیش از شروع به احرام عمره تمتع بداند که بر اثر تنگی وقت نمی تواند عمره تمتع را تمام نماید، نمی تواند به «حج افراد» یا «قران»

عدول کند، بلکه واجب است سال آینده حج بجا آورد.

مسأله ۱۶۲: هرگاه برای عمره تمتّع در سعه وقت احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی به تأخیر انداخت که نتواند آن‌ها را انجام بدهد و حج را درک نماید، معصیت کرده و عمره اش باطل است و باید به «حجّ افراد» عدول نماید، یعنی با همان احرامی که به نیت عمره بسته، به نیت «افراد» به عرفات برود و اعمال حج را انجام دهد و گوسفند هم در «حجّ افراد» لازم نیست، لکن باید بعد از حج، عمره مفرده انجام دهد و بنابر احتیاط واجب سال بعد حج تمتّع بجا آورد.

۲- حجّ افراد و کیفیت آن

مسأله ۱۶۳: «حجّ افراد» عملی است مستقل و جداگانه و وظیفه اهل مکّه معظمه و کسانی است که از شانزده فرسخ با مکّه فاصله دارند و اگر بتواند علاوه بر «حجّ افراد»، عمره مفرده را بجا آورد، عمره مفرده نیز به طور جداگانه بر او واجب خواهد بود. و چنانچه بتواند هر دو را انجام دهد، واجب است هر دو را انجام دهد و فرقی ندارد کدام یک را مقدّم بدارد.

مسأله ۱۶۴: در تمام اعمال، حجّ تمتّع با «حجّ افراد» مشترک است مگر در این موارد:

۱- حجّ تمتّع باید پس از عمره تمتّع در یک سال و متصل به هم انجام شود و این اتصال بین (شوّال، ذی القعدة و ذی الحجة) باشد، ولی «حجّ افراد» همراه با عمره مفرده در یک سال باشد.

۲- در حجّ تمتّع قربانی واجب است و در «حجّ افراد» قربانی واجب نیست.

۳- در «حجّ افراد» در حال اختیار می‌توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدّم نمود، ولی در حجّ تمتّع در حال اختیار نمی‌توان این کار را کرد.

۴- احرام «حجّ افراد» باید از منزل حاجی یا یکی از مواقیت پنجگانه عمره تمتّع باشد، ولی احرام حجّ تمتّع از خود مکّه معظمه است.

۳- حجّ قرآن و کیفیت آن

مسأله ۱۶۵: «حجّ قرآن» در تمام اعمال با «حجّ افراد یکسان است مگر در دو جهت:

۱- قربانی در «حجّ قرآن» واجب است، اما در «حجّ افراد» واجب نیست و حاجی هنگام «حجّ

قرآن» باید قربانی را همراه داشته باشد.

۲- احرام در «حجّ افراد» فقط با تلبیه تحقق پیدا می‌کند، ولی در «حجّ قرآن» هم با تلبیه محقق می‌شود و هم با اشعار (علامت گذاشتن؛ بدین صورت که طرف راست کوهان شتر را بشکافد و آن را آغشته به خونس کند) و یا تقلید (چیزی به گردن حیوان قربانی آویزان کردن) و پس از بستن احرام برای «حجّ قرآن» عدول به حجّ تمتّع جایز نیست.

عمره تمتّع

برای انجام کلیّه اعمال حج و عمره، نیت لازم است. مقصود از نیت: قصد بجا آوردن اعمال است قربۀ الی الله تعالی، مثلاً چنین نیت می‌کند: حجّ تمتّع بجا می‌آورم و در ابتدا عمره تمتّع انجام می‌دهم، قربۀ الی الله تعالی.

تفصیل اعمال عمره تمتّع

۱- احرام

مسأله ۱۶۷: اولین عمل از اعمال عمره تمتّع احرام است و احرام باید از میقات‌های خاص بسته شود.

میقات‌های احرام

مسأله ۱۶۸: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله جاهایی را برای بستن احرام حج یا عمره تعیین فرموده‌اند که هریک از آن‌ها را «میقات» نامیده‌اند و واجب است احرام در آن جا بسته شود و در حال اختیار جایز نیست بدون احرام از آن جا به مکه معظمه عبور کند. «میقات‌ها» عبارتند از:

مسأله ۱۶۹: مسجد شجره (ذوالحلیفه) در حومه مدینه منوره که میقات اهل مدینه و هر کسی است که بخواهد از مدینه به حج رود. بنابراین احتیاط واجب اگر بتوان از درون مسجد و گرنه جایز است در بیرون مسجد، محاذی و برابر آن، در طرف راست یا چپ باشد، برای کسی که به طرف

تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۸۳

مکّه معظّمه ایستاده باشد محرم شود. و نام مسجد شجره «أَبَار عَلٰی عَلِيهِ السَّلَام» است یعنی چاه‌هایی که به دست امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام حفر و برای حجاج وقف شده است.

مسأله ۱۷۰: کسی که از راه مدینه به مکّه برای حج می‌رود و به مسجد شجره می‌رسد و میقات دیگری بین راه به نام «جحفه» دارد، جایز نیست از مسجد شجره بی احرام بگذرد و از «جحفه» احرام ببندد، مگر این که شخص بیمار یا ضعیف و مانند آن باشد که نتواند از مسجد احرام ببندد.

مسأله ۱۷۱: شخص جنب و حیض نمی‌توانند وارد مسجد شجره بشوند و احرام ببندند مگر در حال عبور، یعنی از دربی داخل و از درب دیگر خارج شوند و در حال عبور احرام ببندند. در غیر این صورت باید بیرون از مسجد و در محاذات آن محرم شوند، یعنی مسجد را طرف راست یا چپ خود قرار دهند.

مسأله ۱۷۲: وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد و هرکسی است که از آن جا عبور کند هر چند اهل عراق و نجد نباشد. و این میقات دارای سه قسمت است: اوّل: مسلخ که جزء اوّل آن است. دوم: غمره نام وسط آن. سوّم: ذات عرق آخر آن.

مسأله ۱۷۳: احتیاط استحبابی این است که اگر مانعی از قبیل بیماری و تقیّه ندارد از غمره احرام بسته شود و تا ذات عرق به تأخیر نیافتد.

مسأله ۱۷۴: محرم شدن در ذات عرق در حال تقیّه واجب است و در این صورت اگر پیش از آن محرم شود، گناه کرده و صحت احرام او محلّ اشکال است و باید در ذات عرق دوباره محرم شود. مسأله ۱۷۵: جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب و هرکسی است که از آن جا عبور کند هر چند اهل آن جا نباشد. این در صورتی است که از میقات قبل (مسجد شجره) محرم نشده باشد. مسأله ۱۷۶: یلملم: نام کوهی است و میقات اهل یمن و هرکسی است که از آن جا عبور کند.

مسأله ۱۷۷: قرن المنازل: میقات اهل طائف و هرکسی است که از آن جا عبور کند.

مسأله ۱۷۸: مکّه معظّمه: میقات حجّ تمتّع است. نه عمره آن. و همچنین میقات «حجّ قران» و

«افراد» برای اهل مکه می باشد.

مسئله ۱۷۹: منزل خود شخص: میقات کسی است که منزلش به مکه مکرمه از میقات نزدیکتر باشد و مجاور هم نباشد. چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست برای احرام به یکی از میقات های دیگر برود، گرچه مستحب است احتیاطاً از منزل خود احرام ببندد و در میقات تجدید نماید. و چنانچه دو منزل دارد یکی قبل از میقات و دیگری بعد از میقات، احوط احرام از میقات است. و اگر مجاور است و حج تمتع انجام می دهد، بنابر احتیاط واجب باید به یکی از میقات ها بلکه میقات اهل خود رفته و محرم شود.

مسئله ۱۸۰: جعرانه: میقات برای مجاورین مکه و آن کسانی است که بیش از دو سال در مکه معظمه هستند برای «حج افراد» و «قران». هر چند مستحب است که برای احرام عمره مفرده یا حج تمتع به میقات برگردند.

مسئله ۱۸۱: محاذات یکی از مواقیت پنجگانه اولیه، برای کسی است که عبورش از هیچ یک از مواقیت نباشد.

مسئله ۱۸۲: ادنی الحّل: یعنی نزدیک ترین جای بیرون حرم و آن مسجد تنعیم و حدیبیه و جعرانه است. میقات است برای کسی که در مکه معظمه باشد (خواهد مجاور و یا غیر مجاور) و بخواهد عمره مفرده انجام دهد. گرچه مستحب است که مجاور از میقات اهلش (جعرانه) محرم شود. مسئله ۱۸۳: فحّ: میقات بجه های است که از مدینه منوره بیایند و در مسجد شجره محرم نشده باشند و اگر از راه های دیگر بیایند، باید از میقات های مربوطه احرام ببندند.

مسئله ۱۸۴: احرام بستن پیش از میقات جایز نیست.

احکام میقات ها

مسئله ۱۸۵: احرام بایستی از میقات بسته شود و عبور از میقات در حال احرام کفایت نمی کند، و از این حکم دو مورد استثنا شده است:

۱- آن که نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات از محلّ معینی محرم شود، در این صورت قبل از میقات احرام صحیح است و نیازی به تجدید آن در میقات یا در عبور از میقات نیست، و در

تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۸۵

این حکم بین احرام حج واجب و مستحب و یا عمره مفرده فرقی نیست. گرچه بهتر است در میقات دوباره محرم شود خصوصاً اگر جایی که نذر کرده از مکان‌های مقدّس مانند کوفه باشد. و فرقی در احرام حج یا عمره واجب یا مستحب نیست، ولی در حج باید در ماه‌های حج باشد. ۲- کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بیم داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد، موفق به درک عمره نشود، جایز است قبل از میقات محرم شود. گرچه بقیّه اعمال را در ماه شعبان بجا آورد.

مسأله ۱۸۶: می‌توان با نذر از جدّه محرم شد و اگر کسی نذر کرد که پیش از میقات احرام ببندد ولی خلاف نذر خود از میقات احرام بست، احرام وی باطل نیست. ولی اگر عمداً خلاف نذر رفتار کرده باشد، کفّاره مخالفت نذر بر او واجب می‌شود.

مسأله ۱۸۷: همان طوری که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات نیز جایز نمی‌باشد، پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه معظّمه را دارد، جایز نیست در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید، هر چند میقات دیگری در پیش داشته باشد و هرگاه بدون احرام و به غیر عمد از میقات عبور کرد، واجب است به میقات برگردد و محرم شود، مگر این که میقاتی در پیش داشته باشد، مثل این که از مسجد شجره بدون احرام گذشته ولی جحفه در پیش است که احرام در آن کافی است.

مسأله ۱۸۸: هرگاه مکلف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد، چنانچه امکان دارد، واجب است به میقات برگردد. و چنانچه امکان برگشت نیست و در مسیرش میقات دیگری هست، از آن محرم شود، هر چند گناه کرده است. و اگر میقات دیگری در پیش نباشد، احرامش در غیر میقات کافی نبوده و علی الاقوی حج او باطل می‌باشد و قضای آن واجب است. مسأله ۱۸۹: هرگاه انسان به جهت فراموشی یا ندانستن مسأله، از میقات محرم نشد و از آن جا گذشت، بنا بر احتیاط هر وقت عذرش برطرف شد. در صورتی که مقصّر نباشد. واجب است به میقات برگردد و محرم شود و چنانچه برگشتن به میقات ممکن نباشد، از هر جا که به میقات

نزدیک تر است محرم شود، مثلاً اگر داخل حرم شده، باید تا هر جا که می تواند از حرم دور شده و محرم شود و اگر امکان خروج از حرم را نداشته باشد، از هر جا که برایش ممکن است باید محرم شود، داخل مکه معظمه شده باشد یا نشده باشد.

مسئله ۱۹۰: اگر زن حیض از روی ندانستن مسئله بدون احرام از میقات گذشت، باید طبق مسئله قبلی رفتار نماید.

مسئله ۱۹۱: اگر مکلف به کلی احرام را فراموش کرد یا جاهل به مسئله بود یا این که احرام را در جایی غیر از میقات به تصوّر این که میقات است، انجام داد تا این که تمام اعمال عمره را به پایان رساند، عمره او محلّ اشکال است.

مسئله ۱۹۲: کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مکه معظمه دور باشد، وقتی می خواهد حج یا عمره انجام دهد، باید از یکی از میقات ها محرم شود، و اگر راهش به هیچ کدام از مواقیت برخورد نداشت، باید از محاذات یکی از آن ها محرم شود.

مسئله ۱۹۳: کسی که مقیم مکه معظمه است اگر بخواهد حج تمتّع انجام دهد، واجب است به میقات برود. برای عمره تمتّع احرام ببندد و اگر رفتن به میقات برایش ممکن نباشد، حکم او حکم کسی است که احرام را فراموش کرده و بیان آن گذشت.

احرام حج تمتّع

مسئله ۱۹۴: کسی که قصد حج تمتّع دارد و عمره تمتّع را انجام داده است، باید از مکه معظمه محرم شود و به عرفات برود و اگر عالماً و عامداً از جای دیگری غیر از مکه محرم شد، احرامش صحیح نخواهد بود، هر چند با احرام وارد مکه شود، بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید. در غیر این صورت حجّش باطل است.

مسئله ۱۹۵: کسی که می خواهد حج تمتّع انجام دهد، اگر فراموش کند محرم شود و بدون احرام به عرفات برود، باید در صورت امکان به مکه برگردد و محرم شود و اگر امکان برگشت نباشد، در هر جا که ممکن است. حتّی در عرفات. از همان محرم شود، و جاهل به مسئله نیز همین حکم را دارد.

مسئله ۱۹۶: کسی که احرام حج را به کلی فراموش کرده نموده و تا پایان اعمال حج به خاطرش

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۸۷

نیاید، حجّش صحیح است و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

واجبات احرام

مسأله ۱۹۷: واجبات احرام سه چیز است:

اول: پوشیدن لباس احرام.

دوم: نیت.

سوم: تلبیه.

۱- پوشیدن لباس احرام

مسأله ۱۹۸: اول از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) پس از کندن لباس‌هایی است که پوشیدن آن‌ها بر محرم حرام می‌باشد.

مسأله ۱۹۹: پوشیدن لباس احرام باید پس از بیرون آوردن لباس‌هایی که پوشیدن آن بر محرم حرام است، باشد، مگر نابالغ که جایز است در محلّ «فخ» (در حومه مکه) لباس‌هایش را درنیابد و نیز بنا بر احتیاط واجب باید پیش از نیت و تلبیه، آن‌ها را بپوشد و چنانچه پیش از پوشیدن نیت کرد و تلبیه گفت، باید پس از آن اعاده نماید.

مسأله ۲۰۰: بنا بر احتیاط لازم باید در بیرون آوردن لباس‌های خود و پوشیدن جامه احرام، قصد قربت کرده و ازار را به گردن نبندد و نیز سبک یا شبیه آن در دو جامه نگذاشته، آن‌ها را به یکدیگر گره نزند و دو طرف رداء را روی هم نگذارد و یا چیزی از آن‌ها را به هم نبندد. و باید از سوراخ کردن رداء و بیرون آوردن سراز آن خودداری کند.

مسأله ۲۰۱: بنا بر احتیاط لازم نباید دانسته و عمدی در لباس عادی محرم شود. و چنانچه فراموش کرد یا حکم را نمی‌داند و در لباس عادی محرم شد، باید فوراً آن را بیرون آورد و احرام او صحیح است. همچنین است اگر پس از احرام لباسی بپوشد، ولی باید آن را از طرف پا در آورد، هر چند با شکافتن یقه و پاره کردن آن.

مسأله ۲۰۲: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است و شرط تحقّق احرام نیست و کیفیت مخصوصی برای آن نیست، اما احوط پوشیدن آن به نحو متعارف می‌باشد.

مسأله ۲۰۳: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بدون این که لباس‌های قبلی را بیرون

بیاورد لباس احرام را بپوشد، پس از توجّه باید لباس‌های قبلی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح است. و اگر پس از پوشیدن لباس احرام، لباس‌های قبلی خودش را از روی فراموشی یا ندانستن پوشید، پس از توجّه باید لباس عادی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح خواهد بود. مسأله ۲۰۴: پوشیدن بیش از دو لباس احرام، در اوّل احرام یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا گرما و غیر این‌ها اشکالی ندارد.

مسأله ۲۰۵: آنچه در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می‌باشد. بنابراین لازم است لباس احرام مباح و پاک باشد و نجس بودن آن به نجاستی که در نماز بخشوده است، اشکالی ندارد و چنانچه نجس شد لازم است فوراً تطهیر و یا تعویض شود و چنانچه تطهیر یا تعویض نشود، معصیت انجام شده ولی احرام صحیح است.

مسأله ۲۰۶: لباس احرام نباید از حریر خالص باشد حتّی برای زنان. همچنین نباید از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد. نباید برای مردان زربافت باشد و همچنین ازار و رداء نباید بدن نما باشد. مسأله ۲۰۷: احتیاط لازم این است زن محرم هرچه از حریر خالص باشد، نپوشد.

مسأله ۲۰۸: بنابر احتیاط لازم جامه احرام باید بافتنی باشد نه مصنوعی. و نباید پوست و غد و مانند آن باشد.

مسأله ۲۰۹: تنها مردان واجب است دو جامه رداء و ازار را بپوشند ولی زنان می‌توانند در لباس‌های عادی خود که شرایط لباس احرام را دارد محرم شوند.

مسأله ۲۱۰: چنانچه یکی از جامه‌های احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احتیاط واجب این است که هرچه زودتر عوض کرده یا تطهیر کند.

مسأله ۲۱۱: واجب نیست جامه‌های احرام را دائماً بپوشد و برداشتن آن‌ها برای ضرورت یا غیر آن مثل عوض کردن یا شستن و امثال آن اشکالی ندارد. همچنان که عوض کردن آن در صورتی که رداء دیگری دارای شرایط ذکر شده وجود داشته باشد، جایز است. ولی بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که در موقع طواف، همان جامه‌هایی را بپوشد که در آن‌ها محرم شده است.

۲- نیت

مسأله ۲۱۲: دوّم از واجبات احرام: نیت می باشد و در آن چند چیز معتبر است که بدون آن ها احرام صحیح نخواهد بود.

۱- قصد قربت، یعنی به جهت این که خدا فرموده است محرم می شوم.

۲- نیت که همزمان با شروع در احرام باشد.

۳- تعیین نوع احرام که برای کدام عمره، یا کدام حجّ واجب یا مستحب و حجّة الإسلام یا نذر است و یا اگر واجب به افساد است باید تعیین شود و بدون تعیین نیت احرام باطل است و اگر از طرف کسی است باید تعیین کند.

مسأله ۲۱۳: در صحت نیت داعی بر آن کافی است و گفتن به زبان و گذراندن از قلب لازم نیست، گرچه مستحب است در اینجا نیت را بر زبان بیاورد و بگوید: احرام می بندم برای عمره تمتّع از «حجّة الإسلام» قربة إلى الله تعالى.

مسأله ۲۱۴: در صحت احرام، مجرد عزم بر ترک محرمات از اوّل تا آخر احرام کافی است، یعنی اگر اوّل احرام قصدش ترک محرمات باشد گرچه تا آخر ادامه پیدا نکند، احرامش باطل نخواهد شد.

۳- تلبیه

مسأله ۲۱۵: سوّم از واجبات احرام: تلبیه است، یعنی گفتن این جمله:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و احتیاط لازم اضافه نمودن این جمله است:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

پس تلبیه کامل چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَ

الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

خدایا! مکرراً فرمان تو را اطاعت می کنم. برای تو شریکی نیست. به درستی که ستایش

تورا سزا است و نعمت و ملک و پادشاهی از آن توست، شریکی برای تو نیست.

مسئله ۲۱۶: قرائت تلبیه فقط یک بار واجب است و بدین وسیله احرام منعقد می شود، ولی مستحب است تلبیه را تکرار کند هنگامی که از خواب برمی خیزد و بعد از هر نماز واجب، و به هنگام سوار شدن و در هر پستی و بلندی. و مستحب است هنگام سحر بسیار تلبیه بگوید حتی اگر جنب یا حائض باشد.

مسئله ۲۱۷: در صحت احرام، عزم بر ترک استمناء و جماع معتبر است. همچنین است عزم بر ترک دیگر محرمات احرام و ترک عملی که حج یا عمره را فاسد می کند، بنابراین احتیاط لازم. پس اگر از ابتدای احرام قصدش این باشد که پیش از وقوف به مشعر استمناء کند، یا با عیال خود جماع (نزدیکی) نماید، یا در انجام و ترک این دو عمل مردد باشد، احرامش باطل است. و همین طور است محرمات دیگر احرام، بنابراین احتیاط لازم. اما اگر از ابتدا عزم بر ترک این امور داشت، ولی بعد از احرام قصد انجام دادن یکی از آنها را کرد، احرامش باطل نیست.

مسئله ۲۱۸: مستحب است در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند تا این که خانه های مکه معظمه را مشاهده نماید. و در حج تمتع مستحب است تا زوال روز عرفه (روز نهم) تلبیه را قطع نکند. مسئله ۲۱۹: اگر فراموش کند در مکان احرام (میقات) تلبیه بگوید و بعد از گذشتن از میقات به یاد آورد، در صورت امکان باید به میقات بازگردد و اگر نمی تواند از همان جا تلبیه بگوید و احرامش صحیح خواهد بود. و چنانچه داخل محدوده حرم شده است، باید در صورت امکان خارج شود و تلبیه را بگوید.

مسئله ۲۲۰: بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و با قرائت عربی صحیح ادا نماید (مانند قرائت نماز) هر چند با تلقین دیگری باشد، یعنی کسی با قرائت صحیح ادا نموده و این شخص از زبان او گرفته و صحیح ادا نماید. پس اگر این الفاظ را با قرائت صحیح یاد نگرفت و تلقین نیز برایش ممکن نبود، واجب است آنچه را که می تواند بگوید و بنابراین احتیاط مستحب در این صورت جمع کند بین گفتن به میسور و گفتن ترجمه آنها و نایب گرفتن دیگری که به جای او بگوید.

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره/ ۹۱

مسأله ۲۲۱: شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اولی این است که علاوه بر آنچه انجام داده است، نایب هم بگیرد که این کلمات را به نیابت او به طور صحیح ادا نماید.

مسأله ۲۲۲: برای شخص بی هوش و بجه غیر ممیز، دیگری به نیابت تلبیه بگوید. گرچه اگر شخص بیهوش قبل از اعمال به هوش آمد، احتیاط واجب آن است که خودش به میقات برگردد و از آن جا محرم شود.

مسأله ۲۲۳: احرام حج تمتّع و احرام عمره تمتّع و احرام «حج افراد» و احرام عمره مفرده بدون تلبیه محقق نمی شود. اما احرام «حج قرآن» بدون «اشعار» و «تقلید» نیز محقق نمی شود گرچه تلبیه گفتن واجب است.

مسأله ۲۲۴: «اشعار» عبارت است از پاره کردن کوهان شتر و احوط و افضل پاره کردن طرف راست کوهان است و اولی این است که محرم در حال قیام اشعار کند و بدن شتر را خون آلود کند. مسأله ۲۲۵: «تقلید قربانی» عبارت از این است که نعلین کهنه ای که با آن نماز خوانده به گردن قربانی آویزان نماید.

مسأله ۲۲۶: لازم نیست تلبیه هم زمان با نیت احرام و پوشیدن لباس احرام باشد بلکه احوط چنین است و تأخیر تلبیه از نیت احرام و پوشیدن لباس احرام جایز است.

مسأله ۲۲۷: در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست و احرام شخص بی وضو و جنب یا زن حائض و نفساء اشکالی ندارد. ولی جنب و حائض و نفساء باید در مسجد و در حال عبور و بی توقف احرام ببندند گرچه غسل احرام بر همه مستحب است.

مسأله ۲۲۸: تلبیه (با اشعار یا تقلید در «حج قرآن») برای تحقق احرام به منزله تکبیرة الإحرام برای نماز است و احرام بدون آن ها محقق نمی شود. پس هرگاه نیت احرام نموده و لباس احرام پوشیده اما هنوز تلبیه نگفته (یا در حج قرآن، اشعار یا تقلید نکرده) احرام محقق نشده و انجام محرمات احرام کفاره نخواهد داشت.

۹۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مسئله ۲۲۹: کسی که می‌خواهد از مدینه منوره به مکه معظمه برود، مستحب است تلبیه را تا «بیداء» (زمینی که تقریباً دو کیلومتر بعد از مسجد شجره خارج از مدینه واقع شده است)، آهسته بگوید و از آن به بعد مستحب است جهراً (بلند) بگوید. و کسی که از راه‌های دیگر به مکه معظمه می‌رود، مستحب است مقداری از راه آهسته تلبیه گفته و سپس جهراً بگوید. و نیز مستحب است تلبیه را در موقع احرام و پوشیدن لباس احرام آهسته بگوید، و کسی که می‌خواهد از مکه به عرفات برود، مستحب است تلبیه را تا رقطاء (نام محله‌ای است در مکه) آهسته و از آن به بعد جهراً بگوید.

مسئله ۲۳۰: در عمره تمتع هنگامی که چشمش به خانه‌های مکه معظمه می‌افتد احتیاط غیر لازم این است که تلبیه را قطع کند و در عمره مفرده چنانچه خارج از حرم احرام بسته، هنگام ورود به حرم تلبیه را قطع کند و اگر داخل مکه بود و برای احرام خارج شد، وقتی چشمش به کعبه معظمه افتاد، تلبیه را قطع کند و عموم حجاج از ظهر روز عرفه تلبیه نگویند. مسئله ۲۳۱: اگر بعد از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات شک کند که تلبیه گفته یا نه، بنا را بر نگفتن بگذارد و تلبیه بگوید و اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند صحیح گفته یا نه، بنابر صحت بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

تروک احرام

مسئله ۲۳۲: هرگاه مکلف احرام بست، بیست و پنج چیز بر او حرام می‌شود که آن‌ها را تروک احرام می‌نامند:

۱- شکار حیوان صحرایی.

۲- جماع (نزدیکی) با زن.

۳- بوسیدن زن.

۴- دست زدن به زن.

۵- نگاه کردن به زن.

۶- استمناء.

- ۷- عقد نکاح.
 - ۸- استعمال بوی خوش.
 - ۹- پوشیدن لباس دوخته بر مردان.
 - ۱۰- سرمه کشیدن.
 - ۱۱- پوشیدن آنچه روی پا را بپوشاند مانند جوراب بر مردان.
 - ۱۲- نگاه کردن در آینه.
 - ۱۳- دروغ گفتن.
 - ۱۴- مجادله کردن.
 - ۱۵- کشتن شپش و مانند آن.
 - ۱۶- زینت کردن.
 - ۱۷- روغن مالی.
 - ۱۸- کندن موی بدن.
 - ۱۹- پوشاندن سر بر مردان.
 - ۲۰- پوشاندن صورت بر زنان به وسیله نقاب.
 - ۲۱- زیر سایه رفتن بر مردان.
 - ۲۲- خارج نمودن خون از بدن.
 - ۲۳- دندان کشیدن.
 - ۲۴- ناخن گرفتن.
 - ۲۵- همراه داشتن اسلحه.
- و تفصیل این امور در چند مسأله ذکر می شود.

۱- شکار حیوان صحرائی

مسأله ۲۳۳: بر محرم شکار حیوان صحرائی حرام است. داخل حرم باشد یا خارج حرم، البتّه شکار در حرم مطلقاً حرام است، چه برای محرم و چه برای غیر محرم و کمک به شکارچی نیز حرام است

هرچند با اشاره باشد و فرقی ندارد که شکارچی محرم باشد یا غیر محرم.

مسئله ۲۳۴: خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش او را شکار کرده و ذبح نموده باشد یا کسی که محل بوده شکار کرده و ذبح نموده باشد، چه این ذبح در حرم واقع شده باشد یا در غیر حرم.

مسئله ۲۳۵: ملخ در حکم حیوان صحرایی است و برای محرم، گرفتن و شکار و خوردنش حرام است.
مسئله ۲۳۶: جوجه و تخم حیوانات صحرایی حکم خود حیوانات را دارد، پس شکار جوجه یا کمک به شکارش و دلالت و راهنمایی دیگری برای شکار و خوردن آن، بر محرم حرام است. و نیز برداشتن تخم و خوردن و کمک و اشاره به برداشتن آن حرام می باشد.

مسئله ۲۳۷: احکام شکار مختص به حیوان صحرایی است و یه شکار حیوانات دریایی و اهلی (مانند گوسفند و شتر و غیره) جریان ندارد.

مسئله ۲۳۸: کشتن درندگان برای محرم جایز نیست، مگر وقتی که به انسان حمله کنند یا این که از آن ها بترسد، اما کشتن افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای گزنده، عقرب، موش، کلاغ، کرکس و باز شکاری، جایز است و کشتن این قسم حیوانات کفاره ندارد.

مسئله ۲۳۹: محرمی که از کلاغ و باز شکاری بترسد، می تواند به آن تیراندازی کند و اگر کشته شد کفاره ندارد.

کفاره شکار و کشتن حیوانات

مسئله ۲۴۰: کفاره کشتن شتر مرغ و یا بچه شتر مرغ، یک شتر است. و افضل جزور (نوعی شتر) است. و کفاره کشتن گاو وحشی، یک گاو و کفاره کشتن خرو وحشی، یک شتر (بدنه) یا یک گاو است، گرچه احتیاط لازم دادن شتر (بدنه) است. و کفاره کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند است. و کفاره کشتن روباه، یک گوسفند است و کفاره کشتن موش صحرایی و خارپشت و سوسمار، یک بزغاله است و کفاره کشتن غظایه (نوعی مارمولک) یک مشت طعام می باشد.

مسئله ۲۴۱: کفاره محرمی که در بیرون حرم کبوتر یا مانند آن شکار کرده و کشته است یک

احرام حج تمتع / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره/ ۹۵

گوسفند، و کفّاره جوجه آن یک میش کوچک و یا یک بزغاله است، بنابراین احتیاط لازم کفّاره شکستن تخم آن یک درهم می باشد. و کفّاره غیر محرمی که در حرم کبوتر یا مانند آن کشته یک درهم و کفّاره جوجه آن نیم درهم و کفّاره تخم ن ربع درهم می باشد. و محرمی که در حرم کبوتر یا مانند آن یا جوجه اش را کشته یا تخمش را شکسته است، باید دو کفّاره بدهد یکی برای شکار و دیگری برای محرم بودن. و حکم تخم پرندۀ ای که جوجه در آن حرکت کرده مانند جوجه است.

مسأله ۲۴۲: اگر شکاری کرده که کفّاره اش یک شتر است، چنانچه از تهیه شتر عاجز شد، باید قیمت آن را گندم خریده و بین فقرا تقسیم نماید و چنانچه شصت فقیر را اطعام نماید، کفایت می کند و به هر یک ۷۵۰ گرم گندم بدهد، گرچه هزینه اطعام از قیمت شتر کمتر باشد. و چنانچه از این نیز عاجز شد هجده روز روزه بگیرد و لازم نیست این هجده روز پی در پی باشد.

مسأله ۲۴۳: اگر کفّاره گوسفند باشد و از پرداخت آن عاجز شود، ده فقیر را اطعام نماید و اگر عاجز شد، سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۲۴۴: کفّاره شکار قطاة (سنگ خوار) و کبک و دُرّاج و مانند آن یک برّه است که از شیر گرفته شده و علف خوار باشد. و کفّاره شکار گنجشک و قنبره (چکاوک) و صعوة (سنگانه) و مانند آن یک مد (تقریباً سه ربع کیلو) گندم یا جو یا نان و مانند این ها است. و بنابراین احتیاط لازم یک برّه از شیر گرفته شده است. و کفّاره کشتن ملخ یک عدد خرما و کفّاره کشتن بیشتر از یک ملخ، یک مشت گندم و مانند آن و کفّاره کشتن تعداد زیادی ملخ، یک گوسفند است.

مسأله ۲۴۵: اگر کفّاره شتر باشد و یافت نشود، باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین دو مُد و اگر نتوانست یک مُد (ده سیر که همان ۷۵۰ گرم است) طعام بدهد، و اگر نتوانست باید شصت روز روزه بگیرد، و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد. و اگر کفّاره، گاو باشد و یافت نشود، باید قیمت گاو را به سی مسکین اطعام نماید، و چنانچه نتوانست نه روز روزه بگیرد. و چنانچه کفّاره، گوسفند باشد و یافت نشود یا نتواند تهیه کند، باید ده مسکین را

۹۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

اطعام نماید و اگر نتوانست باید سه روز روزه بگیرد و مستحب است سه روز متوالی روزه بگیرد.
مسئله ۲۴۶: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد مگر برای دفع اذیت باشد که کفاره ندارد.
مسئله ۲۴۷: اگر در راهی ملخ زیاد است، محرم باید از راه دیگری برود تا آن را نکشد، و اگر نتواند این کار را بکند که خواه ناخواه ملخ پایمال می شود اشکالی ندارد.

مسئله ۲۴۸: اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند بر هر یک از آنها پرداخت گفاره جداگانهای واجب می باشد.

مسئله ۲۴۹: کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است. بنابراین اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، باید دو کفاره بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسئله ۲۵۰: اگر کسی شکاری همراه داشته باشد و داخل حرم شود، باید آن را رها کند و چنانچه آن را رها نکرد تا این که مُرد، باید کفاره بدهد، بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و بعداً محرم شده است نیز این حکم جاری است، یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد.

مسئله ۲۵۱: در وجوب کفاره کشتن شکار و خوردن آن فرقی نیست که از روی عمد باشد یا سهوی یا به جهت ندانستن مسئله.

مسئله ۲۵۲: با تکرار شکار، کفاره نیز مکرر می شود.

۲- جماع

مسئله ۲۵۳: نزدیکی با زنان (جماع) پس از احرام و قبل از شروع به اعمال عمره و نیز در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده و حج تمتع و پس از آن و پیش از خواندن نماز طواف نساء؛ بر محرم حرام است.
مسئله ۲۵۴: پس از آن که محرم طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و همچنین پس از اتمام اعمال عمره تمتع.

مسئله ۲۵۵: همان طور که زن بر مرد محرم حرام است، مرد نیز بر زنی که در حال احرام است، حرام می باشد.

مسئله ۲۵۶: اگر در عمره تمتع بعد از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن نزدیکی

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۹۷

نماید، کفّاره اش یک شتر جزور یعنی بزرگ است و اگر عاجز از شتر است، کفّاره آن یک گاو و اگر از آن نیز عاجز است، یک گوسفند می باشد، ولی عمره اش صحیح است. اما اگر این عمل پیش از سعی بود، عمره اش باطل می شود و کفّاره دارد و در صورت امکان باید اعاده نماید.

مسأله ۲۵۷: اگر کسی که احرام حج بسته، قبل از وقوف در مشعر از روی علم و عمد، با عیال خود از جلوی عقب نزدیکی نماید؛ حجّ او و حجّ آن زن در صورتی که محرم و عالم و راضی به این عمل باشد، باطل می شود و برهریک واجب است حج را تمام کرده و کفّاره داده و حج را در سال بعد اعاده کند، چه حجّ آنان واجب باشد چه مستحب. اما اگر زن مجبور بر این عمل بوده، حجّش فاسد نمی شود و کفّاره نیز بر او واجب نیست و بر مرد دو کفّاره واجب می شود. و کفّاره این عمل در صورت تمکّن یک شتر و چنانچه نتواند یک گاو و گرنه یک گوسفند است و واجب است بین آن زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجّی که بعداً اعاده می کنند جدایی باشد تا آن که پس از وقوفین به آن محل برسند. و هرگاه هنگام رفتن به عرفات از منی عبور کند و جماع نماید، لازم است تا وقت نحر در منی از هم جدا باشند، و احتیاط واجب این است که جدایی تا پایان اعمال حج باشد.

مسأله ۲۵۸: هرگاه محرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید، چنانچه پیش از طواف نساء باشد، کفّاره بر او واجب می شود و حجّش فاسد نیست و چنانچه بعد از طواف نساء باشد و قبل از نماز آن، کفّاره ندارد و حج نیز صحیح است.

مسأله ۲۵۹: هرگاه در عمره مفرده از روی علم و عمد پیش از سعی با زن نزدیکی نماید، عمره اش باطل و کفّاره اش یک شتر است و واجب است این عمره را تمام نموده و تا یک ماه در مکه بماند سپس به یکی از میقات ها رفته و از آن جا برای عمره دوّم محرم شود. و مجدّداً برای انجام عمره مفرده محرم شود و دوباره تمام اعمال را بجا آورد. و چنانچه این عمل بعد از طواف نساء و قبل از نماز طواف بوده، عمره صحیح است و کفّاره ای ندارد، و چنانچه بعد از سعی و قبل از تقصیر باشد، عمره باطل نیست ولی کفّاره اش یک شتر است و همین احکام در عمره

تمتّع نیز جریان دارد.

مسأله ۲۶۰: کسی که از احرام درآمده، اگر با زن خود که محرم است نزدیکی نماید، کفّاره بر زن واجب می‌شود، ولی مرد باید غرامت آن را بدهد و کفّاره‌اش یک شتراست.

مسأله ۲۶۱: محرمی که از روی ندانستن مسأله یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید، عمره و حجّش صحیح است و کفّاره‌ای بر او واجب نمی‌شود. و این حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفّاره است و بیان می‌شود نیز جاری است، مگر در موارد زیر:

الف. آن که طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید، یا مقداری از سعی را در عمره تمتّع فراموش کند و با عیال خود نزدیکی نماید، یا ناخن‌های خود را بگیرد به خیال این که احرامش تمام شده، و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

ب. کسی که دست خود را بی خود بر سر و ریش خود بکشد و یک مویا بیشتر از آن بیفتد.

ج. آن که از روی نادانی بدن خود را روغن مالی کند. و حکم این‌ها در جایش می‌آید.

۳- بوسیدن

مسأله ۲۶۲: سوّم از محرمات احرام: بوسیدن زن است.

مسأله ۲۶۳: جایز نیست محرم از روی علم و عمد از روی شهوت زن خود را ببوسد و چنانچه او را با شهوت بوسید و از او منی خارج شد، لازم است یک شتر کفّاره بدهد و اگر از روی شهوت بوسید و منی خارج نشد، بنابراین اقوی کفّاره یک شتراست، و اگر بوسیدن از روی شهوت نبود، کفّاره‌اش یک گوسفند است.

۴- لمس

مسأله ۲۶۴: چهارم از محرمات احرام: لمس زن است.

مسأله ۲۶۵: شخص محرم نباید جایی از بدن خود را به بدن زنش از روی شهوت بمالد، و چنانچه این عمل را انجام داد باید یک شتر کفّاره بدهد.

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۹۹

۵- نگاه کردن به زن و ملاعبه با او

مسأله ۲۶۶: هرگاه محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند یا با او ملاعبه و شوخی نماید و منی از او بیرون بیاید، باید یک شترکفّاره بدهد، ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی خارج شود کفّاره ندارد. و چنانچه به زن اجنبی نگاه کند و منی از او خارج شود، باید در صورت تمکّن یک شتر و اگر نتواند یک گاو و گرنه یک گوسفند کفّاره بدهد، چه از روی شهوت نگاه کرده باشد چه بدون شهوت. و اگر منی از او بیرون نیاید کفّاره ندارد، هرچند از روی شهوت نگاه کرده باشد، گرچه کار حرامی مرتکب شده است.

مسأله ۲۶۷: محرم می تواند به غیر از آنچه گفته شد از زن خود لذّت ببرد، مانند سخن گفتن، اگرچه از روی شهوت باشد ولی احتیاط غیر لازم این است که از وی هیچ گونه لذّتی نبرد.

مسأله ۲۶۸: چنانچه عمداً به زن نامحرم نگاه کند و منی از او بیرون بیاید چه از روی شهوت باشد یا نباشد و چه قصد بیرون آمدن منی داشته یا نداشته باشد، چنانچه از لحاظ اقتصادی دارا باشد، کفّاره اش یک شتر و اگر متوسط الحال باشد، یک گاو و اگر فقیر باشد یک گوسفند می باشد. و اگر منی بیرون نیاید گرچه معصیت کرده ولی کفّاره ندارد.

مسأله ۲۶۹: نگاه به زنی که به انسان محرم است بدون شهوت اشکالی نداشته و کفّاره ندارد.

مسأله ۲۷۰: زن در تمامی این احکام مانند مرد است و نمی تواند به مرد از روی شهوت نگاه کرده یا او را لمس نماید یا ببوسد.

۶- عقد نکاح

مسأله ۲۷۱: عقد نکاح، چه برای خود باشد یا دیگری، عقد دائم یا موقت، آن دیگری مُحَرَّم باشد یا نباشد.

مسأله ۲۷۲: اگر شخصی . محرم و غیر محرم . برای زن و مرد محرمی عقد نماید و زوج محرم دخول به زن نماید، چنانچه هر سه نفر آن ها مسأله را بدانند، بر هر کدام، یک شتر کفّاره است و عقد باطل بوده و حرمت ابدی دارد علاوه بر بقیّه احکام جماع که قبلاً ذکر شد.

مسأله ۲۷۳: اگر این عمل از روی جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت یا اضطرار انجام شود

کفاره ندارد.

مسئله ۲۷۴: اگر محرم برای خودش زنی را عقد کند همان حکم قبلی را دارد (از نظر علم و جهل و...) و اگر برای زن و مرد غیر محرم عقد را انجام دهد باطل است و محرم در صورت علم باید یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۲۷۵: بر محرم حضور در مجلس عقد و همچنین شاهد شدن برای عقد حرام است و همچنین بنابر احتیاط بر محرم حرام است که خواستگاری کند، اما اگر به زن مطلقه رجعیّه رجوع نماید اشکالی ندارد.

۷- استمناء

مسئله ۲۷۶: هرگاه محرم با آلت خود بازی نمود و منی از او بیرون آمد معصیت کرده، و عرق او عرق جنب از حرام است. و اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در مشعر باشد حبس باطل می شود، و باید این حج را تا آخر بجا آورد و در سال بعد اعاده کند. و اگر این عمل را در عمره مغرده قبل از فارغ شدن از سعی انجام دهد عمره اش باطل می شود، و باید این عمره را به پایان برساند و یک ماه در مکه توقف نموده سپس به یکی از میقات ها رفته و از آن جا برای عمره مفرده احرام ببندد. و کفاره استمناء مانند کفاره جماع است. و چنانچه محرم بدون بازی با آلت خود، استمناء کند (مثل این که نگاه به زن بکند یا در نظربیاورد) حج و عمره اش فاسد نمی شود، هرچند کفاره بر او واجب می شود. و احتیاط واجب اعاده حج و عمره است.

۸- بوی خوش

مسئله ۲۷۷: استعمال بوی خوش حتی زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، به بوییدن یا خوردن یا مالیدن بر بدن، بر محرم حرام است و کفاره آن یک گوسفند است. و با تکرار آن کفاره مکرر خواهد شد، بنابر احتیاط لازم. و همچنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در آن باشد حرام است، هرچند مثل جوراب و عرقچین باشد.

مسئله ۲۷۸: خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و به جایز است، ولی نباید هنگام خوردن آن ها را بو کند. و باید از خوردن دارچین و زنجبیل و مثل آن اجتناب کند، بنابر احتیاط لازم.

احرام حج تمتع / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۰۱

مسأله ۲۷۹: بر محرم واجب نیست هنگام سعی بین صفا و مروه اگر در محلّ سعی بوی خوش باشد بینی خود را ببندد. ولی احتیاط واجب است که در غیر حال سعی، بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. و نیز اگر ناچار به استفاده از بوی خوش یا پوشیدن لباسی که بوی خوش می دهد شد، اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط لازم از بوییدن آن خودداری نماید.

مسأله ۲۸۰: بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. و اگر چنین کرد باید به اندازه سیر کردن گرسنه صدقه بدهد، ولی تند رفتن به خاطر خلاصی از بوی بد حرام نیست.

۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان

مسأله ۲۸۱: پوشیدن پیراهن و عبا و عمامه و کلاه و عرقچین و شلوار و زیرشلواری و جامه دکمه دار و هر جامه ای که آستین دار باشد، بر مرد محرم حرام است. همچنین مرد محرم باید از هر جا دوخته، بلکه شبیه دوخته مانند نمدی که چوپان ها می پوشند، و بنا بر احتیاط لازم از پوشیدن هر چیز دوخته گرچه جامه نباشد اجتناب کند. و پوشیدن کمربندی که پول در آن گذاشته می شود جایز است. و همچنین بستن فتق بند اشکالی ندارد. و جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و دیگر چیزهای دوخته تن خود را بپوشاند به شرط آن که آن را به خود نپیچد، ولی پوشیدن سر جایز نیست.

مسأله ۲۸۲: بنا بر احتیاط لازم محرم نباید ازار را به گردن خود. بلکه مطلقاً. گره بزند، هر چند با فرو بردن سنجاق و شبیه آن در ازار، بعضی از آن را بعض دیگر متصل کند، و رداء را نیز نباید گره بزند. مسأله ۲۸۲: پوشیدن لباس دوخته هر طور که باشد برای زنان مانعی ندارد، مگر دستکش که نباید آن را بپوشند.

مسأله ۲۸۳: اگر محرم لباسی را که پوشیدن آن حرام است عمداً بپوشد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، بلکه بنا بر احتیاط لازم در صورت ناچاری نیز باید کفّاره بدهد.

۱۰- چکمه و جوراب

مسأله ۲۸۴: پوشیدن چکمه یا کفش یا جوراب و یا هر چیزی که روی پا یا قسمت بیشتر از آن را بپوشاند بر مرد محرم حرام است و کفّاره اش یک گوسفند است، بنا بر احتیاط لازم. ولی زن

۱۰۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

می‌تواند آن را بپوشد. و اگر ضرورت داشت که مرد محرم کفش یا جوراب بپوشد، باید بنابر احتیاط واجب روی آن را بشکافد.

۱۱- سُرمه کشیدن

مسأله ۲۸۵: یازدهم از محرمات احرام: سُرمه کشیدن است.

مسأله ۲۸۶: سَرمه کشیدن چهار صورت دارد:

۱- سَرمه سیاه به چشم بکشد به قصد زینت.

۲- سَرمه سیاه به چشم بکشد اما به قصد زینت نباشد بلکه برای تقویت نور چشم و مانند آن باشد.

۳- سَرمه غیرسیاه به چشم بکشد و به قصد زینت، این سه قسم حرام است. و بنابر احتیاط لازم در هریک از این‌ها کفاره‌اش یک گوسفند است.

۴- سَرمه سیاه به چشم بکشد و به قصد غیرزینت، حرام نیست به شرطی که زینت به حساب نیاید.

۱۲- نگاه در آینه

مسأله ۲۸۷: دوازدهم از محرمات احرام: نگاه کردن در آینه به قصد زینت است.

مسأله ۲۸۸: نگاه محرم در آینه به قصد زینت حرام است و کفاره آن بنابر احتیاط لازم یک گوسفند است و بنابر احتیاط واجب باید تلبیه را دوباره بگوید، ولی اگر به منظور زینت نباشد (مانند راننده که با نگاه در آینه می‌خواهد پشت سر یا دو طرف خود را ببیند) اشکالی ندارد.

مسأله ۲۸۹: نگاه کردن در آب طاف که صورت را نشان می‌دهد و هرچیزی که مانند آن است چه از مایعات باشد چه غیر آن، اشکالی ندارد. همچنین عینک زدن اگر برای زینت نباشد مانعی ندارد گرچه احتیاط غیر لازم ترک آن است.

۱۳- دروغ و دشنام

مسأله ۲۹۰: سیزدهم از محرمات احرام دروغ و دشنام است.

مسأله ۲۹۱: دشنام و دروغ چه در حال و چه در غیرش حرام است، اما در حال احرام حرمتش

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۰۳

شدیدتر است. بلکه نبودن آن در تحقق حج اعتبار شده است.

مسأله ۲۹۲: بر شخص محرم مفاخرت نمودن حرام است، یعنی فضائل خویش را اظهار نموده از دیگری سلب کند، یا رذائل را برای دیگری اثبات نموده از خود سلب نماید، اما مفاخرت اگر به حق باشد و توهین دیگری را دربر نداشته باشد، حرام نیست.

۱۴- جدال

مسأله ۲۹۳: چهاردهم از محرمات احرام: جدال نمودن است.

مسأله ۲۹۴: قَسَم خوردن به کلمه «لا والله» و «بلی والله» در مقام محاصمه به هر لغتی بر محرم حرام است، البته در مقام ضرورت مانند اثبات حق یا از بین بردن باطل، قسم به این دو کلمه مانعی ندارد. و همچنین اگر قصدش تعظیم یا اظهار محبت باشد اشکالی ندارد، مثل این که بگوید تو را به خدا این کار رانکن.

مسأله ۲۹۵: در صورتی که جدال کننده در مقام قسم، راستگو باشد، چنانچه دو مرتبه قسم بخورد معصیت کرده اما کفاره ندارد، بلکه به استغفار اکتفا می شود، و چنانچه سه بار یا بیشتر قسم بخورد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر به دروغ قسم بخورد، بار اول کفاره اش یک گوسفند و بار دوم دو گوسفند و بار سوم یک گاو می باشد.

۱۵- کشتن جانوران بدن

مسأله ۲۹۶: پانزدهم از محرمات احرام: کشتن جانوران بدن است.

مسأله ۲۹۷: کشتن شپش و کک و پشه و انداختن عمدی آن ها از بدن، بر محرم حرام است و چنانچه انجام داد، واجب است به فقیری یک مشت طعام یا خرما کفاره بدهد، ولی جابه جا نمودن آن ها مانعی ندارد، اگر در معرض سقوط نباشد بنا بر احتیاط مستحب.

۱۶- زینت کردن و حنا گزاردن

مسأله ۲۹۸: شانزدهم از محرمات احرام: زینت نمودن است و بنا بر احتیاط حنا گزاردن در حال احرام نیز حرام است.

مسأله ۲۹۹: بستن ساعت به دست و به چشم گزاردن عینک در حال احرام اگر برای زینت

۱۰۴/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

نباشد اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۰: پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم، چه زن و چه مرد حرام است، اما به قصد استحباب اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۱: کفاره زینت نمودن بنا بر احتیاط یک گوسفند است و در پوشیدن انگشتر کفاره نیست.

۱۷- مالیدن روغن

مسئله ۳۰۲: هفدهم از محرمات احرام: مالیدن روغن به بدن است.

مسئله ۳۰۳: محرم نباید تن خود را روغن مالی نماید هر چند خوشبو هم نباشد، مگر در حال اضطرار که حتی المقدور از روغن بدون بویاید استفاده شود.

مسئله ۳۰۴: اگر از روی علم و عمد و بدون اضطرار روغن مالی نمود، کفاره اش یک گوسفند است و اگر حکم را نداند بنا بر احتیاط لازم کفاره آن اطعام یک فقیر است.

۱۸- جدا نمودن مو

مسئله ۳۰۵: هجدهم از محرمات احرام: جدا نمودن مواز بدن است.

مسئله ۳۰۶: بر شخص محرم حرام است از بدن خود یا غیر، از روی علم و عمد مو جدا نماید به هر نحوی که باشد، مگر در چهار صورت:

۱- شپش بدن زیاد شود.

۲- ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود مانند آن که بلندی مو و زیادی آن موجب سردرد یا ناراحتی او شود.

۳- آن که مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت نماید.

۴- آن که مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

مسئله ۳۰۷: اگر محرم از روی ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند است، یا این که سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام کند. به هریک دو مد (یک کیلو و نیم) طعام بدهد. و چنانچه از روی ضرورت این کار را نکرده باشد، کفاره آن گوسفند است. و اگر از روی علم و عمد موی غیر سر را بتراشد، چه تراشیدن آن در غیر وقت احرام جایز باشد (مثل

احرام حج تمتع / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۰۵

موی زیر بغل) چه حرام باشد (مثل موی صورت)، بنابراین احتیاط کفّاره‌اش یک گوسفند است و در صورت جهل به مسأله باید استغفار کند.

مسأله ۳۰۸: چنانچه محرم سر یا بدن خود را به طوری که مویی از او نیفتد و خونی نشود، بخاراند، مانعی ندارد. و چنانچه دست به سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مواز آن بیفتد، باید یک مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹- پوشاندن سر برای مردان

مسأله ۳۰۹: نوزدهم از محرمات احرام: پوشاندن سراسر سر مردان.

مسأله ۳۱۰: بر مرد محرم حرام است سرش را بپوشاند به هر چیزی که باشد حتی اگر روی سرش چیزی را حمل کند که سرپوشیده شود. بنابراین احتیاط. و همچنین پوشاندن گوش‌ها جایز نیست، و جایز نیست محرم سرش را زیر آن فرو برد.

مسأله ۳۱۱: شخص محرم می‌تواند با دست، سر خود را بپوشاند گرچه احوط ترک است و مسح سر هنگام وضو پوشاندن نیست. و قسمتی از سر را که هنگام خواب بر زمین می‌گذارد، اشکالی ندارد و زیر دوش رفتن و آب بر سر ریختن جایز است.

مسأله ۳۱۲: اگر از روی فراموشی سر خود را بپوشاند، باید فوراً پوشش را برطرف کند و کفّاره براو واجب نیست.

مسأله ۳۱۳: هرگاه مرد محرم سر خود را بپوشاند چه عمدتاً و چه از روی اضطرار، کفّاره‌اش یک گوسفند است.

۲۰- پوشاندن صورت برای زنان

مسأله ۳۱۴: بیستم از محرمات احرام: پوشاندن صورت است بر زنان.

مسأله ۳۱۵: بر زن محرمه حرام است تمام صورت خویش را با نقاب یا چیزی مانند آن بپوشاند، اما پوشاندن مقداری از صورت در خواب و پوشاندن قسمتی از صورت که از باب مقدمه به جهت پوشاندن سر برای نماز از اطراف پوشیده می‌شود، اشکالی ندارد.

مسأله ۳۱۶: زن باید برای رو گرفتن از ناحیه روسری را بر روی صورت تا بینی رها کند و تماس

۱۰۶ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

با صورت نداشته باشد و جدا از صورت باشد.

مسأله ۳۱۷: کفاره پوشاندن صورت با نقاب و مانند آن که به صورت بچسبد برای زنان یک گوسفند می باشد.

۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان

مسأله ۳۱۸: بیست و یکم از محرمات احرام: زیر سایه رفتن مردان است.

مسأله ۳۱۹: برای مرد محرم حرام است هنگام سیر و حرکت زیر سایه برود، یا سایه بانی بر سر بگیرد، هر چند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند این ها باشد، پیاده باشد یا سوار، شب باشد یا روز علی الأظهر.

مسأله ۳۲۰: رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد اشکالی ندارد، مثل این که در کنار ماشین و مانند آن حرکت کند که از طرف چپ یا راست سایه بر او بیفتد.

مسأله ۳۲۱: شخص محرم می تواند یا دست خود جلو آفتاب را بگیرد و همچنین احرام در زیر سقف مسجد شجره اشکالی ندارد.

مسأله ۳۲۲: در جایی که محرم منزل می نماید مثل قهوه خانه های بین راه، یا در عرفات و منی و همچنین وقتی به مکه معظمه می رسد حتی اگر منزلی تهیه نکرده، می تواند زیر سایه برود.

مسأله ۳۲۳: وقتی محرم وارد مکه معظمه شد می تواند زیر سایه برود و ماشین سقف دار سوار شود و از چتر و مانند آن استفاده کند و همچنین است اگر از مسجد تنعیم برای عمره مفرده محرم شود، زیرا جزو شهر مکه می باشد.

مسأله ۳۲۴: مرد محرم علی الأظهر جایز نیست کاری کند که فقط روی سرش سایبان نباشد و بقیه بدن سایه بان داشته باشد مثل این که به ماشین سقف دار سوار شود و سر خود را از شیشه بیرون بیاورد.

مسأله ۳۲۵: محرم جایز است از زیر پل ها و تونل ها عبور کند و هنگامی که در عرفات یا منی منزل می کند جایز است در حال حرکت زیر سایه برود.

مسأله ۳۲۶: کفاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است. و فرقی بین حال اختیار و اضطرار

احرام حج تمتع / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۰۷

نیست. و چنانچه این عمل تکرار شود در هر احرام، یک کفّاره لازم است. گرچه احتیاط مستحب این است که برای هر روز یک کفّاره بدهد.

۲۲- خون

مسأله ۳۲۷: بیست و دوم از محرمات احرام: بیرون آوردن خون از بدن است.

مسأله ۳۲۸: محرم نباید از بدن خود خون بیرون آورد، به دندان کشیدن یا آمپول یا ختنه باشد یا حجامت یا رگ زدن و مانند آن، حتی به مسواک کردن و خلال دندان و خاراندن، بنابر احتیاط لازم. ولی برای رفع ضرورت یا اذیت مانعی ندارد و کفّاره اش چه در حال اختیار و چه ضرورت یک گوسفند است، بنابر احتیاط لازم. ولی دندان کشیدن بدون خونریزی کفّاره ندارد.

۲۳- ناخن گرفتن

مسأله ۳۲۹: بیست و سوم از محرمات احرام: ناخن گرفتن است.

مسأله ۳۳۰: بر محرم حرام است تمام یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقاء ناخن ضرریا حرج داشته باشد (مانند این که ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی می شود).
مسأله ۳۳۱: کفّاره گرفتن هر ناخن یک مُد (معادل ۷۵۰ گرم) طعام است و تا نه ناخن حکم همین است و اگر به ده رسید، یعنی تمام ناخن های دو دستش را در یک مجلس گرفت، باید یک گوسفند کفّاره بدهد و چنانچه در یک مجلس تمام ناخن های دست و پا را که مجموعاً بیست ناخن می شود، گرفت، باز کفّاره یک گوسفند است و چنانچه در دو مجلس باشد یعنی در یک مجلس تمام ناخن های دست را گرفت و در مجلس دوم تمام ناخن های پا را، کفّاره دو گوسفند است.

۲۴- غسل به کافور

مسأله ۳۳۲: بیست و چهارم از محرمات احرام: غسل دادن محرم میّت به کافور است.

مسأله ۳۳۳: جایز نیست کسی که در حال احرام مرده است با کافور حنوط نمایند، و به جای آن با آب قراح (آب مطلق) غسل می دهند و در نتیجه دو غسل با آب قراح و یک غسل با آب سدر داده می شود، و چنانچه انجام شود کفّاره اش استحباباً یک گوسفند است.

مسئله ۳۳۴: بیست و پنجم از محرمات احرام: برداشتن سلاح است.

مسئله ۳۳۵: بر محرم پوشیدن اسلحه جنگی در حال اختیار حرام است و همچنین جایز نیست خود را مسلح نماید، حتی اگر با نشستن در داخل تانک و امثال آن باشد. و چنانچه ضرورت ایجاب نماید، حتی المقدور باید سلاح ظاهر نباشد مگر این که ضرورت در اظهار آن باشد.

مسئله ۳۳۶: بنا بر احتیاط واجب کفاره برداشتن سلاح در حال اختیار، یک گوسفند است.

کارهایی که انجام آن‌ها در حرم بر محرم و غیر محرم حرام است:

۱- شکار

مسئله ۳۳۷: شکار در حرم بر هر مرد و زنی که در آن است حرام است.

۲- کندن درخت و گیاه و گندم

مسئله ۳۳۸: کندن و بریدن هر چیزی که در محدوده حرم روییده باشد بر محرم و غیر محرم حرام است، مانند درخت و گیاه حرم.

مسئله ۳۳۹: از این حکم چند مورد استثنا شده است: ۱- اذخر که گیاه معروفی است. ۲- نخل خرما و درخت میوه‌دار. ۳- علف‌هایی که خوراک شتر است. ۴- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می‌روید یا خود شخص آن را می‌کارد و می‌نشاند.

مسئله ۳۴۰: همان‌طور که کندن درخت و گیاه حرم بر محرم حرام است، کندن درخت و گیاه غیر حرم نیز تا زمانی که در احرام است براو حرام می‌باشد.

مسئله ۳۴۱: راه رفتن به نحو متعارف اگر چه موجب قطع بعضی از گیاهان حرم شود اشکال ندارد و همچنین رها کردن حیوانات چرنده برای چریدن اشکالی ندارد.

مسئله ۳۴۲: کفاره کندن درخت قیمت همان درخت است. و کندن علف کفاره ندارد هر چند حرام است.

چند مسئله

مسئله ۳۴۳: حدود حرم اطراف شهر مکه می‌باشد و یک برید در یک برید است و هر برید چهار فرسخ و هر فرسخ تقریباً پنج و نیم کیلومتر می‌باشد، البته از طرف شما مسجد تنعیم خارج

از محدوده حرم است.

مسئله ۳۴۴: آنچه را که باید محرم به جهت کفاره ذبح کند، اگر در احرام عمره بود، در مکه مکرمه ذبح نماید و اگر در احرام حج بوده، در منی ذبح کند و آن را به فقرای مؤمنین یا وکیل آن‌ها بدهد. مسئله ۳۴۵: چنانچه در مکه معظمه یا منی، کفاره را ذبح نکرد یا در آن جا فقرای مؤمنین نبودند، باید در شهر خود یا جای دیگر کفاره را ذبح کند و به فقرای مؤمنین بدهد.

۲- طواف

مسئله ۳۴۶: دوم از اعمال عمره تمتع: طواف خانه خداست، یعنی هفت مرتبه کعبه معظمه را دور بزند.

مسئله ۳۴۷: همان طور که طواف در عمره تمتع واجب است، در حج تمتع، عمره و «حج قرآن» عمره و «حج افراد» و در عمره مفرده نیز واجب می باشد.

مسئله ۳۴۸: این طواف (چه در عمره و چه در حج) از ارکان است و با ترک عمدی آن عمره و حج باطل می شود، برخلاف طواف نساء. و ترک طواف محقق می شود به: به تأخیر انداختن طواف تا زمانی که نتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و در فرض مذکور با بطلان عمره، احرام باطل نمی شود، و وظیفه لازم بر شخص تارک طواف در این صورت، عدول دادن نیت حج تمتع به «حج افراد» است و باید پس از حج، عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد هم حج را اعاده کند، در صورتی که حج این سال او حج واجب بوده است. و در صورتی که حج مستحب بوده، وجوب اعاده حج در سال بعد محل اشکال است.

شرایط طواف

مسئله ۳۴۹: در طواف چند چیز شرط است:

۱- نیت.

۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر.

۳- پاک بودن بدن و لباس.

۴- ختنه کردن.

۵- ستر عورت.

۶- مباح بودن لباس و مرکب.

۱۱۰/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مسأله ۳۵۰: شرط اول: نیت است و باید طواف قربة الى الله تعالى انجام شود و بدون قصد قربت باطل است، البته به زبان آوردن آن لازم نیست گرچه مستحب است، پس می‌گوید: طواف می‌کنم دور خانه کعبه هفت شوط برای عمره تمتع قربة الى الله تعالى.

مسأله ۳۵۱: شرط دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر می‌باشد (یعنی با وضو باشد و غسلی به گردنش نباشد). البته این شرط در طواف عمره و حج لازم است و اما طواف مستحبی تنها. که مربوط به عمره و حج نیست. طهارت (با وضو بودن) در آن مستحب است، گرچه در نمازش لازم است (البته جنب یا حیض نمی‌تواند حتی طواف مستحب انجام دهد، زیرا وارد شدن به مسجد الحرام براو حرام است). بنابراین طواف عمره یا حج بدون وضو یا غسل، اگر غسلی به گردنش باشد، باطل است.

مسأله ۳۵۲: زن مستحاضه چنانچه احکام استحاضه را رعایت نماید. همان‌طور که در احکام نماز بیان شده است. طوافش صحیح است.

مسأله ۳۵۳: اگر شک کرد در طهارت حدثیه (یعنی نمی‌داند وضو گرفته یا نه، یا غسلی بر گردنش بوده یا نه) چنانچه بعد از تمام شدن طواف باشد، طواف او صحیح است و اگر در اثناء باشد، چنانچه به طهارت پیش از طواف یقین داشته است، بنا را بر طهارت می‌گذارد و طواف را تمام می‌نماید و طوافش صحیح است. اما اگر قبلاً یقین داشته که محدث بوده و نمی‌داند که با طهارت وارد طواف شده یا نه، یا این‌که حالت سابقه را نمی‌داند، در این دو صورت بنا را بر حدث می‌گذارد. پس اگر طواف عمره یا حج است، باید آن را قطع نماید و طهارت تحصیل کند، و اگر طواف مستحبی تنها است، جایز است طواف را تمام نماید و صحیح خواهد بود.

مسأله ۳۵۴: اگر بعد از طواف متوجه شود که طهارت نداشته، یعنی بدون وضو یا غسل بوده، در طواف واجب باید اعاده کند.

مسأله ۳۵۵: کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، مثلاً آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نموده و طواف نماید.

احرام حج تمتّع / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۱۱

مسأله ۳۵۶: کسی که در میان طواف محدث شود، چنانچه پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، طوافش باطل است و باید پس از طهارت آن را اعاده کند. و اگر بعد از تمام شدن دور چهارم و بدون اختیار باشد، باید طواف را قطع کند و بعد از طهارت طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه دهد. و اگر بعد از نصف طواف و قبل از تمام شدن دور چهارم، یا بعد از اتمام دور چهارم و اختیاری باشد، در این دو صورت باید بنا بر احتیاط واجب طواف را قطع نموده و بعد از طهارت، طواف را از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و تمام کند و نماز طواف را بخواند و سپس طواف کامل و نماز طواف را اعاده نماید.

مسأله ۳۵۷: چنانچه محرم در اثناء طواف متوجّه شود که جنب یا حائض است، هر طوافی باشد چه واجب و چه مستحب، باید قطع نماید و فوراً از مسجد الحرام خارج شود.

مسأله ۳۵۸: اگر زن در اثناء طواف واجب حائض شد، باید طواف را قطع نموده و از مسجد خارج شود و پس از پاک شدن و غسل نمودن برگردد و از اوّل شروع کند، و اگر تا وقت پاک شدن به خاطر عذری نتواند در مکه معظمه بماند تا خودش طواف را انجام دهد یا تکمیل کند، باید برای انجام وظیفه اش نایب بگیرد.

مسأله ۳۵۹: چنانچه مکلف نتواند وضو بگیرد، اگر بداند بدون گذشتن وقت اتمام عمره و رفتن به عرفات می تواند وضو بگیرد، باید صبر کند و با وضو طواف نماید. و اگر نمی داند که می تواند به این که وقت ضیق است، یا مانع از وضو تا زمانی که عمره را تمام کرده و خود را به عرفات برساند زایل نمی شود. باید تیمّم نموده و طواف کند و اگر تیمّم هم نمی تواند بکند، در صورتی که از توانایی بر تیمّم ناامید شد، لازم است برای طواف نایب بگیرد و بنا بر احتیاط واجب خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسأله ۳۶۰: بر زن حائض و نفساء بعد از ایّام حیض و نفاس و بر جنب واجب است که برای طواف غسل کنند و حائض و نفساء وضو هم بگیرند. و با وجود مانع از غسل و ناامید شدن از توانایی بر آن، واجب است تیمّم کند و بنا بر احتیاط لازم باید نایب هم بگیرند تا از طرف آنها

طواف نماید. و اگر از تیمم معذور باشند نایب گرفتن متعین است.

مسئله ۳۶۱: زنی که پیش از احرام عمره تمتع حائض شد، اگر بداند تا حج پاک می‌شود، نیت احرام عمره تمتع کند و چنانچه می‌داند تا حج پاک نمی‌شود، نیت «حج افراد» نماید و اگر شک دارد بنابر احتیاط واجب باید احرام واجب را نیت کند. بدون تعیین عمره تمتع یا «حج افراد».. بنابراین اگر پیش از حج پاک شد، اعمال عمره تمتع را انجام دهد و از احرام درآید سپس برای حج محرم شود. و اگر پاک نشد با همان احرام اول، «حج افراد» را انجام دهد، سپس عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۳۶۲: هرگاه زن هنگام بستن احرام برای عمره تمتع یا پس از احرام، حائض شود، چنانچه وقت گنجایش بجا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، باید صبر کند تا پاک شود سپس غسل نموده و اعمال عمره را بجا آورد. و اگر وقت وسعت نداشته باشد مسئله دارای دو صورت است:

۱- آن که حائض شدنش پیش از بستن احرام باشد، که در این صورت اگر بداند تا موقع رفتن به عرفات پاک خواهد شد نیت احرام عمره کند. و چنانچه بداند تا آن هنگام پاک نخواهد شد، نیت «حج افراد» نماید. و در صورت شک بنابر احتیاط واجب باید هنگام احرام، نیت احرام واجب کند. بدون تعیین عمره تمتع یا «حج افراد». سپس اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، اعمال عمره را انجام دهد و محل شود بعد برای حج محرم شود و به عرفات برود. و اگر پاک نشد به همان حال احرام، اول اعمال «حج افراد» را بجا آورد و سپس عمره مفرده بجا آورد.

۲- آن که حیض او بعد از بستن احرام باشد، که در این صورت مخیرایت بین این که عدول کند به «حج افراد» و بعد از فراغت از انجام «حج افراد» عمره مفرده انجام دهد یا این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نماز طواف بجا آورد (به این که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه قضای طواف عمره را پیش از طواف حج بجا آورد). ولی احتیاط مستحب آن است که تا تنگ شدن وقت صبر کند و به صورت دوم عمل نماید. و چنانچه یقین دارد که حیضش ادامه خواهد داشت و نمی‌تواند حتی

احرام حج تمتع / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۱۳

پس از بازگشت به مکه طواف نماید، برای طواف خود نایب بگیرد و سعی را خودش بجا آورد و روزی که باید خود را واریسی کند، در حکم ایام حیض است و حکم ایام حیض بر آن روز جاری است. مسأله ۳۶۳: اگر زن در میان طواف حائض شود، چنانچه قبل از تمام شدن نصف طواف باشد، طوافش باطل می شود و واجب است بعد از پاک شدن و غسل نمودن یک طواف کامل بجا آورد. و اگر تا گذشتن وقت عمره پاک نمی شود حکم او مانند حکم حائض قبل از احرام است که باید به «حج افراد» عدول کند. و چنانچه حیض شدنش بعد از تمام شدن نصف طواف باشد، آنچه از طواف بجا آورده صحیح است و واجب است بعد از پاک شدن و غسل نمودن، باقیمانده و نماز آن را بجا آورد و طواف را اعاده کند. و چنانچه وقت گنجایش نداشته باشد، سعی و تقصیر را بجا آورد و برای حج محرم شود. و باید پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، باقیمانده از آن طواف و نمازش را بجا آورد و قضای طواف عمره را هم انجام دهد. و بنابر احتیاط لازم بعد از قضای طواف عمره، سعی را اعاده نماید. و همین طور است حکم مواردی که قضای طواف عمره به بعد از عرفات و منی موکول بشود.

مسأله ۳۶۴: هرگاه زن پس از طواف و قبل از نماز طواف حیض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را بعد از پاک شدن و غسل نمودن بجا آورد. و چنانچه وقت نداشت، سعی و تقصیر را بجا آورد و نماز طواف را بعد از برگشتن از عرفات و منی پیش از طواف حج قضا نماید.

مسأله ۳۶۵: هرگاه زن بعد از طواف و نماز طواف فهمید که حائض شده و ندانست که پیش از طواف یا پس از نماز طواف یا در اثناء یا بعد از آن دو بوده، بنا را بر صحت طواف و نماز طواف بگذارد. و چنانچه بداند قبل از نماز حیض شده و وقتش هم تنگ باشد، سعی و تقصیر را بجا آورد و نماز طواف را تا پس از پاک شدن و غسل به تأخیر بیناندازد و عمره اش صحیح است.

مسأله ۳۶۶: هرگاه زنی به مکه رسید و می توانست اعمال عمره را بجا آورد ولی دانسته و عمداً بجا نیاورد تا حیض شد و وقت تنگ شد، عمره اش فاسد است. و احتیاط واجب این است که به «حج افراد» عدول نماید و پس از اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد و حج خود را در سال بعد

اعاده نماید.

مسأله ۳۶۷: کسی که معذور از وضو یا غسل تمام است، مانند کسی که در دست و پایش شکستگی و زخمی است که پانسمان شده یا مانند زنی که در حال استحاضه است یا کسی که مرض سلس البول دارد (که بول قطره قطره از او خارج می شود)، به همان دستوری که برای نماز طهارت می گیرد، برای طواف نیز همان طهارت کافی است. اما مبطنون (کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غایط خودداری کند) بنابراین احتیاط واجب در صورت توان شخصاً طواف کند و نایب هم بگیرد.

مسأله ۳۶۸: کسی که غسل مس میت بر او واجب شده، باید غسل مس میت را انجام داده سپس طواف نماید.

مسأله ۳۶۹: شرط سوم: پاک بودن بدن و لباس است، طواف کردن با بدن یا لباسی که در آن خون و خونابه زخم یا دمل هست، اگر اجتناب از آن دشوار باشد، مانعی ندارد و برطرف کردنش لازم نیست و بنابراین احتیاط واجب در این صورت برای طواف نایب نیز بگیرد. همچنین بنابراین احتیاط لازم از به همراه داشتن چیز نجس در هنگام طواف باید خودداری شود.

مسأله ۳۷۰: چنانچه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف فهمیده، طوافش صحیح است و نیازی به اعاده نیست. همچنین است درباره نماز طواف.

مسأله ۳۷۱: هرگاه نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نمود و طواف کرد و بعد از طواف یادش آمد، بنابراین احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. و درباره نماز طواف نیز حکم همین است.

مسأله ۳۷۲: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانست و در میان طواف فهمید نجس است، یا بدن و لباسش پاک بودن ولی قبل از پایان طواف نجس شد، اگر جامه پاکی دارد، همان جا لباس نجس را کنده و با جامه پاک طواف را تمام کند، وگرنه در صورت امکان بدون رها کردن طواف، بدن و لباسش را تطهیر کند و طواف را ادامه دهد. و چنانچه لباس پاک همراه ندارد و نمی تواند لباس و بدنش را بدون رها کردن طواف تطهیر نماید، اگر بعد از تمام شدن شوط

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۱۵

چهارم بوده، طواف را قطع کند و نجاست را برطرف نماید و بعد از تطهیر، باقیمانده طواف را بجا آورد، و اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم بود، طواف را قطع کند و نجاست را برطرف نماید و بعد از تطهیر، باقیمانده طواف را بجا آورد و نماز طواف را بخواند و بعد دوباره یک طواف کامل و نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۳۷۳: شرط چهارم: مختون بودن است که طواف کننده مرد یا پسر نابالغ ممیز باید مختون باشد. اما اگر ممیز نباشد یا احرامش را ولیّ او ببندد، مختون بودنش معتبر نیست، هرچند احتیاط مستحب است. این شرط خاص به ذکور است بنابراین طواف مردان بدون ختنه، صحیح نیست.

مسأله ۳۷۴: هرگاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود، باید در همان سال خود را ختنه کرده و به حج برود و چنانچه ممکن نباشد، حج را تا سال بعد به تأخیر بیندازد. و اگر به خاطر ضرر یا مشقّت یا اذیت، اصلاً متمکّن از ختنه نباشد، لازم است حج را بجا بیاورد، ولی بنابر احتیاط واجب باید علاوه بر این که شخصاً طواف می کند نایب نیز بگیرد و نماز طواف را خودش هم بجا بیاورد.

مسأله ۳۷۵: شرط پنجم: ستر عورت است بر مرد و زن. و همان طور که در نماز ستر عورت واجب است، در طواف نیز لازم می باشد و همان شرایطی که در لباس نمازگزار معتبر است، در لباس طواف کننده نیز لازم است.

مسأله ۳۷۶: اگر لباس احرام در حال طواف از روی اوفتاد، چنانچه مسافت کمی بدون احرام رفته باشد، باید برگردد و احرام را پوشیده و از همان جایی که احرام افتاده بود به طواف خود ادامه دهد.

مسأله ۳۷۷: شرط ششم: مباح بودن لباس و مرکب است. پس اگر در حال طواف لباس انسان یا مرکبی که بر آن سوار شده (چنانچه سواره طواف کند) غصبی باشد، طوافش باطل است.

واجبات طواف

مسأله ۳۷۸: در طواف چند چیز واجب است:

۱۱۶ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

۱- ابتدا به حجرالأسود.

۲- ختم به حجرالأسود.

۳- خانه کعبه را طرف چپ خود قرار دهد.

۴- حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در طواف کند.

۵- بدن از خانه کعبه خارج باشد.

۶- هفت شوط طواف کند.

۷- اشواط طواف پشت سر هم باشند.

۸- دو طواف واجب را پشت سر هم انجام ندهد.

مسأله ۳۷۹: اول از واجبات طواف: باید شروع هریک از هفت شوط طواف از حجرالأسود باشد و باید زودتر طواف را شروع کند با نیت این که ابتدای طواف از حجرالأسود و زیادی برای یقین باشد. و بنا بر احتیاط استحبابی اولین جزء بدن محاذی با اولین جزء حجرالأسود شود.

مسأله ۳۸۰: دوم از واجبات طواف: باید ختم هریک از هفت شوط به حجرالأسود باشد. و در شوط آخر قدری از حجر بگذرد تا یقین کند که هفت شوط کامل انجام داده است.

مسأله ۳۸۱: سوم از واجبات طواف: آن که کعبه را در همه حالات طواف، طرف چپ خود قرار دهد. و اگر کعبه به جهت بوسیدن ارکان یا به خاطر ازدحام، روبرو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از طواف شمرده نمی شود، و باید برگردد و از همان جایی که از محاذات کعبه منحرف شده، اعاده نماید به طوری که کعبه سمت چپ او قرار گیرد. و چنانچه نتوانست برگردد، آن مکان را نشان کند و شوط را بدون نیت تمام نماید تا این که به همان جا برسد و با نیت، طواف را به طوری که کعبه در طرف چپش قرار گیرد تمام کند. و معیار آن است که عرفاً صدق کند که کعبه طرف چپ او است، ولی در طرف حجر اسماعیل و گوشه های کعبه باید مواظب باشد که طرف چپ او از کعبه منحرف نشود.

مسأله ۳۸۲: کسانی که آن ها را با وسیله مخصوصی طواف می دهند، رعایت عرفی محاذات شانه چپ آن ها با دیوار کعبه لازم است.

مسأل ۳۸۳: علی الأحوط طواف باید با استقامت و راست بودن بدن انجام شود و در حال خمیدگی صحیح نخواهد بود مگر برای افرادی که بیمار باشند یا بر اثر کهولت سن خمید شده اند.

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۱۷

مسئله ۳۸۴: چهارم از واجبات طواف: باید حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در طواف بنماید، یعنی بیرون از آن طواف کند و نمی‌تواند از یکی از دهانه‌های حجر اسماعیل علیه السلام داخل شده و از دیگری بیرون رود، بلکه باید دور آن بگردد.

مسئله ۳۸۵: پنجم از واجبات طواف: باید بدن خارج از کعبه باشد، یعنی دور خانه خدا طواف کند نه داخل آن، مانند این که از روی شاذروان (دیوار کوتاه شیب دار دور خانه خدا که جزو کعبه است و نباید بدن طواف کننده روی آن قرار گیرد) باشد.

مسئله ۳۸۶: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجرالأسود تا حجرالأسود و کم و زیاد کردن آن موجب بطلان طواف است.

مسئله ۳۸۷: اگر به خاطر عذری مانند بیماری یا حدوث حدث طواف را قطع کرد، چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده بود و عذر مرتفع شد، باقیمانده را انجام می‌دهد و کافی خواهد بود و اگر از نصف تجاوز نکرده بود باید از اول شروع نماید.

مسئله ۳۸۸: هرگاه در بین نماز طواف متوجه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع کرده و طواف را تکمیل نماید، چه از نصف طواف گذشته باشد یا نه و چه آغاز به نماز از روی جهل باشد یا از روی فراموشی و غفلت. و اگر بعد از نماز متوجه شد، باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسئله ۳۸۹: هرگاه مشغول سعی شد و متوجه شد که طوافش ناقص بوده، باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هرچند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید، سپس سعی را کامل کند؛ گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد، البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسئله ۳۹۰: اگر مقداری از طواف را سهواً کم کرد، چنانچه قبل از فوت مولات، یادش بیاید. از مطاف خارج نشده باشد، کمبود را بجا آورد و طواف او صحیح است. و چنانچه بعد از فوت مولات یا خارج شدن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد، همان را بجا

آورد و طوافش صحیح است. و اگر شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، هرچند به خاطر آن که بعد از برگشتن به وطن یادش آمده، باید دیگری را نایب کند که از جانب او بجا آورد. و اگر مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد، باید برگشته و کمبود را شخصاً بجا آورد و بهتر است پس از بجا آوردن کمبود طواف و خواندن نماز آن، طواف و نمازش را بار دیگر اعاده کند. و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را تمام نموده، سپس نماز آن را بخواند و دوباره طواف و نمازش را بجا آورد.

مسأله ۳۹۱: زیادی در طواف پنج صورت دارد:

- ۱- آن که طواف کننده، مقدار زیاد شده را، به قصد طوافی که مشغول است یا طواف دیگری بجا نیاورده باشد، در این صورت طوافش به واسطه این زیادی باطل نخواهد شد.
- ۲- آن که هنگام شروع به طواف یا در میان آن، چنین قصد کند که زیادی، جزء طوافش بوده باشد (یعنی بنا داشته که طواف را هشت شوط یا بیشتر انجام دهد)، در این صورت طوافش باطل است و لازم است اعاده نماید.
- ۳- آن که زیادی را پس از پایان طواف به قصد جزئیت همین طواف انجام دهد، در این صورت نیز طوافش باطل است.
- ۴- آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر بجا آورد و طواف دوم را تمام کرده باشد، در این صورت هر دو طواف باطل است زیرا دو طواف واجب را پشت سر هم بجا آورده که جایز نیست.
- ۵- آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگر بجا آورد و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه در طواف اول زیادی هست و نه جمع بین دو طواف واجب. ولی گاهی طواف به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در میان آن، با آن که می داند جمع بین دو طواف حرام و باطل کننده طواف است، آن را قصد نماید که قصد تقرّب با قصد حرام جمع نمی شود، هرچند اتفاقاً حرام (جمع بین دو طواف) انجام ندهد.

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۱۹

مسأله ۳۹۲: هرگاه سهواً بیش از هفت شوط طواف نماید، چنانچه زیادی کمتر از یک شوط است، آن را قطع کند و طوافش صحیح است، هرچند طواف واجب باشد؛ گرچه احتیاط غیر لازم اعاده طواف است. و چنانچه زیادی یک شوط یا بیشتر باشد، باقی آن را تا یک طواف کامل تمام نماید و نماز طواف را بجا آورد. و احتیاط آن است که پس از طواف و نماز طواف، اول سعی نماید و نماز طواف دوم را بعد از سعی بجا آورد و بهتر و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از فراغ از همه این‌ها، بار دیگر طواف نماید.

مسأله ۳۹۳: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجرالأسود تا حجرالأسود و کمتر از آن هرچند اندک باشد کافی نیست. و بیشتر از هفت دور طواف کردن هم اگر عمدی باشد، طواف را باطل می‌کند، چنان‌که خواهد آمد.

مسأله ۳۹۴: اگر در میان طواف محدث شود، جایز است بیرون رفته، تطهیر نموده و بازگردد و طواف خود را تمام نماید. و همچنین است بیرون رفتن برای برطرف کردن نجاست از بدن یا لباس. و اگر زنی در میان طواف حائض شود، واجب است طواف را قطع نموده و فوراً از مسجد بیرون برود، و وظیفه چنین افرادی در مسائل شرایط طواف بیان شد.

مسأله ۳۹۵: هرگاه طواف کننده به علت سردرد یا دل درد و مانند این‌ها ناچاراً طواف خود را قطع کرد و از مطاف بیرون رفت، اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط واجب این است که برای باقیمانده نایب گرفته و خودش نیز بعد از رفع عذر باقیمانده طوافش را بجا آورد و نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

مسأله ۳۹۶: طواف کننده می‌تواند برای عیادت مریض یا رفع حاجت خود یا برادر دینی خود از مطاف بیرون برود، ولی لازم است در صورتی که طواف واجب بجا می‌آورد و یک یا دو شوط بجا آورده، طواف را اعاده کند. و در صورتی که بیرون رفتنش بعد از شوط سوم بوده، احتیاط واجب این است که طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده کند.

۱۲۰ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مسأله ۳۹۷: نشستن در میان طواف، جهت استراحت و رفع خستگی جایز است. اما نباید به اندازه‌ای باشد که موالات عرفیه از بین برود و در این صورت طوافش باطل است و لازم است آن را از سر بگیرد.

مسأله ۳۹۸: هرگاه عمداً مقداری از طواف را کم کند، طوافش باطل است، ولی تا از مطاف بیرون نرفته، می‌تواند کمبود را جبران کند، به شرطی که موالات عرفیه فوت نشود و چنانچه از مطاف بیرون رفته باشد، حکمش سابقاً بیان شد.

مسأله ۳۹۹: هرگاه یقین داشته باشد که هفت شوط بجا آورده و شک کند زیاده‌تر بوده یا نه. مثلاً احتمال بدهد که شوط آخری شوط هشتم بوده. چنانچه شک او بعد از تمام شدن شوط آخر باشد، یعنی به حجرالأسود رسیده باشد، بنابراین احتیاط واجب باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نمازش را اعاده کند و چنانچه شک او قبل از تمام کردن شوط آخر باشد، طوافش باطل است. و احتیاط مستحب این است که به قصد رجاء آن را تمام کند و نماز طواف بخواند، سپس طواف و نمازش را اعاده نماید.

مسأله ۴۰۰: هرگاه بین شش و هفت، یا پنج و شش، و همچنین عددهای کمتر، شک کند، طوافش باطل است. و احتیاط غیر لازم آن است که بنا را بر کمتر بگذارد و طواف را تمام کرده، نماز طواف بجا آورد، سپس طواف و نمازش را اعاده نماید. و همچنین است اگر شک کند که شش شوط بجا آورده یا هشت شوط.

مسأله ۴۰۱: اگر بین شش و هفت شک کرد و به خاطرندانستن حکم، بنا را بر شش گذاشت و طواف را تمام کرد، لازم است نماز طواف را بجا آورد و طواف را اعاده کند. و چنانچه بر نادانی خود باقی ماند تا وقتی که تدارکش ممکن نباشد، طوافش بدون اشکال صحیح است، به جهت حدیث صحیح در این موضوع.

مسأله ۴۰۲: طواف کننده می‌تواند به رفیق و همراه خود در حفظ شماره شوط‌ها اعتماد کند، اگر رفیق و همراهش یقین داشته باشد، مثلاً در صورت شک، اگر رفیق انسان بگوید این شوط

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۲۱

پنجم است، می شود به گفته او اعتماد کرد.

مسأله ۴۰۳: هرگاه در هنگام طواف مستحب، مثل طواف ابتدایی و طواف وداع، شک در نقیصه نماید، بنا را بر اقل بگذارد و تکمیل نماید و طواف صحیح خواهد و در طواف نذری و یا طواف ابتدایی استیجاری نیز همین حکم جریان دارد.

مسأله ۴۰۴: اگر در بین طواف شک کرد و طواف را از سر گرفت و در بین طواف دوّم عدد طواف اوّل معلوم شد، اگر عدد کامل بوده، طواف دوّم را قطع نماید و اگر طواف اوّل کم داشته، همان مقدار کم را تدارک نماید کافی است و لازم نیست طواف دوّم کامل شود.

مسأله ۴۰۵: هفتم از واجبات طواف: موالات است. یعنی باید هفت دور طواف پشت سر هم و پی در پی انجام شود و خود مُحرم شخصاً انجام دهد، مگر این که به هیچ وجهی بر آن قدرت نداشته باشد، که در این صورت باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۰۶: اگر عمداً مقداری از طواف واجب را ترک کرد، چنانچه عمل منافی با موالات انجام نداده. یعنی فاصله زیاد نشده. واجب است آن را تکمیل نماید و اگر عمل منافی با موالات انجام داده، باید طواف را از سر بگیرد.

مسأله ۴۰۷: هشتم از واجبات طواف آن است که دو طواف واجب را پشت سر هم انجام ندهد، بنابراین حاجی باید پس از اتمام هفت شوط، نماز طواف را بخواند، سپس اگر بخواید طواف دیگر کند.

مسأله ۴۰۸: هرگاه طواف کننده، داخل حجر اسماعیل شود، شوطی که رفتن در حجر در آن بوده باطل است و لازم است اعاده شود. و بهترین است که طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند و طواف و نمازش را اعاده کند. و بنا بر احتیاط لازم بالا رفتن بر دیوار حجر، در حکم رفتن در حجر است. بلکه احتیاط مستحب این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

مسأله ۴۰۹: طواف باید بین محلّ مقام ابراهیم علیه السّلام و خانه خدا باشد و از هر طرف در این مسافت طواف کند. و فاصله آن تا کعبه بیست و شش ذراع و نیم است و ذراع حدود نیم

متراست. اما چون حجر اسماعیل داخل مطاف است، در طرف حجر، فاصله مطاف از حجر محاسبه می‌شود نه از کعبه، هرچند بهتر است در طرف حجر هم بیش از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود.

مسئله ۴۱۰: هرگاه طواف کننده از مطاف بیرون رود یا وارد کعبه شود، طوافش باطل و اعاده آن لازم است و بهتر است در صورتی که بیرون رفتنش بعد از گذشتن از نصف طواف بوده، طواف خود را تمام نموده و نماز طواف بخواند، سپس طواف را به طور کامل اعاده کند.

مسئله ۴۱۱: چنانچه هنگام طواف روی شاذروان برود، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط واجب این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام کند و نماز طواف را بخواند، سپس از اوّل، طواف و نمازش را اعاده نماید. و نیز احتیاط لازم این است که هنگام طواف، دستش را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز نکند.

مسئله ۴۱۲: اگر طواف کننده پیش از گذشتن از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، در صورتی که موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده اش لازم است. و در صورتی که موالات فوت نشود یا خروجش بعد از گذشتن از نصف طواف باشد، احتیاط واجب این است که طواف را تمام نموده و نماز بخواند، سپس طواف و نمازش را اعاده کند.

چند مسئله

مسئله ۴۱۳: چنانچه به جهت بیماری یا شکستگی و مانند آن، شخصاً نتواند طواف نماید، چنانچه تا وقت باقی است امید بهبودی دارد، طواف را تا موقع بهبودی به تأخیر بیندازد و اگر امیدی نبود یا بهبودی نیافت، لازم است به کمک دیگری طواف کند، هرچند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنانچه با کمک دیگری هم نتواند طواف کند، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف کند. و همین طور نماز طواف را باید خودش بجا آورد و در صورت نتوانستن، دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء در بحث شرایط طواف بیان شد.

مسئله ۴۱۴: اگر شک کند که طواف کرده یا نه، چنانچه داخل عمل بعدی نشده، باید طواف را انجام دهد و اگر داخل عمل بعدی شده، بنا بگذارد که طواف را انجام داده است.

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۲۳

مسئله ۴۱۵: اگر شک کند که طواف را با شرایط لازم انجام داده یا نه، چنانچه شک بعد از طواف باشد بنا را بر سحت آن می‌گذارد و اگر در بین طواف باشد، مقداری که انجام شده صحیح است و نسبت به باقیمانده باید احراز شرایط نماید.

مسئله ۴۱۶: هرگاه بعد از اتمام طواف شک کند که شرایط سحت را داشته یا نه، مثلاً طهارت داشته یا نه، بنا را بر سحت بگذارد.

مسئله ۴۱۷: اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یقین پیدا کرد که یکی از دو طواف (زیارت یا نساء) را انجام نداده، یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام دهد و کافی است.

مسئله ۴۱۸: طواف در هریک از عمره و حج رکن است و چنانچه عمداً ترک شود، عمره یا حج باطل می‌شود و چنانچه وقتش بگذرد، باید عمره یا حج را اعاده کند.

مسئله ۴۱۹: اگر از روی جهل به مسئله طواف زیارت را ترک نمود، باید حج را اعاده کند و اگر طواف نساء را جهلاً ترک کند، اعاده حج لازم نیست بلکه باید همان طواف را قضا نماید و اگر امکان قضا ندارد، نایب بگیرد. و اگر طواف نساء را عمداً ترک کند، لازم نیست حج را اعاده نماید. گرچه احوط است. و در این صورت کفاره لازم نیست.

مسئله ۴۲۰: هرگاه طواف زیارت عمره. چه مفرده و چه تمتع. را عمداً ترک کرد، واجب است عمره را اعاده نماید و کفاره شتر لازم نیست و اگر از روی جهل آن را ترک نماید، فقط قضای طواف لازم است و اعاده و کفاره ندارد و در احکام بیان شده در دو مسئله فرقی بین حج واجب و مستحب و عمره واجب و مستحب، نیست، چه نیابةً باشد چه اصالةً.

مسئله ۴۲۱: اگر از روی جهل له مسئله طواف زیارت را ترک کرد و تا آخر ذی الحجة نتوانست حج را اعاده کند و قدرت بر کفاره شتر نداشت، حج و کفاره ساقط می‌شود و چنانچه قدرت مالی داشته باشد، بعد از مرگش قضا می‌شود و گزینه چیزی براو نیست و استفاده از زن و غیرش بنا بر اظهر و حرام نیست، چه در سال آینده قدرت بر انجام حج داشته باشد یا نداشته باشد.

مسئله ۴۲۲: اگر طواف نساء را جهلاً. چه از حج و چه از عمره مفرده. ترک نماید، تا وقتی خودش

۱۲۴ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

یا نایبش طواف را قضا نکند، زن براو حرام است و این حکم در صورت فراموشی نیز جریان دارد. مسأله ۴۲۳: اگر کسی عمره مفرده را انجام داد و از روی جهل طواف نساء را ترک کرد ولی بعد از آن حج را با طواف نساء آن انجام داد، یا بالعکس یعنی حج را بدون طواف نساء انجام داد و بعدش عمره مفرده را همراه با طواف نساء بجا آورد، یا دو عمره مفرده بجا آورد و در اولی جهلاً طواف نساء را ترک نمود و در دومی انجام داد، زن براو حرام نیست، چه در این موارد از طرف خود اعمال را انجام دهد، یا نایب باشد، یا در یکی نایب بوده و دیگری از طرف خودش باشد. مسأله ۴۲۴: کسی که در عمره مستحبی و حجّ مستحبی یا تبرّعی طواف را ترک نماید، اعاده و کفّاره براو واجب نیست، لکن اگر طواف نساء را ترک کرده باشد، در صورت امکان باید خودش قضا نماید و در صورت عدم امکان یا عسرو حرج، نایبش قضا کند و تا وقتی که قضا انجام نشده، زن براو حرام است.

مسأله ۴۲۵: اگر کسی برای عمره یا حج اجیر شود و طواف زیارت را ترک کند به طوری که عمره و حج باطل شود، اجاره باطل نیست و مجدداً باید عمره یا حج را اعاده نماید، مگر این که اجاره مقید به همان وقتی باشد که عمره یا حج باطل شده، در این صورت اجاره باطل است و اجرت را پس می‌دهد.

مسأله ۴۲۶: چنانچه از روی فراموشی طواف حج یا عمره را ترک نمود، فقط باید طواف را قضا کند و بقیّه اعمالش باطل نیست و اگر برای خودش امکان نداشت، باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۲۷: هرگاه عمدتاً یا جهلاً طواف را ترک کرد، پس از انجام سایر اعمال، مُحل می‌شود یعنی از احرام بیرون می‌آید. واحوط آن است که آنچه را ترک نموده انجام دهد تا از احرام بیرون بیاید.

مسأله ۴۲۸: اگر از حرم خارج شد سپس برای اعاده عملی که لازم است با احرام شود خواست به حرم برگردد، باید برای انجام آنچه فوت شده، محرم شود.

مسأله ۴۲۹: هرگاه طواف یا نماز طواف یا سعی را فراموش کند که واجب است قضا شود، لازم نیست قضا در ماه‌های حج (شوّال، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه) باشد.

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۲۵

مسئله ۴۳۰: هرگاه شک کند که آنچه ترک شده طواف حج بوده است یا طواف عمره، یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام دهد.

مسئله ۴۳۱: چنانچه طواف واجب حج یا عمره را فراموش کند و با همسرش نزدیکی (جماع) نماید، کفاره (شتر) براو واجب نیست.

مسئله ۴۳۲: هرگاه طواف نساء را فراموش کرد، زن براو حرام است تا زمانی که خودش آن را قضا نماید و اگر شخصاً تمکن از قضا نداشت، نایب بگیرد، و اگر می‌توانست در همان سال نایب بگیرد ولی شخصاً نمی‌توانست آن را قضا کند اما برای سال بعد شخصاً قادر بر قضا بود، باید در همان سال نایب بگیرد.

مسئله ۴۳۳: در مسئله قبلی چنانچه طواف وداع را انجام داده باشد، جایگزین طواف نساء می‌شود و نیازی با قضا نیست.

مسئله ۴۳۴: در احکام مذکور طواف، فرق بین زن و مرد و خنثی نیست و طواف نساء مثل طواف حج و طواف عمره برای همه (رکن) واجب است.

مسئله ۴۳۵: هرگاه در بین طواف، وقت نماز واجب فرارسید، مستحب است طواف را قطع نماید و نماز فریضه را بخواند، سپس طواف را تکمیل کند، هرچند قبل از نصف طواف باشد.

شک در عدد اشواط

مسئله ۴۳۶: هرگاه بعد از تمام شدن طواف و تجاوز از محل، شک کند که آیا طواف هفت شوط یا کم‌تر یا بیشتر بوده، به شک خود اعتنا نکند، مثل کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکّی بکند. و همچنین است اگر قبل از نماز شک کند ولی از و طاف بیرون رفته یا عملی انجام داده باشد که تجاوز از محل صدق کند.

مسئله ۴۳۷: هرگاه در حین طواف در زیاده شک کند، در صورتی که یقین به هفت شوط داشته باشد، طواف را قطع نماید و طواف صحیح خواهد بود.

مسئله ۴۳۸: هرگاه در حین طواف در نقیصه شک نماید، باید طواف را اعاده کند و اگر با دانستن مسئله عمداً از طواف بیرون رفت و به شکّ خود اعتنا ننمود، باید طواف را اعاده

۱۲۶ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

کند. اما اگر از روی جهل به مسأله یا سهو و فراموشی و اضطراب به شک اعتنا ننمود و از طواف بیرون آمد، طوافش صحیح است. البته این مسائل شک مربوط به طواف حج و عمره است که از آن تعبیر به طواف فریضه می‌شود.

مسأله ۴۳۹: هرگاه در بین طواف بین نقیصه و زیاده و کمال (مثلاً بین ۶ و ۷ و ۸) شک نماید، باید طواف را از سر بگیرد، همچنین اگر بین نقیصه و زیاده (مثلاً بین ۶ و ۸) شک داشته باشد، باید طواف را اعاده کند و اگر در اصل عدد شک نماید که نداند چند شوط انجام داده، طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۴۰: ظنّ در طواف تا وقتی که به حدّ علم عادی نرسیده، در حکم شک می‌باشد.
مسأله ۴۴۱: در عدد اشواط می‌توان به بیّنه (دو شاهد عادل) و ثقه واحد (یک شخص مورد اطمینان) گرچه طفل یا زن یا فاسق باشد، اعتماد نمود.

مسأله ۴۴۲: اگر دانسته و از روی عمد یا ندانستن حکم، طواف عمره تمتّع را ترک نماید و نتواند پیش از وقوف به عرفات تدارک کند، عمره اش باطل است و واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید و بنابر احتیاط واجب باید به «حجّ افراد» عدول نماید. و هرگاه از روی عمد یا ندانستن حکم، طواف حج را ترک نماید و تدارکش ممکن نباشد، حجّ او باطل است و باید در سال بعد اعاده کند و در همان سال ترک طواف، یک شتر کفّاره بدهد. و برای بیرون آمدن از احرام در همه این موارد عمره مفرده بجا آورد.

مسأله ۴۴۳: هرگاه طواف را فراموش کرد، بعد از این که یادش آمد، تدارکش واجب است. و چنانچه بعد از گذشت وقتش یادش آمد، باید قضای آن را بجا آورد و حجّ او صحیح است. و احتیاط واجب این است که بعد از قضای طواف و نماز آن، سعی را هم انجام دهد. و اگر زمانی یادش بیاید که قضا نمودن آن ممکن نباشد (مثل این که بعد از بازگشت به وطن یادش آمد)، واجب است نایب بگیرد و احتیاط لازم این است که نایب پس از طواف و نماز آن، سعی را نیز بجا آورد.
مسأله ۴۴۴: اگر طواف را فراموش نمود و به وطن خود بازگشت و یا عیال خود نزدیکی کرد

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۲۷

سپس یادش آمد، چنانچه طواف فراموش شده طواف حج باشد، لازم است یک قربانی به منی بفرستد، و چنانچه طواف عمره باشد، لازم است یک قربانی به مکه بفرستد و در این قربانی گوسفند کافی است.

مسأله ۴۴۵: اگر طواف را فراموش کرده و در مکه و محرم است، باید با همان احرام قضای طواف را بجا آورد و حاجتی به تجدید احرام نیست، مگر این که در مکه باشد و از احرام بیرون آمده که به احتیاط غیر لازم دوباره احرام ببندد. و در صورتی که از مکه خارج شده و یک ماه یا بیشتر گذشته باشد، لازم است برای ورود به مکه احرام تازه ببندد چنان که گذشت.

مسأله ۴۴۶: آنچه از محرمات احرام که بر طواف کننده حلال می شود، بر فراموش کننده طواف حلال نمی شود تا آن را خودش یا نایبش قضا کند.

۳- نماز طواف

مسأله ۴۴۷: سوّم از واجبات عمره تمتّع دو رکعت نماز طواف است که مانند نماز صبح است. و اولی و بهتر آن است که در رکعت اوّل بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» بخواند. و در بلند یا آهسته خواندن مخیر است و واجب است نماز را پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و در صورت عدم تمکّن، با مراعات نزدیکی به مقام از طرف پشت آن در هر جای مسجد می تواند بجا آورد. و نماز طواف مستحب را می تواند هر جای مسجد که بخواهد بجا آورد، مگر جلوتر از مقام ابراهیم علیه السلام.

مسأله ۴۴۸: هرگاه در بین نماز طواف متوجّه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، از نصف طواف گذشته باشد یا خیر و چه شروع به نماز از روی جهل باشد یا فراموشی و غفلت. و اگر بعد از نماز متوجّه شد، باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسأله ۴۴۹: هرگاه مشغول سعی شد و متوجّه شد که طوافش ناقص بوده، باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هر چند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد، و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید، سپس سعی را کامل کند گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد.

۱۲۸ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسئله ۴۵۰: کسی که دانسته و عمدتاً نماز طواف را بجا نیاورد، حجتش باطل است.

مسئله ۴۵۱: نماز طواف باید هرچه زودتر بعد از طواف خوانده شود به گونه‌ای که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است.

مسئله ۴۵۲: اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد و بعد از بجا آوردن سعی یادش آمد، باید فوراً نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست، هرچند احتیاط غیر لازم است. و چنانچه در میان سعی یادش آمد، باید سعی را قطع کرده و نماز طواف را در جایی که گفته شد بخواند، سپس از جایی که سعی را قطع کرده تمام نماید. و اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش آمد، باید به مکه برگردد و نماز طواف را در جایی که گفته شد بخواند. و اگر نتواند به مکه برگردد، همان جا بخواند و به احتیاط غیر لازم نایب هم بگیرد که چشت مقام نماز را بخواند. و چنانچه می‌تواند به حرم برگردد، بهتر و احتیاط غیر لازم این است که برگشته و نماز را در حرم بخواند. و حکم کسی که نماز طواف را به جهت ندانستن حکم نخوانده، مانند حکم کسی است که فراموش کرده است و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر نیست.

مسئله ۴۵۳: بر کسی که قرائت نمازش صحیح نیست، واجب است قرائت خود را اصلاح نماید، و اگر نتوانست اصلاح نماید، به هر اندازه‌ای که می‌تواند انجام دهد و نایب گرفتن کافی نیست.

مسئله ۴۵۴: هرگاه نماز طواف را فراموش کرد و تا دم مردن یادش نیامد و مُرد، بروی او واجب است آن را قضا نماید.

مسئله ۴۵۵: نماز طواف را می‌توان با جماعت خواند.

مسئله ۴۵۶: اگر قرائت نمازگزار غلط دارد، باید آن را تصحیح کند و اگر نتواند آن را درست کند، به هرگونه که می‌تواند خودش بخواند، و بنا بر احتیاط واجب به جماعت بخواند و نایب هم بگیرد.

مسئله ۴۵۷: کسی که نمی‌داندست قرائت نمازش درست نبوده و در نادانی خود هم معذور باشد، نمازش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد، حتی اگر بعد از نماز بفهمد که قرائتش اشکال

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۲۹

داشته است. ولی اگر معذور نبوده، لازم است طبق وظیفه‌ای که در مسأله قبل گفته شد نماز را اعاده کند.

مسأله ۴۵۸: هرگاه نماز طواف را از روی جهل یا سهویا فراموشی ترک کرد، اعمال بعد از نماز صحیح است و احتیاج به اعاده آنها نیست.

مسأله ۴۵۹: لازم نیست قضای نماز طواف در ماه‌های حج باشد و در مسائل قضای نماز طواف فرقی بین اقسام حج و عمره نیست. همچنین لازم نیست که قضای نماز با لباس احرام باشد.

مسأله ۴۶۰: مکروه است که دو طواف را پی در پی انجام دهد به طوری که بعداً دو نماز برای هر دو بجا آورد، بلکه بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

مسأله ۴۶۱: زنی که قبل از نماز طواف یا در هنگام طواف حایض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و اگر چهار شوط یا بیشتر طواف کرده باشد، بقیه طواف و نماز را تأخیر می‌اندازد و اعمال دیگر عمره را تکمیل نموده، بعد از پاکی، باقیمانده طواف و نماز را بجا می‌آورد و لازم نیست سعی را اعاده کند، اما اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک نشود، احتیاط آن است که قبل از آن که برای وقوف خارج شود برای انجام بقیه طواف و نماز آن نایب بگیرد و پس از پاکی نیز آن را بجا آورد.

مسأله ۴۶۲: زنی که حایض شد و هنوز چهار شوط طواف را تکمیل نکرده باشد، باید طواف را قطع نموده فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک شد، طواف را از سر گرفته و بقیه اعمال عمره را تکمیل می‌کند و گرنه حج او به «حج افراد» تبدیل شده؛ به عرفات می‌رود و دیگر اعمال «حج افراد» را بجا آورده، پس از آن عمره مفرده بجا می‌آورد و کفایت می‌کند.

۴- سعی

مسأله ۴۶۳: واجب چهارم از اعمال عمره تمتع: سعی بین صفا و مروه می‌باشد. و واجبات سعی عبارت است از:

۱- نیت.

۱۳۰ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

۲- شروع از صفا و ختم به مروه.

۳- عدد، یعنی هفت مرتبه مسافت را طی کند.

۴- مقادیم بدن به طرف صفا و مروه باشد.

۵- لباس و کفش و سواری انسان مباح باشد.

مسأله ۴۶۴: سعی عبارت است از رفت و آمد خاص بین دو کوه صفا و مروه. که نام دو کوه کنار مسجدالحرام است. هفت بار، به این معنا که از صفا شروع می کند و به مروه می آید و این یک بار محسوب می شود، سپس از مروه به صفا برمی گردد و این بار دوم است، و از صفا به مروه سوم، و همچنین تا سرانجام بار هفتم در مروه ختم می شود و مجموع چهار رفت و سه برگشت، هفت مرتبه می شود. و آن از ارکان حج و عمره است و ترک آن موجب بطلان آن ها می شود. و سعی مستقلاً عمل مستحبی است و در سعی مستحبی لازم نیست هفت شوط باشد، گرچه مستحب است.

مسأله ۴۶۵: سعی بین صفا و مروه از واجبات اساسی است، چنانچه عمداً ترک شود تا وقت بگذرد چه در حج و چه در عمره، موجب بطلان است. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا غفلت و یا اضطرار ترک شد، حج و عمره باطل نمی شود، بلکه باید فقط سعی را شخصاً قضا نماید و اگر امکان ندارد نایب بگیرد حتی اگر بعد از ذی الحجة باشد.

مسأله ۴۶۶: سعی باید بعد از طواف و نماز آن بجا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن انجام گردد، لازم است بعد از آن ها اعاده شود.

مسأله ۴۶۷: جایز نیست به تأخیر انداختن سعی از طواف و نماز آن به فردای آن روز، مگر برای ضرورت، ولی اگر طواف را در روز انجام دهد، می تواند سعی را در شب بجا آورد. هر چند احتیاط غیر لازم این است که سعی را از طواف و نماز آن به مقدار قابل توجه هم تأخیر نیندازد، چه طواف و نماز را در روز بجا آورد چه در شب.

مسأله ۴۶۸: هرگاه سعی را عمداً تأخیر انداخت، اعمال قبل و بعد از سعی صحیح است و هر

وقت بتواند باید سعی را انجام دهد.

مسأله ۴۶۹: واجب است در سعی نیت کند و قصد قربت و اخلاص نموده و تعیین نماید در عمره است یا حج، مثلاً بگوید: سعی بین صفا و مروه بجا می‌آورم برای عمره تمتع قربۀ الی الله تعالی. و نیز اگر به نیابت از دیگری بجا می‌آورد باید تعیین کند، ولی ستر عورت و طهارت از حدث یا خبث در آن شرط نیست، هر چند مستحب است که با طهارت باشد.

مسأله ۴۷۰: طهارت حدیثیه (یعنی وضو، یا غسل کافی از وضو) و طهارت خبثیه (یعنی پاکی بدن و لباس از نجاست) در سعی شرط نیست، بلکه هر دو مستحب است. بنابراین بدون وضو یا در حال جنابت و حیض و همچنین با بدن یا لباس نجس، سعی صحیح نیست.

مسأله ۴۷۱: مستحب است بعد از طواف و نماز طواف و قبل از ورود در جای سعی، حجرالأسود را استلام کند و همچنین آشامیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از همان آب بر بدن و سر مستحب می‌باشد.

مسأله ۴۷۲: هنگام شروع سعی از صفا لازم نیست که پشت پا به سنگ‌های صفا برسد، همچنین لازم نیست در مروه انگشتان پا به سنگ‌های مروه برسد، بلکه طبق متعارف کافی است.

مسأله ۴۷۳: می‌توان بین طواف واجب و سعی، یک طواف مستحب انجام داد.

مسأله ۴۷۴: سوار شدن در حال سعی جایز است، گرچه پیاده روی در صورت امکان بهتر است و باید مرکب و سواری او غصبی نباشد و بنا بر احتیاط چیز غصبی همراه خود بر ندارد.

مسأله ۴۷۵: لازم است وقتی از صفا به مروه می‌آید، مقادیم بدن (قسمت جلوی بدن) به طرف مروه باشد و وقتی از مروه با صفا برمی‌گردد، مقادیم بدن به طرف صفا باشد، ولی برگرداندن صورت گاه‌گاهی به این طرف و آن طرف مانعی ندارد و می‌تواند در حال ایستادن تمام بدن را به طرف دیگر حرکت دهد.

مسأله ۴۷۶: سعی در طبقه فوقانی مانعی ندارد و صحیح است.

مسأله ۴۷۷: نباید در حال سعی از مسیر سعی خارج شود، مثلاً وارد مسجد الحرام گردد یا به

۱۳۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

بازاربرود، اما خوردن آب در جاهایی که کنار مسعی درست کرده‌اند، اشکالی ندارد.

مسأله ۴۷۸: «هروله» در محلّ معینی بین صفا و مروه که با دو چراغ سبز علامت‌گذاری شده برای مردان مستحب است و برای زنان هروله نیست و نایب به وظیفه خود عمل می‌کند چه منوب عنه زن باشد چه مرد.

مسأله ۴۷۹: سعی باید هفت شوط کامل باشد و کم و زیاد کردن عمدی آن موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد، اما اگر سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن حکم کم کرد، هروقت متوجه شد، باقیمانده را تکمیل کند و چنانچه زیاد شد، زیادی را الغا نماید و سعی او صحیح خواهد بود. مسأله ۴۸۰: اگر بعد از تمام شدن سعی، شک در عدد و یا شرایط آن بنماید، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۴۸۱: اگر سعی را فراموش کند، باید هروقت یادش آمد انجام دهد، گرچه پس از اتمام اعمال حج یا بعد از ماه ذی‌الحجه باشد. و در صورتی که شخصاً نتواند یا برایش مشقت داشته باشد، باید نایب بگیرد و حشّ صحیح است.

مسأله ۴۸۲: کسی که شخصاً پیاده یا سواره، نتواند سعی را انجام دهد، باید نایب بگیرد که از طرف او سعی بجا آورد و حشّ صحیح است.

مسأله ۴۸۳: زیادی در سعی مانند زیادی در طواف چنانچه دانسته و عمداً باشد سعی را باطل می‌کند، ولی اگر حکم را نمی‌دانسته، سعی او به سبب زیادی باطل نمی‌شود، هرچند احتیاط غیر لازم اعاده آن است.

مسأله ۴۸۴: هرگاه سهواً در سعی زیاد نمود سعی اش درست است. و چنانچه زیادی کمتر از یک شوط است آن را رها کند و اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مخیر است بین رها کردن و تمام کردن که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم به صفا است. و چنانچه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن آن به قصد رجاء مانعی ندارد.

احکام طواف / تفصیل اعمال عمره تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۳۳

مسأله ۴۸۵: هرگاه عمداً از سعی خود کم کند و تا قبل از وقوف به عرفات انجام ندهد، حکم را بداند یا نداند، حج او باطل می شود و باید به «حج افراد» عدول نموده و عمره مفرده بجا آورد و سال آینده حج را اعاده کند. و چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم باشد، واجب است بقیه را هروقت یادش آمد انجام دهد، هرچند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، و در صورتی که شخصاً نتواند انجام دهد یا سخت باشد، واجب است نایب بگیرد، مثل این که پس از بازگشت به وطن یادش بیاید. و اگر نقصان سعی قبل از شوط چهارم بوده و فراموش کرده، احتیاط واجب این است که آن را تمام نموده و سپس سعی را به طور کامل اعاده کند و در صورت دشواری نایب بگیرد.

مسأله ۴۸۶: اگر در عمره تمتع فراموش کرد مقداری از سعی را انجام دهد، از احرام خارج نمی شود. و اگر به اعتقاد این که از سعی فراغت یافته یا عیال خود نزدیکی نماید، ناخن خود را بگیرد، یا موی خود را بچیند، باید یک گاو کفاره بدهد. و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

مسأله ۴۸۷: حکم شک در عدد شوط های سعی، مانند حکم شک در عدد شوط های طواف است، پس هرگاه در عدد شوط های سعی شک کند، سعی اش باطل است و باید از سر بگیرد.

مسأله ۴۸۸: شک در عدد شوط های سعی بعد از تقصیر اعتبار ندارد و اگر قبل از تقصیر باشد سعی را باطل می کند و لازم است سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۴۸۹: اگر هنگامی که در مروه است شک کند شوطی را که انجام داده هفتم بوده یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و سعی اش صحیح است. ولی اگر این شک در میان شوط پیدا شد (هنوز به مروه نرسیده)، سعی اش باطل است و لازم است آن را از سر بگیرد.

مسأله ۴۹۰: موالات (پی در پی بودن) در اشواط سعی واجب نیست، بلکه می تواند در بین صفا و مروه یا روی هردو کوه بنشیند و استراحت کند و یا مشغول شود به کار دینی (مثل نماز) یا کار عادی (مانند این که برود غذا بخورد و برگردد)، سپس باقیمانده سعی را کامل نماید، البته نه

این که فاصله خیلی زیاد شود به طوری که از روزی به روز دیگر برود، مگر مدّت زیاد به خاطر فراموشی باشد، مثلاً اگر مقداری از سعی باقی بود و فراموش کرد و به وطن بازگشت، می تواند پس از مراجعت، باقیمانده را انجام دهد و اگر تمکّن از برگشتن ندارد برای همان مقدار نایب بگیرد. مسأله ۴۹۱: چنانچه پس از فراغت از سعی یقین پیدا کرد سعی او ناقص بوده (چه یک شوط باشد یا بیشتر یا کمتر)، همان مقدار نقص را انجام دهد کافی است و اگر تمکّن نداشت باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۹۲: واجب است سعی بعد از نماز طواف باشد و جایز نیست در حال اختیار سعی را بر نماز طواف مقدم بدارد، اما در حال اضطرار (مانند ناپاک بودن زن) می تواند سعی را مقدم بدارد. مسأله ۴۹۳: هرگاه طواف را انجام داد و قدرت بر سعی پیدا نکرد (تا آخر ذی الحجة در سعی حج، یا تا وقتی که برای رفتن به عرفات وقت باشد در سعی عمره تمتّع، یا قبل از این که موالات بین طواف و سعی به هم بخورد در عمره مفرده)، حج و عمره اش صحیح است و هر وقت تمکّن پیدا کرد، باید سعی را انجام دهد.

۵- تقصیر

مسأله ۴۹۴: پنجم از واجبات عمره تمتّع، تقصیر است و با تقصیر، عمره تمتّع پایان می پذیرد و از احرام بیرون می آید.

مسأله ۴۹۵: تقصیر یعنی کم کردن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سیبیل و کندن موکفایت نمی کند بلکه باید چیده شود.

مسأله ۴۹۶: نیت در تقصیر لازم است، مثلاً چنین می گوید: تقصیر می کنم برای عمره تمتّع قریه الی الله تعالی.

مسأله ۴۹۷: لازم نیست تقصیر را بلافاصله بعد از سعی انجام دهد، هر چند احتیاط غیر لازم است و محلّ معینی برای تقصیر نیست، بلکه می تواند آن را در مروه، یا در منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

مسأله ۴۹۸: با انجام تقصیر تمام چیزهایی که بر محرم حرام بوده، حلال می شود.

احکام تقصیر/ تفصیل اعمال عمره تمتّع/ مناسک حج و عمره/ ۱۳۵

مسأله ۴۹۹: هرگاه تقصیر را عمداً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج شد، عمره اش باطل می‌شود و حجّ او تبدیل به «حجّ افراد» می‌گردد و پس از اعمال «حجّ افراد»، باید عمره مفرده‌ای بجا آورد و احتیاط لازم این است که حج را در سال بعد اعاده کند.

مسأله ۵۰۰: هرگاه تقصیر را سهواً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حجّ تمتّع شد، عمره اش صحیح است و بنابر احتیاط لازم باید یک گوسفند به عنوان کفّاره بکشد. اما اگر از روی ندانستن مسأله تقصیر را ترک کرد، عمره اش صحیح است و کفّاره ندارد. و اگر معتقد بوده که تقصیر را انجام داده و بعد از احرام حج معلوم شود که آن را انجام نداده، همین حکم جاری است که در این صورت عمره صحیح است و کفّاره ندارد.

مسأله ۵۰۱: طواف نساء در عمره تمتّع واجب نیست اما بجا آوردن آن به قصد رجاء اشکالی ندارد. مسأله ۵۰۲: هرگاه عمره تمتّع را انجام داد و قدرت بر انجام حجّ تمتّع نداشت، احوط انجام طواف نساء و نماز آن می‌باشد.

تا این جا اعمال عمره تمتّع که عبارت بود از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر به پایان رسید. مسأله ۵۰۳: همین که محرم در عمره تمتّع تقصیر نمود، آنچه به جهت احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌شود به جز سرتراشیدن. پس اگر عمره تمتّع در ماه شوال بجا آورده شود، سرتراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است، ولی بعد از آن احتیاط لازم این است که سرتراشیده نشود و چنانچه دانسته و عمداً بتراشد، بنابر احتیاط لازم باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

مسأله ۵۰۴: پس از تمام شدن اعمال عمره تمتّع احوط این است که از مکه مکرمه خارج نشود مگر این که ضرورت ایجاب کند و یا نیازی باشد و یا به احرام حجّ تمتّع محرم شود سپس خارج شود. البته خارج شدن به اطراف مکه و منی اشکال ندارد.

مسأله ۵۰۵: بعد از پایان عمره تمتّع، مستحب است روز هشتم ذی الحجه، برای حجّ تمتّع محرم شود و گرنه روز نهم واجب است برای حج محرم گشته و به عرفات برود.

حج تمتع

مسأله ۵۰۶: اعمال واجب حج تمتع سیزده چیز است و چنین نیت می‌کند: حج تمتع بجا می‌آورم
قربة الى الله تعالى.

تفصیل اعمال حج تمتع

۱- احرام

مسأله ۵۰۷: اولین واجب از اعمال حج تمتع، احرام است و این احرام با احرام عمره تمتع از نظر کیفیت، شرایط، واجبات و محرمات بیست و پنجگانه یکی است و تنها در دو مورد با آن اختلاف دارد:

۱- در نیت فرق می‌کند به طوری که در احرام عمره قصد می‌کرد: «محرم می‌شود به احرام عمره تمتع قربة الى الله تعالى» و در احرام حج قصد می‌کند: «محرم می‌شوم به احرام حج تمتع قربة الى الله تعالى».

۲- در میقات فرق می‌کند، میقات احرام حج تمتع شهر مکه مکرمه است و از هر جای شهر که باشد اشکالی ندارد و بین مکه قدیم و جدید فرق نیست. مستحب و احتیاط غیر لازم است که از مسجد الحرام، در مقام ابراهیم و یا در حجر اسماعیل علیهما السلام محرم شود.

مسأله ۵۰۸: زمان احرام حج تمتع از وقتی است که از عمره فارغ می‌شود تا وقتی که بتواند خود را به وقوف در عرفات برساند. و مستحب و احتیاط غیر لازم این است که روز ترویبه (هشتم ذی الحجة) محرم شود. و بهترین زمان در روز ترویبه، بعد از زوال و بجا آوردن نماز ظهرو عصر است. و سه روز قبل از روز ترویبه نیز جایز است، خصوصاً برای پیرمردان و بیماران در صورتی که از ازدحام بترسند که این دو دسته محرم می‌شوند و قبل از بیرون رفتن مردم، از مکه بیرون می‌روند. و گفته شد که بیرون رفتن از مکه با احرام حج به خاطر ضرورت، بعد از فراغ از عمره هر وقت باشد جایز است.

مسأله ۵۰۹: اگر نتواند از مکه احرام ببندد، از هر جایی که ممکن است. حتی از خود عرفات. محرم شود.

مسأله ۵۱۰: زمان احرام حج وقتی تنگ می‌شود که تأخیرش باعث نرسیدن به وقوف در عرفات

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره ۱۳۷

در روز عرفه (نهم ماه ذی الحجه الحرام) شود.

مسئله ۵۱۱: اگر عالماً و عامداً از غیر مکه معظمه برای حج محرم شد، احرامش باطل است و باید به مکه برگردد و تجدید احرام نماید و اگر برگشت و تجدید احرام نکرد، حجش باطل است. مسئله ۵۱۲: کسی که احرام حج را دانسته و عمداً ترک کند، لازم است تدارک نماید. و اگر پیش از وقوف به عرفات نتواند محرم بشود، حجش باطل است و لازم است سال بعد اعاده نماید. مسئله ۵۱۳: محرم به احرام حج تمتع، بنابر احتیاط لازم نباید قبل از رفتن به عرفات طواف مستحبی بجا آورد و اگر طواف مستحبی نمود، بنابر احتیاط واجب باید بعد از طواف، تلبیه را تجدید کند.

مسئله ۵۱۴: اگر از روی جهل یا فراموشی از غیر مکه مکرمه محرم شد، باید به مکه برگردد و احرام را تجدید نماید، و اگر امکان برگشت نبود، واجب است هر جا که هست احرام را تجدید کند و حجش صحیح خواهد بود.

مسئله ۵۱۵: کسی که احرام حج را از روی فراموشی یا ندانستن حکم ترک نموده و از مکه بیرون رفته، سپس یادش آمده یا حکم را بداند، واجب است به مکه برگردد (هر چند از عرفات باشد) و از مکه محرم شود. و چنانچه به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند به مکه برگردد، از همان جایی که هست محرم شود. و احتیاط لازم آن است که به مقداری که فوت وقوف در عرفات نشود، به سوی مکه برگردد، چنان که در احرام عمره گذشت. و اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد، باید از جایی که هست احرام ببندد، هر چند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد.

مسئله ۵۱۶: اگر به کلی احرام را فراموش کند تا این که کلیه اعمال حج را انجام دهد، حجش صحیح است.

مسئله ۵۱۷: شخصی که عمره بجا می آورد جایز نیست قبل از تقصیر، برای حج احرام ببندد. و کسی که برای حج محرم شد، جایز نیست قبل از تمام شدن اعمال حج، برای عمره مفرده احرام

ببندد. ولی احرام بستن برای عمره مفرده پس از اعمال حج و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.

۲- وقوف در عرفات

مسأله ۵۱۸: دوّم از واجبات حجّ تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در سرزمین عرفات در روز نهم ذی الحجة (روز عرفه) است با قصد قربت. برای وقوف باید چنین نیت کند: در سرزمین عرفات از اذان ظهر تا غروب آفتاب وقوف می‌کنم برای حجّ تمتّع قربۀ الی الله تعالی.

و مراد از وقوف، حاضر بودن در عرفات است بدون مرور، چه این حضور سواره باشد یا پیاده، چه در حال حرکت و چه آرام. هرچند مستحب است که با حال سکینه و وقار و خضوع برای خداوند تعالی باشد.

مسأله ۵۱۹: حدود عرفات به وسیله علامت‌های موجود تعیین شده است که نام آن‌ها ثویه (بطن عرفه) و ذی المجاز و مأزنین (اقصى الموقف) است و خارج از موقف می‌باشند و وقوف خارج از آن کافی نیست.

مسأله ۵۲۰: وقت وقوف در عرفات، از اوّل اذان ظهر روز نهم ذی الحجة (روز عرفه) تا غروب آفتاب است و این وقوف فی الجمله از ارکان حج است که ترک عمدی تمام آن، موجب بطلان حج می‌شود. ولی اگر مقداری از این وقت را عمداً ترک نماید، معصیت کرده اما حج باطل نیست و در غیر عمدش معصیت نیز نیست.

مسأله ۵۲۱: «جبل الرّحمة» کوهی در صحرای عرفات از موقف است، ولی وقوف بر آن مکروه است و مستحب است وقوف در دامنه‌ی آن باشد. و مکروه است وقوف نزد اراک و نزد الهبضات.

مسأله ۵۲۲: اگر کسی از روی فراموشی وقوف به عرفات را به کلی ترک کرد تا وقت وقوف تمام شد، حبّش صحیح است و به وقوف مشعراکتفا می‌شود، و اگر تا وقت باقی است یادش آمد، باید فوراً به عرفات برود و وقوف را انجام دهد، چه آن وقت باقیمانده از وقت وقوف اختیاری عرفه باشد (که از اوّل اذان ظهر است تا غروب آفتاب) یا وقت اضطراری آن (که از اوّل غروب آفتاب روز عرفه است تا اذان صبح روز عید قربان) و در این صورت به هر اندازه که وقوف کند، حتّی ربع ساعت یا کمتر کافی است و بودن تمام شب لازم نیست.

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۳۹

مسأله ۵۲۳: اگر از روی فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شد، چنانچه تا وقت باقی است متوجّه شود، باید به عرفات برگردد و اگر متوجّه نشد، چیزی بر او نیست و حجّش صحیح است.

مسأله ۵۲۴: وقوف در عرفات باید با نیت و اختیار باشد، پس اگر در عرفات در مجموع وقت، خواب یا بیهوش باشد، وقوف را بجا نیاورده است. ولی اگر نیت وقوف به عرفات نموده و با این نیت به خواب رفته و خواب بماند تا وقت خارج شود، بعید نیست وقوف حاصل شده و کافی باشد، حتی اگر قبل از ظهر بخوابد.

مسأله ۵۲۵: وقوف مختصر در عرفات، بعد از ظهر روز عرفه، رکن حج است و به ترک آن حج باطل می‌شود، و وقوف در عرفات از اوّل ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب واجب است. و کسی که تمام این وقت را در عرفات نباشد معصیت کرده است، ولی حجّش باطل نخواهد شد، اما اگر از روی عمد اصلاً وقوف نکند، حجّش باطل می‌شود. پس رکن وقوف مختصر است هر چند لحظه‌ای باشد، نه وقوف در تمام وقت، گرچه وقوف در تمام وقت واجب است.

مسأله ۵۲۶: کسی که به جهت فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر موجه دیگری وقوف اختیاری (از ظهر تا غروب) را درک نکرد، وقوف اضطراری (مقداری از شب عید) بر او لازم است و حدّ آن تا طلوع فجر روز عید است و با این وقوف حجّش صحیح خواهد بود و اگر این وقوف را عمداً ترک کند، حجّش باطل می‌شود.

مسأله ۵۲۷: کوچ کردن از عرفات قبل از غروب آفتاب، دانسته و عمداً حرام است، ولی حج را باطل نمی‌کند، و کسی که کوچ کرد و پشیمان شد و برگشت، چیزی بر او نیست، ولی اگر برگشت، باید یک شتر کفّاره بدهد و در منی آن را بکشد. و چنانچه نتواند یک شتر کفّاره بدهد، باید هجده روز پی در پی روز بگردد، بدون فرق بین این که در سفر روزه بگیرد یا در حضر و نیز در مکه بگیرد یا در محلّ خودش. و این حکم نسبت به کسی که فراموش کرده یا حکم را نمی‌دانسته و قبل از غروب کوچ کند نیز جاری است. یعنی اگر یادش آمد یا حکم را یاد گرفت،

۱۴۰ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

باید برگردد و اگر برنگشت بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد.

مسأله ۵۲۸: واجب است راجع به هلال ماه ذی الحجة تحقیق شود و در صورت عدم ثبوت شرعی، همراه با مردم به عرفات رود، و در صورتی که بر جان و مال خود نترسد، بنابر احتیاط واجب عمل به وظیفه واقعی هم بنماید.

۳- وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)

مسأله ۵۲۹: سوّم از واجبات حجّ تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در مزدلفه (مشعر الحرام) است قربةً الى الله تعالى.

مسأله ۵۳۰: واجب است بعد از آن که محرم، شب عید از عرفات خارج می شود، به مشعر الحرام برود و احوط این است که شب عید را در مشعر باشد و هنگامی که فجر طلوع کرد چنین نیت می کند: در سرزمین مشعر الحرام وقوف می کنم از اذان صبح تا طلوع آفتاب روز دهم ذی الحجة برای حجّ تمتّع قربةً الى الله تعالى.

مسأله ۵۳۱: حدود مشعر (مزدلفه) که به وسیله علامت های موجود تعیین شده است. از مآزمین تا حیاض و وادی محسّر که در آن ها نباید وقوف نمود، مگر در صورت ازدحام جمعیت و تنگی وقت که باید از مآزمین بالا رفت. معتبر و وقوف خارج از مشعر مجزی نیست، و وقوف در مشعر از واجبات اساسی حج است. اگر کسی عمداً آن را ترک نماید حجّش باطل است. وقوف در مشعر الحرام هم باید با نیت و قربةً الى الله باشد.

مسأله ۵۳۲: غیر از وقوف بین الطلوعین، بیتوته (شب ماندن) هم، در مشعر در شب عید قربان واجب است، بنابر احتیاط لازم. و نباید عمداً کوچ از عرفات به مشعر را تا طلوع فجر به تأخیر بیاورد.

مسأله ۵۳۳: بایستی بیتوته و وقوف در مشعر با نیت باشد و قربةً الى الله، و هنگام طلوع فجر روز عید قربان، باید جهت وقوف بین الطلوعین در مشعر تجدید نیت کند، مگر این که از شب قصد کند که شب را در مشعر می مانم و بین الطلوعین رانیز خواهم ماند، و همین نیت کفایت می کند.

مسأله ۵۳۴: وقوف در مشعر دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری که از اوّل اذان صبح روز عید قربان است تا اوّل طلوع آفتاب، و مقدار رکن، وقوف در این فاصله است هرچند کم باشد. و اگر کسی پس از گذشتن چند دقیقه از اذان صبح، عمداً از مشعر خارج شد و تا طلوع آفتاب غناند، معصیت کرده اما حجّش صحیح است.

۲- وقوف اضطراری مشعر دو وقت است: یکی از اوّل اذان مغرب شب عید تا اذان صبح، و دیگری از اوّل طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر همان روز.

مسأله ۵۳۵: برای مردان در صورت اختیار وقوف اختیاری واجب است و اگر اصلاً بجا نیاورد، حجّش باطل می‌شود، اما زنان و کودکان و بیماران و اضعاف ضعیف مانند پیرمردان و بیماران که در شلوغی اذیت می‌شوند و کسانی که از دشمن ترس دارند، می‌توانند شب عید مقداری وقوف نموده و قبل از طلوع فجر به منی کوچ کنند، به شرط آن که نیت وقوف شب را داشته باشند. و بنابر احتیاط غیر لازم قبل از نیمه شب از مشعر بیرون نروند. و همچنین حمله‌دار و کارمند کاروان می‌توانند از مشعر خارج شوند به شرط آن که در بیرون رفتن، بر مقدار ضرورت اقتضای کنند و قبل از طلوع فجر به مشعر بازگردند.

مسأله ۵۳۶: کسی که شب عید را در مشعر وقوف کرده و از روی ندانستن حکم، قبل از طلوع فجر کوچ نماید، حجّش صحیح است ولی باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

مسأله ۵۳۷: کسانی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و با فراموش کار و مضطر باشند، به همان وقوف اضطراری اکتفا نموده و کفّاره نیز ندارند.

مسأله ۵۳۸: اگر وقوف اختیاری (مابین اذان صبح روز عید تا طلوع آفتاب) و اضطراری اوّل (از اذان مغرب تا اذان صبح روز عید) را درک نکرده، لازم است وقوف اضطراری دوّم را (که مقداری از اوّل آفتاب روز عید است تا ظهر) انجام دهد.

مسأله ۵۳۹: کسی که فراموش کند یا به جهت عذر دیگری نتواند بین الطلوعین، وقوف اختیاری مشعر کند، وقوف اضطراری بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید کافی است به شرط

آن که از شب نیت وقوف داشته باشد و اگر آن را عمداً ترک کند، حجّش فاسد خواهد شد.

مسأله ۵۴۰: درک وقوفین چند قسم است:

۱- تنها وقوف اختیاری عرفه را درک کند و از وقوف مشعر معذور باشد (به جهت اضطرار یا سایر عذرها) در این صورت حج صحیح است.

آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند؛ چنانچه از مشعر عبور کرده و عدم وقوفش در مشعر به خاطر ندانستن حکم یا موضوع باشد، بعید نیست حجّش صحیح باشد، به خصوص اگر در مشعر ذکر خدا نموده است، گرچه احتیاط غیر لازم اعاده حج است. و اگر بتواند وقوف اضطراری قبل از ظهر عید را درک کند، باید برگردد و قدری توقّف کند، در این صورت حجّش بی اشکال صحیح است. ولی اگر از مشعر عبور نکرده یا عبور کرده و عمداً وقوف ننموده، حجّش باطل است و باید عدول به عمره مفرده نماید.

۲- تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد (مقداری از شب عید)، حجّ او صحیح نیست در این صورت حجّش باطل است و بدل به عمره مفرده می شود.

۳- تنها وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد و عمداً وقوف عرفات را ترک نکرده باشد بلکه به جهت عذری ترک شده، حج صحیح است. اما اگر عمداً وقوف در عرفات را ترک کرده باشد، حج صحیح نیست.

۴- تنها وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، چنانچه وقوف اضطراری شب عید یا وقوف اضطراری پیش از ظهر روز عید را درک کند و وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد، حجّش صحیح است گرچه بنا بر احتیاط غیر لازم در هر دو صورت حج را در سال بعد اعاده کند و اگر عمداً وقوف عرفات را ترک کرده باشد، حج صحیح است.

۵- هر دو وقوف اختیاری مشعر و عرفات را درک کند، حج صحیح است.

۶- اختیاری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۷- اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، در این صورت حجّش صحیح است، و اگر

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۴۳

از سال‌های قبل مستطیع بوده یا استطاعت تا سال بعد باقی بماند، بنابراین احتیاط واجب اعاده نماید.

۸- اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۹- هیچ‌یک از دو وقوف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آن را، حج باطل است. از روی علم باشد یا جهل، معذور باشد یا نباشد. و اگر گوسفند همراه او باشد، باید قربانی کند، و مستحب است با حاجیان در منی بماند. و هنگامی که به مکه برگش، باید با همان احرام حج، عمره مفرده بجا آورد و از احرام بیرون آید. و چنانچه از سال‌های قبل مستطیع بوده یا استطاعتش باقی ماند، باید در سال بعد حج نماید.

مسئله ۵۴۱: چنانچه محرم به احرام حج شد ولی حج از او فوت شد، مانند این که هیچ‌یک از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکرد، باید اعمال عمره مفرده را انجام دهد. یعنی از نیت احرام حج به احرام عمره مفرده عدول نماید و اعمال آن را انجام دهد و محل شود و بقیه مناسک مثل اعمال منی و مکه از او ساقط است.

مسئله ۵۴۲: یکی از مستحبات وقوف در مشعر، جمع‌آوری مقداری سنگ‌ریزه برای رمی جمرات در منی است و جایز است بیشتر از آنچه رمی می‌نماید بردارد که اگر تعدادی خطا کرد از زیادی استفاده نماید گرچه اگر کم برداشت یا کم آورد، می‌تواند از ریگ‌های منی یا وادی محسر استفاده کند.

مسئله ۵۴۳: واجب است انسان بعد از طلوع آفتاب روز عید، از مشعر به منی برود تا اعمال مخصوص منی را انجام دهد و اعمال آن سه چیز است: رمی جمره عقبه، قربانی کردن در منی و حلق یا تقصیر.

۴- رمی جمره عقبه

مسئله ۵۴۴: چهارم از واجبات حج تمتع: رمی جمره عقبه در منی در روز عید است، و سه جمره در منی موجود است که آخرین آن‌ها به سوی مکه مکرمه به نام جمره عقبه می‌باشد.

مسئله ۵۴۵: واجبات رمی چند چیز است:

۱- نیت با قصد قربت به این صورت: رمی می‌کنم جمره عقبه را به هفت سنگ‌ریزه برای حج

۱۴۴ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

تمتع یا افراد برای خود یا برای منوب عنه قربۀ الی الله تعالی.

۲- باید هفت سنگ ریزه رمی کند، نه زیاده‌تر نه کمتر. اما اگر احتیاطاً چند سنگ ریزه اضافه بزند اشکالی ندارد.

۳- باید سنگ ریزه‌ها به جمره برسد (بخورد).

۴- باید سنگ ریزه‌ها را پرتاب کند و گذاشته سنگ ریزه بر جمره کافی نیست. و اگر سنگ ریزه به چیزی برخورد کرد سپس به جمره رسید بنا بر احتیاط لازم کافی نیست.

۵- زدن ریگ‌هایکی پس از دیگری باشد، یعنی در هفت نوبت پرتاب شود نه این که همه را با هم بزند. همچنین است بنا بر احتیاط لازم اگر جدا جدا زد ولی با هم به جمره خوردند.

۶- رمی در بین طلوع و غروب آفتاب (در روز) باشد، مگر کسانی که شبانه از وقوف اضطراری مشعر استفاده کرده و وارد منی شده‌اند، مانند زن‌ها که می‌توانند شب رمی نمایند. ولی بنا بر احتیاط مستحب اگر می‌توانند در روز رمی کنند یا نایب بگیرند.

مسأله ۵۴۶: هرگاه شک کند که سنگ ریزه‌ها به جمره رسید یا نه، بنا را به نرسیدن بگذارد و سنگ دیگری پرتاب کند، مگر آن که شک وی وقتی باشد که شب داخل شده و یا مشغول انجام واجب دیگری مانند قربانی کرده باشد که در این صورت به شک اعتنا نکند، بلکه اقوی عدم اعتنا به شک است اگر شک پس از اتمام رمی و برگشتن از محل رمی حاصل شد، چه شک در عدد باشد یا در یکی از واجبات رمی.

مسأله ۵۴۷: لازم است این ریگ‌ها بکرباشند یعنی با آن‌ها قبلاً رمی جمره نشده باشد و باید متوسط باشد نه خیلی ریز و نه خیلی درشت مثلاً به اندازه یک بند انگشت، و جنس آن باید سنگ باشد، پس کلوخ و چوب و خرف و امثال آن کفایت نمی‌کند، و لازم نیست سنگ ریزه‌ها پاک باشند، اما باید سنگ ریزه‌ها از محدوده حرم برداشته شود.

مسأله ۵۴۸: لازم نیست سنگ ریزه‌ها را به طور متوالی رمی کند، بلکه جایز است در اثنای رمی کمی استراحت نماید، اما اگر فاصله زیاد شد اعاده کند.

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۴۵

مسئله ۵۴۹: رمی جمرات از طبقه فوقانی حتی در غیر حال اضطرار جایز است.

مسئله ۵۵۰: مستحب است سنگ ریزه‌ها رنگین و خال‌دار و سست و به مقدار یک بند انگشت باشند.

مسئله ۵۵۱: مستحب است انسان در حین رمی، پیاده و با طهارت باشد، و در محل رمی آل محمد و بنی‌هاشم صلی‌الله‌علیه‌م باشد.

مسئله ۵۵۲: اگر کسی از روی ندانستن حکم یا فراموشی، در روز عید رمی جمره نکرد، لازم است تا روز سیزدهم هروقت یادش آمد یا حکم را فهمید، تدارک نماید. و چنانچه شب یادش آمد، باید فردا رمی کند و این در صورتی است که از کسانی نباشد که رمی در شب برایشان جایز است. و اگر پس از روز سیزدهم حکم را دانست یا یادش آمد که رمی نکرده، احتیاط لازم این است که به منی رفته و رمی کند و در سال بعد نیز رمی را خودش یا نایبش بجا آورد. و چنانچه بعد از بیرون رفتن از مکه دانست یا یادش آمد، برگشتن بر او واجب نیست، بلکه بنابر احتیاط واجب باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را بجا آورد.

مسئله ۵۵۳: چنانچه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، روز عید رمی جمره نکرد و پی از طواف حج حکم را فهمید یا یادش آمد و تدارک نمود، اعاده طواف حج بر او واجب نیست، هرچند احتیاط غیر لازم اعاده طواف حج است. ولی اگر ترك رمی از روی علم و عمد باشد طوافش باطل است و واجب است بعد از تدارک نمودن رمی، طواف را اعاده کند.

۵- قربانی

مسئله ۵۵۴: پنجم از واجبات حج تمتع و دوّم واجب منی، قربانی کردن روز عید قربان در منی است.

مسئله ۵۵۵: برای قربانی کردن واجب است:

۱- نیت کند.

۲- قربانی از انعام ثلاثه (شتر، گاو یا گوسفند) باشد.

۳- و سنّ خاصی داشته باشد.

۴- و تامّ الخلقه باشد.

۱۴۶/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

۵- مراسم قربانی کردن در روز عید یا ایّام تشریق باشد.

۶- و در منی انجام شود.

۷- و حاجی در این مراسم ترتیب را رعایت کند.

۸- و قربانی را از محدوده حرم خارج نکند.

مسأله ۵۵۶: باید خود حاجی با قصد قربت نیت کند، مثلاً بگوید: قربانی می‌کنم برای حجّ تمتّع قربۀ الی الله تعالی. و اگر قصّاب قربانی را می‌کشد، هردو نیت کنند و چنانچه فقط حاجی نیت کرد، کافی است.

مسأله ۵۵۷: قربانی یعنی شتری را نحر، یا گاو یا گوسفند یا بز را ذبح کنند (نحر: کشتن شرعی شتر و ذبح: کشتن شرعی غیر شتر است). و باید با قصد قربت و در روز واقع شود، مگر برای کسی که بترسد، که می‌تواند شب قربانی کند.

مسأله ۵۵۸: واجب است قربانی کردن، بعد از رمی باشد. اما اگر فراموش کرد یا نمی‌دانست و قبل از رمی قربانی کرد، صحیح است و اعاده لازم نیست. و باید قربانی در زمین منی باشد و در حال اختیار در غیر آن، مثل وادی محسّر، کفایت نمی‌کند. اما در صورت اضطرار و عسرو حرج و مانند آن، در غیر منی نیز کفایت می‌کند.

مسأله ۵۵۹: بنابر احتیاط لازم باید در روز عید قربان، قربانی کند. اما اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم یا عذر دیگری آن را ترك نمود، باید تا آخر ایّام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی‌الحجّة) تدارك نماید. و چنانچه عذر او مستمر بود، می‌تواند تا آخر ماه ذی‌الحجّة آن را به تأخیر بیاندازد. و اگر بعد از طواف دانست یا یادش آمد و تدارك نمود، واجب نیست طواف را اعاده کند، هرچند اعاده‌اش احتیاط غیر لازم است. و اگر عمداً و دانسته قربانی نکرد و طواف نمود، طوافش باطل است و واجب است بعد از قربانی طواف را اعاده نماید.

مسأله ۵۶۰: قربانی باید شتر، گاو یا گوسفند باشد. و چنانچه شتر باشد، باید سال پنجم را تمام کرده و در سال ششم داخل شده باشد، و اگر این مقدار سن نداشته باشد کافی نیست. و

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۴۷

چنانچه گاو یا بز باشد، بنابر احتیاط لازم باید سه ساله باشد و کمتر از آن کافی نیست. و چنانچه گوسفند باشد، باید هشت ماهه باشد و کمتر از آن کافی نیست، و بنابر احتیاط لازم باید يك سالش تمام و داخل سال دوّم شده باشد.

مسأله ۵۶۱: چنانچه پس از قربانی کردن معلوم شد که قربانی سنّ لازم را نداشته، لازم است قربانی دیگری را که دارای سنّ معتبر باشد، قربانی کند.

مسأله ۵۶۲: قربانی باید همه اعضایش سالم باشد. بنابراین کور، شل، اخته شده، شاخ شکسته و مانند اینها کفایت نمی کند و لاغر نیز نباید باشد. و بهتر و احتیاط غیر لازم این است که بیمار و موجوء (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و پیری که استخوانش آب شده، نباشد. قربانی که گوشش بریده یا سوراخ باشد مکروه است، گرچه احتیاط غیر لازم این است که از اینها نیز سالم باشد. و احتیاط غیر لازم و بهتر آن است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

مسأله ۵۶۳: يك قربانی تنها برای يك نفر کافی است و برای دو نفر یا بیشتر کافی نیست مگر در حجّ مستحبّی.

مسأله ۵۶۴: هرگاه قربانی را به عقیده این که سالم است ذبح نمود و بعد معلوم شد عیبی داشته، لازم نیست قربانی دیگری نماید.

مسأله ۵۶۵: اگر کسی نتواند قربانی واجد شرایط ذکر شده را فراهم نماید، باید هر قدر از شرایط را که قدرت دارد تحصیل کند.

مسأله ۵۶۶: هرگاه قربانی را به خیال اینکه لاغر نیست خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر بوده، یا به اعتقاد اینکه لاغراست خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر نبوده، یا موقع خرید لاغر نبود ولی موقع ذبح لاغزشد، در هر سه صورت کافی است، امّا اگر پیش از ذبح معلوم شود لاغر بوده علی الأحوط کافی نیست.

مسأله ۵۶۷: چنانچه قربانی را به اعتقاد کامل بودن خرید و معلوم شد ناقص است، اگر پول

۱۴۸ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

آن را پرداخته، کافی است و اگر پولش را نپرداخته ـ علی الأحوط ـ لازم است تبدیل نماید، و اگر با اعتقاد به ناقص بودن خرید و بعد معلوم شد کامل است، در صورتی که قصد قربت شده باشد کافی است، حتی اگر بعد از ذبح معلوم شود.

مسأله ۵۶۸: چنانچه در چاقی حیوان شك دارد، ولی به قصد فرمانبرداری و به امید این که به درگاه خداوند قبول افتد آن را بکشد و بعد معلوم شود چاق بوده، کفایت می کند.

مسأله ۵۶۹: هرگاه قربانی سالم و بی عیبی خرید و پس از خرید مریض شد یا عیبی پیدا کرد، کشتن همان کافی است و لازم نیست تعویض نماید.

مسأله ۵۷۰: نباید چیزی از قربانی را از محدوده حرم خارج کند مگر اینکه در منی و محدوده حرم مورد مصرف نباشد.

مسأله ۵۷۱: هرگاه قربانی را خرید و گم شد، باید قربانی دیگری به جای آن بخرد و اگر قربانی اولی پیدا شد باید اولی را بکشد و نسبت به دومی مختار است که بکشد یا نه و در حکم سایر اموالش خواهد بود، هر چند احتیاط غیر لازم و بهتر این است که آن را نیز بکشد. و چنانچه قربانی اول بعد از کشته شدن قربانی دوم پیدا شد، بنا بر احتیاط واجب باید اولی را نیز بکشد.

مسأله ۵۷۲: اگر سه روز روزه گرفت سپس قربانی پیدا شد کشتن آن براو واجب نیست، گرچه بهتر است.

مسأله ۵۷۳: اگر قربانی گمشده ای را پیدا کرد، باید تا روز دوازدهم اعلان و تعریف کند، و چنانچه صاحبش پیدا نشد، عصر روز دوازدهم آن را از طرف صاحبش بکشد.

مسأله ۵۷۴: کسی که پول قربانی را دارد و قربانی نیابد، باید پول را نزد شخص امینی امانت بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجة با آن پول، قربانی بخرد و ذبح کند. و چنانچه ماه ذی الحجة گذشت، نباید آن را بکشد مگر در سال بعد. و اگر این نیز ممکن نشد، عوض قربانی باید ده روز روزه بگیرد.

مسأله ۵۷۵: کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را، باید به جای قربانی کرده ده روز روزه

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۴۹

بگیرد، سه روز را در حج (روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه) و هفت روز دیگر را در وطن خود. و بنابر احتیاط لازم باید هفت روز پی در پی باشد. و سه روز اول را می‌تواند پس از آغاز اعمال عمره تمتع، از اول ماه ذی الحجه روزه بگیرد و باید پی در پی باشد. و چنانچه به وطن خود برنگشت و در مکه اقامت نمود، باید تا يك ماه صبر نموده و بعد از آن هفت روز روزه بگیرد.

مسأله ۵۷۶: کسی که به جای قربانی روزه می‌گیرد، چنانچه نتواند روز هفتم ذی الحجه را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد. و اگر روز هشتم ذی الحجه را نیز نتواند روزه بگیرد، باید هر سه روز را تا برگشتن از منی به تأخیر بیندازد. و احتیاط غیر لازم این است که پس از بازگشت، هرچه زودتر روزه‌ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید. و اگر پس از بازگشت از منی نتوانست روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن یا در وطن خود روزه بگیرد، ولی نباید بین این سه روز و هفت روز بقیه جمع نماید. و چنانچه تا اول محرم، این سه روز روزه را نگیرد، روزه از او ساقط است و باید در سال بعد قربانی نماید.

مسأله ۵۷۷: کسی که نه قربانی داشت و نه پول آن را و در حج سه روز روزه گرفت، سپس قربانی برای او ممکن شد، بنابر احتیاط واجب باید قربانی نماید.

مسأله ۵۷۸: کسی که نمی‌تواند به تنهایی قربانی تهیه کند و می‌تواند با دیگری شرکت نماید، بنابر احتیاط واجب باید بین شرکت در قربانی و ده روز روزه گرفتن جمع کند.

مسأله ۵۷۹: اگر از قربانی و بدل آن (که روزه است) معذور بود، چیزی براو نخواهد بود.

مسأله ۵۸۰: هرگاه قربانی یا پول آن را به کسی داد و او را در کشتن قربانی وکیل کرد و بعد شك کرد که آیا وکیل قربانی را انجام داده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که انجام نداده، ولی اگر وکیل راستگو و مورد وثوق باشد و بگوید قربانی کردم کفایت می‌کند.

مسأله ۵۸۱: در كفّاره، شرایط ذکر شده در قربانی شرط نیست، هر چند احتیاط غیر لازم رعایت آن شرایط است.

۱۵۰ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مسئله ۵۸۲: لازم نیست کسی شخصاً در کشتن قربانی و یا کفاره مباشرت کند، بلکه جایز است دیگری را نایب قرار دهد، هرچند در حال تمکّن و اختیار، ولی باید نیت قربانی از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند، گرچه احتیاط غیر لازم و بهتر آن است که او نیز نیت کند.

مصرف قربانی

مسئله ۵۸۳: بنابر احتیاط واجب باید قربانی سه قسمت شود: يك قسمت را به فقیر مؤمن صدقه بدهد و قسمتی را به مؤمنین هدیه نماید و قسمت باقی مانده را خود بخورد. واجب نیست ثلث فقیر را به خود فقیر بدهد، بلکه جایز است به وکیل فقیر داده شود، گرچه وکیل، صاحب قربانی باشد، و وکیل در آن قسمت بر حسب اجازه موکل خود تصرف می نماید هر تصرفی را که گفته، چه بخشیدن به دیگری، چه فروش، چه اعراض و رها کردن و غیر اینها.

مسئله ۵۸۴: جدا کردن هر قسمتی از قسمت دیگر لازم نیست و همین که يك سوّم مشاع را به عنوان صدقه و يك سوّم مشاع را به عنوان هدیه داده و از مقدار باقی مانده بخورد، کافی است.

مسئله ۵۸۵: کسی که صدقه یا هدیه را می گیرد، هر طور بخواهد می تواند در آن تصرف کند، و بنابر احتیاط لازم آن را به غیر مؤمن نبخشد.

مسئله ۵۸۶: چنانچه قربانی را ذبح کرد و قبل از صدقه دادن و هدیه نمودن، دزدی آن را دزدید یا ظالمی آن را به زور گرفت، صاحب قربانی ضامن نیست، ولی اگر به اختیار خود آن را تلف نمود یا به غیر مؤمن بخشید، دو سوّم هدیه و صدقه را ضامن است.

۶- حلق یا تقصیر

مسئله ۵۸۷: ششمین واجب حجّ تمتّع و سوّم واجب منی، حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر (گرفتن مقداری از موی ناخن) است و باید

۱- با نیت حاجی و قرّبۀ الی الله باشد.

۲- در منی انجام شود.

۳- و بنابر احتیاط واجب باید ترتیب مراعات گردد و در روز انجام شود و جایز است آن را تا

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره/ ۱۵۱

آخرین روز از ایام تشریق، به تأخیر بیاندازد، اما مضطرب می‌تواند در شب این کار را انجام دهد. مسأله ۵۸۸: رمی جمره عقبه باید در روز عید (دهم ذی الحجة) باشد، ولی قربانی و حلق یا تقصیر را می‌تواند تا آخر ایام تشریق به تأخیر بیاندازد. بنابراین حلق یا تقصیر باید بعد از رمی جمره و قربانی باشد و اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آن‌ها مقدم کرد، چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب باید آن را بعد از رمی و قربانی اعاده کند و احتیاط غیر لازم این است که در صورت عدم امکان نیز اعاده کند.

مسأله ۵۸۹: تراشیدن سر برای زنان جایز نیست و در حق آنان تقصیر متعین است.

مسأله ۵۹۰: مردان بین حلق و تقصیر محتره‌ستند، و هر کدام را خواسته باشند می‌توانند اختیار کنند. و سر تراشیدن (حلق) بهتر است. و کسی که موی سر خود را جمع کرده و درهم پیچیده و گره زده یا بافته، باید حلق را اختیار کند. و ضرورت (کسی که برای اولین بار حج می‌نماید) باید بنا بر احتیاط لازم حلق را اختیار کند.

مسأله ۵۹۱: مردان لازم نیست حلق را با تیغ انجام دهند، بلکه با ماشین‌های اصلاح (شماره صفر) نیز کفایت می‌کند.

مسأله ۵۹۲: کسی که بخواهد سر بتراشد و بداند سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، باید اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را بچیند، سپس سلمانی سرش را بتراشد.

مسأله ۵۹۳: خنثای مشکل اگر موی سر خود را نبافته است، باید تقصیر نماید، و گرنه باید هم تقصیر را انجام دهد و هم حلق را. و بنا بر احتیاط لازم تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

مسأله ۵۹۴: بعد از حلق یا تقصیر، آنچه بر محرم به واسطه احرام حرام شده بود، حلال می‌شود، جز نزدیکی با زن و استعمال بوی خوش، بلکه شکار کردن بنا بر احتیاط لازم. بلی برای مردان پوشیدن لباس دوخته و پوشاندن سر، پیش از انجام سعی مکروه است.

مسأله ۵۹۵: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق یا تقصیر نکرد تا از منی بیرون رفت، باید به منی برگشته و در آن جا حلق یا تقصیر نماید. و چنانچه بازگشت به منی غیر ممکن یا

۱۵۲ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

دشوار باشد، همان‌جا که هست حلق یا تقصیر کند، و اگر می‌تواند موی سر خود را به منی بفرستد تا در آن‌جا دفن شود.

مسئله ۵۹۶: اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق یا تقصیر ننمود و پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد و تدارك کرد، بنابراین احتیاط واجب طواف و سعی را اعاده کند، خصوصاً اگر از مکه بیرون نرفته باشد.

مسئله ۵۹۷: در مواردی که به جای قربانی بخواند روزه بگیرد، با حلق یا تقصیر حلیت از محرمات حاصل می‌شود حتی اگر سه روز روزه را نگرفته باشد. و همچنین اگر وظیفه‌اش این بود که پول قربانی را نزد شخص امینی بگذارد و گذاشت، گرچه هنوز آن شخص قربانی را تهیه نکرده و ذبح ننموده است، با حلق یا تقصیر محرمات احرام حلال خواهد شد.

۷- طواف زیارت

مسئله ۵۹۸: هفتم، هشتم و نهم از واجبات حج تمتع بعد از منی، طواف حج و نماز طواف و سعی سفا و مروه است و کیفیت و شرایط این سه، همان کیفیت و شرایطی است که در طواف و نماز و سعی عمره تمتع بیان شد.

مسئله ۵۹۹: هفتم از واجبات حج تمتع، طواف حج تمتع است که طواف زیارت نام دارد و این طواف در کلیه واجبات و شرایط آن مانند طواف عمره تمتع است، مگر در نیت که چنین قصد می‌کند: طواف زیارت بجا می‌آورم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی. و باید پس از حلق یا تقصیر باشد و چنانچه دانسته و عمداً طواف را جلو بیاورد، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نماید و يك گوسفند كفاره بدهد.

مسئله ۶۰۰: مستحب و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از بجا آوردن اعمال منی (رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر) در روز عید قربان، حاجی به مکه معظمه برود و اعمال مکه (طواف، نماز طواف و سعی) را هرچه زودتر انجام دهد و تأخیر آن تا روز یازدهم و انجام آن در روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه مکروه است و احتیاط لازم آن است که پس از سیزدهم تا آخر ماه ذی الحجه بجا نیاورد. و انجام اعمال مکه بعد از ذی الحجه جایز نیست.

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتّع / مناسک حج و عمره / ۱۵۳

مسأله ۶۰۱: در حجّ تمتّع، جلو انداختن طواف حج و نماز آن و سعی، بروقفین، در حال اختیار جایز نیست، مگر برای افراد معذور مانند زنی که از حیض و نفاس ترس داشته باشد، همچنین بیمار و پیرمرد و پیرزنی که بر اثر ازدحام، انجام این اعمال بعد از منی بر آن‌ها مشقّت داشته باشد. شخص مضطرب نیز می‌تواند آن‌ها را بروقفین مقدّم بدارد، و احتیاط لازم این است که سعی را مقدّم داشته و در وقتش نیز اعاده نماید. و اگر می‌تواند بهتر است طواف و نماز آن را، در ایّام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجّه) یا بعد از آن تا آخر ماه اعاده کند.

مسأله ۶۰۲: کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد، می‌تواند طواف حج و نماز آن و سعی. بلکه طواف نساء. را بروقفین مقدّم بدارد. و احتیاط غیر لازم آن است که بعد از برگشتن، اگر بتواند طواف حج و طواف نساء و سعی را دوباره بجا آورد.

مسأله ۶۰۳: کسی که عارضه‌ای برایش رخ داده که نمی‌تواند طواف کند، مانند زنی که حائض یا نفساء شود و نتواند تا پاك شدن در مکه بماند تا طواف کند، لازم است برای طواف و نماز نایب بگیرد. و پس از طواف نایب شخصاً سعی را انجام دهد.

مسأله ۶۰۴: وقتی متمتّع، طواف حج و نماز آن را بجا آورد و سعی را انجام داد، محرمات احرام براو حلال می‌شود، مگر زن و استعمال بوی خوش (که این دو بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می‌شود)، و بنابر احتیاط لازم شکار. اما می‌تواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی جماع جایز نیست، بلکه بنابر احتیاط لازم مطلق لذّت بردن جایز نیست.

مسأله ۶۰۵: کسی که تقدیم طواف و سعی بروقفین برایش جایز است، هرگاه طواف و سعی را بجا آورد، بوی خوش براو حلال نمی‌شود تا وقتی که مناسک منی (رمی و قربانی و حلق یا تقصیر) را بجا آورد.

۸- دو رکعت نماز طواف

مسأله ۶۰۶: هشتم از واجبات حجّ تمتّع: دو رکعت نماز طواف حجّ تمتّع، نزد مقام ابراهیم علیه‌السلام یا پشت آن است و این نماز یا نماز طواف عمره تمتّع فرقی ندارد مگر در نیت، که چنین نیت می‌کند: دو رکعت نماز طواف حجّ تمتّع بجا می‌آورم قربة الى الله تعالى.

۹- سعی بین صفا و مروه

مسأله ۶۰۷: نهم از واجبات حج تمتع: سعی بین صفا و مروه است و کیفیت و شرایط آن مانند کیفیت سعی در عمره تمتع است و تنها در نیت تفاوت دارد که چنین قصد می‌کند: سعی بین صفا و مروه انجام می‌دهم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسأله ۶۰۸: بعد از این سعی، برخلاف سعی در عمره، تقصیر نیست.

۱۰- طواف نساء

۱۱- نماز طواف نساء

مسأله ۶۰۹: دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع: طواف نساء و نماز طواف نساء است. طواف نساء و نماز آن در کیفیت و شرایط، مانند طواف حج و نماز آن است فقط در نیت فرق است، که در اینجا چنین قصد می‌نماید: طواف نساء بجا می‌آورم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی، و نماز طواف نساء بجا می‌آورم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی.

مسأله ۶۱۰: با انجام طواف نساء و نماز آن، زن نیز حلال می‌شود و این طواف با نمازش برزن و مرد، کوچک و بزرگ واجب است.

مسأله ۶۱۱: طواف نساء همان طوری که بر مردان واجب است، بر زنان نیز واجب است، چه بالغ یا ممیز و عاقل باشند و چه غیر بالغ یا دیوان‌های که ولی آن‌ها آنان را محرم کرده است. پس اگر مرد بجا نیاورد، زن براو حرام می‌شود، و چنانچه زن ترك نماید، مرد براو حرام می‌شود. و کسی که به نیابت دیگری حج می‌نماید، طواف نساء را برای او بجا بیاورد نه برای خود.

مسأله ۶۱۲: کسی که به خاطر بیماری و مثل آن به تنهایی نمی‌تواند طواف نساء را بجا بیاورد، باید از دیگری کمک بگیرد و طواف نماید، هر چند بردوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود. و چنانچه قدرت بر این راهم ندارد، لازم است نایب بگیرد. و این حکم در نماز طواف نیز هست.

مسأله ۶۱۳: کسی که عمداً طواف نساء را بجا نیاورد، هر چند از روی ندانستن حکم باشد، تا وقتی که شخصاً تدارك نکرده، زن براو حرام است. و کسی که از روی فراموشی بجا نیاورده، چنانچه مباشرتش برای انجام طواف نساء غیر ممکن یا دشوار باشد، می‌تواند نایب بگیرد. و هر

احکام احرام و... / تفصیل اعمال حج تمتع / مناسک حج و عمره / ۱۵۵

وقت نایب طواف نساء را بجا آورد، زن براو حلال می شود. و تارك طواف نساء اگر قبل از تدارك فوت نماید، واجب است برای او قضا نمایند، چه تبرعی و چه از ترکه اش.

مسأله ۶۱۴: تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست و کسی که دانسته و عمدتاً طواف نساء را جلواندازد، لازم است بعد از سعی آن را اعاده کند. و هم چنین است اگر از روی ندانستن حکم یا فراموشی آن را جلویاندازد، بنابراین احتیاط لازم.

مسأله ۶۱۵: کسی که از روی عذر، طواف نساء را قبل از وقوفین انجام دهد، تا وقتی مناسک منی (رمی و قربانی و حلق یا تقصیر) را بجا نیاورده، زن و یا شوهر براو حلال نمی شود.

مسأله ۶۱۶: زن حایضی که قافله تا وقت پاك شدن او منتظرش نمی ماند، می تواند طواف نساء را ترك نموده و با قافله همراه شود. و باید برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد. و چنانچه مشغول طواف بوده و پس از بجا آوردن نصف آن حیض شود، می تواند باقی را ترك و یا قافله برود و باید برای باقیمانده طواف و نماز طواف نایب بگیرد.

مسأله ۶۱۷: حکم فراموش نمودن نماز طواف نساء مانند حکم فراموش کردن نماز طواف حج است که گذشت.

مسأله ۶۱۸: هرگاه متمتع، طواف نساء و نمازش را بجا آورد، اگر مرد است زن براو حلال می شود و اگر زن است مرد براو حلال می شود و تنها چیزی که از محرمات احرام باقی می ماند شکار است که بنابراین احتیاط لازم تا ظهر روز سیزدهم حرام است. و اما حرمت کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم، اختصاص به محرم ندارد و بر غیر محرم نیز حرام است.

۱۲- بیتوته در منی

مسأله ۶۱۹: دوازدهم از واجبات حج تمتع: بودن در منی در شب یازدهم و دوازدهم است. و قصد بیتوته و تقرب به خدا در آن معتبر است. و چنانچه کسی روز عید را جهت بجا آوردن طواف و سعی به مکه برود، واجب است به منی برگشته و شب را در آن جا بماند. و کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بماند. و همچنین است کسی که با زن خود نزدیکی کرده یا از محرمات دیگر اجتناب نکرده، بنابراین احتیاط لازم.

مسأله ۶۲۰: هرگاه آماده حرکت و کوچ از منی شده و از جای خود حرکت نمود، ولی به جهت ازدحام جمعیت و مانند آن نتوانست قبل از غروب روز دوازدهم از منی خارج شود، چنانچه بودن در منی برایش ممکن باشد، واجب است شب سیزدهم را نیز تا بعد از نصف شب بماند و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد، جایز است شبانه از منی خارج شود و بنابراین احتیاط لازم باید یک گوسفند بکشد.

مسأله ۶۲۱: کسی که بودن در منی براو واجب است، بودن روز در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند براو واجب نیست. و واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب، یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آن جا بماند. و برای کسی که نصف اول شب را در منی مانده و بعد بیرون رفته بهتر است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسأله ۶۲۲: چند طایفه از وجوب بیتوته در منی مستثنی هستند:

اول: مریض و پرستارش، و یا کسی که بر جان و مال خود در آن جا بترسد.

دوم: کسی که در مکه تمام شب مشغول عبادت بوده و به جز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر، کار دیگری نداشته است.

سوم: کسی که طواف نموده و آن قسمت از شب را که در مکه مانده، مشغول عبادت بوده، سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدین (اهل مدینه) گذشته باشد، می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله ۶۲۳: کسی که بیتوته منی را عمداً ترک کرد، برای هر شب، باید یک گوسفند کفاره بدهد. همچنین اگر بیتوته در منی را فراموش کرد یا حکم را ندانست یا عذر داشت، بنابر احتیاط لازم باید یک گوسفند کفاره بدهد. اما بر کسی که به خاطر عبادت در مکه، بیتوته را ترک نموده، کفاره نیست. همچنین کسی که بعد از طواف و سعی به سوی منی رهسپار شده ولی بر اثر راه‌بندان، پیش از فجر به منی نرسیده، واجب نیست کفاره بدهد.

مسأله ۶۲۴: کسی که قبل از غروب روز دوازدهم از منی کوچ کرد و بعد از این که شب شد،

برای کاری به منی بازگشت، واجب نیست شب سیزدهم را در منی بیتوته کند.

۱۳- رمی (پرتاب سنگ ریزه) جمرات

مسأله ۶۲۵: سیزدهم از واجبات حج تمتع: رمی جمرات سه گانه (جره اولی، جره وسطی، جره عقبه) است. رمی در روز یازدهم و دوازدهم واجب است. و هرگاه شب سیزدهم در منی بیتوته کند، رمی روز سیزدهم نیز به قصد قربة الی الله تعالی واجب خواهد شد، بنابراین احتیاط لازم. رمی جمرات باید به مباشرت خود شخص انجام شود. و نایب گرفتن بدون این که خودش عذری داشته باشد جایز نیست. و چنین نیت می کند: رمی می کنم این جره را با هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسأله ۶۲۶: شخص مختار واجب است شخصاً رمی را انجام دهد و تا زمانی که مضطر نباشد نمی تواند نایب بگیرد و واجباتی را که در رمی جره عقبه در روز عید ذکر شد اینجا نیز باید رعایت کند.

مسأله ۶۲۷: موالات و پی در پی بودن در رمی هفت سنگ ریزه شرط نیست، بلی در فاصله زیاد باید اعاده کند، اما استراحت مختصر در بین آن ها مانعی ندارد و بین جره صغری و وسطی و عقبه فاصله زیاد اشکال ندارد و می تواند اولی را اول صبح و دومی را ظهر و سومی را نزدیک غروب انجام دهد.

مسأله ۶۲۸: در رمی واجب است اول جره اولی را رمی کند، سپس وسطی و در آخر جره عقبه را. و چنانچه خلاف این ترتیب عمل شود، واجب است به طوری که ترتیب حاصل شود، دوباره رمی کند، گرچه مخالفت از روی ندانستن حکم یا فراموشی باشد. ولی اگر بعد از این که جره سابق را چهار ریگ زد، فراموش کرد و به جره بعدی رفت، واجب نیست رمی را تماماً اعاده کند، بلکه اگر سه ریگ دیگر به جره قبلی بزند، کفایت می کند.

مسأله ۶۲۹: واجباتی که در رمی جره عقبه در اعمال روز عید قربان ذکر شد، در جمرات سه گانه نیز واجب است.

مسأله ۶۳۰: رمی جمرات باید در روز (از ابتدای طلوع آفتاب تا هنگام غروب آفتاب) انجام

شود و کسی که در روز نتواند رمی کند، جایز است رمی را شب آن روز انجام دهد، مانند پیرمرد و زن و بچه و ضعیف که از ازدحام بر جان خود می ترسند. و همچنین است غلام و چوپان و بدهکاری که می ترسند گرفتار شوند و هرکس که بر جان و مال و ناموس و آبروی خود بترسد. مسأله ۶۳۱: کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز دوازدهم آن را قضا نماید و کسی که رمی روز دوازدهم را فراموش کند، واجب است روز سیزدهم قضا نماید. احتیاط لازم این است که بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله بیاندازد و قضای روز قبل را، پیش از ادای همان روز بجا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

مسأله ۶۳۲: کسی که رمی را فراموش کرد و بعد از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و چنانچه رمی دو یا سه روز را فراموش کرده باشد، احتیاط لازم این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر، یک ساعت فاصله بیاندازد. و چنانچه بعد از خروج از مکه یادش آمد، واجب نیست به منی برگردد، بلکه در سال بعد خودش یا نایبش آن را قضا نماید. مسأله ۶۳۳: بیماری که امید ندارد تا مغرب خوب شود، باید برای رمی نایب بگیرد و چنانچه اتفاقاً قبل از غروب آفتاب، حالش خوب شد، بنابر احتیاط لازم خودش نیز باید رمی کند. همچنین اگر شب بهبودی یافت، خودش نیز باید رمی کند.

مسأله ۶۳۴: ترک رمی هر چند عمدی باشد موجب بطلان حج نمی شود و بنابر احتیاط لازم، واجب است در سال بعد قضای آن را خودش یا نایبش بجا آورد، و اگر از روی جهل یا فراموشی و اضطرار یا عذر دیگری بود، معصیت نکرده و کفاره ندارد، ولی در تمام اقسام باید آن را قضا کند.

عمره مفرده

مسأله ۶۳۵: عمره مفرده مانند حج، گاهی بالإصالة و گاهی بالعرض واجب می شود و گاهی مستحب می باشد.

مسأله ۶۳۶: عمره مانند حج، بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب می شود و وجوبش مانند وجوب حج، فوری است. پس کسی که برای عمره مستطیع شد، هر چند برای

حج مستطیع نباشد، بنابراین احوط واجب است همان وقت عمره مفرده را بجا آورد.

مسئله ۶۳۷: کسی که استطاعت حج ندارد ولی از طرف شخص دیگری برای حج تمتع اجیر شده، وقتی اعمال حج نیابی تمام شد، چنانچه در مکه استطاعت عمره مفرده را داشت گرچه برای حج استطاعت ندارد، علی الأحوط واجب است پس از پایان اعمال حج نیابی، فوراً برای خود عمره مفرده انجام دهد.

مسئله ۶۳۸: اگر کسی برای انجام «حج افراد» یا «قران» استطاعت داشت اما برای عمره مفرده آنها مستطیع نبود، واجب است «حج افراد» یا «قران» را انجام دهد و هر وقت برای عمره استطاعت پیدا کرد، عمره را انجام دهد.

مسئله ۶۳۹: کسی که برای حج تمتع اجیر شده و خودش برای حج مستطیع نبوده، اگر پس از پایان اعمال حج نیابی، عمره مفرده را - که علی الأحوط واجب بوده - انجام نداد، واجب است قضای آن را بجا آورد و اگر عمره را مفرده انجام داد و برای سال‌های بعد استطاعت حج پیدا کرد، عمره تمتع و حج تمتع بر او واجب می‌شود.

مسئله ۶۴۰: مستحب است عمره مفرده را مکرراً انجام دهد و اولی این است که با فاصله یک ماه بجا آورده شود و ظاهراً فاصله بین دو عمره به ده روز کفایت می‌کند، در صورتی که هر دو عمره برای یک نفر باشد، البته با فاصله کمتر هم علی الأقرب مانعی ندارد.

مسئله ۶۴۱: اگر عمره مفرده برای دو نفر یا بیشتر باشد، مثلاً برای چند نفر نایب شده، رعایت فاصله لازم نیست.

مسئله ۶۴۲: همان طوری که عمره به استطاعت واجب می‌شود، به نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد، اجاره، صلح و امثال این‌ها نیز واجب می‌گردد، لکن باید عمره مفرده باشد نه عمره تمتع، چون عمره تمتع همراه با حج تمتع انجام می‌شود و به تنهایی صحیح نیست.

اعمال عمره مفرده

مسئله ۶۴۳: اعمال عمره مفرده عبارت است از:

۱۶۰ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

۲- احرام.

۳- طواف.

۴- نماز طواف.

۵- سعی.

۶- تقصیر یا حلق.

۷- طواف نساء.

۸- نماز طواف نساء.

مسأله ۶۴۴: عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

۱- در نیت، که در عمره مفرده چنین نیت می‌نماید: عمره مفرده بجا می‌آورم قربۀ الی الله تعالی، و در اعمال آن نیت می‌کند: احرام می‌بندم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، طواف بجا می‌آورم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، نماز طواف بجا می‌آورم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، سعی بین صفا و مروه انجام می‌دهم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، تقصیر می‌کنم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، طواف نساء بجا می‌آورم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی، دو رکعت نماز طواف نساء می‌خوانم برای عمره مفرده قربۀ الی الله تعالی.

۲- در عمره مفرده، طواف نساء و نماز طواف نساء لازم است، ولی در عمره تمتع لازم نیست.

۳- عمره تمتع به جز در ماه‌های حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجة) واقع نمی‌شود و صحیح نیست، ولی عمره مفرده را می‌توان در تمام ماه‌های سال انجام داد، اما افضل ماه رجب و بعد از آن ماه رمضان است.

۴- بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است و بیرون آمدن از احرام عمره مفرده هم به تقصیر و هم به سر تراشیدن محقق می‌شود.

۵- عمره و حج تمتع باید در یک سال باشد، ولی عمره مفرده و «حج افراد» چنین نیست، و کسی که «حج افراد» بر او واجب باشد، اگر حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد، صحیح است.

۶- میقات عمره تمتع یکی از میقات‌هایی است که قبلاً گذشت، اما عمره مفرده هم از آن‌ها و هم خارج از محدوده حرم (تنعیم یا جعرانه و حدیبیه و غیرش) می‌تواند باشد.

احکام مصدود و محصور/ مناسک حج و عمره/ ۱۶۱

مسأله ۶۴۵: عمره بر کسی که بخواهد وارد مکه معظّمه شود واجب است، یعنی دخول در محدوده حرم بدون احرام، حرام است، به استثنای کسانی که قبل از گذشت یک ماه، با احرام وارد مکه شده بودند و همچنین کسانی که مقتضای شغل آنها رفت و آمد زیاد باشد، مانند راننده وسایل نقلیه.

احکام مصدود

مسأله ۶۴۶: مصدود کسی را گویند که پس از محرم شدن برای عمره یا حج، از انجام اعمال آن جلوگیری و منع شود.

مسأله ۶۴۷: مصدود از عمره در جای خود به قصد بیرون آمدن از احرام، قربانی کرده و از احرام درمی آید و احتیاط واجب این است که حلق یا تقصیر را هم انجام دهد.

مسأله ۶۴۸: مصدود از حج، چنانچه از موقف عرفات و مشعریا از خصوص مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محلّ صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است. و احتیاط واجب این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر بعد از مَوْقِفَین و اعمال منی، از طواف و سعی مصدود باشد، اگر نتواند نایب بگیرد، وظیفه اش قربانی در محلّ صد است و اگر بتواند نایب بگیرد، بنابر احتیاط لازم باید هم قربانی کند و هم برای سعی و طواف نایب بگیرد. و چنانچه فقط از اعمال منی مصدود باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت اگر بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد حجتش صحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده، سپس بقیّه مناسک را بجا آورد. و اگر نتواند نایب بگیرد، باید پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای بجا آوردن بقیّه اعمال به مکه برود و پس از انجام اعمال آن جا (سعی و طواف)، تمام چیزهایی که با احرام براو حرام شده حلال می شود حتّی زن و حجتش صحیح است و باید در سال بعد بنابر احتیاط لازم رمی را اعاده نماید.

مسأله ۶۴۹: در صورتی که مصدود از سال های قبل مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، واجب است در سال بعد حج نماید، هر چند قربانی را که ذکر شد انجام دهد.

مسأله ۶۵۰: اگر از کسی که می خواهد به منی برگردد جلوگیری شود تا بقیّه اعمال حجّ خود

۱۶۲ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

(بیتوته و رمی) را انجام دهد، حَجَّش تمام است. و چنانچه بتواند باید همان سال برای رمی نایب بگیرد و گرنه سال آینده بنا بر احتیاط لازم. و حکم مصدود براو جاری نیست.

مسأله ۶۵۱: قربانی موارد بالا، چه گاو باشد چه شتر و چه گوسفند، فرقی ندارد. و در صورت عدم تمکّن از قربانی، بنا بر احتیاط لازم بدل آن را که روزه است. به ترتیبی که گذشت. انجام دهد. مسأله ۶۵۲: کسی که حجّ خود را به تفصیلی که گذشت باطل کند و بعد مصدود شود، حکم صد براو جاری می شود، ولی باید علاوه بر قربانی، کفّاره افساد حج را نیز بدهد.

مسأله ۶۵۳: کسی که قربانی را همراه خود برده و مصدود شده، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری براو واجب نیست.

احکام محصور

مسأله ۶۵۴: محصور کسی را گویند که پس از محرم شدن در اثر بیماری، نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد.

مسأله ۶۵۵: کسی که در عمره مفرده محصور شده، باید یک قربانی بفرستد و با دوستان خود قرار بگذارد که در وقت معین قربانی نمایند و خودش در آن وقت از احرام خارج می شود. و می تواند در همان جا که هست، به قصد بیرون آمدن از احرام قربانی نماید و از احرام بیرون آید و بر چنین شخصی بعد از قربانی. چه خودش قربانی کند و چه بفرستد و دیگری برای او قربانی کند. تمام محرمات احرام حلال می شود، به جز زن که براو حلال نمی شود مگر بعد از آن که بیماری اش خوب شده یا عذرش برطرف شود و عمره مفرده را بجا آورد. و محصور در عمره تمتّع نیز باید به همین ترتیب عمل کند، با این فرق که با قربانی، زن هم براو حلال می شود.

و هم چنین است وظیفه کسی که در حج محصور شده، ولی بنا بر احتیاط لازم زن براو حلال نیست تا آن که طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده بجا آورد. و اگر در وقتی محصور بوده که دو موقف عرفات و مشعر از او فوت شده و خود در مکه یا در راه به سوی دو موقف بوده، حَجَّش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند و باید طواف و سعی نماید یا طواف داده شود یا کسی به جای او طواف نماید. و هم چنین سعی و طواف نساء را خودش یا با کمک دیگری یا نایبش

احکام مصدود و محصور/ مناسک حج و عمره/ ۱۶۳

بجا آورد و به تقصیر از احرام خارج می شود. و تمام محرمات احرام حتی زن براو حلال می شود.
مسئله ۶۵۶: هرگاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد و بعد از آن مرضش سبک تر شد، چنانچه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد کرد، واجب است خود را برساند. و چنانچه هردو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود، حج را درک نموده است. و اگر هیچ یک از موقوفین را درک نکند، چنانچه قربانی اش کشته نشده، حجش را با نیت به عمره مفرده تبدیل کند و اگر کشته شده باشد، از احرام بیرون آمده است و تمام محرمات براو حلال شده مگر زن. و بنا بر احتیاط واجب باید طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد تا زن نیز براو حلال شود.

مسئله ۶۵۷: هرگاه فقط از مناسک و واجبات منی محصور شود، حکم محصور براو جاری نمی شود، بلکه باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خود حلق یا تقصیر نماید و به مکه برود و مناسکش را بجا آورد. و چنانچه نایب پیدا نکرد، پول قربانی را نزد شخصی امین، امانت می گذارد که به جای او قربانی کند و خود حلق یا تقصیر نموده و به مکه رفته و اعمال مکه را بجا آورد. و احتیاط لازم این است که رمی را در سال بعد خودش یا نایبش انجام دهد. و هرگاه بعد از درک وقوفین و اعمال منی، از رفتن به مکه و بجا آوردن مناسک آن محصور شود، واجب است برای انجام مناسک مکه، نایب بگیرد و پس از عمل نایب، تمام محرمات احرام حتی زن براو حلال می شود.

مسئله ۶۵۸: هرگاه از جمیع مناسک منی و مکه محصور شود باید قربانی کند و از احرام بیرون بیاید و چنانچه تا سال دیگر در استطاعت باقی بماند یا این که از قبل برعهده او حج مستقر بوده باشد باید حج را در سال بعد بجا آورد.

مسئله ۶۵۹: هرگاه محرم محصور شد و قربانی خود را فرستاد، ولی تا قربانی به جای خود برسد، سراو از گرما اذیت می شود، جایز است خودش گوسفندی کشته یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام نماید (به هر کدام دو مد طعام بدهد) و حلق نماید.

۱۶۴ / حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

مسأله ۶۶۰: اگر استطاعت محصور تا سال بعد باقی بماند یا از سال‌های قبل حج بر او واجب باشد با فرستادن قربانی و درآمدن از احرام، حج از او ساقط نشده و باید سال بعد حج نماید.

مسأله ۶۶۱: هرگاه شخص محصور نه قربانی دارد نه قیمت آن را، باید به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد. یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن روزه بگیرد.

مسأله ۶۶۲: مستحب است هنگامی که می‌خواهد نیت احرام کند، بر خدا شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد، هر چند بیرون آمدن از احرام متوقف بر این نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر یا مانعی پیدا کرد، خود به خود از احرام بیرون خواهد آمد، چه این شرط را کرده باشد یا نه.

مسأله ۶۶۳: کسی که به خاطر پیش آمدن مانعی غیر از صد و حصر نتواند حج خود را ادامه دهد، احتیاط واجب است که در جای خود قربانی نماید و از احرام خارج شود.

نماز در شهر مدینه و مکه

مسأله ۶۶۴: مسافر می‌تواند نماز خود را در شهر مدینه و شهر مکه تمام بخواند و فرقی بین شهر قدیم و جدید نیست.

آداب و مستحبات حج و عمره

آداب سفر

۱- کسی که قصد سفر دارد، مستحب است از خداوند طلب خیر کند، بر خدا توکل نماید، صدقه بدهد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي، وَ سَلَامَةَ سَفَرِي، وَ مَا مَعِي، فَسَلِّمْ مَا مَعِي، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي، بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».

و پس از صدقه دادن بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدِمُ بَيْنَ يَدَيَّ نِسْيَانِي وَ عَجَلَتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَمْ نَسِيتُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ، وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ

وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِكْ لَنَا فِي مَا رَزَقْتَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَغْثِ السَّفَرِ، وَ كَاثَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَ شَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَ نَاصِرِي. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ، وَ اصْحَبْنِي وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».^{۹۷}

همچنین مستحب است وصیت نماید، مخصوصاً اگر حقوق واجبی بر ذمه او باشد.

۲- مستحب است هنگام سفر با اهل و عیال خودش وداع کند و آن‌ها را به خدا بسپارد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آورد و سپس این دعا را بخواند:

«أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي».^{۹۸}

و بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْغَدَاةَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكٍ. اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعَمَتَكَ وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ فَضْلِكَ».^{۹۹}

۳- مستحب است هنگام سفر به دوستان و آشنایان خبر دهد. پیامبر فرمودند: حق است بر مسلمان هنگام سفر برادرانش را آگاه سازد، و بر آن‌ها حق است که هنگام بازگشت به دیدارش روند.

۴- مستحب است هنگام سفر سوره‌ها و آیات و دعاها را که در این زمینه وارد شده است بخواند، مانند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و آیه الکرسی و سوره‌های حمد و قدر و

فلق و ناس و همچنین تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها.

۵- مستحب است با گروهی مسافرت کند، نه به تنهایی، و در سفر، کریم و خوش اخلاق باشد.

آداب احرام

۶- مستحب است برای احرام، خود را پاکیزه کند، ناخن و شارب را بگیرد، موهای بدن را زایل کند و غسل احرام نماید و اگر بدون غسل، احرام بست، مستحب است غسل کند و دوباره احرام ببندد.

۷- مستحب است بعد از غسل احرام این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِزْزًا وَ أَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْرِ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَ الْإِتِبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ». ۱۰۰

۸- مستحب است بعد از نماز احرام ببندد و مهتر است پس از نماز ظهر باشد. و بعد از نماز حمد الهی گوید و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ- تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسْلِمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ فَتِمِّمْ لِي حَجِّي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

أَلِهَ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَخْبِسُنِي فُحِّلَنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي
قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَ
لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيْبِ
أَتُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ». ۱۰۱

سپس نیت احرام کند. و مستحب است نیت را به زبان بیاورد. سپس بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ
وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى
دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُزْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ». ۱۰۲

و بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَعاً
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ لَبَّيْكَ». ۱۰۳

۹- مستحب است که در جامه پنبه و سفید احرام ببندد.

آداب ورود به حرم

۱۰- مستحب است برای وارد شدن در محدوده حرم، غسل کند و هنگام وارد شدن به حرم این
دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ». اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمِ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» ۱۰۴

آداب ورود به شهر مکه و مسجدالحرام

۱۱- مستحب است برای ورود به مکه معظمه و مسجدالحرام، غسل کند و چون داخل شهر مکه شد، با آرامش تن و دل باشد و با کمال خضوع و خشوع وارد مسجدالحرام شود.

۱۲- مستحب است از در «بنی شیبه» که گفته می شود فعلاً «باب السلام» است داخل شود و بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ۱۰۵

و در روایت دیگر وارد شده است که بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ، وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ،
 السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى
 عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَ
 تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ
 رُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ
 مَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ.
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ
 مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ
 عَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ.
 فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ، وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا
 شَرِيكَ لَكَ، وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى
 أَهْلِ بَيْتِهِ. يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ، يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ
 إِيَّايَ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَنْ تُعْطِيَنِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فُكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

و بگوید:

«وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ
وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».^{۱۰۶}

و داخل مسجد الحرام شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

و دست‌ها را بردارد و رو به کعبه معظّمه کند، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ
أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ
الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً
لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ
الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا
بِقُدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ
لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».^{۱۰۷}

پس خطاب به کعبه معظّمه کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ
أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».^{۱۰۸}

و هنگامی که نظرش بر حجرالأسود افتاد، رو به سوی آن کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.
سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ

يُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ، وَأُصَدِّقُ رُسْلَكَ، وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ». ۱۰۹

سپس با وقار و آرامش روانه شود و گام‌ها را کوتاه بردارد و چون نزدیک حجرالأسود رسید، دست‌ها را بردارد و حمد و ثنای الهی بجا آورد، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۱۳- مستحب است دست و صورت و بدنش را به حجرالأسود بمالد و آن را ببوسد و اگر نتوانست اشاره کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ، وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتواند همه این دعاها را بخواند بعضی از آن را بخواند و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَيِّئَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». ۱۱۰

آداب طواف

۱۴- مستحب است در حال طواف سر برهنه، پا برهنه، مشغول دعا و ذکر الهی باشد و گام‌ها را

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۷۳

کوچک بردارد، آنچه را که در نماز مکروه است ترک کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».^{۱۱۱}

و حاجت خود را بطلبید.

۱۵- مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».^{۱۱۲}

۱۶- مستحب است در هر شوط که به درب خانه کعبه معظّمه می‌رسد، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعا را بخواند:

«سَائِلُكَ فَقِيرُكَ مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ، وَ الْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَ وَالِدَيَّ وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».^{۱۱۳}

و هنگامی که به حجر اسماعیل علیه السلام رسید، به ناودان طلانگاه کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ

أَجْرَنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ
الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ
الْعَجَمِ». ۱۱۴

و وقتی از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّولِ وَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَ
تَقَبَّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». ۱۱۵

و وقتی به رکن یمنی رسید، دست‌ها را بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقِ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقِ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمِ
بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانِ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلِ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِكَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرَ
الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ۱۱۶

پس به طرف کعبه مکرمه سر خود را بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا
وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهٗ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شَرَّارَ خَلْقِكَ». ۱۱۷

و هنگامی که میان رکن یمنی و حجر الأسود رسید بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ». ۱۱۸

و وقتی در شوط هفتم به مستجار رسید. و آن پشت کعبه، نزدیک رکن یمنی است. برابر در کعبه
بایستد و دست‌ها را به دیوار کعبه معظمه بگذارد و صورت و بدن خود را به کعبه بحسبانند و بگوید:

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۷۵

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

سپس اقرار به گناهان خود نماید، زیرا بنده مؤمنی نیست که در این مکان اقرار بر گناهان خود نزد خداوند نماید مگر این که خداوند او را بیامرزد إن شاء الله:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفُ لِي مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَى خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».^{۱۱۹}

و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ، وَ أَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا، وَ عِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَ أَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَايِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ: «أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» اسْتَجِبْ لِي».^{۱۲۰}

پس حاجت خود را بطلبد و بسیار دعا کند، به گناهان خود اقرار کند و طلب آمرزش نماید، که البته آمرزیده می شود إن شاء الله تعالی.

و هنگامی که به حجارالأسود رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ قَتِّنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي».^{۱۲۱}

آداب نماز طواف

۱۷- مستحب است در نماز طواف در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم سوره حمد را بخواند و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خدا طلب قبول کرده و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ ظَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي».^{۱۲۲}

و در بعضی از روایات آمده است که بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَطَوَاعِيَّتِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».^{۱۲۳}

پس به سجده رود و بگوید:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ فَاعْفُ رِيءِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفُ رِيءِي فَإِنِّي مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».^{۱۲۴}

آداب سعی

۱۸- وقتی می خواهد سعی کند، مستحب است نزد حجرالأسود آمده، آن را ببوسد و دست ها یا بدنش را بر آن بمالد یا به آن اشاره کند، پس نزد چاه زمزم بیاید و از آب آن بنوشد و برخوردش بریزد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».^{۱۲۵}

پس متوجه صفا شود از دری که برابر حجرالأسود است و آن دری است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن بیرون رفتند. و مستحب است با آرامش تن و روان، بالای کوه صفا برود تا نظر کند به خانه کعبه و روبه رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی نموده، نعمت های الهی را به خاطر آورد و هفت بار «اللَّهُ أَكْبَرُ»، هفت بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، هفت بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سه مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُخَيِّي وَ

يُمِيتُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».^{۱۲۶}

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه بار بگوید:

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۷۷

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

سپس سه بار بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

پس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید. سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند و بگوید:

«أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَانَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و دو مرتبه دعای سابق را بخواند و یک بار تکبیر بگوید و بخواند دعای سابق را.

و نیز مستحب است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ
فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا
مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ لَا
تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ
تَظْلِمْنِي أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا
يَجُورُ ارْحَمْنِي».^{۱۲۸}

سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَ لَا يَنْفُذُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
وَ أَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».^{۱۲۹}

۱۹- در حدیث است: کسی که می خواهد ثروتش زیاد شود، ایستادن در صفا را طول دهد.

۲۰- مستحب است در پایه چهارم صفا رو به کعبه این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ
ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا
ظِلُّكَ».

سپس از آن پایه پایین بیاید و پشت خود را برهنه کند و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۷۹

الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرْدُدُ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَغْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۲۱- مستحب است در حال سعی وقتی به مناره رسید بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، فَتَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

۲۲- مستحب است در حال سعی از مناره تا مناره بعدی که با چراغ‌های سبز معین شده است، تند برود (هروله کنان) و وقتی از آن جا گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ».

۲۳- و مستحب است وقتی به مروه رسید، دعای اول صفا را بخواند و بگوید:

«يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيَّنَ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ».^{۱۳۰}

۲۴- مستحب است در حال سعی خود را به گریه وادارد، بگرید، بسیار دعا نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».^{۱۳۱}

آداب عرفات

۲۵- مستحب است وقتی متوجه عرفات شد، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي (فِي رِحْلَتِي فِي أَجَلِي) وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».^{۱۳۲}

۲۶- در عرفات مستحب است با طهارت باشد و رو به قبله کند. دل خود را متوجه خداوند . سبحانه و تعالی . سازد و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و تمجید و تهلیل بکند. و صد بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، و صد بار «آیة الكرسی» بخواند و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و صد مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، و صد مرتبه «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، و صد مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، و حاجات خود را بطلبد و سعی کند در دعا زیرا این روز، روز دعا و مسئلت است. و هیچ چیز نزد شیطان خوش تر از آن نیست که انس آن را از خداوند تعالی غافل سازد و از شرّ شیاطین به خدا پناه برد و متوجه خود باشد و به دل و زبان استغفار بگوید. و گناهان خود را بشمارد و گریه کند و اگر نتواند خود را به گریه وادارد. و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود دعا کند و اقلّ آن چهل نفر می باشد.

و تمام این زمان را صرف دعا و استغفار و ذکر کند که بعضی از علما به وجوب آن قائل شده اند. و در حدیث آمده است که ملکی موکل است تا آنچه شخص برای برادر مؤمن خویش بطلبد، آن ملک برای او از خداوند تعالی صد هزار مانند آن را بطلبد.

۲۷- مستحب است دعا های وارد شده در روز عرفه را بخواند، به ویژه دعای امام حسین علیه السلام و دعای صحیفه سجّادیّه و بعضی از اعمال روز عرفه که در آخر کتاب بیان نموده ایم.

۲۸- مستحب است در عرفات این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبٍ وَفِدِكَ، وَ ارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنْ الْفَجِّ الْعَمِيقِ. اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۸۱

أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي
شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَفِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَ
لَا تَخْدَعْني وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ
مَجْدِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا
أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَرْحَمَنِي وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا». ۱۳۳

و حاجت خود را بطلبد و دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ الَّتِي
إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتْنِي أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ، نَاصِيتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ. أَسْأَلُكَ
أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا
خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ
بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً». ۱۳۴

و سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ
يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ
الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ لَكَ بَرَاءَتِي
وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ وَسَاوِسِ

الصُّدُورِ، وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ
الرِّيَّاحِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ، وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ
خَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي نُورًا، وَ فِي
لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَقَامِي وَ مَقْعَدِي وَ مَدْخَلِي وَ
مَخْرَجِي نُورًا، وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ». ۱۳۵

و تا بتواند در این روز از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۲۹- مستحب است در عرفات رو به قبله کند و صد مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ
لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس دو آیه اول سوره دوم را بخواند و بعد «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را سه بار بخواند. پس از آن

«آیه الكرسي» بخواند، سپس این آیات را که در سوره اعراف می باشد، بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى
عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ
النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ*
أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَ لَا تُفْسِدُوا فِي
الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ». ۱۳۶

سپس «معوذتین» را بخواند. و بعد نعمت های الهی را تا جایی که می تواند بشمارد و بگوید:

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۸۳

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ».

و حمد کند خدای سبحانه و تعالی را به هر آیه‌ای که خداوند خود را در قرآن بدان حمد کرده است، و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند خود را در قرآن بدان تکبیر کرده است، و تهلیل کند به هر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که خداوند سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است در قرآن، و بسیار صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین بفرستد، و دعا کند حق سبحانه و تعالی را به هر نامی که خدا خود را به آن نام خوانده است در قرآن، و به هر اسمی که می‌داند و به اسامی آخر سوره حشر و بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمِيعِكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَهُ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ، وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي».

و هر حاجتی که دارد از خدا بخواهد و از او طلب کند که هر سال موفق به حج شود.

و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَنُوبُ

إِلَيْهِ»^{۱۳۷}

سپس دعایی را که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم علیه السلام تعلیم نمود بخواند تا توبه‌اش قبول شود:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفُ رُبِّي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. سُبْحَانَكَ

اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». ۱۳۸

۳۰- و نزدیک غروب آفتاب روز عرفه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشَتُّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَمْسَى ظُلُمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلِّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ». ۱۳۹

سپس حاجت خود را بطلبد.

آداب مشعر الحرام (مزدلفه)

۳۱- پس با آرامش روانه شود به طرف مشعر الحرام و استغفار کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِهاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الْعَافِيَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفَرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ». ۱۴۰

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۸۵

۳۲- مستحب است وقتی متوجه مشعرالحرام می شود با آرامش تن و دل باشد و استغفار کند و چون به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِي، (وَ بَارِكْ . وَ زِدْ) فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي مَنَاسِكِي». ۱۴۱

۳۳- مستحب است در وسط وادی، و جانب راست راه فرود آید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ». ۱۴۲

۳۴- مستحب است تا بتواند آن شب را به عبادت و اطاعت الهی سپری کند و در روایت است که درهای آسمان در این شب بسته نمی شود و صدای مؤمنین بالا می رود و خداوند می فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید، ادا کردید حق مرا، بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهای شما را، پس تمام گناهان یا قسمتی از آن را می آمرزد.

۳۵- مستحب است برای وقوف در مشعرالحرام غسل کند، و با وضو باشد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ رَبَّ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ زَمَرَمَ، وَ رَبَّ الْأَيَّامِ الْمَعْلُومَاتِ، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْهَبْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ، وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ

تَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَتَجَاوَزَ عَنِّ خَطِيئَتِي، وَتَجْعَلَ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي،
وَ تَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِياً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ
وَفِدِكَ وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ». ۱۴۳

و برای خود و پدر و مادر و برادران و اهل و فرزندان و مال خویش بسیار دعا کند.

آداب و اعمال منی

۳۶- هنگام رمی جمرات وقتی که سنگ ریزه را در دست دارد، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَخْصِيْهِنَّ لِي وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي». ۱۴۴

و هر سنگ ریزه را که بیندازد این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْخِرْ
عَنِّي الشَّيْطَانَ وَ جُنُودَهُ، اللَّهُمَّ إِيْمَاناً بِكَ، وَ تَصَدِيقاً بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى
سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوراً، وَ عَمَلاً
مَقْبُولاً، وَ سَعِياً مَشْكُوراً، وَ ذَنْباً مَغْفُوراً». ۱۴۵

و وقتی به جای خود در منی برگشت، بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَ نِعْمَ الْمَوْلَى، وَ نِعْمَ
النَّصِيرُ».

۳۷- مستحب است در وقت قربانی کردن این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ، حَنِيفاً
مُسْلِماً، وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.
اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ، وَ لَكَ، وَ بِكَ، وَ إِلَيْكَ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۸۷

عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا. بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ بِاللَّهِ، وَ
اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي
كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ مُوسَى كَلِيمِكَ، وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ. إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».^{۱۴۶}

۳۸- مستحب است هنگام سرتراشیدن رو به قبله کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۱۴۷}

آداب برگشت به مکه مکرمه

۳۹- مستحب است برای برگشتن به مکه مکرمه و انجام اعمال آن، غسل کند و متوجه
مسجد الحرام شود، با ذکر و تمجید الهی و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام. و چون به در
مسجد رسید، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ، وَ سَلِّمَهُ لِي. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ أَنْ تَرْجِعَنِي
بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ
رَحْمَتَكَ، وَ أَوْفَى طَاعَتِكَ، وَ أَبْتَغِي مَرْضَاتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ.
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ،
الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي. تُلَقِّينِي. عَفْوِكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ
بِرَحْمَتِكَ».^{۱۴۸}

سپس نزد حجارا سود برود و آن را استلام نماید و ببوسد.

آداب برگشت به منی

۴۰- مستحب است وقتی از مکه معظمه به منی مراجعت می کند این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، نِعْمَ الرَّبُّ، وَ نِعْمَ

الْمَوْلَى، وَ نِعَمَ النَّصِيرِ». ۱۴۹

۴۱- تکبیر در منی مستحب است و احوط این است که تکبیر را در منی و غیر منی ترک نکند، در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز تکبیر بگوید، و اوّل آن‌ها نماز ظهر روز عید می‌باشد و کیفیت آن بنابر مشهور چنین است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا». ۱۵۰

۴۲- مستحب است در این ایّام (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف بجا آورد و در حدیث آمده است: هرکس در مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد برابر است با عبادت هفتاد سال، و هرکس صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، برای او ثواب بنده آزاد کردن بنویسند، و هرکس صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، برابر است با ثواب زنده کردن شخصی، و هرکس صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید برابر است با خراج عراقین که در راه خداوند صدقه بدهد.

آداب وداع بیت الله الحرام

۴۳- مستحب است پس از پایان اعمال حج، طواف وداع بجا آورد و داخل خانه کعبه شود، مخصوصاً کسی که سفر اوّل اوست. و در حدیث آمده است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خداست و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان می‌باشد.

۴۴- مستحب است برای وارد شدن به کعبه معظّمه غسل کند و پای برهنه داخل شود و پیش از دخول، دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ، (اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ. وَ قَدْ قُلْتَ): وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِّنِي مِنْ عَذَابِكَ (عَذَابِ النَّارِ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ)، وَأَجْزَنِي مِنْ سَخَطِكَ».

پس داخل شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِّنِّي مِنْ عَذَابِكَ
عَذَابِ النَّارِ».

پس در میان دو ستون، دو رکعت نماز بخواند و به رکنی برود که حجرالأسود در آنجاست و بدن
خود را بر آن بمالد و بگوید:

«يَا وَاحِدُ، يَا أَحَدُ، يَا مَاجِدُ، يَا قَرِيبُ، يَا بَعِيدُ، يَا عَزِيزُ، يَا حَكِيمُ، لَا
تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ».^{۱۵۱}

و بگوید:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ، وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِيُفَادَةَ إِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ
وَ جَوَائِزِهِ، وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ كَانَتْ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ،
وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَائِزَتِكَ، وَ نَوَافِلِكَ وَ فَوَاضِلِكَ،
فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَ لَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ، (وَ لَا
يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ قَائِلٌ)، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا
شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لِكُنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّأً (بِالظُّلُمِ) بِالذُّنُوبِ وَ
الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ
كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي (مُنِيتِي)
مَسْأَلَتِي، وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تُقْبِلَنِي بِرَغْبَتِي، (وَ تُقْلِبَنِي بِرَحْمَتِكَ)، وَ لَا
تَرُدَّنِي مَحْرُومًا، وَ لَا مَجْبُوهًا، وَ لَا خَائِيًا، يَا عَظِيمُ، يَا عَظِيمُ، يَا عَظِيمُ،

أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ، أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ)، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».^{۱۵۲}

۴۵- بسیار طواف کردن مستحب است و برای حجاج از نماز نافله افضل است و طواف به نیابت از پدر و مادر و همسر و فرزندان و دیگر آشنایان و سایر مؤمنین بسیار ثواب دارد، و به نیابت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه و دوازده امام علیهم السلام ثواب فراوان دارد.

۴۶- مستحب است در مکه معظمه قرآن مجید را ختم کند و در حدیث آمده است: هر کس در آن جا قرآن را ختم کند، از دنیا نرود تا پیامبر صلی الله علیه و آله و منزل خود را در بهشت ببیند.

۴۷- مستحب است در مکه معظمه به زیارت مکان تولد پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شود و به منزل حضرت خدیجه علیها السلام برود و قبر حضرت عبد المطلب و حضرت ابوطالب و قبر حضرت خدیجه علیها السلام را زیارت کند و به غار حرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت در آن جا عبادت می نموده و مبعوث به رسالت گردیده و همچنین غاری که در کوه ثور است و حضرت صلی الله علیه و آله در آن جا مخفی شده بودند، برود.

۴۸- مستحب است هنگام خروج از مکه مکرمه صدقه بدهد و از خداوند بخواهد که دوباره به او توفیق حج عنایت کند و غسل کند و طواف وداع انجام دهد و حجرالأسود و رکن یمانی را استلام کرده، خود را به کعبه معظمه بحسبانند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش صلوات بفرستند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَ رَسُولِكَ، وَ نَبِيِّكَ، وَ أَمِينِكَ، وَ حَبِيبِكَ، وَ نَجِيِّكَ (وَ نَجِيِّكَ)، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أَوْذَى (فِيكَ وَ) فِي جَنْبِكَ، وَ عَبْدَكَ، حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً، مُسْتَجَاباً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنْ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ،

آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۹۱

وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ، (مِمَّا يَسْعُنِي أَنْ أَطْلُبَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَفْضَلَ مِنْ عِنْدِكَ وَتَزِيدَنِي عَلَيْهِ). اللَّهُمَّ إِنْ أَمَتَّنِي فَاعْفِرْ لِي، وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أَمَتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَائِكَ، وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، حَتَّى أَقْدَمْتَنِي (أَدْخَلْتَنِي) حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ، وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا، وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، وَلَا تَبَاعِدْنِي، وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَعْفِرْ لِي فَمِنْ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَنْأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي، فَهَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَذْنْتَ لِي، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ، وَلَا عَن بَيْتِكَ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِهِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَمِنْ خَلْفِي، وَ عَن يَمِينِي، وَ عَن شِمَالِي، حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي، فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَافْكُنِي مَثُونَةَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمَنِّي». ۱۵۳

سپس به طرف آب زمزم رفته و از آن بیاشامد و بگوید:

«آئِبُونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ، إِلَى اللَّهِ رَاجِعُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». ۱۵۴

سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و در حال خروج هنگامی که به درب مسجد رسید، دستش را بر آن گذاشته و بگوید:

«الْمَسْكِينُ عَلَى بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ». ۱۵۵

و در نزد درب مسجد سجده طولانی بجا آورد و خارج شود.

۴۹- از جمله مستحبات مؤکده مراجعت از راه مدینه طیبه است برای زیارت نمودن فخر کائنات

۱۹۲/ حج در احادیث، مناسک، آداب حج و عمره (مستحبات)

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وآله و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراء و ائمه بقیع علیهم السلام است. و در حدیث وارد شده است: ترک زیارت آن حضرت صلی الله علیه وآله بعد از حج، جفای بر آن حضرت است.

۵۰- مستحب است در راه بازگشت از مکه به مدینه، در مسجد غدیر خم نماز بگذارد و بسیار دعا کند زیرا در همین جا پیامبر صلی الله علیه وآله به دستور خدا، خلافت و امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام را اعلام فرمودند و این آیه شریفه نازل شد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».^{۱۵۶}

امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم، و دین اسلام را برایتان راضی شدم.

سپس پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ، وَرَضَى الرَّبُّ بِرِسَالَتِي وَبِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (وَالْوَلَايَةُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ) مِنْ بَعْدِي».^{۱۵۷}

الله اکبر بر کامل نمودن دین و تمام نمودن نعمت و خوشنودی پروردگار از پیامبری من و ولایت علی علیه السلام پس از من.

آداب مدینه منوره

۱- مستحب است برای ورود به شهر مدینه منوره و داخل شدن در حرم پیامبر صلی الله علیه وآله غسل نماید.

۲- مستحب است برای ورود به حرم پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه بقیع علیهم السلام، اذن دخول بخواند. مرحوم کفعمی می نویسد: هنگامی که می خواهی به مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مدینه یا به یکی از مشاهد مشرفه ائمه اطهار علیهم السلام وارد شوی، این دعا را بخوان:

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ١٩٣

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ إِلَى بُيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَكَانِي فِي وَقْتِي هَذَا وَ زَمَانِي، وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي فِي وَقْتِي هَذَا وَ زَمَانِي، وَ يَرُدُّونَ عَلَيَّ سَلَامِي، وَ أَنْتَ حَجَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا، وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيًا، وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْمَفْرُوضِ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ».

و نام آن امامی که می خواهی زیارت نمایی بیرو در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام بگو:

«(أَسْتَأْذِنُ خُلَفَاءَكَ أَئِمَّتِي وَ سَادَتِي الْأَرْبَعَةَ) وَ أَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ لِلَّهِ السَّامِعَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلُونَ بِهَذَا الْمَوْضِعِ الْمُبَارَكِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. بِإِذْنِ اللَّهِ وَ إِذْنِ خُلَفَائِهِ وَ إِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ أَدْخُلْ هَذَا الْبَيْتَ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الظَّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ أَعْوَانِي، وَ كُونُوا أَنْصَارِي، حَتَّى أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتَ، وَ أَدْعُوا اللَّهَ بُقْيُونِ الدَّعَوَاتِ، وَ أَعْتَرِفُ لِلَّهِ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ لِلرَّسُولِ بِالطَّاعَةِ».^{١٥٨}

سپس عتبه مقدس را بیوس و داخل شو و بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». ۱۵۹

۳- بر تمام مردم، به خصوص حجاج مستحب مؤکد است که به زیارت حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان باقی و حضرت فاطمه زهراء علیهم السلام بروند. و از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمودند: حج خود را با زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تمام کنید، زیرا ترک آن جفاست و نیز حج خود را با زیارت قبوری که خداوند تعالی حق آن‌ها و زیارت آن‌ها را بر شما ملزم ساخته است کامل کنید و نزد آن‌ها رزق خود را از خداوند بخواهید.

زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله

۴- کیفیت زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله: پس از انجام غسل زیارت، اذن دخول را که بیان شد بخواند و از درب جبرئیل وارد شود. هنگام ورود پای راست خود را مقدم بدارد، سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و دو رکعت نماز تحیت مسجد بپا دارد. سپس به سوی ضریح شریف برود و آن را با دست بگیرد و ببوسد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

سپس نزد ستون که از سمت راست ضریح است به طرف قبله بایست، طوری که شانه چپ به طرف ضریح و شانه راست به طرف منبر باشد، که آن بالای سر رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد، و بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ١٩٥

رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، دَاعِيًا إِلَى طَاعَتِهِ، زَاجِرًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ غَلِيظًا، حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَ الضَّلَالِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ، وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، مِمَّنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ، وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ، وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اِنْعِثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ اَمْنَحْهُ أَشْرَفَ مَرْتَبَةٍ، وَ اَرْفَعْهُ إِلَى أَسْنَى دَرَجَةٍ وَ مَنْزِلَةٍ، وَ أَعْطِهِ الْوَسِيلَةَ، وَ الرُّتْبَةَ الْعَالِيَةَ الْجَلِيلَةَ، كَمَا بَلَغَ نَاصِحًا، وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَبَرَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِكَ، وَ أَوْضَحَ دِينَكَ، وَ أَقَامَ حُجَجَكَ، وَ هَدَى إِلَى طَاعَتِكَ، وَ أَرْشَدَ إِلَى مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْأَبْرَارِ، مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الْأَخْيَارِ مِنْ عِثْرَتِهِ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَجِدُ سَبِيلًا إِلَيْكَ سِوَاهُمْ، وَ لَا أَرَى شَفِيعًا مَقْبُولَ الشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ غَيْرَهُمْ. بِهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَ بِوَلَايَتِهِمْ أَرْجُو جَنَّتَكَ، وَ بِالْبِرَاةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَمْلُ الْخَلَاصِ مِنْ

عَذَابِكَ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ
الْمُقَرَّبِينَ، وَ اَرْحَمَنِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس متوجه قبر شریف شو و بگو:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ وَ عَلَى
أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

سپس دست خود را به دیوار حجره ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن دفن هستند گزارده و بگوید:

«أَتَيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ، قَاضِيًا لِمَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ
قَصْدِكَ، وَ إِذْ لَمْ أَلْحَقْكَ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ، عَالِمًا أَنَّ
حُرْمَتَكَ مَيْتًا كَحُرْمَتِكَ حَيًّا، فُكُنْ لِي بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاهِدًا».

سپس دستت را به صورت خود کشیده و بگو:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ ذَلِكَ بَيْعَةً مَرْضِيَّةً لَدَيْكَ، وَ عَهْدًا مُؤَكَّدًا عِنْدَكَ، تُخَيِّنِي
مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ، وَ عَلَى الْوَفَاءِ بِشَرَائِطِهِ وَ حُدُودِهِ، وَ حُقُوقِهِ وَ
أَحْكَامِهِ، وَ تُمَيِّتُنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَيْهِ، وَ تَبْعُنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ».

صورت خود را به سمت صورت پیامبر صلی الله علیه و آله کرده و قبله را پشت سر خود قرار داده و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَسُولَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ وَ
خَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ السِّرَاجُ الْمُنِيرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا.
أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَيْتَ بِالْحَقِّ، وَ قُلْتَ بِالصِّدْقِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ۱۹۷

الَّذِي وَفَّقَنِي لِلْإِيمَانِ وَ التَّصَدِيقِ، وَ مَنْ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَ اتِّبَاعِ سَبِيلِكَ، وَ جَعَلَنِي مِنْ أُمَّتِكَ وَ الْمُجِيبِينَ لِدَعْوَتِكَ، وَ هَدَانِي إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَ مَعْرِفَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَا يُرْضِيكَ، وَ أَنْبِرُ إِلَى اللَّهِ مِمَّا يُسْخِطُكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَائِرًا، وَ قَصَدْتُكَ رَاغِبًا، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَ أَنْتَ صَاحِبُ الْوَسِيلَةِ، وَ الْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ، وَ الشَّفَاعَةِ الْمَقْبُولَةِ، وَ الدَّعْوَةِ الْمَسْمُوعَةِ، فَاشْفَعْ لِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فِي الْغُفْرَانِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ التَّوْفِيقِ وَ الْعِصْمَةِ، فَقَدْ غَمَرَتِ الذُّنُوبُ، وَ شَمِلَتِ الْعُيُوبُ، وَ أَثْقَلَ الظَّهْرُ، وَ تَضَاعَفَ الْوِزْرُ، وَ قَدْ أَخْبَرْتَنَا وَ خَبَرَكَ الصِّدْقُ، إِنَّهُ تَعَالَى قَالَ وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ: وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا، وَ قَدْ جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي، تَائِبًا مِنْ مَعَاصِيٍّ وَ سَيِّئَاتِي، وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ، لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَاشْفَعْ لِي يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ، وَ أَجِرْنِي يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ الطَّاهِرِينَ».

و کوشش می کنی در درخواست حاجت. و روبه قبله کن در حالی که سرجای خود هستی و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْبَجْتُ أَمْرِي، وَ إِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي، وَ إِلَى الْقِبْلَةِ الَّتِي ارْتَضَيْتَهَا اسْتَقْبَلْتُ بِوَجْهِي. اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مِنْ أَرْجُو، وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا أَحْذَرُ، وَ الْأُمُورَ كُلَّهَا بِيَدِكَ، فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عِزَّتِهِ، وَ قَبْرِهِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ وَ حَرَمِهِ، أَنْ

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ جُرْمِي، وَتَعْصِمَنِي مِنَ الْمَعَاصِي فِي مُسْتَقْبَلِ عُمْرِي، وَتُثَبِّتَ عَلَيَّ الْإِيمَانَ قَلْبِي، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُسَبِّغَ عَلَيَّ النِّعَمَ، وَتَجْعَلَ قِسْمِي مِنَ الْعَافِيَةِ أَوْفَرَ قِسْمِ، وَتَحْفَظَنِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي، وَتَكَلِّفَنِي مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَتُحْسِنَ لِي الْعَاقِبَةَ فِي الدُّنْيَا، وَتُنْقِلَنِي فِي الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَ لِوَالِدَيَّ، وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ۱۶۰

و اگر حاجتی داری، پس قبر شریف را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دست‌های خود را بالا برده و حاجت خود را بخواه که انشاء الله برآورده خواهد شد.

زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

۵- سپس برای زیارت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام به نزد روضه پیغمبر صلی الله علیه و آله برود، بین قبر و منبر آن بانوی مکرمه را زیارت نماید، و در بقیع نیز آن حضرت را زیارت کند. و برای حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً، اِمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ، وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ (أَتَانَا. وَ أَتَى) بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا بِالْبَشَرِ، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

و مستحب است که این زیارت را نیز بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ.

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ١٩٩

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ
أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا الرِّضِيَّةُ
الْمَرْضِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكْبِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا
الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَتَيْتَهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَتَيْتَهَا الْمُضْطَهْدَةُ الْمَفْهُورَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ
بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ
بَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ
مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ
فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ
الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَ
مَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، وَ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ

عَلَيْهِ، وَ مُتَبَرِّئُ مِمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ،
مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً
وَ جَازِياً وَ مُثِيباً».^{۱۶۱}

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

۶- زیارت ائمه بقیع، حضرت امام حسن مجتبی و امام علی بن الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام.

هنگامی که می خواهی آن امامان بزرگوار را زیارت نمایی، آداب زیارت از غسل و طهارت و پوشیدن لباس های پاک و تمیز و عطر زدن را بجا آور و همان اذن دخول را که قبلاً ذکر کردیم بخوان، سپس بگو:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ! عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أُمَتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ،
وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلْوِ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيراً بِكُمْ،
قَاصِداً إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، أَأَدْخُلُ
يَا مَوَالِيَّ؟ أَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؟ أَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِهِذَا
الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهِذَا الْمَشْهَدِ؟».^{۱۶۲}

و سپس با خضوع و خشوع و رقت قلب داخل بقیع شو و بخوان:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أُصِيلاً، وَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَتَوَلِّ الْخَنَّانِ،
الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَ سَهْلَ زِيَارَةِ سَادَتِي بِإِحْسَانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ
زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ».

و سپس به قبر شریف آنان نزدیک شو، و پشت به قبله بایست و بخوان در حالی که غسل داری:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى. السَّلَامُ

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٠١

عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَامَ فِي الْبَرِيَّةِ
بِالْقِسْطِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى.
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ، وَ نَصَحْتُمْ، وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ كَذَّبْتُمْ، وَ
أَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ (فَعَفَرْتُمْ)، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيِّمَّةَ الرَّاشِدُونَ
الْمَهْدِيُّونَ (الْمُهْتَدُونَ)، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ،
وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ، وَ
أَرْكَانُ الْأَرْضِ، وَ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَ
يَنْقُلُكُمْ فِي (مِنْ) أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَيِّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَ
لَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ. طَبَّيْتُمْ وَ طَابَ مَنَبِتُكُمْ (مَنْشُوكُمْ)، مَنْ بِكُمْ
عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا
اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا (صَلَاتِنَا) عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذَا
(إِذْ) اخْتَارَكُمُ لَنَا، وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا (خَلَقْتَنَا) بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ،
وَ كُنَّا (فَكُنَّا) عِنْدَهُ مُسَمِّينَ (بِعِلْمِكُمْ، مُقَرَّرِينَ) بِفَضْلِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ
بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ، وَ اسْتَكَانَ وَ أَقَرَّ بِمَا
جَنَى، وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنْ
الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا (إِذْ) رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ
الدُّنْيَا، وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ (ذَاكِرٌ)
لَا يَسْهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ
عَرَّفْتَنِي مِمَّا ائْتَمَنْتَنِي (بِمَا تَبَتَّنِي)، (وَ عَرَّفْتَنِي أَيْمَتِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ (عَنْهُ) عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا (وَ حَجَدُوا) مَعْرِفَتَهُمْ، وَ
اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِمْ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ، فَكَانَتِ الْمِنَّةُ (لَكَ وَ) مِنْكَ عَلَيَّ،
مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي
مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، وَ لَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيَمَا
دَعَوْتُ». ۱۶۳.

و سپس هر آنچه می خواهی دعا کن و هشت رکعت نماز برای هر امام دو رکعت بجا آور

زیارت ابراهیم فرزند رسول الله علیه السلام

۷- زیارت حضرت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ خَاتِمِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ
خَلْقِهِ، فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ. السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ.
السَّلَامُ عَلَى السُّعْدَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى
عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكَايَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ
الْوَرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
السِّرَاجِ الْمُنِيرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ

آدابِ مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۰۳

الْعَلَامَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ شَفِيعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ، قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، فَتَقْلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا، زَاكِيًا مَرْضِيًّا، طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّاءَ جَنَّةِ الْمَأْوَى، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً يُقَرُّ بِهَا عَيْنَ رَسُولِهِ، وَيُبْلَغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَارْزَاكَهَا، وَانْمِ بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاها، عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَا خَلَفَ مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ، وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤْنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً. اللَّهُمَّ وَاحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَنَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَصَيْقٍ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَاسْكِنْنِي جَنَاتِكَ، وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ، وَأَشْرِكْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَوُلْدِي، وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ

الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».^{١٦٤}

و سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی.

زیارت حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام

۸- زیارت حضرت فاطمه بنت اسد مادر گرامی مولا امیرالمؤمنین علیهما السلام:

«السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ
سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ. السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ
بِنْتِ أَسَدٍ الْهَاشِمِيَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَزَيَّنَتْهَا لَوْلِي اللَّهِ الْأَمِينِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ الطَّاهِرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى وَلَدِكَ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكَفَالَةَ، وَ أَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَ
اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَ بَالِغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ،
مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِبُؤْتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ،
مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ، وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً،
طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ، وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ
مَنْزِلَكَ وَ مَأْوَاكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا،
وَ تَبَتَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَ لَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا، وَ شَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٠٥

ذُرِّيَّتِهَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا، وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ .
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا
أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي رُفَّتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا،
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ، وَ مَنَزِلَتِهَا لَدَيْكَ،
إِغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ» .^{١٦٥}

و سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی .

زیارت حضرت حمزه اسد الله علیه السلام

٩- زیارت حضرت حمزه اسد الله و اسد رسوله علیه السلام در احد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ،
وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي
بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي، بِمَا جَنَيْتُ
عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعَاً إِلَيْكَ
رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ
قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ أَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ
إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَ
حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَ أَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي

عِنْدَكَ بَاكِياً، وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِداً، وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَ حَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِجُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاكُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ، وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاكُمْ».

سپس دو رکعت نماز می‌گزاری و این دعا را می‌خوانی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ، بِلُزُومِي لِقَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، لِتُجِيرَنِي مِنْ نَقَمَتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَ تَشْغُلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَ لَا حُزْنَ، وَ إِنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَى جِنَايَةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقْلُوبِي عَلَى قَبْرِ عِمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَ لَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَ لَا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَ لَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي. يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ، وَ يَا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْخَيْرَانَ الْغَرِيقَ، الْمُسْرِفَ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَداً، وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عَبْرَتِي وَ

آداب مدينه منوره ، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٠٧

انفرادي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمْلِي. اللَّهُمَّ إِنَّ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَ جَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخِيْبَنَّ الْيَوْمَ، وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَ لَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَ وِفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَ أَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَ خَلَفْتُ الْأَهْلَ وَ الْمَالَ، وَ مَا خَوَّلْتَنِي، وَ أَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَ لُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ»^{١٦٦}.

زيارت شهدای أحد عليهم السلام

١٠- زیارت شهدای أحد رضوان الله تعالى عليهم:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ، (سَلَامٌ) عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ. أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ دَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ، وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ عَرَّفَنَا وُجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ، وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ

حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَ أَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ. أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا، وَ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَ بِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَ مَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ وَ سَخَطُهُ. اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَ تَبَتَّنِي عَلَى قَصْدِهِمْ، وَ تَوَقَّني عَلَى مَا تَوَقَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا قَرِطٌ، وَ نَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ».^{۱۶۷}

سوره قدر را هر چند تا که می توانی بخوان و نزد هر زیارت شونده ای دو رکعت نماز بخوان.

اعمال شب عرفه

توبه در شب عرفه مقبول و دعا مستجاب می باشد و زیارت مخصوصه امام حسین علیه السلام ثواب بسیار دارد، و مستحب است این دعا را در شب عرفه بخواند:

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، وَ لَا بَحْرٌ عَجَاجٌ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَ لَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِنَاجٍ. يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلا عَمَدٍ، وَ سَطَّحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ، وَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ

آداب شب وروز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٠٩

الطَّاهِرِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجِبْتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ
السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُزْهَانِ، الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ،
يُضِيئُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضُ انْشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ السَّمَاوَاتِ
فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ. وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ
مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ
الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَمِيعِ
الْمَلَائِكَةِ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قُلُلِ (طَلَلِ) الْمَاءِ كَمَا
مَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى، وَ
أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ، وَ أَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَ مَنْ مَعَهُ، وَ
بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ،
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ الْقَيْتَ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتَى، وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ
الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ. وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ، وَ جِبْرِئِيلُ وَ
مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ، وَ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَلَائِكَتُكَ
الْمُقَرَّبُونَ، وَ أَنْبِيََاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ، إِذْ ذَهَبَ
مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ وَ
كَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ، وَ خَرَّ

لَكَ سَاجِدًا فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ. وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتَكَ بِهِ أَسِيَّةُ امْرَأَةٍ
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ: رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ
عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا، وَ بِاسْمِكَ
الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ، فَعَافَيْتَهُ وَ آتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ
مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
يَعْقُوبُ فَزَادَتْ عَلَيْهِ بَصَرُهُ وَ قُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفُ وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ
بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ
بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. وَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَخَرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، إِذْ قُلْتَ: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَ قَوْلُهُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا
هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ
جِبْرِئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
آدَمُ فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَ اسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ، وَ بِحَقِّ فَضْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ،
وَ بِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ، وَ الصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَ بِحَقِّ الْقَلَمِ وَ مَا
جَرَى وَ اللَّوْحِ وَ مَا أَحْصَى. وَ بِحَقِّ الْإِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ
الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقِ وَ الدُّنْيَا وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ بِأَلْفِي عامٍ، وَ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ،
وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ فِي خَزَائِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ

آداب شب وروز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢١١

الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ مُصْطَفَى، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبَحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ، وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبَحَقِ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبَحَقِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَبَحَقِ طَهٍ وَيَسٍ وَكُهِلْعَصٍ وَحَمَعَسَقٍ، وَبَحَقِ تَوْرَاتِ مُوسَى، وَانْجِيلِ عِيسَى، وَزُبُورِ دَاوُدَ، وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ عَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَ بِأَهْيَأَ شَرَاهِيئًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ، فَخَضَعْتَ النَّيْرَانُ لَتِلْكَ الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ: يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ، وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَ جَدِّكَ الْأَعْلَى، وَ كَلِمَاتِكَ النَّامَاتِ الْعُلَى. اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا ذَرَتْ، وَ السَّمَاءِ وَ مَا أَظَلَّتْ، وَ الْأَرْضِ وَ مَا أَقَلَّتْ، وَ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ، وَ الْبَحَارِ وَ مَا جَرَتْ، وَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَ بِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّوحَانِيِّينَ، وَ الْكَرُوبِيِّينَ، وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ بِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّافَا وَ الْمَرُوءَةِ، وَ تَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ يَا

مُجِيبٌ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَ مَا أَخَّرْنَا، وَ مَا أَسْرَرْنَا وَ مَا أَعْلَنَّا، وَ مَا أَبْدَيْنَا وَ مَا أَخْفَيْنَا، وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُوَسِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُوَسِّسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دَيَانَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ. اِغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطَرَ السَّمَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَ احْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبَعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَ مَخْرَجاً وَ يُسْراً، وَ أَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي، وَ

آداب شب وروز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢١٣

رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ عَافِنِي فِي
مَقَامِي، وَ اضْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي، وَ مِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَ خَلْفِي، وَ عَنْ
يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي، وَ يَسِّرْ لِي السَّبِيلَ، وَ
أَحْسِنْ لِي التَّيسِيرَ، وَ لَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ، وَ اهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ، وَ لَا
تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ، وَ لَقِّنِي كُلَّ سُرُرٍ، وَ اقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي
بِالْفَلَاحِ وَ النَّجَاحِ، مَحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ، وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ
اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَ أَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ نَارِكَ، وَ اقْلِبْنِي إِذَا
تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَ
مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَ مِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَ مِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَ أَعُوذُ
بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَ شِمَاتَةِ
الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ.
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَ لَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ، وَ لَا تَحْرِمْنِي
صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ، وَ أَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً، وَ تَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً، تُلْحِقْنِي
بِالْأَبْرَارِ، وَ ارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ، فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ صُنْعِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى
الْإِسْلَامِ وَ اتِّبَاعِ السُّنَّةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ عَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ،
فَاهْدِنَا وَ عَلِّمْنَا، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ صُنْعِكَ عِنْدِي
خَاصَّةً، كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي، وَ عَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي،

وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَ حَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَجْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ، فِي كُلِّ مَثْوًى وَ زَمَانٍ، وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ، وَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَ كُلِّ حَالٍ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هَذَا اللَّيْلِ مِنْ خَيْرِ تَقْسِيمِهِ، أَوْ ضُرِّ تَكْشِفِهِ، أَوْ سُوءٍ تَصْرِفِهِ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوِّقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ بِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ، الْمُعْطِي الَّذِي لَا يَرُدُّ سَائِلَهُ، وَ لَا يُخَيِّبُ آمِلَهُ، وَ لَا يَنْقُصُ نَائِلَهُ، وَ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَ طَيِّبًا وَ عَطَاءً وَ جُودًا، وَ ارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى، وَ مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».^{۱۶۸}

اعمال روز عرفه

۱- غسل

۲- زیارت مخصوصه حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه، همچنین دعای آن حضرت در روز عرفه و دعای امام زین العابدین علیه السلام.

۳- بعد از نماز عصر، دو رکعت نماز زیر آسمان بجا آورد و سپس به گناهان خود اعتراف کند و از خدا آمرزش بخواهد که هم ثواب عرفه را به دست آورد و هم گناهانش آمرزیده شود.

و مرحوم شیخ کفعمی روایت می کند که پس از نماز عصر، دو رکعت نماز بگذارد، در رکعت اول بعد از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» بخواند. سپس چهار

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۱۵

رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت یک «حمد» و «سوره توحید» پنجاه مرتبه بخواند و این همان نماز امیرالمؤمنین علیه السلام است. سپس این دعا را که مرحوم سید ابن طاووس از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده بخواند:

«سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ،
سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ،
سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ،
سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقِيَامَةِ عَدْلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ، سُبْحَانَ
الَّذِي بَسَطَ الْأَرْضَ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ».^{۱۶۹}

سپس صد مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

و صد مرتبه سوره توحید و «آیه الكرسي» را بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ
يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ». ده مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ
أَتُوبُ إِلَيْهِ» ده مرتبه. «يا الله» ده مرتبه. «يا رَحْمَانُ» ده مرتبه. «يا رَحِيمُ» ده
مرتبه. «يا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» ده مرتبه. «يا
حَيُّ يا قَيُّومُ» ده مرتبه. «يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ» ده مرتبه. «يا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» ده
مرتبه. «آمِينَ» ده مرتبه.

سپس بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ، يَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».^{۱۷۰}

و حاجت‌های خود را از خداوند بخواهد، که ان شاء الله برآورده می‌شود.

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«مَنْ بَاتَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي كَرْبَلَاءَ^{۱۷۱} وَأَقَامَ بِهَا حَتَّى يُعَيِّدَ وَيَنْصَرِفَ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ سَنَةٍ».

هرکس شب عرفه در کربلا بیتوته کند و در آن جا اقامت گزیند تا این که عید قربان فرا برسد سپس از آن جا (به محل زندگی‌اش) بازگردد، خداوند شریک سال را از او دور می‌کند.^{۱۷۲}

پسر میثم تمّار رضی الله عنه روایت کرد که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ - أَوْ قَالَ: - مَنْ زَارَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ، وَأَقَامَ بِهَا حَتَّى يُعَيِّدَ ثُمَّ يَنْصَرِفَ، وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ سَنَتِهِ».

هرکس امام حسین را زیارت کند (یا این که حضرت چنین فرمودند): هرکس شب عرفه کربلا را زیارت کند و در آن اقامت گزیند تا این که عید قربان فرا برسد، سپس (به منزلگاه خود) بازگردد، خداوند او را از شرّ آن سال، نگاه می‌دارد.^{۱۷۳}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ، وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ

آداب شب و روز عرفة، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۱۷

مُتَقَبَّلَةً، وَقُضِيَتْ لَهُ أَلْفُ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

هرکس قبر امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفة در یک سال زیارت کند، خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده می نویسد، و هزار حاجت از حاجت های دنیا و آخرت او، برآورده می شود.^{۱۷۴}

بشیردهان گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: چه بسا حج از من فوت شده، پس نزد قبر امام حسین علیه السلام عرفة را اجرا می کنم. امام فرمودند:

«أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ! أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمٍ عِيدٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حَجَّةً، وَعِشْرِينَ عُمْرَةً، مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولَاتٍ (مُتَقَبَّلَاتٍ)، وَعِشْرِينَ حَجَّةً وَعُمْرَةً (غَزْوَةً) مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَمَنْ أَنَاهُ فِي يَوْمٍ عِيدٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ (أَلْفٍ) حَجَّةً، وَمِائَةَ (أَلْفٍ) عُمْرَةً، وَمِائَةَ (أَلْفٍ) غَزْوَةً، مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ، أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ (مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ)، (وَمَنْ أَنَاهُ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كُتِبَتْ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ، وَأَلْفُ عُمْرَةٍ، مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، وَأَلْفُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ، أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ)».^{۱۷۵}

ای بشیر! عمل نیک و پسندیده ای انجام داده ای. هر مؤمنی که در غیر روز عید به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در حالی که نسبت به حق آن حضرت عارف باشد، خدا بیست حج و بیست عمره قبول شده برای او می نویسد و اجر بیست بار حج و عمره (یا غزوه) همراه با پیامبر مرسل یا امام عادل برایش می نویسد. و هرکس در روز عید به زیارت حضرت برود، خداوند برای او ثواب صد (هزار) حج و صد (هزار) عمره و صد (هزار) مرتبه جنگ با دشمنان خدا در رکاب پیامبر مرسل یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

راوی گوید: عرضه داشتم: چگونه ثواب این کار برای من با وقوف در عرفات (و در دو موقف)

برابری می‌کند؟ حضرت به من با حالتی غضبناک نگریستند، سپس فرمودند:

«يَا بَشِيرُ! إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ (عارِفاً بِحَقِّهِ)، وَ اغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ، ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ، كَتَبَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكَهَا - وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: - وَغَزْوَةً».

ای بشیر! به درستی که مؤمن هنگامی که روز عرفه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رود. در حالی که نسبت به حق ایشان، عارف است. و از آب فرات غسل می‌کند، سپس به سمت قبر حضرت برای زیارت روی می‌آورد، خداوند عزوجل به ازای هر قدمی برای او یک حج همراه با مناسک آن را می‌نویسد.

[راوی گوید:] و دیگر چیزی یادم نیست جز این که فرمود: و ثواب یک بار جنگیدن در راه خدا

در رکاب پیامبر صلی الله علیه وآله. ۱۷۶

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (بُنِ عَلِيٍّ) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ (قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَات). ۱۷۷»

خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتدا به زوار قبر مطهر امام حسین بن علی علیهما السلام نظر (لطف و مرحمت) می‌اندازد، پیش از اهل عرفات.

راوی گوید: عرض کردم: قبل از این که نظرش را به اهل موقف [حاجی‌ها] بیندازد؟ حضرت فرمودند: بلی. عرض کردم: چرا اینطور است؟ حضرت فرمودند:

«لِأَنَّ فِي أَوْلَيْكَ أَوْلَادَ زِنَاءٍ، وَلَيْسَ فِي هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ زِنَاءٍ».

زیرا در بین آنان زن‌زاده وجود دارد، ولی در میان زائران قبر مطهر امام حسین علیه السلام،

زن‌زاده نیست. ۱۷۸

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۱۹

«إِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ نَظَرَ اللَّهُ (تَعَالَى) إِلَى زُؤَارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (بْنِ عَلِيٍّ) عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَيَقُولُ: إِرْجِعُوا مَغْفُورًا لَكُمْ مَا مَضَى، وَلَا يُكْتَبُ عَلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ ذَنْبٌ سَبْعِينَ يَوْمًا مِنْ يَوْمٍ يَنْصَرِفُ».

چون روز عرفه فرا برسد، خداوند تعالی به زائران قبر امام حسین بن علی علیهما السلام نظر می افکند و می فرماید: بازگردید در حالی که آنچه (از گناهان) در گذشته مرتکب شده اید، برای شما آمرزیده شد و برای هیچ یک از شما تا هفتاد روز پس از بازگشت، گناهی نوشته نمی شود.^{۱۷۹}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَتَجَلَّى لِرُؤَاةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَهْلِ عَرَافَاتٍ، وَيَقْضِي حَوَائِجَهُمْ، وَيَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ، وَيُشَفِّعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ، ثُمَّ يَثْنِي بِأَهْلِ عَرَافَاتٍ، فَيَفْعَلُ بِهِمْ ذَلِكَ».

همانا خداوند تبارک و تعالی برای زائران قبر امام حسین علیه السلام پیش از اهل عرفات جلوه می کند و حاجت های آن را برآورده می سازد و گناهان آن را می بخشد و درباره خواسته هایشان شفاعت آن را می پذیرد، سپس به اهل عرفات می پردازد و همان کار را درباره آنان انجام می دهد.^{۱۸۰}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ فَاتَتْهُ عَرَفَةُ بِعَرَافَاتٍ فَادْرَكَهَا بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَفُتْهُ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَبْدَأُ بِأَهْلِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَهْلِ الْعَرَافَاتِ، ثُمَّ يُخَاطِبُهُمْ بِنَفْسِهِ».

هرکس روز عرفه در صحرای عرفات نباشد و عرفه را در کنار قبر امام حسین علیه السلام درک کند، به راستی که عرفه از او فوت نشده و همانا خدای تبارک و تعالی

به یقین ابتدا به اطرافیان قبر امام حسین علیه السلام نظر لطف و رحمت می افکند پیش از این که با اهل عرفات چنین کند و خودش آن را مخاطب قرار می دهد.^{۱۸۱}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ)، وَأَلْفَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَتَقَ أَلْفَ أَلْفِ نَسَمَةٍ، وَحُمِّلَانَ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَسَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: عَبْدِي الصَّدِيقُ آمَنَ بِوَعْدِي، وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: فُلَانٌ صَدِيقٌ زَكَاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ، وَسَمِّيَ فِي الْأَرْضِ كَرُوبِيًّا».

هرکس قبر امام حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار هزار حج را که همراه با امام زمان عجل الله فرجه انجام دهد، می نویسد. و نیز ثواب هزار هزار عمره را برای او می نویسد که همراه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جا آورده باشد و ثواب آزاد کردن هزار هزار برده را در راه خدا، برای او می نویسد، و برای او ثواب کسی را می نویسد که هزار هزار بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است، به او عنایت فرماید و خداوند عزوجل او را به عبارت «عبدی الصّدیق آمن بوعدی - بنده‌ی بسیار راستگوی من، به وعده‌ام ایمان آورد» مسمی فرماید و فرشتگان می گویند: فلان شخص بسیار راستگو، خداوند او را از بالای عرش خود، پاک فرموده است. و آن شخص در زمین، «کروبی» نامیده می شود.^{۱۸۲}

رفاعه نخاس گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام داخل شدم پس به من فرمودند:

«يَا رِفَاعَةُ! أَمَا حَجَجْتَ الْعَامَ؟».

ای رفاعه! آیا امسال حج به جا نیاوردی؟

گوید: عرضه داشتم؛ قربانت شوم! وسیله ای که بدان حج به جا آورم، نزد من نبود (شرایط برگزار

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۲۱

کردن حج را نداشتیم) و لکن نزد قبر امام حسین بن علی علیهما السلام عرفه را برگزار کردم. حضرت به من فرمودند:

«يَا رِفَاعَةُ! مَا قَصَّرْتَ عَمَّا كَانَ أَهْلُ مَنِيَّ فِيهِ، لَوْلَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَدَعَ النَّاسُ الْحَجَّ، لَحَدَّثْتُكَ بِحَدِيثٍ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَدًا».

ای رفاعه! از چیزی که اهل منی (حاجی‌ها) به دست آوردند، چیزی کمتر کسب نکردی. اگر چنین نبود که من ناخوش می‌دارم که مردم حج را ترک کنند، به یقین حدیثی را به تومی گفتم که هرگز زیارت امام حسین علیه السلام را ترک نکنی.

سپس حضرت با دست روی زمین کوبیدند و مدتی طولانی سکوت کردند. سپس فرمودند:

«أَخْبَرَنِي أَبِي قَالَ: مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ، صَحَبَهُ أَلْفُ مَلَكٍ عَنْ يَمِينِهِ، وَأَلْفُ مَلَكٍ عَنْ يَسَارِهِ، وَكُتِبَ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ، وَأَلْفُ عُمْرَةٍ، مَعَ نَبِيِّ، أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ».

پدرم به من خبر داده فرمود: هرکس به سوی قبر امام حسین علیه السلام روانه شود در حالی که به حق ایشان عارف باشد و متکبر نباشد، هزار فرشته از سمت راست و هزار فرشته از سمت چپ او، او را همراهی می‌کنند و برای او ثواب هزار حج و هزار عمره که همراه با پیامبری یا جانشین پیامبری باشد، نوشته می‌شود.^{۱۸۳}

بشیردهان گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام هنگامی که به حیره منزل گرفتند و گروهی از شیعیان نزدشان بودند به من رو کرده و فرمود:

ای بشیر! آیا امسال حج به جا آوردی؟

عرض کردم: فدایت شوم، نه و لکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام برگزار کردم. حضرت فرمودند:

«يَا بَشِيرُ! وَاللَّهِ مَا فَاتَكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ لِأَصْحَابِ مَكَّةَ بِمَكَّةَ».

ای بشیر! به خدا سوگند! چیزی از آنچه که اهل مکه در مکه به دست آوردند، از تو فوت نشده است.

عرض کردم: فدایت شوم! (در مکه) صحرای عرفات است. این مطلب را برای من توضیح بدهید. حضرت فرمودند:

«يَا بَشِيرُ! إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَغْتَسِلُ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمَّ يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ [أَوْ] يَضَعُهَا مِائَةً حَبَّةٍ مَقْبُولَةٍ، وَمِائَةً عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَمِائَةً غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ، إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ [إِلَى أَعْدَى عَدُوِّ لَهُ]. يَا بَشِيرُ! اسْمَعْ وَأَبْلِغْ مَنْ احْتَمَلَ قَلْبُهُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي عَرْشِهِ».

ای بشیر! همانا مردی از شما شیعیان بر رودخانه فرات غسل کند و سپس نزد قبر امام حسین علیه السلام بیاید در حالی که نسبت به حق ایشان آگاه است، پس خداوند به خاطر هر قدمی که برمی دارد و می نهد، ثواب صد حج پذیرفته شده و صد عمره مقبول و صد بار جنگیدن را که همراه با پیامبری مرسل که به جنگ با دشمنان خدا و دشمنان پیامبرش و دشمن ترین دشمنانش رفته باشد، برای او می نویسد. ای بشیر! (کلام را) بشنو و آن را به کسی که قلبش توانایی پذیرش دارد، برسان که: هرکس قبر امام حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند، مانند کسی است که خداوند تبارک و تعالی را در عرش او زیارت کرده باشد.^{۱۸۴}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ ذَلِكَ فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَرَّفَ عِنْدَهُ يُجْزِيهِ ذَلِكَ عَنِ الْحَجِّ».^{۱۸۵}

اگر مردی اراده حج کند و برای او مهیا نشود و به زیارت قبر امام حسین علیه السلام

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۲۳

برود و نزد ایشان عرفه را برگزار کند، این کار برای او مجزی از حج است.^{۱۸۶}

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ كَانَ مُعْسِرًا فَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ، فَلْيَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلْيُعْرِفْ عِنْدَهُ، فَذَلِكَ يُجْزِيهِ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ، أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ يُجْزِي ذَلِكَ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ إِلَّا لِلْمُعْسِرِ، فَأَمَّا الْمُوسِرُ إِذَا كَانَ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ، فَأَرَادَ أَنْ يَتَنَقَّلَ بِالْحَجِّ أَوِ الْعُمْرَةِ، وَمَنْعَهُ مِنْ ذَلِكَ شُغْلٌ دُنْيَا، أَوْ عَائِقٌ، فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ، أَجْزَأُهُ ذَلِكَ عَنْ آدَاءِ الْحَجِّ أَوِ الْعُمْرَةِ، وَضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً».

کسی که توانا نیست و از این رو برای وی انجام حجۃ الاسلام مهیا نشود، باید به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام برود و مراسم عرفه را نزد آن حضرت به جا آورد که چنین زیارتی از حجۃ الاسلام او مجزی است. اما من نمی گویم این زیارت (برای همه) از حجۃ الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متمکن و معسر چنین است. اما کسی که توانگر است: وقتی حجۃ الاسلام را بجا آورد، اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحی انجام دهد و کار دنیایی یا مانعی دیگر او را از آن باز داشت و از این رو در روز عرفه به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام رفت، این زیارت کفایت کند وی را از آداء حج یا عمره بلکه خداوند برای او ثواب آن را چندین برابر می نماید.

راوی می گوید: عرض کردم: ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می باشد؟ حضرت فرمودند: تعداد آن، قابل شمارش نیست. گوید: عرض کردم: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می دهند؟ حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را به شماره آورد. راوی می گوید: عرضه داشتیم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟ حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

«وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ [عَلِيمٌ]».^{۱۸۷}

اگر نعمت‌های خداوند را بشمارید، نمی‌توانید از عهده شمارش آن‌ها برآیید، همانا خداوند وسعت دهنده و بخشنده بی‌عوض است.^{۱۸۸}

داود رقی گوید: شنیدم امام صادق و امام رضا علیهما السلام می‌فرمودند:
«مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعَرَفَةَ أَقْلَبَهُ اللَّهُ (بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) ثَلِجَ الْفُؤَادِ».

هرکس در عرفه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید، خداوند او را دل‌خنک (حاجت روا شده، به وطن) باز می‌گرداند.^{۱۸۹}

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

عَلَّامَهُ مَلَّا مُحَمَّدٌ بِأَقْرَبِ مَجْلِسِي رَحِمَهُ اللَّهُ مِی گوید: شیخ مفید و سید بن طاووس و شیخ شهید اول (در المزار و مصباح الزائر و المزار) فرموده‌اند: آنگاه که خواستی زیارت کنی امام حسین علیه السلام را در روز عرفه، از آب رودخانه فرات غسل نما اگر بتوانی و گرنه از هر کجا که ممکن باشد و پاک‌ترین لباس خودت را به تن کن و با آرامش اعضا و قلب قصد زیارت حضرتش بنما پس چون به درب حائر (حرم شریفش) رسیدی تکبیر گفته «اللَّهُ أَكْبَرُ» و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ. السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۲۵

عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمُنتَظَرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، الْمَوَالِي
لَوْلِيكَ، الْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ، اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقَصْدِكَ.
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لَوْلَايَتِكَ، وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ».

سپس داخل حرم شونزدیک سرمطهرآن حضرت و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثَرَ الْمُؤْتَوَرَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ
أَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَنِي، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
ظَلَمْتَنِي، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. يَا مَوْلَايَ! يَا أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ! أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ رُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِإِيَابِكُمْ
مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَ مُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي. فَصَلَّوْا
اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ، وَ عَلَى أَجْسَادِكُمْ، وَ عَلَى شَاهِدِكُمْ، وَ

غَائِبِكُمْ، وَ ظَاهِرِكُمْ، وَ بَاطِنِكُمْ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَ
 ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ ابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ ابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى
 جَنَّاتِ النَّعِيمِ. وَ كَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ، وَ أَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَ إِمَامُ
 الثَّقَى، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَ خَامِسُ أَهْلِ
 الْكِسَاءِ، غَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَ رَضَعْتَ مِنْ نَدْيِ الْإِيمَانِ، وَ رُبِّيتَ فِي
 حَجْرِ الْإِسْلَامِ. فَالْتَفُسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَ لَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ.
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَ عَلَى آبَائِكَ، وَ أَنْبَائِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ
 الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَ قَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِيَةِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ
 الْمَحَارِمَ، فَقُتِلَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا، وَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَ مَوْثُورًا، وَ أَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ، وَ عَلَى جَدِّكَ، وَ أَبِيكَ، وَ أُمِّكَ، وَ أَخِيكَ، وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ
 بَنِيكَ، وَ عَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَ
 الشَّاهِدِينَ لِرُؤُوسِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى دُعَاءِ شِيعَتِكَ، وَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. يَا بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَابِي
 أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ
 عَلَيْنَا، وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ،
 وَ أَلْجَمَتْ، وَ تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ! يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! قَصَدْتُ حَرَمَكَ،
 وَ أَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي
 لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۲۷

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنِّهِ، وَ جُودِهِ، وَ كَرَمِهِ».

سپس ضریح مطهر را ببوس، دو رکعت نماز بگذار به هر سوره ای که دوست داری و چون فارغ شدی بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَ رَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ لَكَ، وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أْبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ، وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ وَ هَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ، هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ إِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَ أَجْرْنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ، وَ فِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس به سمت پایین پای امام حسین علیه السلام برو و حضرت علی بن الحسین علیه السلام را زیارت کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَارْضِيَتْ بِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

سپس از سمت پای حضرت علی بن الحسین علیه السلام خارج شو و روبه شهداء علیهم السلام

نموده و آنان را زیارت نما و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ
أَوْدَاءَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، وَ أَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَ أَنْصَارَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، طِبْتُكُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَ فُزْتُمْ وَ اللَّهُ
فَوْزًا عَظِيمًا، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ
وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ».

سپس به سمت سرمطهر امام حسین علیه السلام باز گرد و برای خودت و خانواده و برادران
مؤمن خود بسیار دعا کن.

و شیخ مفید رحمه الله نوشته: پس آن گاه که خواستی از حرم بیرون شوی خود را بر روی قبر مطهر
بیانداز و ببوس و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَالِصَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. سَلَامٌ مُودِعٍ لَا قَالٍ وَ لَا
سَيِّمٍ. فَإِنْ أَمْضِ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ. وَإِنْ أَقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ
الصَّابِرِينَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ يَا مَوْلَايَ آخِرَ الْعَهْدِ لِزِيَارَتِكَ، وَ رَزَقَنِي الْعُودَ إِلَى
مَشْهَدِكَ، وَ الْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

سپس طوری که به حرم پشت نکنی از حرم خارج شو و بسیار بگو: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۲۹

سپس به سوی حرم مطهر حضرت عباس بن علی علیهما السلام برو. چون رسیدی بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ، وَ لِرَسُولِهِ، وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ، وَ بَرَكَاتُهُ، وَ مَغْفِرَتُهُ، عَلَى رُوحِكَ، وَ بَدَنِكَ. أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى الْبَذَرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ أَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ وَفَى بَبَيْعَتِهِ، وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا».

سپس دو رکعت نماز نزد سران حضرت بخوان و هردعایی که دوست داری بکن و چون خواستی از حرم بیرون شوی پس با آن حضرت وداع نما و بگو:

«أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ، وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ وَلِيِّكَ، وَ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَ ارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ احْشُرْنِي مَعَهُ، وَ مَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ».

و برای خود و پدر و مادر و برادران با ایمانت دعا کن. سپس برای وداع به حرم امام حسین علیه السلام بازگرد و مانند بار اول بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ، وَ هَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ، وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِوَاكَ، وَ لَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ، وَ لَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ. أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، وَ مِنْ رُجُوعِي، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِ

مَكَانَكَ، وَ هَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ، وَ لِيُزَارَتِي إِيَّاكَ، أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ».

سپس بر رسول الله صلی الله علیه و آله و امامان یکی یکی سلام بده و به هرچه دوست داری دعا کن سپس رو به شهداء علیهم السلام کرده و با آنان وداع نما و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ، وَ أَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا أَعْطَيْتَهُمْ، عَلَى نَصْرِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا وَ إِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ، مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسُنَ أَوْلَيْكَ رَفِيقًا. أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ، وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهِمْ، وَ اخْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس بیرون برو و پشت به حرم نکن تا آنکه حرم از دیدگانت ناپدید شود و نزد در رو به قبله بایست و به هرچه دوست داری دعا کن و برو، ان شاء الله تعالی.

سید بن طاووس و شیخ شهید اول فرموده‌اند: سپس برای وداع به سمت مرقد مطهر حضرت عباس علیه السلام برو و چون رسیدی نزد قبر آن حضرت بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَ أَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا، وَ أَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ، وَ أَحْوْطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ. أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَ انْتَهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُ

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۳۱

الْمُجَاهِدُ، وَ الْمُحَامِي النَّاصِرُ، وَ الْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ، مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ، فَأَلْحَقَكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ النَّعِيمِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

سپس خود را بر قریب‌انداز و بگو:

«اللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ، وَ لِيَزَارَةَ أَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَ رَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ، وَ جَزِيلٍ إِحْسَانِكَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا، وَ عَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَ زِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَ أَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، مُسْتَجَابًا دُعَائِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِهِ، وَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».^{۱۹۰}

سپس ضریح را ببوس و نماز زیارت و آنچه می خواهی نماز بگذارد.

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از دعاهاى شریف در روز عرفه دعای مولای ما امام حسین بن علی علیهما السلام می باشد: و از جمله دعاهاى مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است. بشرو بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم. حضرت با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع از خیمه خود بیرون آمدند. سپس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را به سوی کعبه گرداندند و دست ها را برابر صورت بلند کردند. مانند مسکینی که طعام بطلبد. و این دعا را خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَ هُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَ أَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الظَّلَائِعُ، وَ لَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ،

(أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ، وَ بَشَّرَ الْإِسْلَامِ النُّورِ السَّاطِعِ، وَ لِلْخَلِيقَةِ صَانِعِ، وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفَجَائِعِ)، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَ رَاشٍ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمِ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلِ الْمَنَافِعِ، وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ. فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرًّا (مُقِرًّا) بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ أَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي. ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا، وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمَنُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ. فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ، فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ. لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَ لُطْفِكَ لِي (بِي)، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي (رَأْفَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ) لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعَمِكَ. فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي، وَ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، (لَمْ تُشْهِرْنِي بِخَلْقِي)، وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي. ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَ عَظَّمْتَ عَلَيَّ

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٣٣

قُلُوبِ الْخَوَاضِنِ، وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ (الرَّحَائِمَ)، وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ. حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ. حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي (سَرِيرَتِي)، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ (فِطْرَتِكَ)، وَ أَيقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ، مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ. ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ (حُرِّ) الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً (بِنِعْمَةٍ) دُونَ أُخْرَى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّيشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ. حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى (عَلَى) مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِيلُنِي لَدَيْكَ. فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ (إِكْمَالًا) لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ. فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ، حَمِيدٍ مُجِيدٍ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ. فَأَيُّ (فَأَيُّ) نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ

(أَكْبَرُ) مِنْ أَنْ يُخَصِّيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ. ثُمَّ مَا صَرَفَتْ وَ دَرَأَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَاءِ، أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَاءِ. وَ أَنَا (فَأَنَا) أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقِينِي، وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَ عَلَاقِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي (نَفْسِي)، وَ خَذَارِيفِ مَآرِنِ عِرْنِينِي، وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ (صِمَاخِ) سَمْعِي، وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَ بُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ (بُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ) عُنْقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَ (جَمَلِ) حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَ نِبَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كَبْدِي، وَ مَا حَوْتُهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقِ (حِقَاقِ) مَفَاصِلِي، وَ قَبْضِ (قَبْضِ) عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافِ (أَطْرَافِ) أَنَامِلِي، وَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي وَ مُخِي وَ عُرُوقِي، وَ جَمِيعِ (جَمِيعِ) جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رَضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي، وَ سُكُونِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ، لَوْ عُمِرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا. أَجَلٌ وَ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ الْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُخْصِي

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۳۵

مَدَىٰ إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ (سَالِفَةً) وَ آئِفِهِ (آئِفَةً) مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا. هَيْهَاتَ أَنَّىٰ ذَلِكْ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ: «وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا». صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ إِنْبَاؤُكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِيَهُمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي (طَاقَتِي) وَ وُسْعِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُزِفِّدَهُ فِيمَا صَنَعَ. فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَظَّرَتَا. سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ».

پس شروع فرمود در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیده های مبارکش جاری بود سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَ لَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ خِرْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتِّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَ

أَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي.
 اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسَأْ
 شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا، فِي الْآخِرَةِ وَ
 الْأُولَى. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ
 الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً (حَيّاً) سَوِيّاً، رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ
 عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي
 فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ (بِي) وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي،
 رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا
 أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا
 أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ
 سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَ
 نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ
 فِي الْأَرْضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي، وَفِي نَفْسِي وَ
 دِينِي فَأَحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَخْلِفْنِي،
 وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ
 فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ
 بِسِرِّي فَلَا تُخْرِجْنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى
 غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي. إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى

آداب شب وروز عرفه، آداب ومستحبات حج و عمره / ٢٣٧

بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أُمِّ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكَ أَمْرِي .
أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي، وَ بُعْدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي . إِلَهِي
فَلَا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي (سِوَاكَ) .
سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي
أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ، وَ كُشِفَتْ (انْكَشَفَتْ) بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَ
صُلِحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَ لَا تُنْزِلَ
بِي سَخَطَكَ . لَكَ الْعُتْبَى، لَكَ الْعُتْبَى، حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ . لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي
أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا . يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ
بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا
عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي
فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي، إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ،
وَ رَبَّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ (مِيكَالَ) وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ، وَ إِلَهَ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ، وَ الرَّبُّورِ وَ الْفُرْقَانِ،
وَ مُنْزِلَ كَهْيَعُصَ وَ طِهَ وَ يَسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ . أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي
الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا (بِمَا رَحَبَتْ)، وَ لَوْ لَا
رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ أَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْ لَا سَتْرُكَ إِيَّايَ
لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ لَوْ لَا
نَصْرُكَ إِيَّايَ (لِي) لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ . يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوءِ وَ

الرِّفْعَةِ، فَأُولَئِكَ يُعَزَّرُونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى
 أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
 الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالْذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا
 هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا (يَعْلَمُ مَا) يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
 كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ،
 يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ
 الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى
 يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ. يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ
 الْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ، وَ (يَا) مُمَسِّكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ، بَعْدَ كِبَرِ
 سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ
 فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلقَ الْبَحْرَ
 لِبَنِي إِسْرَائِيلَ، فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرُوقِينَ، يَا مَنْ
 أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ
 عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ
 غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ، يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ، وَ
 كَذَّبُوا رُسُلَهُ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا بَدِيءُ يَا بَدِيعُ (بَدِيعًا) لَا نِدَّ (بَدءَ) لَكَ، يَا
 دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ
 عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَ
 عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَيْ عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي

(يَخْذُلْنِي)، يَا مَنْ حَفَظَنِي فِي صَغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ
أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ
الْإِحْسَانِ، وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ
قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَ عُريَاناً
فَكَسَانِي، وَ جَائِعاً فَأَشْبَعَنِي، وَ عَطْشَانً فَأَرْوَانِي، وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَ
جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَ وَحِيداً فَكَثَّرَنِي، وَ غَائِباً فَرَدَّدَنِي، وَ مُقِلًّا فَأَغْنَانِي، وَ
مُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَ أَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ
فَابْتَدَأَنِي. فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَ نَفَسَ كُرْبَتِي، وَ
أَجَابَ دَعْوَتِي، وَ سَتَرَ عَوْرَتِي، وَ غَفَرَ ذُنُوبِي، وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَ نَصَرَنِي
عَلَى عَدُوِّي، وَ إِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَتَكَ مِنْحَكَ لَا أُحْصِيهَا. يَا
مَوْلَايَ! أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي
رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَفْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ،
أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَقَلَّتْ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ، أَنْتَ
الَّذِي عَصَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي آيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي
شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ. فَلَكَ
الْحَمْدُ دَائِماً، وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً أَبَداً، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي! الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي،

فَاغْفِرْهَا لِي. أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي، فَاغْفِرْهَا لِي. يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِيُّ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمُعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي. إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ (أَسْتَقْبِلُكَ) يَا مَوْلَايَ! أَسْمَعِي، أَمْ يَبْصُرِي، أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي، أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ؟! فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ. يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَظْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَوْ رَفَضُونِي وَقَطَعُونِي. فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ، حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةٍ فَأُحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعْنِي، كَيْفَ وَأَنْتَى ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ (عَلِمْتُ)، وَاعْلَمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٤١

(الْحَكِيمُ) الْعَدْلُ، الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَذْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَذْلِكَ
مَهْرَبِي. فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ تَغْفُ
عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَحِلِينَ، لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَ رَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ.
اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَ إِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَ إِقْرَارِي
بِأَلَانِكَ مُعَدِّدًا، وَ إِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا وَ
تَظَاهُرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى حَدِيثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي (تَتَغَمَّدُنِي) بِهِ
مَعَهَا، مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ، مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ (بَعْدِ) الْفَقْرِ،
وَ كَشْفِ الضَّرِّ، وَ تَسْبِيحِ الْيُسْرِ، وَ دَفْعِ الْعُسْرِ، وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَ
الْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ. وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرٍ
نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَ لَا هُمْ
عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصَى

الْاَوَّلُ، وَ لَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ، وَ اَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ،
 وَ تَشْفِي السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ
 الْكَبِيرَ، وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ. يَا
 مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ
 الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
 وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَ أَنْلْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ،
 مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيها، وَ آلاءٍ تُجَدِّدُها، وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُها، وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُها، وَ
 دَعْوَةٍ تَسْمَعُها، وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها، وَ سَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُها، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا
 تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَ أَسْرَعُ
 مَنْ أَجَابَ، وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا، وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا
 رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَ لَا سِوَاكَ
 مَأْمُولٌ. دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ
 فَارْحَمْتَنِي، وَ وَثِقْتُ بِكَ فَتَجَبَّيْتَنِي، وَ فَرِغْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَصِّلْ
 عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ
 أَجْمَعِينَ، وَ تِمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَ هَبِّئْنَا عَطَاءَكَ، وَ اكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرٌ، وَ
 قَدَرٌ فَقَهْرٌ، وَ عُصِي فَسْتَرٌ، وَ اسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ. يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَ

آداب شب وروز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ٢٤٣

مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ وَسِعَ
الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ
الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ، وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي
أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدُلكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ. فَصَلِّ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ تَعَمَّدْنَا
بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ
فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ نُورٍ تَهْدِي
بِهِ، وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَ بَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا، وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ،
مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ
لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لَا
لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَ لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَ لَا مِنْ بَابِكَ
مَظْرُودِينَ. يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ
لِيَبْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا،
وَ اغْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةٍ الْإِعْتِرَافِ
مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا
اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ. نَافِذُ فِينَا حُكْمُكَ،

مُحِيطُ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلُ فِينَا قِضَاؤُكَ، اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ
 الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ، وَكَرِيمَ الدُّخْرِ، وَدَوَامَ
 الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ
 عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ
 مِنْ سَائِلِكَ فَأَعْظِيئَهُ، وَشَكَرَكَ فَرِذْنَهُ، وَتَابَ (ثَاب) إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ
 تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ
 نَقِّنَا (وَوَقِّنَا) وَسَدِّدْنَا (وَاعْصِمْنَا)، وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ
 يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْجِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ
 الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ
 الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ. سُبْحَانَكَ وَ
 تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا كَبِيرًا. تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ،
 وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ
 وَالْمَجْدُ، وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَ
 الْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ
 عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَ
 أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْني،
 وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ
 النَّظِيرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْظَيْتَنِيهَا

آداب شب و روز عرفه، آداب و مستحبات حج و عمره / ۲۴۵

لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ
فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ
لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ...».

پس مکرر می فرمود: «یا رَبِّ» و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعای آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعرالحرام شدند.

علامه مجلسی رحمه الله می نویسد: شیخ کفعمی در کتاب البلد الامین و سید بن طاووس در کتاب مصباح الزائرین دعاء را آورده اند ولی از: **إلهي أنا الفقير في غناي**، تا آخر دعا را نیاورده اند و همچنین این قسمت در بعضی از نسخه های قدیمی از کتاب الإقبال نیز نمی باشد و عبارت های آن نیز با سیاق بقیه دعاها از امامان معصوم هم خوانی ندارد و بدرستی که بروفق مذاق صوفیان است و به همین جهت است که بعضی از افاضل میل نموده اند به این که این قسمت از افزوده های بعضی از مشایخ صوفیان است و از الحاقات آنان می باشد، و بالجمله این زیاده چه از افزوده های آنان باشد و یا در بعضی از کتاب ها باشد و سید بن طاووس غفلت کرده و آن را از آن کتاب ها در کتاب الإقبال نقل کرده باشد و یا صوفیان به کتاب الإقبال اضافه کرده باشند و شاید که این نظر دوم اظهر باشد بنابراین که اشاره نمودیم که در برخی از نسخه های قدیمی و مصباح الزائرین باشد، والله أعلم بحقائق الأحوال.^{۱۹۱}

و آخر دعوینا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

تم بید الفقیر إلى رحمة الله تعالى عبید الزهراء علیها السلام حیدر حسین حیدر الترتبی
الکربلائی عفی الله عن والديه و عنه و غفر لهم عید الله الأكبر یوم الغدیر سنة ۱۴۳۰



- ١- نهج البلاغة: ص ٤٥ الخطبة ٢.
- ٢- وسائل الشيعة: ج ١١ ص ١٥ ب ١ ح ١٤١٢٧ از نهج البلاغة.
- ٣- همان.
- ٤- همان.
- ٥- شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ٨٦ خطبه ٢٤٩، غرر الحكم: ص ١٧٦ الفصل ٣ ح ٣٣٧٦، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج ٢ ص ٣٧٧، جامع الأخبار: ص ١٢٣ الفصل ٨٠ از رسول الله صلى الله عليه وآله.
- ٦- دلائل الإمامة، الإحتجاج، الدرر النظيم.
- ٧- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص ٢٩٦ مجلس ١١ ح ٥٨٢-٢٩، بشارة المصطفى: ص ١٨٨.
- ٨- الكافي: ج ٤ ص ٢٦٨ باب من سوف الحج و... ح ١ و ٥، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٧ باب كيفية لزوم فرض الحج من الزمان ح ١، المقنعة: ص ٣٨٦ ب ٢ و
- ٩- علل الشرائع: ج ٢ ص ٤١١ ب ١٤٨ ح ١.
- ١٠- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٦ باب فضائل الحج... ح ٢٢٥١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٣ ب ٣ ح ١٣.
- ١١- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦١٨ باب الحقوق... ح ٣٢١٤، الأمالي، الشيخ الصدوق: ص ٣٦٨ مجلس ٥٩ ح ١، الخصال: ج ٢ ص ٥٦٥ باب الحقوق الخمسون...، مكارم الأخلاق: ص ٤١٩ الفصل ١.
- ١٢- ثواب الأعمال: ص ٥٠.
- ١٣- الكافي: ج ٤ ص ٢٦٢ باب فضل الحج و العمرة و ثوابهما... ح ٤١.
- ١٤- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٣٥ باب نكت في حج الأنبياء و... ح ٢٢٨٧.
- ١٥- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص ٢٣٠ مجلس ٤١ ح ١، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ١١٢ ح ١٠٧.

- ۱۶- تحف العقول: ص ۱۲۲.
- ۱۷- الخصال: ج ۱ ص ۱۲۷ ح ۱۲۷.
- ۱۸- الکافی: ج ۲ ص ۵۱۰ باب من تستجاب دعوته... ح ۶، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۶ باب فضائل الحج... ح ۲۲۵۵، الأمالي، ابن بابويه القمي: ص ۲۶۵ مجلس ۴۵ ح ۴، جامع الأخبار: ص ۱۵۵ الفصل ۱۶، فضائل الأشهر الثلاثة: ص ۱۱۱ ح ۱۰۴.
- ۱۹- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۵.
- ۲۰- الإحتجاج: ج ۱ ص ۶۵.
- ۲۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ باب فضل الحجّ و العمرة و ثوابهما... ح ۲، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۵ باب فضائل الحج... ح ۲۱۴۷، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۲۳ ب ۳ ح ۱۵.
- ۲۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ باب فضل الحجّ و العمرة و ثوابهما... ح ۱ ز
- در ثواب الأعمال: ص ۴۷ و الدّعاوات، راوندی: ص ۷۶ ح ۱۸۱ و مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲ الفصل ۱ بعضی از آن.
- ۲۳- الأمالي، ابن بابويه القمي: ص ۴۴۲ مجلس ۶۸ ح ۴.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۶ باب الوصيّة... ح ۲.
- ۲۶- عوالي اللآلي: ج ۱ ص ۴۲۶ المسلك ۳ ح ۱۱۳.
- ۲۷- ثواب الأعمال: ص ۵۰.
- ۲۸- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۲۱ ب ۳ ح ۵، ثواب الأعمال: ص ۴۸، المقنعة: ص ۳۸۸ ب ۳، النوادر، الأشعري: ص ۱۳۷ ب ۳۱ ح ۳۵۷.
- ۲۹- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۶ باب الوصيّة... ح ۳، وسائل الشيعة: ج ۱۲ ص ۹ ب ۲ ح ۱۵۵۰۶.
- ۳۰- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۷ باب النوادر... ح ۳۴.
- ۳۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۳ باب فضل الحجّ و العمرة و ثوابهما... ح ۴۵، من لا يحضره الفقيه: ج ۲

- ص ٢٢٩ باب فضائل الحج... ح ٢٢٦٩، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٣ ب ٣ ح ١٤.
- ٣٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٥ باب فضائل الحج... ح ٢٢٤٨، وسائل الشيعة: ج ١١ ص ١١٧ ب ٤٢ ح ١٤٣٥٩.
- ٣٣- علل الشرائع: ج ١ ص ٢٧٣ ب ١٨٢ ح ٩، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١١٩ ب ٣٤ ح ١.
- ٣٤- الكافي: ج ٤ ص ٣٣٧ باب ما ينبغي تركه للمحرم من الجدل ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٩٦ ب ٢٤ ح ١.
- ٣٥- عوالي اللآلي: ج ٢ ص ٨٤ المسلك ٤ ح ٢٢٧.
- ٣٦- الكافي: ج ٤ ص ٢٢٦ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٤٩ ب ٢٦ ح ٢١٢، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٨٩ ح ١٠١.
- ٣٧- الكافي: ج ٤ ص ٥٨٦ ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٢٨ باب فضل المساجد و حرمتها و... ح ٦٨٠ و تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣١ ب ١٠ ح ٢ و كامل الزيارات: ص ٢٩ ب ٨ ح ٨ و كتاب المزار، الشيخ المفيد: ص ٥ ب ١ ح ٢ باختلاف.
- ٣٨- الكافي: ج ٤ ص ٤٠١ باب دخول مسجد الحرام... ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٩٩ ب ٨ ح ١١.
- ٣٩- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص ٣٦٩ مجلس ١٣ ح ٧٨٨-٣٩، وسائل الشيعة: ج ٥ ص ٢٨٢ ب ٥٧ ح ٦٥٥٦.
- ٤٠- الكافي: ج ٤ ص ٥٢٤ باب إتمام الصلاة في الحرمين... ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٢٥ ب ٢٦ ح ١٢٢، الإستهسان: ج ٢ ص ٣٣٠ ب ٢٢٨ ح ١.
- ٤١- الكافي: ج ٤ ص ٥٢٧ باب فضل الصلاة في المسجد الحرام و... ح ١١، وسائل الشيعة: ج ٥ ص ٢٣٩ ب ٣٣ ح ٦٤٣٩.
- ٤٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٩٠ باب علل الحج... ح ٢١١٠.

- ۴۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ باب فضل النظر إلى الكعبة ... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۵
باب فضائل الحج ... ح ۲۱۴۳.
- ۴۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ باب فضل النظر إلى الكعبة ح ۵.
- ۴۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۱ باب فضل النظر إلى الكعبة ... ح ۶، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۴
باب فضائل الحج ... ح ۲۱۴۲.
- ۴۶- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ باب فضل النظر إلى الكعبة ... ح ۳، وسائل الشيعة: ج ۱۳ ص ۲۶۳
ب ۲۹ ح ۱۷۷۰۱ و ص ۳۰۳ ح ۴ ب ۱۷۸۰۲.
- ۴۷- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ باب فضل النظر إلى الكعبة ... ح ۲، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۷
باب فضائل الحج ... ح ۲۱۵۳.
- ۴۸- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۱ باب أنه لو ترك الناس الحج ... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۴۳
باب ابتداء الكعبة و... ح ۲۳۰۷، علل الشرائع: ج ۲ ص ۳۹۶ ب ۱۳۲ ح ۱.
- ۴۹- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۹ باب كراهة أن يؤخذ من تراب البيت ... ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۵
ص ۴۲۰ ب ۲۶ ح ۱۰۶.
- ۵۰- قرب الإسناد: ص ۶۵ الجزء ۱، بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۶۰ ب ۵ ح ۲۵.
- ۵۱- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۲۰ باب نوادر الحج ... ضمن ح ۳۱۱۵، كمال الدين: ج ۲
ص ۴۴۰ ب ۴۳ ح ۹، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص ۲۵۱ الفصل ۲ و ص ۳۶۲.
- ۵۲- بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۲۲۸ ب ۴۰ ح ۳۰ از كتاب الهداية شيخ صدوق.
- ۵۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ باب المزاحمة على الحجر الأسود ... ح ۳، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۰۳
ب ۹ ح ۵.
- ۵۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ باب المزاحمة على الحجر الأسود ... ح ۷، وسائل الشيعة: ج ۱۳ ص ۳۲۶
ب ۱۶ ح ۱۷۸۵۷.
- ۵۵- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۷ باب نوادر الطواف ... ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۲۵ باب

نوادر الحج ... ح ٣١٣٢.

٥٦- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٩ باب الطواف واستلام الأركان ... ح ١٧.

٥٧- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٣٢٦ باب التلبية ... ح ٢٥٨٠، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٩٣ ب ٧ ح ١١١.

٥٨- عوالي اللآلي: ج ١ ص ٩٦ الفصل ٦ ح ٨، مستدرک الوسائل: ج ٩ ص ٣٧٦ ب ٤ ح ١١١٥ - ٧.

٥٩- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٠٢ باب فضائل الحج ... ح ٢١٣٨، الأمالي، الشيخ الصدوق: ص ٥٤٩ مجلس ٨١، الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٥١٤، روضة الواعظين: ج ٢ ص ٣٦٠.

٦٠- الكافي: ج ٤ ص ٤٢٨ باب نوادر الطواف ... ح ٨، وسائل الشيعة: ج ١١ ص ١٠٠ ب ٣٨ ح ١٤٣٤٤.

٦١- الكافي: ج ٤ ص ٢٤١ باب فيمن رأى غريمة في الحرم ... ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٩٤ ب ٨١ ح ٤٨.

٦٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٠٢ باب فضائل الحج ... ح ٢١٣٨، الأمالي، الشيخ الصدوق: ص ٥٤٩ مجلس ٨١، الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٥١٤، روضة الواعظين: ج ٢ ص ٣٦٠.

٦٣- الكافي: ج ٤ ص ٥٤٥ باب التّوادر ... ح ٢٦.

٦٤- المحاسن: ج ٢ ص ٥٧٣ ب ٢ ح ١٩، الكافي: ج ٦ ص ٣٨٧ باب فضل ماء زمزم وماء الميزاب ... ح ٥.

٦٥- الكافي: ج ٦ ص ٣٨٦ باب فضل ماء زمزم و ... ح ٣، المحاسن: ج ٢ ص ٥٧٣ ب ٢ ح ١٨.

٦٦- الكافي: ج ٤ ص ٢١٠ باب حج إبراهيم وإسماعيل و ... ح ١٤.

٦٧- قصص الأنبياء، الرّاوندي: ص ١١٢ الفصل ٢.

٦٨- الكافي: ج ٤ ص ٥٢٧ باب فضل الصّلاة في المسجد الحرام و ... ح ١٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٤٥١ ب ٢٦ ح ٢٢١، علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٠٠ ب ١٤١ ح ١.

٦٩- تفسير القمي: ج ١ ص ٦٠.

- ۷۰- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۴ باب السَّعي بين الصَّفا و المروة و ... ح ۳، علل الشَّرائع: ج ۲ ص ۴۳۳ ب ۱۶۸ ح ۲، كنز الفوائد: ج ۲ ص ۸۲.
- ۷۱- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۸ باب فضائل الحجِّ ... ح ۲۱۶۸، وسائل الشَّيعة: ج ۱۳ ص ۴۶۹ ب ۱ ح ۱۸۲۳۰.
- ۷۲- علل الشَّرائع: ج ۲ ص ۴۳۲ ب ۱۶۷ ح ۱، قصص الأنبياء، الجزائري: ص ۱۲۶ الفصل ۴، وسائل الشَّيعة: ج ۱۳ ص ۴۷۰ ب ۱ ح ۱۸۲۳۲.
- ۷۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۷ باب الإستراحة في السَّعي و ... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۴۱۷ باب السَّعي راكباً و ... ح ۲۸۵۴، وسائل الشَّيعة: ج ۱۳ ص ۵۰۲ ب ۲۰ ح ۱۸۳۰۹.
- ۷۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۲ باب فضل الحجِّ و العمرة و ... ح ۴۲، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۹ باب فضائل الحجِّ ... ح ۲۱۷۳.
- ۷۵- كنز الفوائد: ج ۲ ص ۸۲.
- ۷۶- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۰ باب علل الحجِّ ... ح ۲۱۳۶، وسائل الشَّيعة: ج ۱۴ ص ۱۶۶ ب ۴۰ ح ۱۸۸۸۶.
- ۷۷- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۱۴ باب فضائل الحجِّ ... ح ۲۱۹۹، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۲۴۳ ب ۱۷ ح ۱۶ بعضی از آن.
- ۷۸- مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۱۶۶- ۱۷۳ ب ۱۷ ح ۱۱۷۷۰- ۵.
- ۷۹- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۴۶۸ ب ۲۶ ح ۲۸۶، جامع الأخبار: ص ۶۹ الفصل ۳۲، عوالي اللآلي: ج ۱ ص ۴۲۹ المسلك ۳ ح ۱۲۵، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۷ باب فضائل الحجِّ ... ح ۲۲۵۸ بعضی از آن و مرسل.
- ۸۰- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۰ باب وداع البيت ... ح ۱.
- ۸۱- الجعفریات: ص ۶۵ باب التَّرييب في الحجِّ
- ۸۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ باب فصل الحجِّ و العمرة و ... ح ۱۱.

- ٨٣- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٠ باب فضائل الحجّ ... ح ٢٢٢٢ و ٢٢٢٣.
- ٨٤- علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٥٩ ب ٢٢١ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٦٢ ب ٦٦.
- ٨٥- كامل الزيارات: ص ١٤ ب ٢ ح ١.
- ٨٦- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص ٥٢٥-٥٢٧ المجلس ١٩ ح ١١٦٢ - ١، أعلام الدين: ص ١٨٩، مجموعة وزام: ج ٢ ص ٥٣ الجزء ٢.
- ٨٧- الكافي: ج ٤ ص ٥٥٤ باب المنبر والروضة و... ح ٣ و ٥.
- ٨٨- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٩ ب ٣ ح ١١، كتاب المزار: ص ١٧٧ ب ٦ ح ١.
- ٨٩- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٣٤ ح ٣٤، الكافي: ج ١ ص ٣٩٢ باب أنّ الواجب على الناس بعد ما يقضوا... ح ١ و علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٠٦ ب ١٤٢ ح ٨ بعضى از آن با اختلاف.
- ٩٠- تهذيب الأحكام: ج ١ ص ٤٦٥ ب ٢٣ ح ١٦٨، الدعوات، الراوندي: ص ٢٧٣ ح ٧٨١.
- ٩١- الكافي: ج ٤ ص ٥٦٧ ح ٢، كامل الزيارات: ص ١٢١ ب ٤٣ ح ٢، علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٥٩ ب ٢٢١ ح ٣، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٦٠ ب ٦٦ ح ٢٤، كتاب المزار، لشيخ المفيد: ص ١٨٤ ب ١١ ح ٢ و ص ٢٠١ ب ١٨ ح ١، المقنعة: ص ٤٧٤ ب ٢٠ و ص ٤٨٦ ب ٣٧، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧٨ ب ٢٦ ح ٣ و ص ٩٣ ب ٤٣ ح ٢، جامع الأخبار: ص ٢٧ الفصل ١٢، روضة الواعظين: ج ١ ص ٢٠٢، المناقب: ج ٤ ص ٢٠٨، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١١٦ ب ٢ ح ١.
- ٩٢- من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٨٣ باب الجماعة وفضلها... ح ١١٢٨.
- ٩٣- الكافي: ج ٤ ص ٢٦٤ باب فضل الحجّ والعمرة وثوابهما... ح ٤٨، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٨ باب فضائل الحجّ... ح ٢٢٦٤، المحاسن: ج ١ ص ٧١ ب ١١٧ ح ١٤٢.
- ٩٤- المحاسن: ج ١ ص ٧٠ ب ١١٦ ح ١٤١.
- ٩٥- الكافي: ج ٤ ص ٥٤٩ باب إتباع الحجّ بالزيارة... ح ٣، وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٣٣٤ ب ٣ ح ١٩٣٣٨.

- ۹۶ - سورة (۳) آل عمران (آل محمد صلى الله عليهم) آیه ۹۸.
- ۹۷ - بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۲۳۶ ب ۴۸ ح ۲۰.
- ۹۸ - الكافي: ج ۳ ص ۴۸۰ باب صلاة من أراد سفرًا ... ح ۱ و ج ۳ ص ۲۸۳ باب القول عند الخروج من بيته و ... ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۷۱ باب ما يستحب للمسافر من ... ح ۲۴۱۳، تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۳۰۹ ب ۳۱ - باب من الصلوات المرغّب فيها ... ح ۵ و ج ۵ ص ۴۹ ب ۵.
- ۹۹ - الكافي: ج ۴ ص ۲۸۳ باب القول عند الخروج من بيته و ... ح ۲.
- ۱۰۰ - من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۲۵ باب سياق مناسك الحجّ ...
- ۱۰۱ - الكافي: ج ۴ ص ۳۳۱ باب صلاة الإحرام و ... ح ۲.
- ۱۰۲ - تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۹۱ ب ۷ - باب صفة الإحرام ... ح ۱۰۸.
- ۱۰۳ - من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۲۸.
- ۱۰۴ - همان.
- ۱۰۵ - الكافي: ج ۴ ص ۴۰۱ باب دخول مسجد الحرام ... ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۳۰، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۹۹ ب ۸ ح ۱۱، مصباح المتبهّد: ص ۶۷۹.
- ۱۰۶ - تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۰۰ ب ۸ ح ۱۲.
- ۱۰۷ - الكافي: ج ۴ ص ۴۰۱ باب دخول المسجد الحرام ... ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۹۹ ب ۸ ح ۱۱، مصباح المتبهّد: ص ۶۷۹، المقنعة: ص ۴۰۰.
- ۱۰۸ - من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۳۰ باب التّظر إلى الكعبة ...، فقه الرضا عليه السلام: ص ۲۱۸ ب ۳۱، المقنعة: ص ۳۹۹ ب ۸.
- ۱۰۹ - من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۳۱.
- ۱۱۰ - الكافي: ج ۴ ص ۴۰۲ باب الدّعاء عند استقبال الحجر و ...، و در كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۳۱، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۰۱ ب ۹ ح ۱، مصباح المتبهّد: ص ۶۸۰، المقنعة:

- ص ٤٠١ ب ٩، فقه الرضا عليه السلام: ص ٢١٨ ب ٣١ باختلاف.
- ١١١- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٦ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٢، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٤ ب ٩ ح ١١، مصباح المتهجد: ص ٦٨١.
- ١١٢- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٦ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ١.
- ١١٣- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣١.
- ١١٤- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٧ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ٥، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٥ ب ٩ ح ١٢، المقنعة: ص ٤٠١ ب ٩.
- ١١٥- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٧ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ٦.
- ١١٦- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٦ ب ٣٠ ح ٣٧.
- ١١٧- الكافي: ج ٤ ص ٤١٠ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ١٩، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٤٠ ح ٢٢٩٥، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٧ ب ٩ ح ١٨.
- ١١٨- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٦ باب الطواف و استلام الأركان ... ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٣.
- ١١٩- الكافي: ج ٤ ص ٤١١ باب الملتزم والدعاء عنده ... ح ٥.
- ١٢٠- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٤١ ح ١٢.
- ١٢١- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٣، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٠٤ ب ٩ ح ١١.
- ١٢٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٤.
- ١٢٣- تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٤٣ ب ٩ ح ١٤٧.
- ١٢٤- قرب الإسناد: ص ١٩ الجزء ١، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٤ ح ٦، إقبال الأعمال: ص ١٧٨ ب ٢٣.
- ١٢٥- الكافي: ج ٤ ص ٤٣٠ باب استلام الحجر بعد الركعتين و ... ح ٢، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٣٤، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٤٤ ب ١٠ ح ١.

- ۱۲۶- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۳۵.
- ۱۲۷- الكافي: ج ۴ ص ۴۳۱ باب الوقوف على الصّفا و ... ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۴۵ ب ۱۰ ح ۶.
- ۱۲۸- الكافي: ج ۴ ص ۴۳۲ باب الوقوف على الصّفا و ... ح ۵، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۴۷ ب ۱۰ ح ۷، مصباح المتهجد: ص ۶۸۴، المقنعة: ص ۴۰۴ ب ۱۰.
- ۱۲۹- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۳۵.
- ۱۳۰- همان.
- ۱۳۱- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۴۸ ب ۱۰ ح ۱۱، الإستبصار: ج ۲ ص ۲۳۸ ب ۱۵۸ ح ۲، المقنعة: ص ۴۰۵ ب ۱۰.
- ۱۳۲- الكافي: ج ۴ ص ۴۶۱ باب الغدوّ إلى عرفات و حدودها ... ح ۳، من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۴۰، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۷۹ ب ۱۳ ح ۴، المقنعة: ص ۴۰۹ ب ۱۳، مصباح المتهجد: ص ۶۸۷.
- ۱۳۳- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۸۲ ب ۱۳ ح ۱۵، مصباح المتهجد: ص ۶۸۷، المقنعة: ص ۴۱۰ ب ۱۳.
- ۱۳۴- همان.
- ۱۳۵- مصباح المتهجد: ص ۶۸۷.
- ۱۳۶- سورة (۷) الأعراف آيات ۵۵ إلى ۵۷.
- ۱۳۷- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۴۱ ح ۳۱۳۴.
- ۱۳۸- بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۳۵ ب ۴ ح ۱۴ از تفسیر القمّي.
- ۱۳۹- الكافي: ج ۴ ص ۴۶۴ باب الوقوف بعرفة وحدّ الموقف ... ح ۵، قرب الإسناد: ص ۱۲ الجزء ۱.
- ۱۴۰- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۵۴۳ ح ۳۱۳۷، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۱۸۷ ب ۱۴ ح ۵.

مصباح المتهجد: ص ٦٩٨.

- ١٤١- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٣ ح ٣١٣٧، مصباح المتهجد: ص ٦٨٩.
- ١٤٢- الكافي: ج ٤ ص ٤٦٨ باب ليلة المزدلفة و الوقوف بالمشعر ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٣ ح ٣١٣٧، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٨ ب ١٥ ح ٣.
- ١٤٣- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٥.
- ١٤٤- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٧، فقه الرضا عليه السلام: ص ٢٢٥ ب ٣١.
- ١٤٥- الكافي: ج ٤ ص ٤٧٨ باب يوم التَّحَرُّو ... ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٧، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٩٨ ب ١٥ ح ٣٨، المقنعة: ص ٤١٧ ب ١٥، مصباح المتهجد: ص ٧٠١.
- ١٤٦- الكافي: ج ٤ ص ٤٩٨ باب الذَّيْح ... ح ٦، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٤٩٨ باب الأضاحي ... ح ٣٠٤٦، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٠٣ باب الذَّيْح و ... ح ٣٠٨٤، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤٩، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٢١ ب ١٦ ح ٨٥، المقنعة: ص ٤١٨ ب ١٦، مصباح المتهجد: ص ٧٠٢، مسائل علي بن جعفر: ص ١٤١، فقه الرضا عليه السلام: ص ٢٢٤ ب ٣١.
- ١٤٧- من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٥٠، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٤٤ ب ١٧ ح ١٩، فقه الرضا عليه السلام: ص ٢٢٥ ب ٣١.
- ١٤٨- الكافي: ج ٤ ص ٥١١ باب الزَّيْرَةِ والغسل فيها ... ح ٤، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٥١.
- ١٤٩- المقنعة: ص ٤٢١ ب ١٩، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٦١ ب ١٩، مصباح المتهجد: ص ٧٠٤.
- ١٥٠- الكافي: ج ٤ ص ٥١٧ باب التَّكْبِيرِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ ... ح ٤، من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٥٥٤، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٦٩ ب ١٩ ح ٣٥، علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٧٧ ب ١٩٩ ح ١.
- ١٥١- الكافي: ج ٤ ص ٥٣٠ باب دخول الكعبة ... ح ١١، من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٥٥٦، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ٢٧٦ ب ٢١ ح ٣ و ص ٢٧٧ ح ٥ و ص ٢٧٨ ح ١٠، مصباح المتهجد: ص ٧٠٥.

- ۱۵۲- همان.
- ۱۵۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۰ باب وداع البيت ... ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۲۸۰ ب ۲۲ ح ۱، مصباح المتعبد: ص ۷۰۷.
- ۱۵۴- همان.
- ۱۵۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۲ باب وداع البيت ... ح ۵، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۲۸۲ ب ۲۲ ح ۶، المقنعة: ص ۴۳۰ ب ۲۵.
- ۱۵۶- سورة (۵) المائدة آیه ۳.
- ۱۵۷- بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۹۵ ب ۲۵، تأويل الآيات الظاهرة: ص ۱۵۱، شواهد التنزيل: ج ۱ ص ۲۰۱ ح ۲۱۱ و ۲۱۲، الطرائف: ج ۱ ص ۱۴۶، كشف الغمة: ج ۱ ص ۲۹۲ و ص ۳۲۳، كشف اليقين: ص ۲۵۲ المبحث ۸ و ص ۳۹۵ المبحث ۲۱، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج ۳ ص ۲۳ فصل في قصة يوم الغدير...، نهج الحق: ص ۱۹۲ آية الإكمال ...
- ۱۵۸- مصباح الزائر: ص ۴۴.
- ۱۵۹- البلد الأمين: ص ۲۹۱، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۲۸۳ ب ۴.
- ۱۶۰- بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۱۶۰ ب ۲۰ از كتاب المزار شيخ مفيد و المزار الكبير ابن المشهدي و مصباح الزائر، سيد بن طاووس.
- ۱۶۱- تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۹ ب ۳ ح ۱۲، جمال الأسبوع: ص ۳۱ و ۳۲، المزار، الشيخ المفيد: ص ۱۷۸ ب ۷، مصباح المتعبد: ص ۷۱۱.
- ۱۶۲- بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۲۱۱ ب ۶ ح ۱۰ از المزار الكبير ابن المشهدي.
- ۱۶۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۹ باب زيارة من بالبقيع ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۷۹ ب ۲۷، مصباح المتعبد: ص ۷۱۳.
- ۱۶۴- بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۲۱۷ ب ۷ ح ۱۶ از كتاب المزار شيخ مفيد و كتاب مصباح الزائر سيد ابن طاووس و كتاب المزار شهيد اول.

- ١٦٥- بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٢١٨ ب ٧ ح ١٧ از كتاب المزار شيخ مفيد و كتاب مصباح الزائر سيّد ابن طاووس و كتاب المزار شهيد اوّل.
- ١٦٦- بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٢٢٠ ب ٧ ح ١٨ از كتاب المزار شيخ مفيد و كتاب مصباح الزائر سيّد ابن طاووس و كتاب المزار شهيد اوّل.
- ١٦٧- بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٢٢١ ب ٧ ح ١٩ از كتاب المزار شيخ مفيد و كتاب مصباح الزائر سيّد ابن طاووس و كتاب المزار شهيد اوّل.
- ١٦٨ - الإقبال بالأعمال الحسنة: ج ٢ ص ٥٠ الفصل ١٢- وجدناه في كتب الدعوات يقول ما هذا لفظه: روي عن جعفر بن محمد الصادق عليه السّلام يرفعه إلى النبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال: من دعا به في ليلة عرفة أو ليالي الجمع غفر الله له، والدعاء: اللَّهُمَّ يا شاهد كُلِّ نَجْوَى،
- ١٦٩- المصباح، الكفعميّ: ص ٦٦١ الفصل ٤٨ به نقل از إقبال الأعمال: ص ٣٢٩.
- ١٧٠- إقبال الأعمال: ص ٤١٨، المصباح، الكفعميّ: ص ٦٦١ الفصل ٤٨، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٢٨٨ ب ٢.
- ١٧١- در المزار مفيد و البحار والمستدرک: بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ.
- ١٧٢- كامل الزيارات: ص ٢٦٩ ب ٨٨ ح ٩، المزار شيخ مفيد: ص ٤٨ ب ٢٠ ح ٣ و بحار الأنوار ج ٩٨ ص ٩٠ ب ١٢ ح ٢٥ و مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٧ ب ٣٦ ح ١٢٠٢٧-١٢ با اختلافی اندک.
- ١٧٣- مصباح المتهجد: ص ٧١٦، إقبال الأعمال: ص ٣٣٠، وسائل الشّيعه: ج ١٤ ص ٤٦٤ ب ٤٩ ح ١٩٦٠٩، بحار الأنوار ج ٩٨ ص ٩١ ب ١٢ ح ٣٤.
- ١٧٤- كامل الزيارات: ص ١٧٠ ب ٧٠ ح ٦ و ص ١٨٠ ب ٧٢ ح ٧، المزار، شيخ مفيد: ص ٢١/٥٠ ح ١ با اختلافی اندک، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥١ ب ١٦ ح ٣٤، روضة الواعظين: ج ١ ص ١٩٥، وسائل الشّيعه: ج ١٤ ص ٤٧٥ ب ٥٤ ح ١٩٦٣٥، بحار الأنوار ج ٩ ص ٩٠ ب ١٢ ح ٢٤ و ج ٩٨ ص ٩٥ ب ١٣ ح ١١، مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٩٠ ب ٤٠ ح ١٢٠٣٦-٢.

- ۱۷۵- ثواب الأعمال والأُمالي شیخ صدوق و شیخ طوسی.
- ۱۷۶- الکافی: ج ۴ ص ۵۸۰ ح ۱، کامل الزیارات: ص ۱۶۹ ب ۷۰ ح ۱ و ص ۱۸۴ ب ۷۴ ح ۶، من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۸۰ ح ۳۱۶۹، الأُمالي، شیخ صدوق: ص ۱۴۳ المجلس ۲۹ ح ۱۱، ثواب الأعمال: ص ۸۹، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴۶ ب ۱۶ ح ۱۶، الأُمالي، شیخ طوسی: ص ۲۰۱ المجلس ۷ ح ۳۴۲، روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۹۴، إقبال الأعمال: ص ۳۳۲، وسائل الشیعة: ج ۱۴ ص ۴۵۹ ب ۴۹ ح ۱۹۵۹۷، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۸۵ ب ۱۲ ح ۱ و ج ۹۸ ص ۹۰ ب ۱۲ ح ۲۸، مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۲۸۱ ب ۳۶ ح ۱۲۰۱۶-۱.
- ۱۷۷- مصباح المتہجد.
- ۱۷۸- کامل الزیارات: ص ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۳، من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۸۰ ح ۳۱۷۱، ثواب الأعمال: ص ۹۰، معانی الأخبان: ص ۳۹۱ ح ۳۶، مصباح المتہجد: ص ۷۱۵، وسائل الشیعة: ج ۱۴ ص ۴۶۲ ب ۴۹ ح ۱۹۶۰۱ با اختلاف، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۸۵ ب ۱۲ ح ۴، مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۲۸۲ ب ۳۶ ح ۱۲۰۱۷-۲.
- ۱۷۹- کامل الزیارات: ص ۱۷۱ ب ۷۰ ح ۸، مصباح المتہجد: ص ۷۱۶، إقبال الأعمال: ص ۳۳۲، وسائل الشیعة: ج ۱۴ ص ۴۶۳ ب ۴۹ ح ۱۹۶۰۴، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۸۸ ب ۱۲ ح ۱۶، مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۲۸۵ ب ۳۶ ح ۱۲۰۲۳-۸.
- ۱۸۰- کامل الزیارات: ص ۱۶۵ ب ۶۸ ح ۱ و ص ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۴، ثواب الأعمال: ص ۹۰، مصباح المتہجد: ص ۷۱۵، إقبال الأعمال: ص ۳۳۲، وسائل الشیعة: ج ۱۴ ص ۴۶۵ ب ۴۹ ح ۱۹۶۱۱، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۶ ب ۱۲ ح ۵۰ و ص ۸۶ ب ۱۲ ح ۱۰ و مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۲۸۳ ب ۳۶ ح ۱۲۰۱۹-۴.
- ۱۸۱- کامل الزیارات: ص ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۵، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۸۷ ب ۱۲ ح ۱۴، مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۲۸۴ ب ۳۶ ح ۱۲۰۲۱-۶.
- ۱۸۲- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴۹ ب ۱۶ ح ۲۸، المزار، شیخ مفید: ص ۲۰/۴۶ ح ۱، مصباح

- المتهجد: ص ٧١٥ و وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٤٦٠ ب ٤٩ ح ١٩٥٩٨، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٨٨ ب ١٢ ح ١٨ و مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٥ ب ٣٦ ح ١٢٠٢٤-٩.
- ١٨٣- مصباح المتهجد: ص ٧١٦، وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٤٦٣ ب ٤٩ ح ١٩٦٠٧ و بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩١ ب ١٢ ح ٣٢.
- ١٨٤- كامل الزيارات: ص ١٧١ ب ٧٠ ح ٩، ص ١٨٥ ب ٧٥ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٨٧ ب ١٢ ح ١٣، مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٤ ب ٣٦ ح ١٢٠٢٠-٥.
- ١٨٥- در بحار الأنوار من الحجّ.
- ١٨٦- كامل الزيارات: ص ١٥٧ ب ٦٤ ح ٨، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٢ ب ٥ ح ٢٥، مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٧ ب ٣٦ ح ١٢٠٢٨-١٣.
- ١٨٧- در المزار شيخ مفيد و تهذيب الأحكام و وسائل الشيعة و بحار الأنوار نمى باشد: إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ [عَلِيمٌ]، و در مستدرک الوسائل: إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.
- ١٨٨- كامل الزيارات: ص ١٧٣ ب ٧٠ ح ١٢، كتاب المزار: ص ٤٦ ب ٢٠ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٠ ب ١٦ ح ٢٩، وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٤٦١ ب ٤٩ ح ١٩٥٩٩، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٨٩ ب ١٢ ح ٢١، مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٦ ب ٣٦ ح ١٢٠٢٦-١١.
- ١٨٩- كامل الزيارات: ص ١٧٠ ب ٧٠ ح ٢، مصباح المتهجد: ص ٧١٥ و وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٤٦٣ ب ٤٩ ح ١٩٦٠٥، مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٢٨٣ ب ٣٦ ح ١٢٠١٨-٣.
- ١٩٠- بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٥٩ ب ٣١ ح ١.
- ١٩١- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢١٦ ب ٢ ضمن ح ٣ از إقبال الأعمال و مصباح الزائر و البلد الأمين.

برخی از آثار مکتوب حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلائی دام ظلّه

عربی

- أدب ذبیح آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین
- الشّهادة المقدّسة بولاية امیرالمؤمنین و الزّهاء و اولادها الأئمّة المعصومین علیهم السّلام:
جلد ۱ جرعة من ماء المعین: فی بعض فضائل امیرالمؤمنین علیه السّلام
جلد ۲ جرعة من ماء المعین: فی بعض فضائل ائمّة المؤمنین علیهم السّلام و فضائل شیعته
المؤمنین
جلد ۳ جرعة من ماء المعین: فی الشّهادة بولاية أمیرالمؤمنین و اهل بیته المعصومین علیهم
السّلام فی التّکوین
جلد ۴ جرعة من ماء المعین: فی الشّهادة بولاية أمیرالمؤمنین و اهل بیته المعصومین علیهم
السّلام فی التّشريع

- احادیث بقیّة الله الأعظم عبّال الله تعالی فرجه
- زیارات ذبیح آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین العاشورائیّة
- موسوعة أحادیث ظلّه و آل یاسین صلوات الله علیهم أجمعین الفقھیّة ۵۰ جلد
- موسوعة أحادیث بقیّة الله الأعظم عبّال الله تعالی فرجه الشّریف
- موسوعة أحادیث ذبیح آل محمد صلوات الله علیهم أجمعین ۲ جلد
- موسوعة تفسیر ظلّه و آل یاسین صلوات الله علیهم أجمعین ۱۱۰ جلد
- موسوعة قراءات ظلّه و آل یاسین صلوات الله علیهم أجمعین ۲ جلد
- وظیفه الشیعة الکرام فی زمن غیبة الإمام علیه الصلوة و السّلام

فارسی

- از برکة غدیرتا بی کران کربلا (غدیر، عاشورا و غلو) در ردّ غلو
- امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه وآله

- پاک‌نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام، علوی (دفاعیه)
- پژوهشی نوپیرامون حدیث شریف کسای یمانی (در دفاع از حدیث شریف کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها)
- پرسش‌ها و پاسخ‌ها:
- جلد ۱، پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)
- جلد ۲، (پاسخ به سؤالات شیعیان درباره جبر، عصمت پیامبران، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)
- جلد ۳، فضل طینت نور (بدعت در عزاداری اهل بیت علیهم السلام و شیعیان عزادار)
- پژوهشی در واکاوی و اعتبار زیارت جامعه کبیره (پاسخ به شبهه‌ها، منابع، سند، متن، تحقیق همراه با متن زیارت از منابع اصیل و ...) (دفاعیه)
- پژوهشی در واکاوی و اعتبار زیارت عاشوراء معروفه (پاسخ به شبهه‌ها، منابع، سند، متن، تحقیق همراه با متن زیارت از منابع اصیل و ...) (دفاعیه)
- پژوهشی در واکاوی و اعتبار زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه مهدیه عجل الله فرجه (پاسخ به شبهه‌ها درباره منابع، سند و متن، تحقیق همراه با متن زیارت از منابع اصیل و ...) (دفاعیه)
- ترجمه کتاب شریف «زیارات ذبیح آل محمد العاشورائیه» (در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و... و زیارت عاشوراء و دفاع از آن و مدارک و سند آن)
- توبی و تبری اساس توحید
- حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت
- حضرت حرّ علیه السلام آزاد مرد شهید، حسینی (دفاعیه)
- حریم و حیا (نگاه مولانا المهدی عجل الله تعالی فرجه)
- حلاج مرتدی به دار آویخته (در ردّ تصوّف و فلسفه و اشخاص آن)
- حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

-
- در محضر فقیه معارف: ۸ جلد (مجموعه‌ای نفیس از پاسخ به سؤالات و شبهات؛ معارف، قرآنی، فقهی، تاریخی، درائی، حدیثی و ...) (۱)
 - دعای صنمی قریش و اعتبار آن (دفاعیه در براءت و تبرّی)
 - ربا، اعلان جنگ با الله و رسولش
 - ریش‌تراشی از دیدگاه قرآن و عترت
 - زیارت‌های مولانا السّقاء ابوالفضل العبّاس علیه السّلام
 - شرح زیارت جامعه کبیره جلد ۱، ۲، ۳، ۴ و ...
 - شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت
 - غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت
 - فاطمة حجّة الله علی الحجج علیهم السّلام (معارف فاطمی)
 - گزیده‌ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله:
 - جلد ۱ یکصد و ده حدیث معارف
 - جلد ۲ کتاب طهور، عبادات و ... (فقهی فتاوی)
 - جلد ۳ فقه معاملات و ... (فقهی فتاوی)
 - جلد ۴ حج در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السّلام
 - جلد ۵ مناسک حج و عمره (فقهی فتاوی)
 - جلد ۶ آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب
 - والدة الحجّة المنتظر علیهما السّلام علویّة مطهّرة (اصل و نسب مادر امام زمان عجل الله فرجه)
 - و تألیفات و تحقیقات دیگری در موضوعات؛ معارف، فقه، حدیث، تاریخ و ... برگرفته از منابع اصیل (قرآن و سنّت مطهّره محمّد و آل محمّد صلی الله علیهم اجمعین) می‌باشند.
 - البته ایشان هم چنان به توفیق الهی و با وجود حجم گسترده کار، باز هم پاسخ به سؤالات و شبهات و مسائل مطرح روز را از وظایف و دغدغه‌های خود می‌دانند و پاسخ می‌دهند.

